

دورهٔ زنگنه و سیون و مخصوص نفت در چاس شورای مار

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره ترتیب چاپ ۳۰۰

شقایق - ناصر ذوالفقاری -

بیت تقدیم مجلس شورای

۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص

صورت مذاکرات

کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی



صنعت نفت در سراسر
ن دوره سوم خود را از
تعیین طرز اجرای ملی
م اردیبهشت ۱۳۳۰ که
نفت مورد بهره برداری
بیت مجلس شورای ملی

دوره دوم وسوم

سندنامه ۱۳۲۹ راجع
پنج نفر از نمایندگان
نك از مجلسین و وزیر
میشود.

صله از شرکت سابق
ل فوری وعذر وجود

خردادماه ۱۳۳۰

اداره مطبوعات و اطلاعات

کتابخانه مجلس شورای ملی		
کتاب صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی		
مؤلف	شماره ثبت کتاب	
موضوع	۹۴۵۸۷	
شماره قفسه	۹۸	
دوره شانزدهم		

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

چاپی اهدائی

۹۸

دوره اول کمیسیون مخصوص نفت در تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۲۹ پایان یافت و گزارش خود را مبنی بر اینکه قرارداد الحاقی ساعد - کس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست بمجلس شورای ملی تقدیم نمود. پس از طرح این گزارش در مجلس و پنج جلسه مذاکره وزیر دارائی (فروهر) لایحه الحاقی را بعد از بیان نطقی در جلسه پنجم دیماه ۱۳۲۹ استرداد نمود.

مجلس شورای ملی در جلسه پنجشنبه ۱۴ دیماه ۲۹ بیانات فروهر وزیر دارائی را تقبیح و رد نمود و در جلسه پنجشنبه ۲۱ دیماه گزارش کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و بکمیسیون مزبور مأموریت میدهد که ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس نماید.

بدین ترتیب کمیسیون از تاریخ ۹ بهمن ماه ۲۹ دوره دوم خود را شروع و پس از ۱۲ جلسه که غالب آنها طولانی و چند ساعت متوالی مشغول مطالعه جوانب و اطراف موضوع بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی و قضائی و غیره مذاقه کامل بعمل آورد در آخرین جلسه خود روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه با اتفاق آراء تصمیم زیر را اتخاذ و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نمود:

« نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید.

دکتر محمد مصدق - جمال امامی - دکتر شایگان - صالح - بهبهانی - حائری زاده

کنجه - حسین مکی - سر تیپ زاده - پالیزی - دکتر علوی - قشقائی - ناصر ذوالفقاری - دکتر کاسمی - دکتر هدایتی - فقیدزاده - عامری - فرامرزی .

بنا بر این ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید:

ماده واحده - مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت مینماید .

تصمیم متخذه کمیسیون مخصوص نفت مبنی بر ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور در جلسه ۲۴ اسفندماه ۱۳۲۹ بتصویب رسید و کمیسیون دوره سوم خود را از همین تاریخ شروع نموده مشغول مطالعه و رسیدگی دقیق درباره تعیین طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور گردید تا اینکه در جلسه پنجم اردیبهشت ۱۳۳۰ که در حدود پنج ساعت طول کشید تصمیم زیر را نسبت بمعادن نفت مورد بهره برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران با اتفاق آراء اتخاذ و برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم داشت:

ماده ۱ - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی بانتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او و یک نفر دیگر بانتخاب دولت تشکیل میشود .

ماده ۲ - دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بلا فاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری وعذر وجود

کمیسیون مخصوص نفت است که چاپ و توزیع میشود تا نمایندگان محترم مجلسین از چگونگی قضایا آگاهی حاصل فرموده و جریان موضوع نفت را که از اهم مسائل حیاتی مملکت بوده و سعادت ملت و نسلهای آینده بدان مربوط و منوط است مورد مطالعه دقیق و عمیق خویش قرار داده بوظائف ملی خود قیام و اقدام فرمایند.

مخبر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

آخرین جلسه دوره اول کمیسیون مخصوص نفت :

دوشنبه سه ساعت قبل از ظهر نهم بهمن ماه ۱۳۲۹

جلسه بیست و پنجم

بیست و پنجمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور یازده نفر از آقایان اعضاء یکساعت قبل از ظهر ۱۵ آذرماه تشکیل گردید و پس از قرائت صورت جلسه قبل و تصویب آن قریب دو ساعت راجع بتنظیم گزارش مذاکرات خصوصی بعمل آمد و یکساعت بعد از ظهر جلسه ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و هشتم

بیست و هشتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت از دنباله دوره اول کمیسیون روز دوشنبه ۱۳۲۹/۱۱/۹ در ساعت نه و پنجده دقیقه بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات نفت و آقایان اعضاء بشرح زیر :

آقایان : بهبهانی - گنجه‌ای - اللهیار صالح - حائری زاده - سرتیپ زاده - فقیهزاده - جمال امامی - حسین مکی - دکتر علوی - دکتر کاسمی - پالیزی - جواد عامری تشکیل گردید .

آقای حائری زاده : بدو طرح قانونی مربوط بتأیید و تصویب گزارش کمیسیون نفت دائر بکافی نبودن لایحه ساعد - کس برای استیفای حقوق ایران و مأموریت کمیسیون نفت برای تهیه گزارش در ظرف دو ماه مبنی بر تعیین وظیفه و رويه دولت که در جلسه پنجمین بیست و یکم دیماه ۲۹ بقید دو فوریت مطرح و تصویب گردید قرائت و سپس اظهار داشتند این طرح برای اظهار نظر طی شماره $\frac{۸۷۱۹}{۲۹۱۰۰۲۴}$ بمجلس سنا فرستاده شده است و ما اینجا دوسه موضوع داریم یکی اینکه گزارشی که کمیسیون داده بمجلس شورای ملی باقید دو فوریت بآن گزارش صورت قانونی داده و برای تصویب بمجلس سنا فرستاده شده است در ضمن این موضوع نیز بکمیسیون اختیار داده شده که در ظرف دو ماه تعیین تکلیف برای اینکار بکنند و همچنین در ضمن این ماده اجازه داده شده که در ظرف دو هفته ما پیشنهادات را قبول بکنیم (آقای رئیس تذکر دادند : این استثنائی بوده است) صحیح است حالا این دو هفته از چه وقت شروع میشود اگر قرار بگذاریم پیشنهاداتی که بعد از تصویب مجلس شورای ملی میرسد در ظرف دو هفته قبول بکنیم امروز اگر

پیشنهادی رسید ما حق نداریم قبول بکنیم (آقای رئیس متذکر شدند : از نمایندگان غیر اعضاء کمیسیون نمیتوانیم قبول بکنیم) يك موضوع دیگر این است که ما مواجه شدیم با يك دولتی که لایحه اش را پس گرفته و مجلس هم گفته بیجا کردی با تصمیم پیشنهادی که جلوتر داده بودیم که ما طرفدار ملی شدن صنعت نفت هستیم اگر آن تصمیم ما در کمیسیون اکثریت پیدا کرد محتاج نیستیم که برویم با کسی مذاکره بکنیم اما اگر يك پیشنهادات دیگری قابل توجه شد این موضوع محتاج میشود که ما با طرفی صحبت بکنیم طرف ما کمپانی است . دولتی که لایحه را پس گرفته ما صلاحیت برایش قائل نیستیم پس بدولت کاری نداریم و با کمپانی هم مستقیماً خود ما نمیتوانیم صحبت بکنیم خواستیم بدانیم این راه حلش چیست ؟

آقای دکتر کاسمی گفتند : بنده در قسمت دوم فرمایشات جناب آقای حائری زاده عرض این بود که ما با دولت کاری نداریم مجلس هم گفته که کمیسیون نفت بنشیند و رویه اینکه کمیسیون معین میکند به مجلس اطلاع بدهد و ما کاری بدولت نداریم باید رویه کمیسیون را معین بکنیم و به مجلس گزارش بدهیم .

آقای عامری اظهار داشتند : نسبت بقسمت اولش بنظر بنده اینطور میآید که مسلماً نظر مجلس این بود که ظرف دو هفته پیشنهادات از طرف و کلای مجلس باید داده شود ولی نظر اینست که از تاریخ وضع این قانون از مجلس هر کس پیشنهادی دارد بدهد این مسلم است که منظور این بوده که وکلای مجلس ظرف دو هفته استثنائاً میتوانند پیشنهاد بدهند . اشکال اصولی که هست همین قضیه سنا است مطابق قانون اساسی کلیه امور باید بتصویب شورا برسد نسبت بعمل دولت و پس گرفتن لایحه بنظر بنده اثری ندارد دولت هم گفته من پس میکبرم که بروم مذاکره بکنم روی قانون مهرماه ۲۶ بنابراین اول بنظر بنده تکلیف این امر را باید در سنا معین بکنیم بینیم قبل از

اینکه سنا این ماده را تصویب بکند ما وارد بشویم یا خیر؟

آقای امامی سؤال کردند: اولاً این لایحه مالی است یا نه؟ و آیا مجلس سنا میتواند این لایحه را رد بکند یا فقط اظهار نظر مشورتی میکند اگر لایحه مالی است که سنا نمیتواند تغییرش بدهد و تشریفات اظهار نظر میکند این را اول بمن جواب بدهید و مرا روشن بکنید.

آقای رئیس در جواب اظهار داشتند: هنوز اختلاف بین مجلس و سنا حل نشده است که چه لایحه‌ای مالی و چه لایحه‌ای غیر مالی است.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده خودم يك نظری دارم در همین مسئله در کمیسیون حل اختلاف هنوز اختلاف است ولی بنظر من می‌آید که بعضی از مسائل هست که اصلش مالی است و مسائل دیگر فرع بر آن میشود و بعضی چیزها هست که اصلش موضوع دیگری است ولی بعد جنبه مالی پیدا میکند مثل این مسئله.

آقای امامی گفتند: اگر فرض کنیم این قرارداد مالی نباشد و سنا نظر تصویبی داشته باشد بنا بر این این بمرحله قانونی نرسیده است و اینجا گفته است بعد از تصویب قانون راجع بکار کمیسیون هم تا اظهار نظر از مجلس سنا نیاید ما نمیتوانیم اینجا صحبت بکنیم. راجع بقسمت دومش این پیشنهاد را ما با توافق نظر آقایان داده‌ایم اگر دولت لایحه‌اش را پس نکرده بود ما این پیشنهاد را نمیکردیم چون دولت لایحه‌اش را پس گرفت برای اینکه دولت‌ها را مکلف بکنیم که تعلل نکنند ما این قانون را گذرانیدیم که کمیسیون بنشیند يك ضرب الاجل حاصل شود و يك تعیین روشی برای دولت‌ها بکند و آنها را مکلف بکنیم که بروند استیفای حقوق ایران را بکنند.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده خیال میکنم این لایحه لایحه مالی باشد برای اینکه

ما آمدم گفتیم که قرارداد گس - گلشائیان تأمین منافع ملت ایران را نمیکند و گزارش آن بمجلس تقدیم شد و مجلس هم تأیید کرد و مجدداً برگشته است باین کمیسیون که تکلیفی برای منافع ایران معین بکنیم بنده در این قسمت نظرم اینست که مالی است و احتیاجی به مجلس سنا نداریم و باید کمیسیون را ادامه بدهیم و تمام بکنیم.

آقای دکتر کاسمی تذکر دادند: که آقای بهبهانی قبل از تشکیل جلسه رسمی بیانی فرمودند که قابل توجه بود این تصمیمی که مجلس شورای ملی گرفته شامل دو قسمت است یکی ردّ مقاله نامه و دیگری اختیار دادن باین کمیسیون. این ردّ مقاله گس - گلشائیان تأیید مجلس سنا را لازم دارد ولی قسمت دومش از وظایف مجلس بوده که یکی از کمیسیونهای خودش اختیار داده است که رسیدگی بکند و تصور نمیکند تصویب مجلس سنا را لازم داشته باشد بنا بر این کمیسیون میتواند بکار خودش ادامه بدهد.

آقای مکی گفتند: بنده عقیده‌ام اینست چون مجلس با توافق آراء لایحه قرارداد الحاقی را رد کرده سنا هم باید در این مورد اظهار نظر بکند که معلوم شود بین قوای مقننه مملکت اختلاف نظری وجود نداشته و ثانیاً در کیفیت رسیدگی و کنتر پروژه کمیسیون نفت من يك عرایضی داشتم که لازم است بعرض برسانم که خودشان بنشینند قضاوت بکنند ببینند این دولتی که آمده است و باین کیفیت بملت ایران توهین کرده صلاحیت دارد یا ندارد؟

آقای رئیس تذکر دادند که: این موضوع هنوز به آن مرحله نرسیده است. **آقای سر تپ زاده بیان داشتند:** اگر اول در مجلس سنا اختلافی بشود دیگر این موضوع دومش مورد ندارد (آقای جمال امامی متذکر شدند: این يك قانون است

و تجزیه بردار نیست) البته دومش صحیح است ولی اگر در قسمت اولش مجلس سناتر دید کند دومش دیگر موضوع ندارد تا نایباً من عقیده ام اینست که این صحبت‌ها را اینجا نکنیم چون مجلس بدولت رأی اعتماد داده است.

آقای امامی اظهار داشتند: بنا بر این بنده اینطور استنباط میکنم که کمیسیون مشکوک است در اینکه این لایحه قوت قانونی پیدا کرده یا نکرده اگر شك هست باید تقاضا کنیم که مجلس سنا تکلیف این را معین بکند و بعد وارد مذاکره بشویم.

آقای فقیه زاده تذکر دادند: اگر منتظر تصویب مجلس سنا بشویم آن دو هفته که برای پیشنهادات معین شده پس از تصویب از مجلس سنا تاریخ آنرا حساب میکنیم و ممکن است يك پیشنهادات بهتری هم برسد.

آقای گنجهای اظهار داشتند: بنا بر این موضوعی نیست اگر اجازه میفرمائید شرحی بمقام ریاست نوشته بشود که زودتر تکلیف این کار را مجلس سنا معین بکند و تا کنون هم مجلس سنا در این باره هیچ صحبتی نکرده بهتر اینست که آنها هم صحبت بکنند تا ما با قوت بیشتری وارد عمل شویم.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده تأیید میکنم این نظریات را و عقیده ام اینست که به مجلس سنا يك کاغذی نوشته شود و تأکید شود بجهة اینکه مدتی است که این کار باین مهمی در آنجا مانده است.

در این موقع نامه مزبور باین شرح تهیه و قرائت گردید:

ریاست مجلس شورای ملی

جلسه اول دوره دوم کمیسیون مخصوص نفت در روز دوشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ تشکیل یافت پس از مراجعه بسوابق و تصمیم مجلس شورای ملی که در جلسه ۱۰/۲۱/۱۳۲۹

در این موضوع اتخاذ شده است متوجه این نکته گشت که چون تصمیم مجلس در تاریخ بیست و چهارم دیماه طی نامه شماره (۸۷۱۹) برای اظهار نظر به مجلس سنا فرستاده شده و تا کنون با وجود اهمیت موضوع مجلس سنا هنوز در این باب نظری اتخاذ نکرده اند ادامه رسیدگی منوط و متوقف بر وصول نظر آن مجلس شده است. متمنی است از طرف ریاست مجلس شورای ملی بر ریاست مجلس سنا تأکید شود که هر چه زودتر موضوع را در آن مجلس مطرح نموده و نظر خود را ارسال دارند تا کمیسیون قادر شود بوظایف قانونی خود اقدام نماید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

پس از موافقت کمیسیون نسبت با ارسال نامه مزبور جلسه در ساعت ده و يك

ربع ساعت صبح ختم گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و هفتم

بیست و هفتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه چهاردهم بهمن ماه

۱۳۲۹ یکساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای شعاعی

کفیل وزارت دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات نفت و درآمد معادن

و آقایان اعضاء کمیسیون بشرح زیر:

آقایان - بهبهانی - امامی - مکی - خسرو قشقایی - گنجهای - فقیه زاده - دکتر

علوی - سرتیب زاده - اللهیار صالح - پالیزی - حائری زاده - دکتر کاسمی - ناصر

ذوالفقاری - فرامرزی تشکیل گردید.

ابتداء صورت جلسه قبل قرائت و چون اعتراضی نبود بتصویب رسید.

سپس نامه جوابیه شماره $\frac{۴۸۵۵}{۲۹/۱۱/۱۳}$ مجلس سنا مبنی بر تأیید تصمیم مجلس شورای ملی نسبت به ردّ قرار داد الحاقی بشرح زیر قرائت گردید:

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در جواب مراسله $\frac{۸۷۱۹}{۲۹/۱۰/۲۴}$ راجع بلائحه قرارداد الحاقی نفت ساعد - کس که در مراسله بعنوان طرح و درورقه ضمیمه آن که عین متن مطلب مصوب مجلس شورای ملی در آن مندرج بود بعنوان «تصمیم قانونی» بمجلس سنا ارسال شده بود ابتدا بعلمت آنکه اخذتصمیم در هر يك از مجلسین از حقوق قانونی آنهاست و ارتباط مستقیمی بمجلس دیگر ندارد در جلسه رسمی مجلس سنا طرح نشده بود ولی بعداً که مراسله $\frac{۹۲۳۱}{۲۹/۱۱/۲۰}$ واصل گردید و معلوم شد که مجلس شورای ملی در انتظار نظر مجلس سنا در آن موضوع است لذا در جلسه روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۲۹ مجلس سنا بیاناتی ایراد شد که ضمن آن تصمیم مجلس شورای ملی از طرف مجلس سنا تأیید گردید و متن آن بیان لفاً ارسال میشود.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: اگر خارج از موضوع ندانند این موضوع را من خیلی مسرورم که این تصمیم را مجلس سنا گرفته است زیرا اینطور تصمیم گرفتند که اگر طرح قانونی باشد که باید مجلس سنا نظر بدهد و اگر تصمیم باشد که این يك باب جدیدی افتتاح شده و بنفع قانونگذاری است.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده راجع بمدت پیشنهادات عرض میکنم بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون که خودم هم این عقیده را دارم عقیده شان اینست که این دو هفته مهلت برای پیشنهادات را از تاریخبرگشت از مجلس سنا حساب کنیم و پیشنهادات

را بپذیریم بنده خواستم استدعا کنم اگر در این دو قسمت اختلافی وجود دارد رأی گرفته شود زیرا ممکن است يك پیشنهاداتی بعداً برسد که مفید باشد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بوسیله آقایان نمایندگان میتوانند پیشنهاد بدهند.

آقای گنجی اظهار داشتند: قسمت مهم عرایض بنده را جناب آقای حائری - زاده فرمودند راجع بنامه مجلس سنا چون در مقدمه اش آقای امامی مشغول صحبت بودند آن مقدمه را توجه فرمودند در اینجا مینویسد که مجلس شورای ملی نوشته تصمیم قانونی و ما اشتباه کردیم و بعقیده من دیگر این موضوع صحبتی ندارد راجع به پیشنهاد آقای فقیه زاده بنده هم عقیده ام اینست که از وصول این نامه تا نظرف ۱۵ روز پیشنهادها را بپذیریم.

آقای خسرو قشقانی اظهار داشتند: بنده هم نظر آقای گنجی را تأیید میکنم چون يك کاری هست که باید زودتر تمام کنیم و بهتر اینست که اجازه بفرمائید شروع بکار کنیم و موافقت بفرمائید که در حین کار کمیسیون پیشنهاداتی هم اگر برسد قبول کنیم و هر پیشنهادی بهتر است روی آن بحث نمائیم چون ما مسئولیت خطیری در مقابل نسل آینده داریم و باید بانهایت دقت سعی نمائیم که منافع مملکت ایران بنحواً کامل و احسن تأمین بشود فقط چیزیکه فعلاً محرز و مسلم است قرارداد ۱۹۳۳ چون در محیط کاملاً غیرعادی و در زمان دیکتاتوری و بزور بوده است از نظر ملت ایران و دنیا لغو است.

آقای حائری زاده گفتند: من معتقدم پیشنهاداتی که رسیده خوانده بشود.

در اینموقع دوازده فقره پیشنهاد واصله از طرف آقایان نمایندگان بشرح زیر قرائت گردید :

ریاست محترم مجلس شورای ملی

پیشنهاد میکنم شرح زیر بقسمت اول لایحه مطروحه نفت ضمیمه شود. عباس اسلامی نظر باینکه ملت ایران قرارداد ۱۹۳۳ را باطل میدانند پیشنهاد میکنم مجلس شانزدهم نیز بطلان آنرا اعلام نماید. عباس اسلامی

بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهانی امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف - استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. اللهیار صالح - حائری زاده - دکتر محمد مصدق - حسین مکی - دکتر شایگان - علی الموسوی البهبهانی - آزاد - م. نریمان - عباس اسلامی - دکتر بقائی کرمانی - کاظم شببانی.

۱۳۲۹/۱۰/۳

ریاست محترم مجلس شورای ملی

بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمک بتأمین صلح جهانی امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف - استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد. اللهیار صالح

۱۳۲۹/۱۰/۲۱

پیشنهاد مینمائیم پیمان ۱۹۳۳ چون در محیط آرام صورت نگرفته و امضاء کنندگان آلت فعل بوده الغاء شده دولت مطابق پیمان داری حقوق ملت را استیفاء نماید. سرتیپ زاده

ریاست محترم مجلس شورای ملی

- این جانب بهاء الدین کهبید در مورد نفت جنوب بشرح زیر پیشنهاد مینمائیم :
- ۱ - مدت امتیاز نفت جنوب محدود بهمان مدت باقی مانده امتیاز داری بوده و تجاوز نکند.
 - ۲ - از منافع شرکت صدی ۵۰ بعنوان حق الامتیاز (بدون آنکه مالیات بردو آمد دولت انگلستان از سهم ایران کسر شود) متعلق بدولت ایران باشد.
 - ۳ - نصف از اعضاء هیئت مدیره شرکت و هیئت نظارت شرکت ایرانی بوده و از طرف دولت ایران انتخاب گردند و حق هر قسم نظارت در تمام معاملات و بهره برداری و محاسبات شرکت برای دولت ایران محفوظ باشد.
 - ۴ - قیمة فروش مواد نفتی مصرف داخلی ایران بقیمة تمام شده برای شرکت بعلاوه ۰.۳٪ سود محسوب شود یا بهمان قیمتی باشد که شرکت با بهره دولت انگلستان معامله میکند محسوب گردد و یا قیمة مواد نفتی مورد احتیاج دولت انگلیس بقیمتی باشد که شرکت با دولت ایران معامله میکند.
 - ۵ - دولت مکلف است مبالغی که بابت سهم خود بهر عنوان از نفت جنوب تحصیل

میکند و عبارت از لیره طلا خواهد بود سرمایه بانک ملی ایران بمنظور پشتوانه اسکناس اختصاص دهد که بانک ملی بتواند باعتبار مبلغ مزبور معادل آن اسکناس جهت کارهای تولیدی و عمرانی بجزریان بیندازد.

۶- دولت مکلف است تدابیر لازمه را برای استفاده از گازی که فعلاً بلامصرف و سوخته میشود در شهرهای مهم و مرکز مورد استفاده قرار دهد. کهبید

۱۳۲۹/۹/۲۶

ریاست محترم مجلس شورای ملی

این جانب ماده واحده زیر را پیشنهاد مینمایم:

ماده واحده - دولت مکلف است بلافاصله با شرکت نفت ایران و انگلیس بمنظور عقد قرارداد جدیدی جهت استیفای کامل حقوق ایران وارد مذاکره شود. قرارداد جدید باید حاوی نکات اصلی زیر باشد:

۱- مرکز اصلی شرکت در ایران و تابع کلیه مقررات و قوانین ایران خواهد بود.
۲- سهم ایران از عواید حاصله از استخراج و فروش نفت و مواد مستخرجه متناسب نصف بنصف میباشد.

۳- حق نظارت کامل در محاسبه شرکت برای دولت ایران باید منظور باشد.

۴- حق تجدید نظر در هر ده سال نسبت بمواد قرارداد باید محفوظ بماند.

۵- در پایان امتیاز کلیه اثاثیه و لوازم شرکت در ایران بلاعوض بدولت ایران

تعلق خواهد داشت.

نتیجه مذاکرات دولت در ظرف حد اکثر مدت سه ماه باید بمجلس شورای ملی

گزارش شود.

ن. اردلان

۱۳۲۹/۱۰/۲۴

سه ماده ذیل را برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد که بکمسیون نفت ارسال شود:

اول - مجلس شورای ملی دولت را مکلف میسازد عملیات اکتشاف و استخراج نفت را در تمام ایران خود عهده دار شده و بطریق ملی اداره شود.

دوم - دولت مکلف است بعملیات نفتی متکی بقراردادهای ۱۹۰۱ و ۱۹۳۳ خانمه داده و ترتیبی که در این قبیل موارد باید داده شود بدهد.

سوم - دولت اجازه دارد شرکتی برای حمل و نقل و لوله کشی و تصفیه وسائر عملیات فنی و تجاری و غیره اعم از بتری و بحری هوایی داخلی و خارجی تشکیل داده که اقلاً نصف سهام با اسم آن متعلق بدولت و ملت ایران بوده و بقیه سهام با اسم را سائر ممالک خریدار نفت میتوانند مالک شوند مشروط باینکه هیچیک از ممالک و اتباع آنها حتی مالکیت بیش از عشر از سهام را نداشته باشند. حائری زاده

تاریخ ۴ بهمن ماه ۱۳۲۹

کمسیون مخصوص نفت

پیشنهاد میکنم مفاد نظریات زیر در نظر گرفته شود که بنحو مقتضی در پیمان آینده نفت منظور دارند:

۱- بهای نفت سفید و سیاه و بنزین و سایر مواد نفتی در داخله کشور ایران بیک نرخ فروخته شود و موضوع کرایه حمل و نقل و غیره در آن تأثیری نداشته باشد و بارعایت

نرخه که در سایر ممالک نفت خیز به اهالی آن مملکت فروخته میشود نرخ داخلی ایران صدبسیست کمتر باشد تا کارهای فلاحتی و صنعتی در ایران مایشینی شود .

۲ - کمپانی نفت مکلف باشد مصرف نفت دوساله شهر هائیکه بیش از پنجاه هزار نفر جمعیت دارد در آن شهر انبار و تأمین نماید و اول هر فصل شهردار و دادستان و فرماندار تصدیق نمایند که موجودی مواد نفتی تأمین مصارف دوساله را مینماید .

و اگر خلاف واقع تصدیق نمودند علاوه بر انفصال از خدمات دولتی هر يك محکوم بيك سال حبس شوند و کمپانی هم برای هر نقطه که معلوم شود مصرف دوساله را تأمین نموده است از صد هزار الی يك میلیون لیره دادنی باشد .

۳ - کمپانی مکلف است انواع مواد نفتی را در تمام نقاط ایران (مراکزى که بیش از ده هزار نفر جمعیت دارد) بمرض فروش بگذارد (بمقدار مصرف آن منطقه) و اگر تجارخانه یا شخص متصدی فروش نبود کمپانی مکلف است شعبه باز کند .

۴ - کمپانی همساله بمعرفی وزارت فرهنگ مخارج یکمصد نفر محصل ایرانی را بخارج کشور برای تحصیل میپردازد که هر يك پنجسال تحصیل نمایند .

۵ - کمپانی صدنیم از درآمد شرکت را قبل از پرداخت حقوق دولت و مالیات بشهر داربهای اهواز و شیراز بالمناصفه برای کمک عمرانی بعنوان مراکز نفت خیز میپردازد .

معدل

پیشنهاد جمال امامی :

دولت مکلف است با مراجعه بصورت جلسات کمیسیون نفت و بمذاکرات دولتهای سابق باشرکت نفت و بالاخص با توجه بموارد زیر باشرکت نفت وارد مذاکره شده و

نتیجه آنها از این تاریخ الی سهماه برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید :

۱ - تحصیل حق تجدیدنظر نسبت بقرارداد در انقضاء دوازده سال از این تاریخ .

۲ - تأمین حداقل ۱۲ شیلینگ طلا از هر تن استخراجی (از اول سال ۱۹۴۸) برای ایران .

۳ - تضمین کلیه عوائد ایران بطلا .

۴ - تأمین تصفیه حداقل دو نلک از کلیه نفت استخراجی در ایران .

۵ - تحصیل حق حضور در مجمع صاحبان سهام و حق رسیدگی بدفاتر شرکت برای نماینده دولت ایران .

۶ - حل اختلاف راجع بتفسیر ماده ۱۶ قرارداد سابق طبق پروتکل جدید .

۷ - تحصیل حداقل پنجاه درصد از منافع شرکتهای تابعه بنسبت سرمایه پرداخته

شده . جمال امامی خوئی

۱۳۲۹/۱۱/۱۴

ریاست محترم کمیسیون نفت

نظر بطرح مصوبه در تاریخ راجع باستیفای منافع از نفت جنوب پیشنهاد زیر را تقدیم میدارد :

مقدمه باید عرض کنم دولتهادر اجرای قوانین و منویات مجلس شورای ملی اگر تسامحی کنند از کار برکنار و اگر اشتباهی نمایند مجلس شورای ملی آن اشتباه را جبران خواهد نمود چنانکه در موضوع قرارداد کس - گلشائیان چون قرارداد معزبور منافع ملت ایران را تأمین نمینمود مجلس آن قرارداد را غیر کافی باستیفای منافع اعلام

نمود ولی چنانچه مجلس شورای ملی در عمل مرتکب خبط و اشتباهی گردد اگر فرصت جبران از دست ملت ایران خارج نگردد قطعاً جبران آن بینهایت مشکل خواهد بود ازینرو اینجانب معتقد نیستم کمیسیون نفت و در نتیجه مجلس شورای ملی قبل از مطالعه کامل در نحوه استیفای منافع از نفت جنوب نظریات نهائی خود را اعلام نماید.

بدینجهت و برای اینکه از هر محذوری اجتناب گردد اینجانب معتقد است قبلاً کمیسیون نفت دولت را موظف نماید در مدت معینی با اولیاء شرکت نفت ایران و انگلیس تماس گرفته نظریات ملت ایران و مجلس شورای ملی را با اطلاع برساند سپس گزارش و گردش کار را با نظریات خود تقدیم کمیسیون نفت نموده و کمیسیون با اطلاع از جریان نظر نهائی را اتخاذ نماید تا در حل مشکلات موفقیت بیشتری بدست آید. باین علت پیشنهاد زیر را تقدیم مینماید:

ماده واحده - کمیسیون نفت بدولت اجازه میدهد در ظرف مدت سه ماه با اولیاء شرکت نفت ایران و انگلیس تماس حاصل نموده و با توجه پیشنهادهائی که بکمیسیون نفت رسیده و راهنماییهای که کمیسیون در خلال مدت مذاکره مینماید حداکثر کوشش را در توجه شرکت بلزوم تمکین با احساسات عمومی ملت ایران در استیفای کامل منافع بعمل آورد سپس دولت نتیجه مذاکره و نظریات خود را کتباً تقدیم کمیسیون نفت نماید و کمیسیون تصمیم نهائی را اتخاذ و بمجلس شورای ملی گزارش دهد.

عبدالصاحب صفائی

ریاست محترم کمیسیون نفت مجلس شورای ملی

چون موضوع نفت ایران و رابطه دولت با کمپانی نفت ایران و انگلیس مورد

نظر تمامی افراد علاقمند بکشور میباشد و اینجانب نیز مطالعه و صرف وقت برای تأمین بهترین طریق استیفای حقوق ملت ایران را فرض ذمه خود دانسته و میدانم بوسائل مختلف در جستجوی بهترین راه برآمده و اینک نظر به خود را باستحضار نمایندگان محترم رسانیده و تقاضای دارم در موقع طرح این پیشنهاد احضار فرمایند تا دلائل خود را که فعلاً بطور اختصار اشاره میشود معروض دارد.

ملی شدن صنعت نفت در ایران آرزوی قلبی هر فرد وطن پرست میباشد و چنانچه قرض سنگینی برای ملت ایران در اثر الغای قرارداد پیش نیاید که با فقر عمومی ملت غیر قابل تحمل باشد با نهایت افتخار بملی شدن صنعت نفت رأی خواهم داد ولی چون از نتیجه اینکار اطمینان ندارم و از طرفی معتقد هستم باید کاری کرد که تماس شرکت حتی الامکان با دولت و ملت ایران کمتر باشد و گرفتن حق امتیاز و سهمیه از عایدات شرکت موجب اختلافاتی در موضوع محاسبات و گفتگوهای راجع بشرخ فروش بنزین ارزان بدولت انگلیس خواهد شد پیشنهاد مینمایم که صدی پنجاه از بهای نفت خام استخراجی از معادن نفت جنوب بدولت ایران پرداخته شود و در اینصورت چون کلیه مخارج بعهده کمپانی است و دولت در عوائد خالص شرکت دخالت و نفعی ندارد طبیعی است بفرمایشین آلات صنعتی که برای استخراج لازمست شرکت باید برای کلیه اجناس عوارض گمرکی بپردازد.

طبق اطلاعاتی که دارم و در صورت لزوم مدارک آنرا ارائه خواهم داد چنانچه موافقت با این پیشنهاد بشود سهم دولت ایران برای هر تن نفت خام تقریباً یک لیره و هشت شیلینگ و سه پنس خواهد شد و علاوه بر این عوائد گمرکی نیز بمیزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

در صورت موافقت با معروضات فوق پیشنهاد مینمایم که عواید حاصله از نفت

بمعنای حقیقی ملی شده و بنسبت جمعیت شهرستانها تقسیم و بمصرف فرهنگ و بهداشت و امور کشاورزی و صنعتی هر شهرستان برسد .

مجتبی دولت آبادی

۲۹/۱۱/۵

بتاریخ سوم بهمن ماه ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت

هرچند آرزوی هر ایرانی است که دست اجانب کلاً و جزاً از این گنج بیکران کوتاه گردد و نفت ایران بدست ایرانی افتد یعنی در واقع «صنعت نفت ملی شود» اما اگر تصور شود که در شرایط موجود کشور و دنیا انجام این امر چه از جهت نفس عمل و چه از لحاظ عواقبی که بر آن مترتب است از نظر فنی - اقتصادی - سیاسی و بین‌المللی برای کشور مقدور و مفید فایده نباشد و غرامات حاصله از این اقدام و وثائقی که ملت ایران باید در گروگان انجام آن نهاد بحدی کمرشکن و دشوار بنظر میرسد که احتراز از آنرا ایجاب نماید ما امضاء کنندگان عقیده مندیم که برای استیفای حقوق حقه ملت ایران نکات زیرین باید در هر قرارداد نویسی مراعات شوند .

تقدیم کنندگان این پیشنهاد بهیچوجه نمیخواهند وارد ارقام و جزئیات که بی شبهه بیشتر جنبه فنی دارد گردند و فقط بتذکر اصولی چند قناعت مینمایند و تصور نمیرود نقشی هم که بر عهده مجلس شورای ملی محول است فعلاً بیش از آن باشد که رئوس مطالب را تذکر داده و رعایت پارامای نکات را در طی مذاکرات خواستار گردیده مذاقه در ارقام را بدست مسئولین امر سپارند .

نکته اساسی که باید مورد کمال توجه مأمورین مذاکره قرار گیرد آنست که

چون ملت ایران اساساً قرارداد ۱۹۳۳ را از جهت کمیت و کیفیت انعقاد آن قابل قبول نمیداند طبعاً با هر گونه قرارداد الحاقی یا متمم یا هر عنوان دیگری که پایه مذاکرات را بر قرارداد منحوس ۱۹۳۳ مترتب داند مخالف است . هر سندی که برای استیفای حقوق ایران تنظیم شود باید بر مبنای قرارداد نوین استوار گردد که شامل جمیع نکات فنی - اقتصادی و سیاسی بوده باشد .

اصل اول - حق الامتیاز ایران دارای دو قسمت نقد و جنس خواهد بود که در واقع از یکدیگر لاینفک و مجموعاً حقوق ایران را در شرکت نفت تشکیل میدهد . این حقوق از کلیه نفت خام مستخرجه از چاههای ایران قبل از هر گونه مصرف اعم از داخلی یا خارجی دریافت میشود .

چون یکی از مسائل بفرنجی که استیفای حقوق ایران را در شرکت نفت مشکل میسازد همانا رسیدگی دقیق بمحاسبات شرکت و نظارت کافی در طرز عمل آنست بنظر اینجانبان هر ترتیبی اتخاذ گردد که راه نظارت را آسان و دقت در مقدار مستخرجه نفت را تسهیل کند بسود ملت ایران خواهد بود . کنترل مقادیر استخراج شده از چاههای ایران بوسیله کنتورهای مخصوص کاری بس آسان و نظارت در ارقام آنهم قطعاً سهلتر از تفتیش در کلیه کتابهای محاسباتی شرکت میباشد :

الف (نقدی) - بدون اینکه بخواهیم مأمورین مذاکره را با ارقام ارقام قطعی محدود سازیم اساس نظر آنست که از هر تن استخراج شده مقدار معینی عین طلا بایران پرداخت شود (در اینصورت تسلط اقتصادی انگلستان که بر اساس لیره های انگلیسی اندوخته شده این کشور در لندن بوجود میآید و آزادی تجاری ایران را محدود ساخته جلوگیری بعمل آمده و همچنین تفاوتهای حاصله از تسعیر طلا

بلیره که تابع قیمت‌های مصنوعی بازار لندن و سیاست ارزی انگلستان است از بین می‌رود).

ب) جنسی - شرکت نفت مکلف است حداقل ده درصد از کل محصول خام مستخرجه از چاه‌های ایران را بلا عوض بدولت واگذار نماید. این مقدار در اختیار مطلق ایران است و می‌تواند از این بابت مصارف داخلی خود را تأمین نموده و با در بازار های بین‌المللی برای فروش عرضه دارد.

تبصره ۱ - ۱ - چون تعیین حق‌سهم ایران بر مبنای منافع شرکت بهر میزان که باشد ممکن است بغلت نداشتن نظارت کامل - تغییر در مالیات‌های موضوعه و بطور کلی اختیاراتیکه شرکت در امور بازرگانی خود دارد دچار نوساناتی که از حیطه اختیار یا نظارت ملت ایران خارج است گردد و طبعاً بحقوق ملی ما لطمه وارد آید برای جلوگیری از هر گونه مداخله بیرویه چنین بنظر می‌رسد که دریافت حق‌الامتیاز ایران از هر تنی نفت مستخرجه از چاه‌های کشور سهلترین طریق ممکنه باشد - تعیین نسبت بین نقد و جنس بمعهد مأمورین مذاکره پس از بررسی‌های فنی کافی می‌باشد ولی بهر صورت مجموع این دو از هر تنی نفت نباید کمتر از ۰.۵٪ منافع غیر خالص شرکت نفت طبق تراژنامه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۴۹ بادر نظر گرفتن این سود نسبت بهر تنی مستخرجه در سال مورد نظر باشد.

۲ - سهم ایران از نفت خام در امانت شرکت نخواهد بود و باید بحواله کرد دولت تحویل خریدار نماید.

اصل دوم - چون بدین ترتیب دولت ایران پیوسته دارای مقادیری نفت خام خواهد بود بخوبی می‌تواند توزیع داخلی و حوائج ملی خود را برعهده گرفته و بدون مداخله شرکت نفت عمل کند. شرکت موظف است بدرخواست ایران هر مقدار از نفت

خام را که مورد حاجت است دریالشکاهای خود بمواد نفتی دیگر تبدیل و در اختیار دولت گذارد. این تبدیل یا برایشگان صورت گرفته و بابدون در نظر گرفتن هیچگونه سودی انجام خواهد شد.

اصل سوم - چون این کنج شایگان باید برای نسل‌های آینده نیز محفوظ ماند و مقدار ذخایر نفتی بر ما مجهول است شرکت نفت باید نه تنها يك حداقل از لحاظ تأمین منافع سالیانه دولت ایران در نظر گیرد بلکه واجب است از جهت ادامه درآمد ملی يك حد اکثری نیز برای استخراج ملحوظ شود. بنظر اینجانبان این حد اکثر هیچگاه نباید از پنجاه درصد علاوه بر میزان استخراج کنونی تجاوز کند.

اصل چهارم - فقط ماشین آلات مربوط بعمل استخراج و تصفیه از حقوق کمر کی ایران معاف خواهند بود کلیه حوائج کارمندان شرکت نفت از هر جهت کلیه وسائط نقلیه - مصالح ساختمانی و غیره باید تابع مقررات همگانی دولت ایران و واجد شرایط عمومی بازرگانی و مقررات کمر کی باشد.

تبصره ۵ - شرکت مکلف است آنچه از احتیاجات خود را که در ایران ممکن الحصول است در داخله کشور تهیه نماید.

اصل پنجم - از لحاظ مقررات اجتماعی و کار و بهداشت شرکت مکلف بر رعایت کلیه قوانین و مقررات کشور ایران می‌باشد.

اصل ششم - چون اساس استدلال ما بر مبنای تدوین قرارداد جدیدی است ناگزیر مدت مندرجه در قرارداد‌های پیشین مورد قبول نبوده و مدت امتیاز بهر صورت بیش از ۲۵ سال نخواهد بود مشروط بر اینکه در رأس هر ده سال دولت ایران حق تجدید نظر در مبنای حق‌السهم داشته باشد. در پایان مدت کلیه دارائی شرکت در ایران

متعلق بملت میباشد.

اصل هشتم - برای مصرف گازهای حاصله از چاههای نفت و همچنین اجازه لوله کشی در خاک ایران و استفاده های علمی آتی از هر گونه مشتقات شیمیائی مواد نفتی دولت باید قراری که بسود ملت باشد در نظر گرفته و اعمال نماید.

اصل هشتم - شرکت موظف است کارمندان خارجی خود را بتدریج تقلیل داده و جای آنها را بمحصلین که همه ساله برای فرا گرفتن علوم نفت بخرج خود بخارجه اعزام خواهد داشت بدهد.

در خاتمه لازم میدانیم توجه کامل کمیسیون مخصوص نفت را باین نکته معطوف داریم که ملت ایران قرارداد معروف قوام - سادچیکف را که بر پایه نصف از منافع تنظیم شده بود باتفاق آراء رد نموده و همین چند روز پیش نیز عربستان سعودی بنا شرکتهای امریکائی توافقی بر مبنای پنجاه درصد (بدون مالیات) حاصل نموده است. ملت ایران بهیچ روی نمیتواند قراردادی که پایه و اساس آن بر کمتر از این مقادیر استوار باشد قبول نماید. صمد سودآور - منوچهر تیمورتاش

آقای امامی سؤال کردند: از طرف کمیسیون نماینده دولت خواسته شده یا خودشان آمده اند؟

آقای رئیس اظهار داشتند: خودم دعوت کرده ام و اما راجع پیشنهاداتی که راجع بخرج میرسد باید از کم رأی گرفت و پیشنهاداتی که راجع بعایدات دولت برسد باید از زیاد رأی گرفت برای این پیشنهاداتی که خوانده شد درجه آنها را تعیین بفرمائید که کدامیک از نظر عایدات مملکت مفیدتر و شرایطش برای ملت بهتر است تا مطرح بشود بعداً اگر رد شد سایر پیشنهادات بترتیب مطرح میشود.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده عقیده ام اینست اول چیزیکه باید

حل بکنیم طریقه اقدام و روش کار کمیسیون است اگر در این موضوع يك توافق حاصل شد کار ما خیلی آسان خواهد شد ولی اگر از اول طریقه کار ما روشن نشود ما در يك راههای پر پیچ و خمی گرفتار میشویم و محتاج بوقت زیاد خواهیم بود عقیده دارم اولاً این پیشنهاداتی که امروز خوانده شد اجازه بفرمائید طبع بشود که ما توجه و مطالعه بکنیم که برای جلسه دیگر آماده و حاضر باشیم. ثانیاً کمیسیون مخصوص نفت قبلاً در باره این دواصل تصمیم بگیرد که از هم اکنون معلوم باشد چه اصولی در کمیسیون حکمفرما خواهد بود بنده در یکی دو کنفرانس بین المللی که بودم همیشه در ابتدای کار وارد بحث يك مسائلی که میخواهند بشوند اول بحث در این میکنند که چه اصولی در این سازمان مورد توجه است که روی آن کارمان را شروع بکنیم و حالا که اختیارات ما مسلم شده و مجلس دست کمیسیون را باز گذاشته کمیسیون نفت از ابتدای کار تصمیم بگیرد که چه اصولی برایش مسلم است بعد روی آن اصول پیشنهادات مطرح و تصمیم گرفته بشود. بنظر بنده دواصل مهم وجود دارد یکی اینکه آیا کمیسیون مخصوص نفت قرارداد ۱۹۳۳ را نافذ میدانند یا نمیدانند اگر این موضوع قبلاً حل بشود که کمیسیون مخصوص نفت قرارداد ۳۳ را نافذ میدانند و آنرا باطل میشناسد وارد شدن در موضوعات دیگر آسان خواهد بود. دوم آیا کمیسیون نفت تسلط بیگانگان را بر معادن نفت ایران بصالح کشور میدانند یا نمیدانند اگر این دو موضوع در ابتدای جلسات کمیسیون نفت مسلم بشود و روش رأی گرفته شود بعدها خیلی آسان تر میتوانیم روی این پیشنهادات مباحثه بکنیم و رأی بگیریم.

آقای خسرو قشقائی در تأیید بیانات جناب آقای صالح اظهار داشتند: که بعقیده بنده این کمیسیون قبل از رسیدگی باین پیشنهادات دو چیز را باید صحبت بکنند

یکی اینکه آیا صنعت نفت باید ملی بشود یا نه؟ اگر این موضوع روشن بشود دیگر احتیاجی نیست که وارد مباحثه وسایر پیشنهادات دیگر بشوم. دیگر اینکه همانطوری که یکی از آقایان اعضاء کمیسیون نفت بیان داشتند ماقبلاً نمیتوانستیم چیزی بگوئیم غیر از اینکه قرارداد ساعد - کس استیفای حقوق ایران را میکند بانه ولی خوشبختانه حالا ما اختیارات وسیعی داریم و میتوانیم همه گونه بصلاح و منافع ملت ایران تصمیم بگیریم بعقیده بنده اول راجع بعملی شدن نفت بحث بکنیم اگر تصویب شد که دیگر بحثی نداریم در خاتمه هم عرض میکنم که چند نفر و چند روزنامه نویس نمیتوانند استیفای حقوق ملت ایران را بنمایند و خوشبختانه تمام مردم ایران میهن پرست هستند و امیدوارم آقایان اقلیت هم باین موضوع مهم توجه داشته باشند و بدانند که اگر توفیقی حاصل شده است فقط و فقط در اثر پشتیبانی ملت رشید و افکار عمومی بوده است و امیدوارم که همه باهم بتوانیم استیفای کامل حقوق ملت ایران را بنمائیم و در مقابل دنیا ثابت نمائیم که ملت ایران حق استقلال دارد و میتواند حق خودش را بگیرد.

آقای مکی اظهار کردند: بنده بجرأت عرض میکنم این وظیفه ای که امروز کمیسیون نفت بعهد گرفته و مجلس شورای ملی يك چنین وظیفه و خط مشی برای کمیسیون تعیین کرده در طول تاریخ پارلمانی ایران يك چنین موقعیت حساس و خطیری تا کنون بعهد يك چنین کمیسیون هیجده نفری گذاشته نشده است. این اولین کمیسویی است که سر نوشت ملت ایران و سعادت نسلهای آینده ایران بعهد آن است اگر خدای نکرده کمیسیون نفت تعللی در انجام وظیفه بکند مسلماً در وضعیت کشور ایران و در وضعیت جنگ جهانی سوم و نسلهای آینده ایران يك تأثیر بسزائی دارد اما آنچه را که اینجا میگوئیم فقط برای نجات کشور و ملت ایران است والا ما نه نظری با انگلیس و

نه نظری بشوروی و نه سایر کشورها داریم مسا اینجا نستیم و میخوایم ایران را از این تضاد بین المللی حفظ بکنیم و همچنین سعادت نسلهای آینده ایران را تأمین نمائیم اگر در ادوار گذشته یعنی دوره دیکتاتوری يك قراردادی تجدید شد بنابه اقرار صریح امضاء کننده قرارداد و همچنین افرادی که الآن در مجلس هستند میگفتند که ما آنوقت آزاد نبودیم و وضعیت بین المللی اجازه نمیداد که حق ایران را تأمین بکنیم ولی امروز وضعیت بین المللی اجازه میدهد و دیگر بهانه ای از ما قبول نمیکنند و ما اینجا کاملاً آزادیم و باید منافع يك مشت افراد بدبخت و تراخی را حفظ بکنیم برای رسیدن باین منظور نباید هیچ چیز در نظر بگیریم بنده اگر قربانی بشوم این يك افتخار و مباحثاتی است برای من که در راه انجام وظیفه مقدس و خدمت بملت قربانی شده ام بنابراین آنچه را که میگویم بوجدان و شرافتم سوگند یاد میکنم خالی از هر نوع حب و بغض است نه نظرم اینست که با انگلیس وارد مخاصمه بشوم و نه با هیچ کشورهای دیگر بلکه قصد رهائی ملت ایران از این بدبختی است و هر روز آقایان ملاحظه میکنید که ما يك قدم بانقلاب نزدیکتر میشویم برای جلوگیری از انقلاب و جنگ جهانی بیائیم وجدان و شرافت را در نظر بگیریم و هر چه منافع ایران اقتضا میکند همان را تصویب بکنیم و فکر نکنیم که يك همسایه ای میرنجد یا میرنجد اما راجع بپیشنهاد هر پیشنهاد دهنده ای در کلیه کمیسیونها حق حضور دارد و موقعی که پیشنهادش مطرح است باید توضیح بدهد بعقیده بنده این پیشنهادات را بفرمائید چاپ بشود باختیار یکی یکی از آقایان گذارده شود خود آقایان پیشنهاد دهندگان هم برایشان بکوقت معین بکنند و بترتیب يك روزهای بخصوصی از طرف کمیسیون دعوت بشوند و بتوانند از پیشنهادی که کرده اند دفاع نمایند اگر متقاعد کردند اعضای کمیسیون

را که خوشبختی است و اگر متقاعد نکردند خودشان لااقل متقاعد شده باشند. بنده میخوام ضمناً عرض کنم که نفهمیدم حضور دولت برای چیست؟ زیرا مجلس منحصرأ یک وظیفه‌ای برای کمیسیون معین کرده که ما بنشینیم و خط مشی کار را برای دولت معین بکنیم آیا حضور دولت برای چیست و چه ضرورتی دارد البته اگر یک کمیسیون عادی مثل سایر کمیسیونها بود حق این بود که نماینده دولت حضور پیدا بکند و دفاع نماید ما اینجا نظر مشورتی نمیتوانیم از دولت بگیریم آنچه که اینجا پیشنهاد کردند و تصمیم گرفتند بمجلس میدهند و دولت مجبور است اجرا کند.

آقای امامی گفتند: بنده هم همان پیشنهاد آقای صالح را میکنم که امر بفرمائید پیشنهادات چاپ بشود و مطالعه بکنیم.

آقای فرامرزی اظهار داشتند: آقای صالح فرمودند آیا کمیسیون قرار داد ۱۹۳۳ را نافذ میدانند یا نه؟ حقیقت اینست که اگر مجلس و این کمیسیون نافذ میدانست اصلاً رویش حرف نمیزد حرف که میزند سر همین قضیه است راجع بملی بودن نفت که جناب آقای قشقائی پیشنهاد کردند حقیقت اینست اینجا که نشسته‌ایم ممکن است یک تصمیمی بگیریم که در وضع مملکت تأثیر عظیمی داشته باشد و حتماً تأثیر عظیمی دارد یا مثلاً اعلان میکنیم که صنعت نفت ملی بشود و این تصمیم را میگیریم و این امر عملی است و میشود آن روز روز عید ملی ما است یا اینکه تصمیم میگیریم و بعد هم نمی‌توانیم و از عهده بر نمیآئیم و تمام کارهای ما میخواهد این کار را سرسری نمیشود گرفت و در حیات ما تأثیر خیلی عظیم دارد من هنوز راجع بملی شدن صنعت نفت چیزی درست حالی‌ام نشده که این را میتوانیم ملی بکنیم یا نمیتوانیم؟ استدعائی که من دارم اینست که روی احساسات قطعی نرویم و زیاد فکر بکنیم اگر آقایان معتقدند

که این کار عملی است بما ثابت کنند و ما قبول میکنیم و اگر عملی نیست ممکن است این را بهانه قرار بدهیم برای اینکه یک پول زیادی بگیریم.

راجع به مخاصمه با انگلیس که صحبتی شد باید عرض کنم که دولت انگلیس در جنگ اول در دنیا مقتدر بود و عده زیادی از این آقایان که هستند با آن دولت عظیم که تمام قدرت دنیا دست او بود مبارزه میکردند دشمنی هم میکردند و هیچ چیز هم نشد حالا که دولت انگلیس در دو سه جای دنیا بیشتر اثر باطنی ندارد آن روزی که در فارس مستر چیک حکومت میکرد آن روز هم اشخاصی با انگلیسها مبارزه کردند و هیچ هم نشد تا اینکه حالا یک اشخاصی بنام متولی از آنها حمایت میکنند. البته برای آن نیست برای خاطر ملت و مملکت ایران است که ما میگوئیم مطالعه بکنیم.

راجع بحضور دولت بنده معتقدم که حضورشان بد نیست بلکه لازم است برای اینکه اینها که ایرانی هستند و بنظر من باشند بهتر است.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: این کمیسیون بفرمایش آقای مکی کمیسیونی است که در تاریخ ایران سابقه نداشته که یک همچو قدرتی بیک کمیسیونی داده بشود حتی نظرم هست در دوره پنجم مجلس در نهم آبان مجلس برخلاف وظیفه خودش یک رأی کودتائی داد که در دنیا اهمیت و سر و صدا پیدا شد و آن یک شاخه‌ای بیشتر از قدرت امروز این کمیسیون نبود و آن تغییر سلطنت قاجار بپهلوی بود اینست که ما قضیه را سرسری نباید فرض کنیم این تصمیمی که مجلس شورای ملی گرفته بر اثر مراسله مجلس سنا هیچ محتاج دخالت مقامات دیگر نیست و یک همچو قدرتی بکمیسیون داده شده ما باید مسئولیتها را توجه بکنیم و روی آن تصمیم بگیریم نکوئیم مانظری میدهم و مجلس هم تصویب میکند و میگذرد. بانظر جناب آقای رئیس هم که

فرمودند هر کدام جنبه مالیش و اهمیتش بیشتر است آن جلو بیفتد باید عرض کنم که این لایحه فقط جنبه اقتصادی مورد نظر نیست جنبه سیاسی بیشتر مورد توجه است یک پیشنهاداتی که جنبه مالیش را کم بکنند و جنبه سیاسی بنفع ما باشد من بآن عقیدهام بیشتر است بنده اطمینان میدهم این پیشنهادی که ما کردیم با این حکومتی که ما داریم عایدات ما بضرر هم برسد بهتر است زیرا من روی جنبه سیاسی رفتم و بنفع ایران است اگر یک کمپانی هم بیاید و صدی دوست بما عایدات بدهد و ما را اسیر و بنده بکنند این ارزشی برای ما ندارد. در این پیشنهادات من ندیدم کسی طرفدار بقاء قرارداد ۱۹۳۳ باشد پس یک قدر مشترک بین همه ما هست و این اختلافی نیست که در آن بحث بکنیم قرارداد ۱۹۳۳ بنظر ما و ملت ایران قراردادی غیر نافذ و در محیط غیر عادی تنظیم شده و طرف بحث و مذاکره ما نخواهد بود. موضوع ثانی ما میماند که آیا امتیاز اجنبی در مملکت ما با موقعیت سیاسی خطرناکی که امروز ایران دارد آیا صلاح است یا نه؟ ما اگر بخواهیم ایران را بحال بیطرفی حفظ بکنیم و طعمه یکی از همسایه ها نباشد باید دست خارجیها را از ایران کوتاه بکنیم و صلاح ایران نیست که اگر یک خارجی در ایران امتیاز داشته باشد بخارجیها اجازه بدهد خود سر در مملکتش هر کاری که میخواهند بکنند من روی این اصل میروم که این مملکت را بتوانیم بنام بیطرفی مثل یکی دو جنگ دیگر کنار بگذاریم و باید روی این موضوع تصمیم گرفته بشود آن وقت صاحبان پیشنهاد را هر کدام باید بنوبه دعوت کرد و روی آن بحث بکنیم و صورت مجلس بهمین ترتیب تنظیم بشود تا پیشنهادات طبع و توزیع گردد حالا نمایندگان دولت باشند یا نباشند من اهمیتی نمیدهم حتی اگر اشکال نکنید من خواهش میکنم به آقایان اجازه داده بشود هر کس میخواهد

بباید و حتی اطاقمان را عوض کنیم و برویم در اطاق جلسه خصوصی که بزرگتر است. **آقای سر تپ زاده اظهار داشتند:** اینکه جناب آقای مکی فرمودند موضوع دوست و دشمنی نیست این یک معامله ایست فروشنده و خریدار باید صحبت بکنند و توافق حاصل شود. اول باید روی قرار داد ۱۹۳۳ صحبت بشود که عمده او است پس از آنکه او رد شد سایر پیشنهادات خوانده میشود و تصمیم میگیریم حقیقتاً جناب آقای صالح خوب فرمودند که بایستی ابتداء کار کمیسیون معلوم و روشن بشود تشریف آوردن اعضای دولت هم واجب و واجب است برای اینکه مجری او است و ممکن است یک راهنمایی بکند.

آقای رئیس اظهار داشتند: اینجا بموجب پیشنهادی که ما دادیم یکی از امضاء کنندگان هم بنده هستم ما هم نظر سیاسی داشتیم هم نظر اقتصادی و هم نظر اصلاحی. از نظر اصلاحات مملکت بنده گمان میکنم که هر عملی که دولت امروز بخواهد بکند برای این مملکت مفید نیست یعنی امروز بیاید حالا منابع مثال عرض میکنم همین کاری که در بار کرده که املاک را واگذار بکنند یک عده زارع و پولش را خرج دیگری کنند این اصلاً آباد نمیشود بجهت اینکه این پولی را که از زارع و رعیت گرفتند دیگر آن زارع و رعیت بدیخت پولی ندارد که آباد بکند. چیزیکه امروز در مملکت ما میتواند بسیار مفید باشد اینست که آنچه را که حق ما است از محصول نفت بگیریم و خرج اصلاحات بکنیم امروز این بهترین و سریعترین راه برای اصلاحات است (اعضاء کمیسیون: صحیح است) (آقای قشقائی گفتند: بدست نوکرهای انگلیس یا نه بدست حکومت ملی؟) ما باید این پول را آنچه حق داریم بگیریم گرفتن این پول سبب میشود که آنها از سیاست خودشان هم صرف نظر بکنند وقتی این پول را از آنها گرفتید دیگر صرف نمیکند آن سیاست را برای خودشان بکار برند.

اما اینکه فرمودید ما با دولت چکار داریم باید عرض کنم که ما با دولت سروکار داریم ما باید باین دولتی که از این مجلس رأی گرفته کار بکنیم بجهت اینکه اگر ما در این کمیسیون یک تصمیم گرفتیم و دولت گفت که ما نمیتوانیم این کار را بکنیم و واقعاً هم شاید حرفش صحیح باشد همانطور که آقای فرامرزی گفتند ما نباید یک تصمیمی بگیریم که فردا نتوانیم اجرا بکنیم این دولت مال ما است و ما مال دولت هستیم ما اگر امروز بیائیم این مسائل را کش بدهیم و بگوئیم مخالف هستیم این وقت ما ضایع میشود اینست که شخص بنده بمسئولیت خودم دعوت کردم نماینده دولت را که در اینجا تشریف داشته باشند و در کارهای ما دخالت بکنند و نظرشان را بدهند اینکه گفتید قرارداد ۳۳ را تکلیفش را معین بکنید این غلط است و اگر بفرض تصویب شد پیشنهاد صنعت ملی شدن نفت ازین میروود اصول پارلمانی این نیست بنده چه خبر دارم آقایان رأی مخفی میدهند و بنده چه میدانم چه رأی میدهند ممکن است تصویب شود پس اصول پارلمانی اینست که هر پیشنهادی که اهمیتش بیشتر است و در مسائل مملکتی مهمتر است آنرا مطرح بکنند اگر آن پیشنهاد رد شد پیشنهاد دیگری مطرح میشود این طرز رأی گرفتن به پیشنهاد است بنده از نظر اینکه تشخیص دادم که پیشنهاد نمایندگان جبهه ملی از هر حیث بر صلاح مملکت است یعنی از نظر سیاست و فتنه که نفت جنوب ملی شد سیاست نفت جنوب از این مملکت میروود این پیشنهاد ماصدی صد است و فتنه که ما گفتیم صنعت نفت باید ملی بشود صدی صد برفع ملت ایران است پس از حیث سیاسی و اقتصادی این پیشنهاد ما برفع ملت ایرانست اینست که بنده یک سؤالی از جناب آقای نخست وزیر کرده ام و یک سؤال از جناب آقای شاعی کفیل وزارت دارائی که قرائت میشود:

اینک متن سؤال از جناب آقای نخست وزیر: ۱۴ بهمن ماه ۱۳۲۹ جناب

آقای رزم آرا نخست وزیر - اکنون که کمیسیون خاص نفت تشکیل و از طرف آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی پیشنهادهائی داده شده وظیفه کمیسیون اینست هر یک از آنها که بیشتر منافع ملت ایران را تأمین کند آنرا مقدم بشمارند باین معنی که تا پیشنهاد انفع بدلیل مسلم و قطعی رد نشود پیشنهاد بعد مورد بحث و شور قرار نگیرد نظر باینکه تعدیبات و مظالم شرکت نفت سبب شد که نمایندگان جبهه ملی در مجلس پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تقدیم مجلس کنند و جنابان آقایان بهبهانی - کاظم شبیبانی و اسلامی هم با این پیشنهاد موافقت و آنرا امضاء نمایند تا از معادن زرخیز نفت جنوب آنچه بیکانگن میبرند نصیب مردم بدبخت این مملکت بشود و از عدم رضایتی که بواسطه فقر و فاقه در تزیاید است بکاهند.

نظر باینکه با اطلاعات شخصی و وسائلی که در اختیار دولت است آنجناب بیش از هر کس واقف بوده و بهتر میتوانند حقایق مستور را بر کمیسیون روشن نمایند لذا اینجناب از آنجناب دوسؤال میکنم:

اول - آیا دولت جناب شما ولو با کمک متخصصین خارجی قادر است که از معادن نفت جنوب بهره برداری کند یا نه؟

چنانچه جواب این سؤال منفی است علل آن را مرقوم فرمائید.

دوم - چنانچه دولت ایران هیچگونه تغییری در مشتریان نفت ندهد و کلیه محصول معادن نفت جنوب را بعد از وضع مصرف داخلی کماکان بادیول و بنگاهائی معامله کند که تاکنون با شرکت نفت معامله میکرده اند آیا ممکن است ملی شدن صنعت نفت ایجاد عکس العملی بکند یا نه؟ در صورت امکان توضیح فرمایند که عکس العملی احتمالی از چه قبیل و نتایج آن ممکن است چه باشد.

امیدوارم هر چه زود تر نظریات خود را مرقوم و با در کمیسیون شفاهاً بفرمایند تا هر تصمیمی که اتخاذ میشود برخلاف مصالح مملکت نبوده و باصلاح و صواب توأم باشد.

دکتر محمد مصدق

اینک متن سؤال از جناب آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی :

سؤال از جناب آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی :

چون گفته میشود که بحریه دولت انگلیس نفت مورد احتیاج خود را بدون پرداخت قیمت از شرکت نفت میبرد و در صورت صحت مبلغ مهمی بدولت ایران که در عایدات شرکت سهم و شریک است ضرر وارد شده برای اینکه معلوم شود این حرف تا چه اندازه صحیح است متمنی است مقدار نفتی که در یکی از سالهای اخیر مثلاً در سال ۱۹۴۸ بحریه دولت انگلیس برده و مبلغی که از آن بابت شرکت رسیده است در جلسه آتیه باستحضار کمیسیون برسانند.

دکتر محمد مصدق

آقای گنجه‌ای تذکر دادند : در دوره اول این کمیسیون جناب آقای دکتر

مصدق اگر خاطر مبارک باشد ما بعد از اینکه دوسه ماه اینجا نشستیم و مطالعه کردیم منتهی شد بآن تصمیمی که گرفتیم و صدی هشتاد نفوذ کمیسیون از لحاظ گرفتن رأیی بود که باتفاق آراء گرفته شد. حالاهم باید سعی بکنیم که این دفعه هم تصمیم کمیسیون باتفاق آراء باشد و تمام افراد این کمیسیون عاری از نظرند و این پیشنهادات تمامش خوب است. بعضی ها محتاج به اینست که توضیحات بدهند بایستی این پیشنهادات هر کدام خواننده بشود و توضیحاتشان را بدهند بعد شاید همانطور که اینکار را کردیم و از تمام آنها یکی را اتفاق کردیم بآن رأی بدهیم این عقیده من است. بفر پیشنهادهای که ما بتوانیم بیشتر منافع مملکتمان را بگیریم بآن رأی خواهیم داد و شاید خود جنابعالی پس از حصول این جواب معتقد شدید که عملی شدن نمیشود. بنده خودم یک پیشنهادی

تهیه کرده بودم که نظایر آن اینجا هست و عقیده ام اینست که جنابعالی موافقت بفرمائید همانطور که در دوران اولیه این کمیسیون تمام پیشنهادات را خواندیم و حالیه هم چون فرصتی داریم بنا بر این اجازه بفرمائید آقایان پیشنهاد دهند گان بیایند و توضیحاتشان را بدهند و آقایان دیگر هم اگر مطلبی دارند آنها هم دعوت بشوند که هر مطلبی دارند اینجا بگویند و در موقع رأی دادن هم مثل دوره گذشته باتفاق رأیمان را بدهیم.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند : نمایندگان جبهه ملی بهیچوجه از پیشنهاد خود صرف نظر نمیکنند و تا حد امکان برای تصویب آن مبارزه خواهیم کرد فرمایشی که فرمودید برای موقعی است که نمایندگان جبهه ملی از پیشنهاد خود صرف نظر بکنند و تصمیم بگیرند که مجموع پیشنهادات آقایان نمایندگان را با هم تلفیق کنند وقتی نمایندگان جبهه ملی بهیچوجه حاضر نشوند از پیشنهاد خود صرف نظر کنند لازم بود که بنده از دولت سؤال بکنم و دولت نظریات خود را اظهار کند و حقایق را بر ما نمایندگان که غیر از صلاح و صرفه ملت نظری نداریم روشن گردد اگر دولت بگوید نمیتوانم نفت را بحساب ملت اداره کنم البته باید دلالتش را هم بگوید اگر دلالت دولت صحیح بود هیچکس نمیتواند منکر حرف حساب شود و ما هم از شما برای اینکه پیشنهاد ما رأی ندهید نمیرنجیم ولی اگر دولت دلالتی نداشت و شما پیشنهاد ما رأی ندادید نزد ملت گناهکارید سیاست شرکت نفت تمام امور اقتصادی و اجتماعی این مملکت را بکلی فلج کرده است و راه نجات مملکت فقط اینست که صنعت نفت ملی شود اگر دولت را دعوت نمیکردیم مطلب روشن نمیشد هر یک از آقایان محترم هزار جور فکر میکردند که آیا چه خواهد شد بنده بمسئولیت شخص خود نماینده دولت را دعوت نمودم که نظریات خود را اظهار کند و بعد از آنکه مطالب روشن شد آنچه را

که وجدان بما امر میکند اجرا کنیم .

آقای فرامرزی اظهار داشتند : صحبتهاىکے اینجا میکنیم بنده تصور میکنم که فقط از لحاظ این باشد که اذهان روشن بشود و مقصود گرفتن يك حرف و جواب دادن نیست . بنده معتقد هستم بعد از نامه جناب آقای دکتر مصدق که با آقای نخست وزیر نوشته اند خیلی از این پرده هائیکه در جلو چشم ما تاريك است بر خواهد داشت و برای ما روشن میشود (آقایان اعضاء کمیسیون : صحیح است .) با اینحال چون صحبت میکنیم تذکراتی را بنده لازم میدانم عرض کنم .

چیزیکه بنده تصور میکنم و ذهنی بعضی ها است و از فرمایش جناب آقای حائری زاده هم اینطور فهمیدم که اگر ما امتیاز نفت را لغو بکنیم در صورت وقوع جنگی جنگ از مملکت ما دور خواهد شد چون متفقین در اینجا منافعی ندارند که آنها برای از بین بردن منافع آنها بیایند بما حمله بکنند . متأسفانه باید عرض کنم این طور نیست . جنگ مثل آتش میماند که بيك طرفی که میرود هر چه جلوش باشد میسوزاند نه در هلند نفت بود و نه در سوئد صرفاً میخواهند بهم برسند و همديگر را خورد بکنند این محال است که ما تصور بکنیم که اگر در این مملکت يك نفتی نبود بما حمله نمیکنند .

جناب آقای دکتر مصدق فرمایشی راجع با اصلاحات کردند که نحوی عمل بشود که ما محصول نفت را بگیریم و خرج اصلاحات کنیم البته این بسیار صحیح است ولی آنچه ما میترسیم این است که این محصول فعلی هم از بین برود والا اگر ما میدانستیم که باید با طریق دیگری جز با شرکت نفت این مسئله را حل بکنیم چه بهتر بود .
فرمایش دیگر جناب آقای دکتر مصدق این بود که ما نمی توانیم از پیشنهادها

تلفیق بکنیم البته بطور خواندن نمیتوانیم ولی بنظر من مانعی ندارد که این پیشنهادها را بخوانیم و پیشنهادهای متفرق را هم مطالعه کنیم ببینیم از سه تا ده پیشنهاد يك مطلبش صحیح و نفع مملکت است و بهمین ترتیب يك پیشنهادی از آنها درست بکنیم .

ديگر اینکه فرمودید که پیشنهاد آقایان جبهه ملی صدی صد نفع مملکت است منبأ تذکر عرض کنم که الان آن منافعی که بمملکت عراق میدهند صدی هفتاد است یعنی صدی پنجاه حق الامتیاز و صدی بیست هم بابت عوارض چیزهای دیگر میدهند که میشود صدی هفتاد و حتی بعضی ها میگویند که آنها بتحرک انگلیسها بوده که آنها ديگر صرفه شان نکند که نفت بفروشند و بازار را از دست آنها بگیرند این سحت و سقمش را من نمیدانم ولی مطابق قراردادیکه با شرکت آرامکو بستند حق الامتیاز و عوارض صدی هفتاد میباشد . در خصوص نامه ايکه مرقوم فرمودید در صورتی که ما بدانیم دولت ایران میتواند اداره بکند ولو آنکه فعلاً منافع ما کمتر باشد بنده خودم حاضر هستم که زیر بیرق شما سینه بزنم که باید صنعت نفت ملی بشود اگر دولت بگوید که میتوانم اداره بکنم تا دو میلیون کمترش هم راضی میشویم (آقای رئیس اظهار داشتند : استدعا میکنم تا ۵۰٪ درصد کمتر از عایدات فعلی هم بما بدهند راضی بشوید .) بنده از عکس العمل آنهم نمیترسم (آقای ناصر ذوالفقاری گفتند : بالآخر از اینکه حالا میکنند ديگر کاری نمیتوانند بکنند) آنچه بنده شخصاً میترسم اینست که پوست کنده بگویم که ما نتوانیم اداره کنیم یعنی من از آن میترسم همین حالتی را که در کارخانه ها و معادن ماست در آنجا هم جاری بشود یعنی مجبور بشویم که ما وضع يك مالیاتی بکنیم که از آن مالیات صرف اداره آنها بکنیم (آقای رئیس اظهار داشتند : حالا چه جور اداره میشود ؟) يك کسانی استخراج میکنند و پولی هم

بما میدهند (آقای رئیس اظهار داشتند: ما هم متخصص میاوریم) آنطوریکه جنابعالی عقیده تان اینست که صد درصد بنفع ملت است این صد درصد ذهنی ما شده است ما که نمیتوانیم اداره بکنیم اگر جنابعالی ما را حالی بکنید و معتقد بشویم که صدمه ای بمملکت ما نمیخورد ما هم موافقیم. بنده خودم مادام که عقیده ام بیک چیزی نباشد امضاء نمیکتم در هر صورت معتقدم که جواب نامه جنابعالی خیلی از قضایا را برای ما روشن خواهد کرد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده صدی صد اطمینان میدهم که این نفت از چاه بیرون خواهد آمد و احتیاج طرف مقابل سبب بیرون آوردن نفت از چاه میشود.

آقای ذوالفقاری گفتند: بعقیده بنده اختیارات کمیسیون سابق محدود بود و نمیتوانستیم وارد در چیزهای دیگر بشویم اما اختیاراتی که حالا داریم نا محدود است همانطور که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند حقیقتاً با ارضاع و احوال امروزی بنده از دو نظر نگاه میکنم یکی جنبه سیاسی و دیگری اقتصادی. جنبه سیاسی را بنده کاری ندارم اما جنبه مالیش با این تحوّل که حالا شروع شده مسلماً برای مملکت اهمیت دارد برای اینکه امروز فکر کردند که با فروش اراضی سایر امور مملکت اصلاح خواهد شد و منهم با این نظر موافقم ولی برای فروش پول لازم است بنا بر این باید برویم روی جنبه مالی این موضوع یعنی من موافق با پنجاه درصد این نیستم همانطور که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند باید صد درصد بدهند از طرف دیگر با مذاکراتیکه در کمیسیون شده و میشود بنظر بنده هم قرارداد ۱۹۳۳ لغواست خود آنها هم میدانند (آقای اللهیار صالح گفتند: یعنی باطل است) پس باید برویم روی یک چیزیکه صد درصد برای ما منافع داشته باشد پس باید ملی کنیم اما ترس از اینست که نتوانیم اداره بکنیم

در صورتیکه ما متخصصین حسابی داریم آلان مهندس حسینی متخصص این کار است و دارد گرسنگی میخورد باید پیشنهاد را از تأمین منافع صد درصد شروع کرد و روی آن رأی گرفت من مبینم آلان مملکت احتیاج مبرم از لحاظ مالی دارد و ما باید روی منافع زیاد برویم و هیچ ملاحظه جنبه سیاسی را نکنیم.

موضوع دوم اینست که یک قضیه ای بر ما روشن نشد و آن عده شرکت های تابعه است (آقای مکی گفتند: ۲۳۷ شرکت تابعه شرکت نفت ایران و انگلیس در تمام دنیا است) بنده استدعا میکنم از آقای کفیل وزارت دارائی که دستور بفرمایند صورت اسامی و سهام و عایدات آنها را تهیه و در جلسه بعد باعضای کمیسیون داده شود و من از امروز اسم آنها را نفت ایران میگذارم.

آقای مکی اظهار نمودند: یک مقداری از عرایض مربوط بیاسخ جناب آقای فرامرزی و یک مقدار هم در تائید اظهارات جناب آقای ذوالفقاری است من میخواستم اولاً از وزارت دارائی و نماینده دولت سؤال بکنم که قیمت نفت در خلیج فارس و مدیترانه تنی چند است و اگر نمایندند بنده عرض بکنم سرمایه تمام شرکت نفت انگلیس و ایران در بیلابنی که داده شد دوست و هفت میلیون لیره است.

قیمت هر تن نفت استخراجی در ایران چقدر برای شرکت تمام میشود.

مجموع فروش شرکت نفت صرف نظر از ۹ میلیون تنی که ببحرین انگلیس بشمن بخش میفرودند یا بجانمی میدهند آنها را حساب کنیم نتیجه میگیریم که جناب آقای فرامرزی بیخود نگران هستند که ما نمیتوانیم آن را اداره بکنیم مجموع تمام سهام شرکت نفت با ۲۳۷ شرکتی که در تمام دنیا دارد عبارت از دوست میلیون لیره یعنی برابر با استخراج چهارده ماه نفت ایران است سی میلیون تاسی و یک میلیون تن در سال شرکت استخراج

خواهد کرد هر تن در خلیج فارس در حدود چهار لیره (آقای صالح گفتند: مهندس حسیبی ۵ لیره حساب کرده) چهار لیره و ۱۳ شلینگ و در مدیترانه هفت لیره و ۱۳ شلینگ چهارده شلینگ از این لیره را حق عبور از کانال سوئز میگیرند.

ما سی میلیون تن استخراج داریم سی میلیون چهار لیره قیمت خلیج فارس است و ۱۲۰ میلیون لیره میشود قیمت هر تن استخراج از ۱۶ شلینگ تا يك لیره در ایران تمام میشود ما فرض میگیریم يك لیره و نیم آنطوریکه آقای نخست وزیر گفتند که ما نمیتوانیم کارخانجات خودمان را اداره بکنیم همان کارخانه سیمان سه میلیون و نیم استفاده داشته پس از وضع مخارج ما سی میلیون يك لیره و نیم قیمت تمام شده داریم بنابراین ما میتوانیم این سرمایه درست و چند میلیون لیره ایکه در ۲۳۷ نقطه دارد در ظرف ۱۴ ماه سرمایه آنها را مستهلك کنیم در صورتیکه ۶۰ میلیون لیره بابت حسابهای معوقه و ۶۰ میلیون تومان بابت مالیات بنزین از متفقین طلبکار هستیم و اما آقای فرامرزی فرمودند ممکن است استخراج این منابع نفتی از بین برود - دنیای امروز سی میلیون تن نفت را نمیتواند از جای دیگر استخراج بکند الان يك منبعی وجود ندارد که سی میلیون تن نفت را استخراج بکند مجبور هستند که اگر تنی ۵۰ لیره هم شده پول بدهند و ما استخراج بکنیم این يك رقم عمده است که دنیا نمیتواند از آن صرف نظر بکند آنها مجبور هستند حتی مهندسین مجانی هم باختیار دولت ایران بگذارند برای اینکه بتوانند بازار دنیا را اداره بکنند پس منابع نفتی ما نه تنها نخواهد خوابید بلکه همه نوع کمکی دنیا بما خواهد کرد فرانسه - سوئیس - ایتالیا و حتی امریکا احتیاج دارد شصت درصد از استخراج مواد نفتی را خود امریکا مصرف میکنند و اما ما نمیخواهیم که این نفت را تری بیاندازیم در حدود ۷۵ میلیون تن تنها بحریه انگلیس احتیاج دارد و ما حاضریم با قیمت

عادلانه بخود آنها بفروشیم و همین مهندسینی که الان بکار مشغولند استخدام میکنیم بنده عقیده ام اینست حالا شرکت شروع کرده بحقه بازی در دنیا و در روزنامه های اروپا انگلستان و ایران شروع تبلیغات سوء علیه افراد ایرانی که حاضر شدند منافع ملت ایران را تأمین کنند نموده و حتی نوشته اند که این انگشت شورویها رویش است و تبلیغات میکنند که نمایندگان جبهه ملی و کلای کمیسیون که این انگشت روس بوده است بنده میخواستم استدعا بکنم اساتید فهمیده و افراد وطن پرست در مجلس زیاد هستند همینطور قضات دادگستری و اعضاء کمیسیون نفت که دارند فداکاری میکنند از اینها فوراً چهارا کیپ تصمیم بگیرند و بروند با اروپا و تبلیغات کنند و بگویند که ملت ایران چرا میخواهد نقش را ملی بکند و يك یا چند تا از این تراخی ها را هم بردارند و ببرند تا کنون یکشاهی از این پولهای نفت بدرد مانخورده و این ۲۶۰ میلیون تومان که در سازمان بر نامه صرف شد اگر چهار تا سد میساختند خیلی بهتر بود ما میخواهیم که شرکت نفت در امور داخلی ما دخالت نکند و این پولیکه از این منبع بدست میآید بدست خودمان صرف سد سازی و کار های لازم بشود حالا که يك همچنین شهامت و رشادتی نصیب ما شده است از این احساساتی که بیدار شده اگر ما استفاده نکنیم از این خواهیم رفت . ما اگر در این جنک وارد یکی از این بلو کها بشویم ایران را خاکتر میکند .

بنده عراضم راجع بملی شدن صنعت نفت با دلیل ورقم همه را روی کاغذ ارائه میدهم و اما راجع بنامه جناب آقای دکتر مصدق با آقایان نخست وزیر و کفیل وزارت دارائی بنده میخواستم عرض کنم مگر آن روز وزیر دارائی و نخست وزیر در کمیسیون نیامدند اگر منظور اینست که نگذارند عقیده باطنی اعضاء کمیسیون ارائه بشود این يك امر است علیحده و اگر نظر ایشان را میخواهند همانست که پشت تریبون گفتند ملت

ایران لیاقت لوله‌نگ سازی را هم ندارد. بنده خودم را جای آقای سرتیپزاده میگذارم که باین دولت رأی داده‌ام ولی اگر نصف شب یکی بیاید بگوید این دولتی نیست که ساخته ملت باشد و این را خارجی آورده و بنفع خارجی خدمت میکند رأی خود را پس خواهم گرفت.

آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی اظهار داشتند :

مطلب است وقتیکه تصمیم قانونی گذشت و قرار شد که این کمیسیون تشکیل و باهمان اختیارات وارد صحبت بشود بنده تصور می‌کردم که در کار این کمیسیون مطالعه زیادی لازم ندارد و کمیسیون خودش تصمیم می‌گیرد و بدولت ابلاغ میکند و دولت هم مأمور اجرای اوامر مجلس است و اگر هم برخورد باینکه اجرا نمیشود مشکل کار را میگوید و اگر کمیسیون ضرور دید که قبل از گرفتن تصمیم دولت را بخواهد که دولت هم می‌آید و چون امر جناب آقای دکتر مصدق رسید شرفیاب شدم. شرفیابی من برای اینست که اگر توضیحی ضرورت پیدا کند و اطلاعی آقایان بخواهند بدهم اما بنده میبینم که در مسائل بعضی اشکالاتی پیش می‌آید که ایجاد اشکال برای بنده که نماینده دولت هستم میشود اینست که استدعا میکنم اگر صحبتی روی رقم میکنیم این ارقام متکی بیک چیز صحیحی باشد ما در رقم خیلی دقیق نیستیم اگر صحبت در ارقام میکنیم این ارقام را ببریم روی مأخذهای صحیح که قایل گفتن باشد و اگر کمیسیون احتیاج داشته باشد بیک ارقام صحیحی این را بفرمائید تا ما تاجائیکه میتوانیم تهیه و بیاوریم. مطلب دیگر بحث در دولت است من عضوی از دولت هستم و معتقدم که ۹۱ رأی هفته پیش باین دولت داده شده حالا بنشینیم و بشنوم که این دولت را کی آورده و چه شده این تصدیق میفرمائید که تولید اشکالی برای من میکند

اینست که استدعا میکنم برای رفع این اشکال مطلب را روی دولت تبرید بلکه مطلب را روی نفت برده و بنا بر این بحث را روی دولت و افراد قرار ندهید. عرض سوم من راجع بفرمایشی بود که فرمودند خزانه که نمیتواند بدهد صحیح است که ما بک ثروت سرشاری در دستمان نیست ولی این قدرها هم محتاج نیستیم. موضوع دیگر فرمودید که دولت گویا املاک را میخواهد بخرد و تقسیم بکند تا آنجا که من اطلاع دارم همچو چیزی نبوده است (آقای ذوالفقاری گفتند : عمل بدی که نمیکند پولش را اول باید تأمین بکنند) این مرقومه جناب آقای دکتر مصدق را بنده در جلسه دولت بجناب آقای نخست وزیر تقدیم میکنم و این را بجلسه بعد معین فرمودید بنده میترسم تا جلسه بعد دولت نتواند جواب بدهد و دوسوال است که باید مطالعه بکند و میخواستم استدعا کنم که اگر ممکن است این جواب را محدود بوقت بفرمائید.

آقای خسرو قشقائی اظهار داشتند :

از جرأید دیدم نوشته بود که این کار باین آسانی نیست که یک کمیسیون و چند نفر و کیل بتوانند این را ملی بکنند بنده اینجا عرض میکنم که تا اشخاصیکه علناً مخالفت خودشان را اظهار نکرده‌اند مثل اینست که موافق هستند و از جناب آقای مکی هم خواهش میکنم که بدولت حمله نشود برای اینکه آن سوابق گذشته و من امیدوارم که اعلیحضرت همایونی هم نظر صریح خودشان را راجع بکار نفت اظهار فرمایند (آقای حائری زاده و سایر آقایان اعضاء گفتند : ایشان مسئول نیستند و ممکن است که یک نظری بدهند که باعث شود عده ای بمخالفت ایشان برخیزند) بسیار خوب دولت مطیع مجلس است و اگر نمیتواند نظریات مجلس را اجرا بکند باید باز کر دلیل بگوید و مجلس را قانع کند.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: اینکه بنده عرض کردم کمیون رویه‌اش روی دو اصل مسلم بشود برای تسریع کار بود و من خیلی خوشوقت هستم از اینکه مذاکرات امروز نشان میدهد اعضاء این کمیسیون معتقد هستند که قرارداد ۱۹۳۳ نافذ نیست و باطل است (آقایان اعضاء کمیسیون: صحیح است) و یک نفر هم مخالف ندارد و بنده اتخاذ سند میکنم. لذا بعد از این هر پیشنهاد که مطرح میشود ما میتوانیم بگوئیم که پیشنهادات نباید طوری باشد که قرارداد مزبور را نافذ بشناسد و یکی هم موضوع تسلط بیگانگان بر منابع نفت ایران بود که با مصلحت هست بانیست و ما روی این موضوع باید صحبت بکنیم و پس از اینکه از طرف کمیسیون مخصوص نفت جواب منفی باین سؤال داده شد اتخاذ تصمیم راجع به پیشنهاد جبهه ملی آسان خواهد بود. اما راجع بنامه جناب آقای دکتر مصدق بنده هم در بدو امر از مندرجات آن قدری متعجب شدم و چون بواسطه اینکه اطباء ملاقات معظم له را ممنوع نموده قبلاً در این خصوص صحبت نشده نمیدانم چه چیز باعث گردیده از دولتی که رویه‌اش بر همه ما مسلم است و آن اظهارات را در دوره سابق این کمیسیون و همچنین در مجلس شورای ملی و سنا نموده است این سؤالات را بفرمایند ولی چون ب فکر و مال اندیشی جناب آقای دکتر مصدق ایمان دارم یقین است مصلحتی در این کار بوده که اقدام بسؤال فرموده اند و در عین حال چون از افکار و نظریات آقایان نمایندگان محترم اعضاء کمیسیون هم اطلاع دارم یقین است آقای نخست وزیر این دفعه نیز موفق نخواهند گردید که اعضاء کمیسیون را تحت تأثیر اظهارات ناروا بیاورند.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده میخواستم استدعا کنم از رفیق عزیزم آقای مکی همانطور که جناب آقای دکتر مصدق در جلسه قبل اظهار فرمودند در قسمت

دولت يك حرفهای زنده گفته نشود و يك قسمت مذاکراتی امروز از طرف آقایان ذوالفقاری و قشقائی شد راجع بتقسیم املاك (آقای قشقائی گفتند: بنده راجع بتقسیم املاك حرفی نزنم) میخواستم استدعا کنم که قضیه املاك را وارد مذاکره نفت نکنند (آقای ذوالفقاری گفتند: صحبت این بود که میخواهند وضع آشفته این مملکت را خراب بکنند کفتم پولش را تأمین بکنید) بنده در هفت آسمان يك ستاره ندارم ولی با تقسیم این املاك مخالفم. بنده برای رفاه حال زارعین يك پیشنهادی دارم که در موقع خودش تقدیم میکنم. همه آقایان را من وطن پرست میدانم و اعضاء دولت هم وطن پرست هستند دولتها که نمیخواهند مال این مملکت را بخارجیها بدهند.

آقای مکی تذکر دادند: جلسه آینده روز شنبه بشود پیشنهادات چاپ و توزیع شود.

جلسه یکساعت و يك ربع بعد از ظهر ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و هشتم

بیست و هشتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت قبل از ظهر روز شنبه

۲۹/۱۱/۲۱ بریاست آقای دکتر مصدق و آقایان اعضاء بشرح زیر:

آقایان: سرتیپ زاده - حائری زاده - خسرو قشقائی - گنجهای - دکتر علوی - اللهیار صالح - فقیه زاده - پالیزی - مکی تشکیل گردید.

ابتدا صورت جلسه قبل قرائت و آقای خسرو قشقائی در مورد قسمت اخیر بیانات خود راجع بانظار نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه در مورد نفت اینطور توضیح دادند که مقصود بنده از نظر اعلیحضرت همایونی راجع به نفت این بوده است که

چون ایشان مستقیماً بدون نظر قبلی مجلس بر خلاف دوره‌های گذشته رئیس دولت را تعیین و بمجلس معرفی فرمودند مثل اینست که عملاً اضافه بر سلطنت مسئولیت را هم بعهده گرفته‌اند و از این جهت بود که عرض کردم در این صورت نظر خودشان را بفرمایند و یا اجازه بفرمایند که رئیس دولت با رأی تمایل مجلس بمجلس بیاید تا همانطور که آرزوی ملت ایران است مقام سلطنت از هر نوع مسئولیتی برکنار باشد. پس از توضیح آقای قشقائی چون دیگر اعتراضی بصورت جلسه نبود بتصویب رسید.

آقای فقیه زاده تذکر دادند: در جلسه قبل آقای مکی و سایر آقایان ضمن فرمایش خودشان از حضرت تعالی اجازه خواستند که آقایانیکه پیشنهاد داده اند دعوت بکنیم و بیایند در اطراف پیشنهادات خودشان توضیحات بدهند و مورد موافقت هم واقع شد.

آقای رئیس متذکر شدند: که اینطور مذاکره شد که ابتدا پیشنهادات مهم مذاکره بشود و پس از اینکه آنها مطرح و مورد مذاکره قرار گرفت و تکلیفش معلوم گردید بسایر پیشنهادات دیگر بپردازیم بنا بر این وقتی باید آقایان دعوت بشوند که پیشنهاداتشان مطرح بشود.

آقای قشقائی اظهار داشتند: از طرف کمیسیون که از دولت نمابنده خواسته شده بود گویا فقط آقای کفیل وزارت دارائی و آقای فرمانفرمایان را فرستاده اند بطوریکه سابقه دارید در دوره گذشته کمیسیون مخصوص نفت آقای دکتر بیریا که حقیقتاً شخص وطن پرست و مطلعی هستند و از وجودشان ما استفاده میکردیم و در جامعه هم خوشنام هستند بهم آقباان هم در دوره اولیه کمیسیون ثابت شد که ایشان مردی

بی نظر و منافع مملکت را بر نظریات دولت ترجیح میدهد ایشان می‌آمدند و خوبست ایشان هم در این کمیسیون حضور بهم رسانند.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: برای آمدن یا نیامدن نماینده از طرف دولت نه فایده و نه ضرری قائل نیستم زیرا ما از آنها اگر اطلاعاتی بخواهیم بگیریم همان اطلاعاتی است که از آنها گرفته‌ایم و اگر هم اطلاعات بیشتری داشته باشند همانطور که آنوقت ندادند حالا هم نمیدهند. ما باید خودمان روی این موضوع صحبت بکنیم. راجع بعملی شدن نفت دیدم بعضی‌ها صحبت میکنند که ما مخالف نیستم البته همه ایرانی‌ها میل دارند که عایدات بیشتری نصیب ایران بشود اما آیا عملی هست یا نیست بنده میخواهم بطور مقدمه يك مطالبی عرض بکنم که اگر اجازه میفرمائید وارد بحث بشویم.

آقای مکی تذکر دادند: يك چندتا تلگراف باسم جناب آقای دکتر مصدق رسیده که آقای رئیس فرمودند این تلگرافات خوانده بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده تصور میکنم باید منتظر جواب دولت شد (آقای حائری زاده گفتند: شاید تا یکماه دیگر دولت جواب ندهد) اگر دولت جوابی برای ما نیورد نامه‌ای می‌نویسیم که مامنتظر جواب شما بودیم و چنانچه تا جلسه دیگر جواب ندادید خود کمیسیون تصمیم بگیرد.

آقای حائری زاده گفتند: من وجود و عدم دولت را علی السویه میدانم. **آقای قشقائی اظهار کردند:** بنده در جلسه گذشته عرض کردم که باز هم تکرار میکنم و آن اینست که باید کاری کنیم که حقیقتاً موجب رفع سوء تفاهم بین دولت و مردم شود که بالنتیجه بین مردم و دولت حسن نیت و حسن همکاری ایجاد شود تا موجب تأمین منافع بزرگ و ملی گردد و نباید کاری کرد که ایجاد تعصب نماید در ممالک مترقی

دیگر دولت یعنی بر گزیده ملت هر کاری که دولت میکنند مثل اینست که ملت کرده است. مثلاً در بلژیک که يك مملکت کوچکی است رئیس الوزرای آنجا در نطق های خود دوستی دولت خود را با انگلستان اعلام میکند و تمام مردم از آن پشتیبانی میکنند. من معتقدم که در این کمیسیون باید يك محیطی بوجود آورده که خالی از غرض باشد و بین اعضای خودمان هر کس هر عقیده ای که بنظرش می آید بدون نگرانی اظهار بکند و روی آن بحث کنیم تا مثل دوره اول کمیسیون بالا نفاق يك رأیی بدهیم که برفع مملکت ما باشد و بیش از این هم عرضی نمیکنم و امیدوارم که همه موفق بشویم بدون اینکه ایجاد عصبانیتی بشود.

در این موقع ساعت یازده و چهل دقیقه آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی در جلسه حضور پیدا کردند و در جواب سئوالی که در جلسه قبل جناب آقای دکتر مصدق از ایشان کرده بودند چنین اظهار داشتند.

آقای شعاعی: از تحقیقاتی که در اینجا از شرکت نفت شده و در لندن هم تحقیقاتی کرده اند نتیجه بدست نیامد و معلوم شد که شرکت نفت با بحره انگلستان و نیروی هوائی آن کشور چه نوع معامله ای میکند.

آقای مکی سؤال کردند: حدودش را هم نمیتوانید حساب کنید روی محاسبه تن آژسهای ۴۲ و ۴۱ نفت استخراج شده که مدیترانه در آنوقت بواسطه تحت البحرهای آلمان اشغال بوده از روی تفاوت آن با سالهای دیگر میتواند حساب بکنید.

آقای شعاعی در جواب اظهار داشتند: استنباط را نمیشود مأخذ عمل قرار داد ولی اطلاع دقیقی که بشود داد ما نداریم.

آقای رئیس سؤال کردند: آقای نخست وزیر جواب نفرستاده اند؟

آقای شعاعی اظهار داشتند: آقای نخست وزیر الان در مجلس سنا هستند یادداشتی در این خصوص میفرستم خدمتشان.

پس از ارسال یادداشت و وصول جواب.

آقای شعاعی اظهار داشتند: آقای نخست وزیر مرقوم داشته اند که جواب را ظرف فردا یا پس فردا میفرستم.

آقای مکی گفتند: بنده دو خبر مهم دیشب خواندم که از لحاظ کار کمیسیون نفت خیلی اهمیت دارد یکی اینکه ارتش انگلیسها از مصر خارج شده و دیگری رأی اعتمادی بود که در انگلستان راجع بملی شدن صنایع فولاد گرفته شده است.

در این موقع جلسه ساعت ۱۲ (ظهر) ختم گردید و جلسه آینده بروز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۲۵ دو ساعت و نیم قبل از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه بیست و نهم

بیست و نهمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت و نیم بظهر روز چهارشنبه ۲۹/۱۱/۲۵ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی و آقای فرمانفرمائیان رئیس اداره امتیازات نفت و با حضور آقایان اعضاء بشرح زیر: آقایان: گنجهای - بهبهانی - اللهیار صالح - ناصر ذوالفقاری - دکتر هدایتی - دکتر علوی - دکتر کاسمی - سرتیپ زاده - فقیه زاده - پالیزی - حائری زاده - مکی - خسرو قشقائی تشکیل گردید.

ابتداء صورت جلسه قبل قرائت و **آقای مکی گفتند:** سؤال جناب آقای دکتر

مصدق از دولت این بود که این نفت را مجانی میبرند یا بیک قیمت کمی میبرند و در هر دو صورت برای ما مهم است و استنباط ما اینست که این نفت را مجانی میبرند و از لحاظ صدی بیست یک خسارت کلی است که ضرر ملت ایران میشود. پس از تذکرات ایشان چون اعتراضی بصورت جلسه قبل نبود بتصویب رسید.

سپس آقای شعاعی نامه جوایبه آقای نخست وزیر را بکمسیون تقدیم و بشرح زیر قرائت کردید:

بتاریخ ۲۹/۱۱/۲۴ شماره ۴/۴۶۱۶ - جناب آقای دکتر مصدق رئیس کمسیون محترم نفت مجلس شورای ملی - عطف بنامه مورخه ۲۹/۱۱/۱۴ لزوماً تصدیق میدهد: اصولاً منظور نظر دولت در تمام شئون کشور اعم از مالی یا سیاسی حداکثر استفاده ممکنه از منابع ثروت کشور و حفظ حیثیات جامعه ملت ایران است و تا اقتضای امور کشور را دارد بهترین وضع ممکنه این منظور را عملی خواهد نمود.

اما آنچه راجع به پیشنهاد آقایان نمایندگان سؤال شده است طبق نظامنامه داخلی مجلس و اصول مقرره اگر طرحی از طرف بعضی از آقایان نمایندگان تقدیم و مورد توجه اکثریت مجلس شورای ملی قرار و مطرح گردد دولت پس از مطالعه جهات فنی و مالی و سیاسی و مصالح عمومی کشور آنچه را لازم دانست و نظری در تکمیل یا اصلاح آن داشته باشد بعرض مجلس شورای ملی میرساند ولی نسبت به پیشنهاداتی که بعضی از آقایان نمایندگان تقدیم میدارند برخورد آنها است که توضیحات لازم را داده و اکثریت کمسیون یا مجلس شورای ملی را قانع فرمایند خاصه نسبت بمطالب مهمی که در حیات کشور تأثیر بسزائی داشته و پس از بررسیهای دقیق فنی - مالی - اقتصادی - سیاسی میتوان تصمیمی اتخاذ کرد در صورتیکه پیشنهادی مورد توجه قرار

گرفت البته وظیفه دولت خواهد بود نظر خود را که مسلماً بر پایه حفظ منافع کشور و متضمن خیر و صلاح ملت ایران است باطلاع مجلس شورای ملی برساند. معیناً برای اینکه دولت بتواند توضیحات جامعی را بعرض کمسیون برساند لازم است کمسیون طرق و نظریات مختلف را مورد دقت و مطالعه قرار داده و در صورت ضرورت اطلاع دهد تا اینجانب نیز در کمسیون حضور بهم رسانیده نظریات و مطالعات دولت را بعرض نمایندگان محترم برسانم. نخست وزیر اعضاء رزم آرا

آقای رئیس اظهار داشتند: دعوت جناب آقای کفیل وزارت دارائی البته روی پیشنهاد بنده بود و ایشان تشریف آوردند جواب آقای نخست وزیر هم قرائت شد میخواستیم ببینیم اگر آقایان سؤالی از دولت دارند بفرمایند و اگر ندارند چون آقایان در مجلس سنا کار دارند ممکن است تشریف ببرند تا ما مسائلشان را حل بکنیم.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده میخواستم از آقای شعاعی سؤال کنم که ایشان میتوانند آن نظریاتی که آقای نخست وزیر در نامه شان اشاره کرده اند بدهند یا نه؟

آقای شعاعی در جواب اظهار نمودند: که سؤالی شده است و جوابی هم نوشته اند البته از آنچه در خاطر ایشان هست بنده اطلاعی ندارم و اگر لازم باشد ممکن است خودشان تشریف بیاورند و توضیحی که ضروری است بدهند ضمناً آخرین ترانامه شرکت که آقای حائری زاده خواسته بودند خدمتشان تقدیم میکنم.

آقای قشقائی گفتند: اگر کمسیون صلاح بداند و آقای رئیس هم اجازه بدهند خوبست آقای نخست وزیر تشریف بیاورند و نظریات خودشان را بدهند چون نظریات

ایشان مأخذی برای مذاکرات ما خواهد بود و این نامه‌ایکه نوشته‌اند برای عمل کمیسیون کافی نیست.

آقای گنجه‌ای سؤال کردند: که در یکی از این پیشنهادات اشاره کرده که ما هر تن استخراج را ۱۲ شیلینگ طلا بگیریم بنده می‌خواستم دقیقاً آقایان معین بفرمایند که ۱۲ شیلینگ طلا معادل چند شیلینگ است.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: این موضوعی که من پرسش می‌کنم آقای فرمانفرمائیان می‌توانند موجداتی فراهم بکنند بانه راجع به پیشنهادمان ما یک مصلحتی از نظر صلح جهانی برای ملی شدن داریم و بوضعیت خودمان باقی هستیم ولی برای اطلاع سایر آقایان من لازم میدانم دو سه جمله دیگر از آقایان بپرسم چون هر روز دنیا یک وضعی پیدا میکند، محیط دنیا هر روز یک حکمی پیدا میکند این قرارداد اخیری که شنیدیم در روزنامه‌ها امریکائیها با این سعود بستند این را اگر سوادش را آقایان داشتند و برای اطلاع ما می‌فرستادند شرایط و مقرراتش را روشن میشدیم که محیط دنیای امروز چه ایجاب میکند برای ما خیلی مفید بود. این نظری که ما برای ملی شدن صنعت نفت داریم فقط برای نظر منافع نیست من شخص خودم این حساب را می‌کنم که ایران از قدیم یک شعاری داشته که در موارد اختلافات دنیا رویه بیطرفی را برای خودش اختیار میکرد در جنگ بین المللی سابق نظر من هست که رجال آن خیلی بحث کردند و مرحوم مستوفی الممالک اعلان بیطرفی را اعلام کرد و این برای آتیه ما مفید بود زیرا اگر ما در یکی از صفوف داخل شده بودیم امروز اسم ایران در دنیا نبود. برای حفظ بیطرفی ما باید رویه‌ای اتخاذ بکنیم که همسایه‌ها و دول ذی نفع را از خود مطمئن بکنیم که ما آلت دست خصم شما نیستیم اگر توانستیم این اطمینان را بدهیم ممکن

است بیطرفی خودمان را حفظ بکنیم و این بیطرفی ما برای طرفین مفید است زیرا یکی از همسایه‌های ما روسیه است و اگر او مطمئن باشد که ایران پایگاه خصم او نیست و مواد خام ایران را دشمنان او نمی‌برند برایش منفعت دارد که بیطرفی ایران را محترم بشمارد و قوای خودش را در سرحدات و مرزهای ما بکار نبرد و این قوا را که باید برای سرکوبی در سرحدات ما معطل بکنند آنها را در جاهای دیگر استفاده کند. انگلستان و امریکا خودشان معترف هستند که اگر خدای نکرده در ایران جنگی پیش آمد کرد و ایران میدان جنگ شد آنها نمیتوانند این فلات و کوهستانها را بنفع خودشان محفوظ نگاهدارند و اینجا را یک مرکزی بدتر از کره قرار خواهند داد و دستگاه نفت را هم آتش خواهند زد. اگر مطمئن بشوند که ایران آلت دست دشمن آنها نمیشود این دستگاه نفت هم موقعیکه جنگ شد خراب نمیشود و این ذخیره‌ای میماند برای بعد از جنگ که دنیا از آن استفاده بکند. برای خود ما هم صد درصد روشن است که ما یک مشت مردم ضعیف و بیچاره در این فلات هستیم با این ثروت سرشاری که داریم ممالک شرقی خاصه مالکی که منابع نفتی دارند این یک طعمه‌ایست آنها خیلی میل دارند که این طعمه محفوظ بماند و هر کس فاتح شد از این طعمه بی‌دردس استفاده کند. ما اگر بتوانیم خودمان را از این غوغای دنیا کنار بکشیم که هم بنفع ما و هم بنفع طرفین است و برای حفظ بیطرفی چاره‌ای غیر از این نیست که دست اجانبی که در اینجا امتیاز دارند کوتاه کنیم. بنده دیدم کمپانی نفت چندین قبل نوشته بود که ما فرودگاه لازم داریم در تهران کمپانی نفتی که در جنگ دوم بقوای ایران حمله کرد در آبادان ذخایر جنگی داشت و بقشون ما حمله کرد این کمپانی یک کمپانی ساده نیست و تحت اختیار ما نیست که هر چه گفتیم اجرا بکنند این یک کمپانی است که

برادر بزرگتر یا کوچکتر او این بلارا بسر هندوستان آورده ما اگر امروز يك امتیازی بدهیم و یا دو سال پیش داده باشیم این خطر گره هم برای ایران هست برای حفظ صلح جهان من واجب میدانم که خارجیها در مملکت ما هیچ امتیاز نداشته باشند، امتیاز روسها راجع بشیلات ۱۸ ماه دیگر بیشتر باقی نمانده این بالای کمپانی نفت جنوب که بتمام شئون اجتماعی و اقتصادی ما دخالت میکند باید يك روزی شرشان را بکنیم من این قرارداد را که خواستم برای اینست که آقایان مواد و مقررات آنرا توجه بکنند و روشن بشوند. البته ما خیلی ضعیف هستیم اما اگر يك حرفی بزنیم که ضرری هم برای آنها نداشته باشد پیشرفت خواهیم کرد و بیطرفی ایران صد در صد به نفع روس است برای اینکه مطمئن باشد که ایران پایگاه خصم او نشود او از ما که نمیترسد و وحشتی هم ندارد وحشت او برای اینست که مبادا ما پایگاه به انگلیس یا آمریکا بدهیم و همچنین برای انگلیس و آمریکا منافع جنگی دارد ما هم که نمیتوانیم جنگ بکنیم زیرا ملتی که از دولتش ناراضی است جنگ نخواهد کرد و ما این را در جنگ دوم امتحان کردیم و در عرض یکساعت قشون ایران متلاشی شد برای اینکه از حکومت خود ناراضی بود و ممکن نیست که از قشون توقع داشته باشیم که مدافع باشد آنها برای کی؟ برای روس یا انگلیس. موقعیکه ما پل پیروزی شدیم دیدید که چه بلائی بر ما آوردند و هیچ مصالحتمان نیست که وارد سیاست کشمکش جنگجویان دنیا بشویم و باید امتیاز اجنبی را بهر اسم و رسمی که در مملکت ما حقوق و مزایایی داشته باشند لغو بکنیم میتوانیم اداره بکنیم و اگر نتوانستیم از سایر ممالک دیگر استخدام می کنیم. موقعیکه روسهای تزاری از اینجا رفتند و بانکهای خودشان را بما واگذار کردند ما بانکیر نداشته دیدیم که اداره کردیم و يك عده مشخصین آلمانی هم آوردیم و آن اساس هنوز دارد میچرخد.

این عمل از نظر سیاست هیچگونه محذور ندارد و از نظر اقتصاد برای ما منفعت دارد و اگر رجال ما يك رجال نابلیق امروز نبودند و طرف اعتماد بودند که هر چه ایران میگوید راست میگوید خودشان معتقد میشوند. از اینجهت من تقاضا دارم که آن صورت را بیاورید تا مقایسه قرار بدهیم ببینیم که يك کمیانی که ۵۰ سال در این مملکت است و ه دانگ تمام سرمایه او امروز ملك ایران است و طبق امتیاز داری فقط يك دانگ از آن موجودی که دارد مال شرکت است برای ما روشن بشود و لازم میدانم که این قسمت را بیاورند و مقایسه کنیم.

آقای فرمائیر مائیان در جواب اظهار داشتند: که يك قسمت عمده فرمایشات آقای حائری زاده جنبه سیاسی داشت که جواب آن از عهده بنده خارج است و يك قسمت هم مربوط به ملی شدن نفت بود که آقای نخست وزیر جواب داده اند. دو نکته بود که بنده جواب میدهم یکی راجع بقرارداد عربستان سعودی بود که این قرارداد را ما تا بحال نتوانستیم اصل و متن آنرا بدست بیاوریم و من هر چه در اینخصوص تلاش و سعی کردم تا کنون نتوانستم بدست بیاورم (آقای صالح سؤال کردند: سفارت ایران در واشنگتن مراجعه فرموده اید؟) بلی بآنجا هم مراجعه شده و تا کنون موفق نشده ایم. (آقای صالح تذکر دادند: بعقیده بنده بانکهای طرف ایران در آمریکا و بانک ملی در مرکز از هر دستگاهی مؤثر تر است جناب عالی بوسیله کنسولگری ایران بخواهید ممکن است بدست بیاید.) البته باهر وسائلی که در دست داریم اقدام میشود. دیگر اینکه آقای حائری زاده فرمودند که شرکت نفت تقاضای فرودگاه در تهران کرده معمولاً تقاضاهایی که راجع باراضی میرسد نزد بنده میآید ولی چنین چیزی را من ندیدم. (آقای قشقائی گفتند در جنوب غیر از اینست هر جارا میخواهند متصرف میشوند و بعد مالکین را میآورند و از آنها سند میگیرند.)

راجع به موضوع ۱۲ شلینگ که آقای کنگه‌ای فرمودند تصور میکنم مربوط به پیشنهاد آقای جمال امامی است ماده ۲ و سه پیشنهاد مزبور را قرائت و توضیح دادند در اینجا دو موضوع است اول تضمین طلا که آنهم ممکن است قیمت طلائی باشد که دولت انگلیس از امریکا بیک نرخ معینی بین خودشان توافق کردند این را در امریکا ۳۵ دلار برای هر انس طلا و در انگلیس ۲۴۸ شلینگ است از قرار معلوم در عربستان این موضوع را حذف کردند و قیمت طلا را حاضر نشده‌اند در قرارداد جدید به ۱۲ شلینگ حساب بکنند این ۱۲ شلینگ طلا با قیمت ۲۴۸ شلینگ برای هر انس طلا ۲۵ شلینگ کاغذ میشود.

آقای صالح اظهار داشتند: قیمت آزادش را هم بفرمائید.

آقای فقیه زاده گفتند: آقای مکی در چند جلسه اولیه ضمن توضیحاتی که فرمودند این قیمت طلا را گفتند ۳۵۰ شلینگ. (آقای مکی جواب دادند: بازار آزادش ۳۵۰ شلینگ است).

آقای فرمانفرمایان گفتند: در صورتیکه قیمت آزادش را حساب بکنید بجای

۳۵ دلار هر انس طلا در بازار آزاد ۳۸ دلار قیمت داشت فقط سه دلار تفاوت داشت ولی اخیراً یک مختصری ترقی کرده و در ۴۱ دلار است که در این صورت اگر ۴۱ دلار حساب بکنیم تفاوت معامله $\frac{1}{8}$ بیشتر میشود یعنی نسبت ۳۵ به ۴۰ و ۱۲ شلینگ ۲۵ یا ۲۶ شلینگ کاغذ میشود و در بازار آزاد ۲۸ الی ۳۰ میباشد.

آقای صالح تذکر دادند: بنده اخطار نظامنامه ای دارم همانطور که در جلسه

اول عرض کردم اگر ما یک قاعده‌ای برای صحبتیمان اتخاذ نکنیم مطالبمان خیلی طولانی خواهد شد اینست که استدعا دارم یک قاعده‌ای برای مذاکره جناب آقای رئیس تعیین بفرمایند مثلاً راجع به نامه آقای نخست وزیر اگر بایستی بحث بشود که وارد بحث

شویم و اگر بحث نمیشود بفرمائید چه موضوعی بحث میشود بنده دو چیز را تقاضا کردم که خوشبختانه يك قسمت آن موضوع نافذ قرار ندادن قرار داد ۱۹۳۳ بود که بتصویب رسید. موضوع دوم تسلط بیگانگان بود که بصرفه کشور میدانید یا نه؟ اگر این موضوع مباحثه و مطلب حل بشود ادامه کار ما خیلی آسان خواهد شد و بسته بنظر ریاست محترم است.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنده عرایضم در پیرو فرمایشات آقای

صالح بود. جناب آقای دکتر مصدق يك سئوالی از آقای نخست وزیر و آقای کفیل وزارت دارائی فرمودند که آقای کفیل وزارت دارائی در کمیسیون در جواب سئوال ایشان يك بیاناتی کردند و آقای نخست وزیر هم امروز نامه‌ای فرستاده‌اند که قرائت شد. بعقیده بنده اول کسی که باید در این موضوع صحبت بکند خود جناب آقای دکتر مصدق است چون ایشان سئوال کرده‌اند و بفرمایند که این جواب ایشان را قانع کرده است یا خیر؟ شاید ایشان با همین نامه قانع شده باشند. اینست که بنده استدعا میکنم بفرمایند آیا این نامه جواب سئوال ایشان هست یا نه و توضیحات کفیل وزارت دارائی وافی بمقصود بوده یا نبوده است تا کمیسیون بتواند وارد در مسئله بشود.

آقای مکی از نماینده دولت آقای فرمانفرمایان سئوال کردند: مقدار

استخراجی نفت عربستان سعودی در سال چقدر است؟

آقای فرمانفرمایان جواب دادند: صورتهای دقیقش را دارم ولی رقمش

را حفظ نیستم تصور میکنم امسال باید در حدود ۱۸ میلیون الی ۲۱ میلیون تن باشد.

آقای مکی تذکر دادند: بنده دو سه موضوع را برای روشن شدن آقایان

عرض میکنم یکی موضوع قرارداد عربستان سعودی است که آنها برای استخراج نفتشان در سال صد میلیون دلار میگیرند و بدینا اعلام کرده‌اند در سال ۴۹ برای ۱۷

میلیون تن و با فرض میگیریم ۱۸ میلیون تن صحیح باشد. استخراج منابع نفتی ایران در سال ۵۰ ممکن است به ۳۱ میلیون تن بالغ بشود محاسبه اینکه آقای فروهر کرده و در صورت جلسات منعکس شد گفتند برای سال ۵۰ طبق قرارداد الحاقی در حدود ۲۵ میلیون لیره خواهند داد در صورتیکه عربستان سعودی برای ۱۸ میلیون تن صد میلیون دلار میگیرد این را مقایسه بفرمائید که اینها چند میلیون اضافه تر خواهند گرفت اما آقای فرمانفرمائیان فرمودند از قرارداد عربستان سعودی هیچگونه اطلاعی در دست نداریم در صورتیکه در جای دیگر گفتند که امریکا با عربستان سعودی موضوع تضمین طلا را از بین برده اگر اطلاعاتی ندارند چگونه تحصیل کرده اند که تضمین طلایشان را از بین برده اند و اگر اطلاع دارند و میخواهند مکتوم بگذارند تمیذانم علتش چیست؟ موضوع نفت بحریه انگلیس آنچه مهندسین ایرانی آنهاست که اطلاعات دقیقی داشتند و تایید حدودی هم اطلاعاتشان باحقیقت وفق میدهد بین ۵ تا ۸ میلیون تن مصرف بحریه انگلیس است و بسته بسالهای مختلف است و اگر ما معدلش را بگیریم در حدود ۶/۹ میلیون تن استفاده میکنند قیمتش را آنچه بنده استنباط کردم و آنچه جناب آقای دکتر مصدق در سؤالشان فرمودند در حقیقت مجانی است و این مربوط بدولت حاضر نیست از ۱۹۳۳ تا این تاریخ آنچه بحریه انگلیس مصرف کرده باید از بابت صدی بیست مطالبه تفاوت منافعمان را بکنیم و این حق مسلم ایران است. (آقای قشقائی گفتند: بسیار منطقی است) و اما موضوع دیگر موضوع قرارداد ۱۹۳۶ مصر است همین نحاس پاشا نخست وزیر مصر قرارداد ۱۹۳۶ را منعقد کرد و همین نحاس پاشا روزیکه در مصر دانشجویان مصری قیام کردند گفت اولین فردی که برای بیرون کردن قوای انگلیس از کانال سوئز کشته خواهد شد نحاس پاشا است بنده میخواستم از این پیش

آمدی که شده و همان عاقد قرارداد ۱۹۳۶ که ۵ سال دیگر هم بمدت آن باقی مانده برای ۵ سال باقیمانده بمدت قرارداد هم تأمل نکرده و آمده قرارداد را نقض کرده و دنیا هم از افکار عمومی مصر تقویت کرده و دولت انگلستان مجبور است که آن قرارداد را باطل شده تلقی نموده و ارتش خودش را بیرون ببرد. موضوعی که میماند خواستم جناب آقای سر تپیزاده توجه بفرمائید یکدفعه دیگر هم ایشان يك بیانی فرمودند و آن مسئله صلاحیت دولت است اینکه مباحث در صلاحیت دولت میکنیم دلیل بر این نیست که چون ما بدولت رأی داده ایم نتوانیم صحبتی در صلاحیت آن بکنیم ما همگی نماینده ملت هستیم ممکن است امروز بدولت رأی بدهیم و فردا يك عملی کرد و مثلاً آمد و گفت من میخواهم خوزستان را مجزی بکنم آیشما باز هم ۹۱ رأی با خواهید داد پس اگر بخواهیم راجع بصلاحیت دولت مذاکره بکنیم نیایستی کسی بر بخورد که چون دولت را یکدسته ای رأی داده اند ما نباید رویش صحبت بکنیم اینکه استیضاح میکنند در مجلس برای اینست که مجلس يك محکمه ایست و استیضاح کننده دلائلش را میگوید و دولت هم جواب میدهد اگر استیضاح کننده دلائل منطقی دارد البته محکمه دیگر بآن رأی اعتماد نمیدهد این رأی اعتماد در حقیقت رأی محکمه است.

یکی از مسائل مهمیکه بنده خیال میکنم کمیسیون مخصوص نفت بر عهده دارد همان موضوع صلاحیت دولت است همه آقایان توجه دارند که دولت روز اولیکه عوارض کمیسیون نفت شد چه جور بیان کردند و گفتند ما از این قال و مقالها نهایت استفاده را میکنیم و بعد هم اینجا هر چقدر اعضای کمیسیون نفت خواستند بگویند که دولت اگر محظوری دارد بیاید بگوید شانه خالی کرد تا کار کمیسیون باینجا کشیده شد و با اتفاق آراء این رأی را داد و خود آقای سر تپیزاده میدانستند که این رأی برخلاف نظر دولت است ولی وطن پرستی ایشان اجازه نداد که این رأی را ندهد اما دولت

برخلاف وظیفه‌اش عمل کرد و پیشدستی نمود اگر آمده بود و گفته بود که من استنباط کردم که کمیسیون نفت با این قرارداد مخالف است و تمام افکار عمومی با این مخالف است بنا بر این من می‌خواهم این را استرداد کنم و بروم يك قرارداد بهتری تهیه و بیاورم این يك وضعی داشت ولی دیدیم که دولت وقتی این استنباط را کرد علی‌رغم افکار عمومی و قریب با اتفاق مجلس و کمیسیون نفت آمد لایحه را پس گرفت و آنطور هم اهانت بملت ایران و مجلس شورای ملی کرد. اهانت بملت ایران کرد برای اینکه ملت ایران مخالف قرارداد است اهانت بکمیسیون کرد برای اینکه ۱۸ نفر رأی خودش را داده بود اهانت به مجلس کرد برای اینکه مجلس هم مخالف بود مجلس هم آمد و آن رأی اظهار تنفر را با استثنای يك نفر یا دو نفر تمام مجلس آن رأی را قیام کردند و مخالفی نداشت جز یکی دو نفر آنهم شاید آنها متوجه نشدند این دولت آمد هم بکمیسیون نفت و هم با افکار عمومی و هم بمجلس اهانت کرد و گفت مالیات اداره کارخانه سیمان را نداریم در صورتیکه کارخانه سیمان تا بحال خودش را اداره کرده و طبق نثر به اینکه مهندسین دادند چندین برابر قیمت خود را مستهلك نموده و در ۹ ماهه امسال ۳/۵ میلیون تومان هم استفاده کرده است و بعلاوه آن چندین کارخانه سیمان دیگر هم در شرف تأسیس است و اگر لیاقت نداشتیم که اداره بکنیم پس چرا این کارخانجات را وارد کردند و اغلب آن در شرف اتمام و بهمین زودی شروع بکار خواهد کرد.

این کارخانجات قندی که الان داریم روزاولی که این کارخانجات آمد غالب از مهندسین چک اسلواکی استخدام شدند ولی حالا همین کارخانه‌ها بوسیله مهندسین ایرانی اداره میشود و غالب شکر سازهای ما عمله ایرانی هستند پس ما استعداد داریم. آنوقت يك چنین دولتی که صراحتاً اظهار عقیده کرد و اظهار عقیده اودر خارج از ایران

بوسیله مخبرین خارجی منتشر شده و ایرانی را بی استعداد جلوه دادند و جداناً من سؤال میکنم که آیا يك همچین دولتی که چنین کاری را کرده اگر ما باز يك رأی با اتفاق بدهیم آیا چه اطمینانی دارید که باز این دولت بتواند نظریات ما را اجرا کند؟ آلان احساسات مردم بیدار شده و ما نباید بیائیم آنها را مأیوس بکنیم که اگر مأیوس بکنیم میگویند که راه ملی کردن در ایران مسدود است و باید با کمک يك دولت خارجی برویم نفت خودمان را ملی کنیم. در تمام متینك‌ها که در شهرستانها داده شده آقای نخست وزیر دستور داده اند که محصلین را بزنند و مرعوب کنند. اگر چند نفر را گرفتند و فشار آوردند آنها دیگر راهی ندارند و مجبور هستند تبلیغات حزب مخالف را قبول بکنند و خودشان را بدامان آنها بیندازند پس مصلحت هم ایجاب نمیکند که تمام افراد حساس این کشور را متوجه يك راههای دیگری بکنیم بنا بر این ما باید اول وارد در بحث صلاحیت دولت بشویم ببینیم دولتی که این اعمال را کرده و افراد شهرستانها را مرعوب و جلوه‌ها را گرفته صلاحیت دارد یا ندارد در صورتیکه بنده معتقدم بهترین سند افتخار و شرافت ایران همین ابراز احساساتی بوده که در شهرستانهای مختلفه ایران بروز داده شده ما اگر بخواهیم این احساسات را خفه بکنیم يك قدم بانقلاب و خطر نزدیکتر شده ایم این يك حقیقتی است و ما نباید این افکار را خاموش بکنیم و دو مرتبه بدولت مأموریت بدهیم که برود با شرکت نفت مذاکره بکند بعقیده بنده خطا است و ما باید اولین چیزیکه معین بکنیم صلاحیت دولت باشد و مسلماً بدولت حاضر اگر ما مأموریت بدهیم که باید صنعت نفت را ملی اعلام نماید چون ساخته و پرداخته ملت ایران نیست بفتح آنها قیام خواهد کرد و با افکار عمومی ملت ایران که طرفدار ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور است مخالفت خواهد نمود. بنا بر این دولت فعلی صلاحیت

هیچگونه مأموریتی را از طرف ملت ایران ندارد.

آقای فرمانفرمائیان توضیح دادند: که آقای مکی فرمودند ما ممکن است قرارداد عربستان سعودی را داشته باشیم و مکتوم بکنیم آقایان پرونده‌های نفت خدمت خودتان است و این امر برای من چه نفعی دارد که بخواهم مکتوم بکنم (آقای مکی گفتند: این قرارداد را یکماه و نیم پیش بسته اند و پرونده های نفت قریب هفت ماه است فرستاده اند) ما این اطلاعاتی را که کشف کردیم در یکی از آنها نوشته شده که تضمین طلا را حذف کردیم که خدمتتان عرض کردم راجع بمبالغی که فرمودند بنده توضیح مختصری عرض میکنم ۱۸ میلیون تن برای سال ۱۹۴۹ عرض کردم در صورتیکه در سال ۱۹۵۰ بیش بینی شده که سی میلیون تن استخراج دارد (آقای مکی گفتند: غیر ممکن است) با این کشیدن خط لوله ایکه یک متر قطر دارد چگونه محال است. امروز صبح یک اطلاعی بمن رسید که نفت کویت به ۲۰ میلیون تن رسید در صورتیکه سال قبل ۱۲ میلیون تن بود و این صد میلیون دلار پیش بینی است برای آن ۳۰ میلیون تن جنابعالی مقایسه ای راجع بقرارداد الحاقی فرمودید که این موضوع منتفی شده و اگر آقای فروهر این حساب را کردند بدون آن ۴ میلیون لیره بوده و بهتر است که قرارداد الحاقی را اسمش نیاورید. راجع ببحریه انگلیس بنده خیلی تعجب میکنم وقتیکه آقایان میفرمایند که ماهیچ نوع اعتراضی بشرکت نفت نکردیم در صورتیکه این ۲۵ ماده ایکه ملاحظه فرمودید این چکیده دست وزارت دارائی است این ۲۵ ماده اعتراضیه دولت اطلاعاتی است که در سالهای زیاد و با زحمات زیاد کسب کردیم و اینرا وزارت دارائی و اداره امتیازات نفت تهیه کرده و اعتراض نموده است نه فقط بحریه انگلیس قسمت هوایمائی انگلیس هم اعتراض کردیم. راجع ببحریه انگلیس آنچه که صادر

میشود ما حق امتیازش را وصول میکنیم (آقای مکی گفتند: بنده بیست درصدش را عرض کردم) آنرا هم اعتراض کردیم.

آقای مکی تذکر دادند: حقیقتش اینست که رفقای عزیزا در جریان بگذارم اینک فرمودید سی میلیون تن خود جنابعالی وارد هستید و محال است - یک چاه ایران برابر دوهزار چاهی که در ونزوئلا هست فشار دارد و نفت میدهد با این نفتی که چاههای ایران دارد شرکت نفت با این لوله کشی هائیکه کرده بیش از سالی سه چهار میلیون تن نتوانسته بمقدار صادراتش افزایش بدهد و وسائل ندارد (آقای فرمانفرمائیان گفتند: شرکت نفت ندارد عربستان سعودی که دارد) پس بنابراین حساب جنابعالی خیال میکنم که یک فرضی باشد (آقای فرمانفرمائیان گفتند: دفعه آتیه بنده صورت دقیق آنرا میآورم).

آقای خسرو قشقائی اظهار داشتند: بنده عقیده خودم را راجع بفرمایشات آقایان صالح - مکی - حائری زاده عرض میکنم فرمایشات جناب آقای حائری زاده بسیار منطقی و صحیح بود ولی از نظری برای ما که جزء ممالک کوچک هستیم هر کاری هم بکنیم چه برای روس و انگلیس و امریکا باز هر آن که منافعتشان اقتضا کرد که ما را از بین ببرند و البته باید نهایت کوشش بشود که بیطرفی ایران محفوظ بماند و حتی المقدور کاری بکنیم که بهانه‌ای بدست آنها ندهیم که زود تر وارد عملیات بشوند ولی بهر تقدیر هر وقت که منافعتشان اقتضا کرد بیطرفی ما را حفظ نکردند در جنگ اول روابط مردم با دولت خیلی بود و هر کس از افراد ملت مبارزات عظیمی با دولت انگلستان و ترکیه کردند و موفق هم شدند و ما باید کوشش کنیم که سوء تفاهم بین مردم و دولت روز بروز برداشته بشود این ممالکی که استعمار و استثمار میکنند اینها خودشان پول خرج میکنند که هر عملی که میشود بگویند نظر خود آنها بوده است و ما نباید خودمان باین موضوع

کماک بکنیم برای مملکت ما بزرگترین بدبختی ها اینست که يك کسی را که بخواهند معرفی بکنند میگویند مثلاً فلان شخص وطن پرست است در صورتیکه خوشبختانه در مملکت ما همه وطن پرست هستند و البته اگر يك صحبتی هم گاهی میشود این عقیده شخصی است. راجع بفرمایشات جناب آقای صالح بنده هم کاملاً موافق هستم موضوع قرارداد ۱۹۳۳ که اصلاً قابل بحث نیست و اما راجع بفرمایش دوم ایشان مسئله تسلط بیگانگان در ایران البته قابل بحث است و باید هر چه بیشتر در اطراف این موضوع بحث و مذاکره بکنیم و اما راجع بفرمایشات جناب آقای مکی باید عرض کنم که از فرمایشاتی که فرمودند بسیار استفاده کردیم در خصوص دولت که فرمودید بفرض اینکه همه متفق باشیم که این دولت نمیتواند حفظ منافع ایران را بکند بنظر بنده در شرایط فعلی هر دولت دیگری هم که بیاید همین حرف را بهشان خواهیم زد و بفرض اینکه آلمان بیایند بگویند که جبهه ملی که طرف اطمینان ملت است بگویند که دولت آقایان هستند من مبینم ۷۶ نفر بیشتر نیستند که دولت را تشکیل بدهند من فکر میکنم که در این موضوع زیاد اصرار نکنید و باید يك کاری بکنیم که اساس کار درست بشود. باید يك کاری بکنیم که وقتی پشت سر فلان کس صحبت میشود نگوئیم فلان کس وطن پرست است بگوئیم هموطن پرست هستند. همانطور که آقای مکی تذکر دادند البته باستی از این افکار عمومی استفاده کرد و آنرا مقدس شمرد ولی متأسفانه این افکار عمومی در ایران که در اثر این نطق های شدید ابراز میشود و در شیراز میتینگ میدهند بدون اینکه تهران خبر بشود باید ترسید که مبادا روزی بر علیه ما استفاده کنند همانطور که مادر چند سال پیش

دیدیم در مصر فلان رئیس الوزرای مصر که بزرگترین دشمن انگلستان است و قتیکه میمیرد انگلیسها برایش ختم میگذارند برای اینکه بدنامش کنند. در هر صورت ما که باین دولت رأی دادیم مطمئن باشید روزیکه بدانیم منافع مملکت ما ایجاب میکند که این دولت نباشد ولو بر علیه پدر یا برادر و یا فرزند خودمان هم باشد رأی مخالف خواهیم داد البته ما بدولت زیاد کاری نداریم جز اینکه یکمرتبه دیگر بدولت بگوئیم بیاید عقاید خودش را بگوید و تا دولتها در دست ما نباشد آن مقاصد عالی که هر ایرانی برای ترقی و تعالی ایران در نظر دارد نمیتواند عملی و اجرا شود.

آقای صالح تذکر دادند: راجع باداره امتیازات چون خودم مدتی وزیر دارائی بودم و متصدیان امر را از نزدیک میشناسم یقین دارم اعضای محترم کمیسیون نفت تقدیر میکنند خدمات و زحماتی را که اعضای اداره امتیازات نفت میکشند همه میدانیم این پرونده ها که اینجا آمده اداره امتیازات از لحاظ اداری آنچه وظیفه اش بوده انجام داده است و اگر سوء نیتی شده از قسمتهای بالا بوده و من خیلی متأسف هستم از اینکه آقای دکتر پیرنیا که در جلسات دوره اول کمیسیون حضور داشتند در اینجا تشریف ندارند. موضوع عربستان سعودی و قرار داد آرامکو که فرمودید ما نتوانستیم متن قرارداد را بدست بیاوریم خواستم تذکر بدهم که تنها متن قرارداد نمیخواهد باشد اگر چنانچه يك مطالب دیگر باشد که مربوط بهمین قرارداد باشد و بشود از آن مطالب استفاده نمود همان رفع احتیاج کار ما را میکند مثلاً بنده عقیده ام اینست از این مطالب مستخرجه از جراید امریکا و روزنامه های یاورید و از آنها میشود استفاده کرد موضوع دیگر راجع بصلاحیت دولت است و فرمایشات جناب آقای مکی را تصدیق میکنم - در موقعیکه ملت ایران مبارزه برای احقاق حق خودش میکند دولت

لااقل اگر مثل دولت مصر پیش نمی‌افتد و مبارزه بر لاملت نمیکند دیگر نباید مواعی ایجاد بکند. دولت فعلی بمأمورین خودش در ولایات دستور داده که از احساسات مردم جلوگیری بکند. بعقیده بنده برای اینکه زودتری ب نتیجه برسیم افراد کمیسیون نفت باید این موضوع را در خارج از کمیسیون نفت مطرح بکنند همانطور که ما این کار را راجع به عدم امنیت اجتماعی در خارج تعقیب و دولت را استیضاح کردیم و درخاتمه عراضم استدعایم را تکرار میکنم که آقایان مذاکراتشان را محدود بکنند و اگر چنانچه هر نفری از اعضاء کمیسیون محترم يك مباحثه‌ای در پیشنهادات بکنند هیچ‌جا نمیرسیم.

آقای سر تپ زاده اظهار داشتند: راجع بقرار داد ۱۹۳۳ همه اعتراض دارند و ملغی شده میدانند و عقیده‌ام اینست که در این قسمت رأی بگیریم (آقای اللهیار صالح تذکر دادند: چون مخالفی ندارد محتاج به رأی نیست) بنابراین در صورت جلسه قید شود.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده خواستم حضور آقایان عرض کنم که یکی دو جلسه بنده غیبت داشتم و در خارج يك صحبتی شده چون روزهای شنبه بنده دو ساعت درس دارم از اینجهت بود که نتوانستم ۳۰۰۲۰۰ نفر شاگرد را منتظر بگذارم در فرا کسیون هم صحبت شد که این طور پیشنهاد شده است که در نظر نیست صاحبان پیشنهاد را دعوت بکنند (آقایان اعضاء کمیسیون گفتند: اینطور نیست).
آقای رئیس اظهار داشتند: که بنده چون باید خیلی کم حرف بزنم باختصار نظر خودم را عرض میکنم:

همکاران بنده اصلاً عقیده بدعوت دولت نداشتند (صحیح است) ولی بنده شخصاً

چون هم عضو جبهه ملی هستم و هم رئیس کمیسیون که نمایندگان محترم دیگر هم بمن رأی داده اند البته میبایست رویه بیطرفی را اتخاذ بکنم یعنی فقط روی این اصل که نمایندگان جبهه ملی میل نداشتند دولت دعوت بشود نباشم و دعوت دولت را از دو نظر کرده باشم. رئیس هر کمیسیون یا رئیس هر محکمه میبایست برای رأی اعضای کمیسیون با محکمه مطالب را روشن بکند که در رأی تردید نداشته باشند این یکی از دلایل دعوت رئیس دولت بود. دیگر اینکه رئیس دولت يك اهانتی بملت ایران کرده بود که من خواستم بواسطه این دعوت رفع این اهانت بشود و سؤال بنده روی دو موضوع بود یکی اینکه شنیده میشود بحریه انگلیس از معادن جنوب ایران نفت میبرد و وجه نمیرد از دولتی جواب دولت بهیچوجه قانع کننده نیست زیرا لااقل میبایست استفاده بلاعوض را تکذیب کرده باشد. چون بنده سؤال کردم شنیده میشود که نفت را درازای وجهی نمیرد و اگر درازای پرداخت وجه میبرد در سالهای اخیر مثل سال ۱۹۴۸ چه مقدار نفت برده و چه مبلغ پرداخته اند این دو جواب داشت یکی اینکه دولت تکذیب میکند که نفت را مجاناً و بلاعوض نبرده اند اگر دولت تکذیب میکرد ما میگفتیم فقط از آن $\frac{1}{5}$ متضرر شدیم اما دولت بهیچوجه تکذیب نکرد و نگفت که آنها نفت را اصلاً بلاعوض نمیرند و چون این حرف را نزد پس احتمال قوی در بردن نفت بلاعوض میشود و اگر آنها نفت را بلاعوض برده باشند نه فقط $\frac{1}{5}$ یعنی صدی بیست از عایدات شرکت که حق ملت ایران است برده اند و بملت ایران نرسیده بلکه آن ۴ شیلینگ را هم پرداخته اند (صحیح است) پس وزارت دارائی هیچ جوابی که بنده را قانع نکند نداده است. نه گفت که آنها در مقابل پرداخت وجه نفت را میبرند و نه گفت

چه مقدار برده‌اند و چه مبلغ پرداخته‌اند (صحیح است) تصدیق میفرمائید که جواب آقای نخست وزیر بهیچوجه من الوجوه قانع کننده نبود بلکه این احتمالی که بنده میدادم در اینکه نفت را بلاعوض میبرند تقریباً قریب یقین شده است این راجع بسؤال اول و اما راجع بسؤال دوم بنده از جناب آقای نخست وزیر دو سؤال کردم اول اینکه دولت ایشان قادر هست که نفت را اداره بکند یا نه؟ اگر قادر است که صحبتی ندارد و اگر قادر نیست دلائل خودشان را بفرمایند. اگر ایشان میفرمودند که دولت من قادر نیست آنوقت بنده بایشان عرض میکردم پس شرکت نفت ایران را که اداره میکنند؛ چطور اداره میشود؟ این البته يك جوابی بود که اگر ایشان میگفتند بایشان میدادم. امروز بعد از ملاحظه مرقومه ایشان یقین و مسلم شد که این دولت قادر نیست نظریات ملی ما را تأمین کند زیرا اگر دولت قادر بود اینطور جواب میداد و طوری میگفت که اهانتی را که بملت ایران کرده بود جبران شود و یکی از دلائل دیگری هم که دولت را دعوت کردم این بود که کار مجلس سبکتر بشود چون برطبق یکی از اصول قانون اساسی موقعیکه گزارشی مطرح میشود نظریات دولت باید گرفته بشود و فکر کردم اگر دولت بیاید در کمیسیون نظرش را اظهار بکند کار ما سبکتر میشود ولی حالا دولت میخواهد نظر خودش را در مجلس بدهد و اینهم يك مسئله است و نمیشود دولت را مجبور کرد. البته دولت نظر خودش را در مجلس خواهد داد و نظر من این است پیشنهادی تهیه بکنم و در جلسه بعد تقدیم کنم اگر موافقت فرمودید همان نظری که جناب آقای صالح اظهار فرمودند یعنی روی يك موضوع مطرح شده مذاکره بشود تأمین خواهد شد (آقای مکی گفتند: نماینده دولت دیگر ضرورتی ندارد بیاید؟)

بهیچوجه دیگر حضور نماینده دولت برای کمیسیون ضرور نیست.

آقای صالح تذکر دادند: مانعی نیست که مدار کی را که خواستیم بدهند.

آقای فرمانفرمائیان گفتند: آنچه که راجع بجواب موضوع بحریه انگلیس

داده شده اگر ملاحظه بفرمائید ما نوشتیم از مقدار فروش و از مبلغی که از طرف بحریه انگلیس پرداخت میشود اطلاعی نداریم ولی برای ما محرز و مسلم است که همیشه دولت ایران از مقدار نفتی که صادر شده حق الامتیاز خودش را بر طبق قرارداد وصول کرده (آقای صالح گفتند: در تحت چه نظارتی این نفت استخراج شده) نظارت يك بحث دیگری است ولی در هر حال آن حق الامتیاز را گرفته‌ایم.

آقای حائری زاده بیان داشتند: من يك توضیح و يك استدعائی داشتم که

جلسه را برای غیر روز شنبه معین بفرمائید دوشنبه قرار بدهید که آقای دکتر هدایتی هم بتوانند بیایند.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: از قراریکه شنیده‌ام در کتابخانه اداره

اعتیازات يك کتابی است بانگلیسی راجع ببحریه انگلیس که قیمتی که بحریه انگلیس داده میشود چند است و از قراریکه ما شنیده‌ایم به ۳۰ شیلینگ است در هر تن امر بفرمائید آن کتاب را پیدا بکنند و ترجمه بشود و دفعه آتیه بیاورند اینجا.

آقای فرمانفرمائیان جواب دادند: ما اطلاعات پراکنده‌ای داریم و آن کتاب

را میبینیم اگر هست میآورم.

در این موقع جلسه ۲۰ دقیقه بعد از ظهر ختم شد و جلسه آتیه بروز دو شنبه

ساعت ۱۰ صبح موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی ام

سی امین جلسه کمیسیون مخصوص نفت یکساعت و نیم قبل از ظهر روز دوشنبه سی ام بهمن ماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقای فرمانفرمائیان و آقایان مشروحه زیر:

آقایان: گنجهای - بهبهانی - صالح - مکی - حائری زاده - قشقائی - دکتر علوی - دکتر کاسمی - ناصر ذوالفقاری - دکتر هدایتی - پالیزی - فرامرزی - فقیه زاده - سرتیپ زاده تشکیل گردید.

و ابتدا صورت جلسه قبل قرائت و بتصویب رسید و آقای فرمانفرمائیان تذکر دادند: که بنده با اجازه جناب آقای رئیس فقط برای استماع صورت جلسه قبل شرفیاب شدم.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: بطوری که خاطر آقایان محترم مستحضر است چون در جلسه پیش بنده يك سؤالی از دولت کرده بودم راجع ببحریه انگلیس که برای اطلاعات کمیسیون خیلی خوب است و قرار شد که نماینده دولت دیگر در کمیسیون حضور پیدا نکند اینک که آقای فرمانفرمائیان اینجا هستند و آن کتاب را که راجع ببحریه انگلیس مطالبی در آن نوشته شده پیدا کرده اند اجازه بفرمائید ایشان يك توضیحاتی در این خصوص بدهند.

آقای رئیس اظهار داشتند: خود دولت باید بفرستد.

آقای فرمانفرمائیان گفتند: علاوه بر آقای ذوالفقاری چند نفر از آقایان دیگر هم يك سؤالاتی کرده اند و آقای ذوالفقاری اطلاع پیدا کرده بودند که يك رساله ای نوشته و يك نظریاتی راجع بامتیازنامه نفت داده در سال ۱۹۳۱ یا ۱۹۳۲ و شخصی هم

که این رساله را نوشته خیلی مطلع بوده و با سرعت تمام هم نوشته است اسمی هم از خودش جا نگذاشته است.

آقای رئیس سؤال کردند: این کتاب است؟ (آقای فرمانفرمائیان جواب دادند: خیر ماشینی است) پس این سندیت ندارد يك کاغذیکه غیر رسمی است نه کتاب و نه مؤلف آن معلوم است سندیت ندارد و احتیاجی نیست که اینجا خوانده بشود.

آقای ذوالفقاری گفتند: این سندیت و با صلاحیت داشته باشد و یا نداشته باشد برای اطلاعات ما خوب است.

آقای رئیس توضیح دادند: يك چیزیکه مدرک ندارد چه کسی ضامن این حرف است ضرر یا منفعت هم داشته باشد کی میشود دولت باید بگوید قبول دارد یا نه؟ در این موقع آقای فرمانفرمائیان از جلسه خارج شدند و قرار شد در خارج کمیسیون جواب سؤالات آقایان را بدهند.

آقای رئیس اعلام داشتند: جلسه سرتی خواهد بود و از ساعت یازده و نیم تا یکساعت و نیم بعد از ظهر مذاکرات سرتی ادامه و جلسه آتیه بروز چهارشنبه دوم اسفند ماه ۱۳۲۹ پنج ساعت بعد از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و یکم

سی و یکمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه دوم اسفند ماه ۲۹ پنجساعت و نیم بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان: گنجهای، بهبهانی، صالح، علوی، سرتیپزاده، مکی، پالیزی، حائری زاده، فقیه زاده، عامری، قشقائی، دکتر هدایتی، دکتر کاسمی، فرامرزی، ذوالفقاری، دکتر شایگان، اعضای کمیسیون تشکیل

گردید. بدو صورتجلسه قبل قرائت و تصویب رسید.

آقای مکی گفتند: در جلسه گذشته کمیسیون جلسه مان سرّی بود و قرار شد راجع به پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق و یا مذاکره آنیکه شده کسی در خارج چیزی نگوید ولی متأسفانه روزنامه هائیکه طرفدار و ارکان دولت هستند انعکاس پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق را قلب کرده اند یعنی طوری وانمود کرده اند که برخلاف انتظارات جبهه ملی و شخص ایشان بود و اینکلی که ما همان روز پیشنهاد ایشان را بجا ندادیم. بنابراین ما ناچاریم از لحاظ روشن شدن افکار عمومی عین پیشنهاد ایشان را بتمام جراید بدهیم. اگر صحبت محرمانه بوده اخلاقاً رفقای ما حق نداشتند بجا نیاوردند و با اگر میگفتند درست میگفتند ولی قلب کردن و بدولت دادن و برعکس جلوه دادن این برخلاف جوانمردی است و یک حربه ناجوانمردانه ای بوده که نسبت بایشان اعمال شده است.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده خودم در یکی از جرائد دیدم که برخلاف انصاف نوشته اند از این جهت خواستم مردم تصور نکنند که ما جلسه سرّی کردیم که یک کاری برخلاف مصالح مملکت بکنیم. عین مذاکرات آنروز را که عرض کردم نوشته ام و باین پیشنهاد تقدیم کمیسیون میکنم که قرائت شود (آقای حائری زاده سؤال کردند: و از صورتجلسه شود؟) بلی در صورت مجلس نوشته شود.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده در جلسه گذشته میخواستم از حضور جناب آقای دکتر مصدق استعفا کنم که اجازه بفرمایند ما جلسه سرّی نداشته باشیم برای اینکه همانطور که آقای حائری زاده گفتند صلاح کمیسیون در این است که مذاکرات ما معمولی باشد و بعد بصورت کتاب یا نشریه ای منتشر بشود همه مردم بحسن نیت جنابعالی

ایمان دارند و از خدمات صادقانه جنابعالی در امصالح مملکت سپاسگزار و متشکر هستند و همه اعضاء هم میخواهند کم و بیش یک خدمتی بکنند و خوبست تمام مذاکرات ما غیر رسمی باشد تا این پیش آمد نشود.

در اینموقع نامه و پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق بشرح زیر قرائت گردید:
قبل از آنکه وارد اصل موضوع شویم و مطالبی که لازم میدانم بعرض کمیسیون محترم نفت برسانم نظر همگی آقایان را بیک نکته اساسی که در تأثیر اظهاراتم اثر بسزائی دارد جلب مینمایم و آن اینست که بگویند مطلب اگر خواهان کسب مال و یا مقام و یا بالاخره شهرت و عنوانی بوده باشد یا احتمال چنین نظریاتی در اظهارات او برود گفتار و استدلالش در شنونده تأثیر واقعی و شایسته را نخواهد داشت ولی وقتیکه اینجانب بواسطه کبر سن و ضعف مزاج میخواهم از دایره سیاست پای خود را خارج کنم البته چنین شائبه ای در خاطر آقایان راه نخواهد یافت و رجاء واثق دارم عرایضی که از دل برمیخیزد در دل همه آقایان تأثیری را که انتظار دارم خواهد نمود و توفیق حاصل خواهد شد که با روشن بینی کامل دست در دست یکدیگر داده و بعنایت خدای متعال کشتی آسیب دیده کشور را بساحل نجات هدایت نمائیم مخصوصاً اینکه ایرانیان شرافتمند و خدمتگزار جامعه در راه بهبود وضع ملت و اعتلاء ملک و مملکت همیشه همداستان و هم آواز بوده و در جائی که پای منافع عمومی در پیش است هیچ چیزی جز خیر و صلاح مملکت مورد نظر و توجه آنها واقع نشده است.

علاوه بر مراتب بالا که مربوط بخودمان است آقایان بایستی توجه داشته باشند که سیاست عمومی طرف دعوی ما یعنی شرکت نفت از دو حال نمیتواند خارج بوده باشد: حالت اول اینست که بین منافع ما و شرکت تضادی موجود نیست و سیاست آنها با منافع

میکند در این صورت جای بحث باقی نمیماند.

حالت دوم اینکه بین سیاست عمومی شرکت و منافع مافضادی موجود است و در این فرض یا غرض خاصی دارند و با در اشتباهند و در هر دو صورت ما نمیبایست هیچگاه منافع و مصالح ملت را تجدید به ایران را فدای اغراض و جهل آنها کنیم. پس ما بایستی متفقاً راه حلی قبول و تصویب نمائیم که منافع ملت ایران بجدا کثیر تأمین گردیده و حقوق قانونی شرکت نیز ضمن آن پایمال نگردد و آنها هم بحقوق حقه خود برسند.

در این ایام که موضوع نفت در مجلس شورای ملی ایران مطرح گردیده است چنین بنظر میرسد که دوستان غربی مایگانه راهی را که برای جلوگیری از عدم رضایت قاطبه ملت ایران پیدا کرده اند همان تقسیم املاک موقوفه پهلوی و املاک خالصه و بالاخره در مرحله سوم تقسیم املاک اربابی است.

در اینجا لازم است بعرض آقایان برسانم که این راه حل پیشنهادی با وجود ظاهر فریبنده آن کاری نیست که دوائی قطعی آلام کشور بوده باشد بلکه اجرای آن در وضعیت فعلی قضیه نفت بدون اینکه ناراحتی دهاقین را بطور کامل و در تمام مملکت تقلیل دهد اولاً باعث افزایش ناراضیاتی قسمتی از دهاقین که هنوز املاک بین آنها تقسیم نشده است میشود ثانیاً در صورت تعمیم تقسیم اراضی و املاک اعم از موقوفه و خالصه و اربابی نظر بتأثیر اقتصادی و اجتماعی این عمل در بین اهالی شهر نشین ایجاد مضیقه ها و ناراضیاتی هائی خواهد نمود که با توجه بشمرکز جمعیت بشوند عواقب وخیمتری برای کشور در برداشته باشد ثالثاً اگر فقط تقسیم املاک میتوانست دوائی درد های بی درمان کشور بوده باشد وضعیت خورده مالکین که هنوز هم قسمت مهمی از املاک را تشکیل میدهد بصورت رقت بار کنونی نبود. از توضیحات بالا نمیخواهم نتیجه بگیرم که تقسیم اراضی اعم از

دولتی و موقوفه و اربابی بین زارعین اصولاً صحیح نیست و با آنکه کاملاً بضرر کشور و مردم است بلکه میخواهم بگویم این عمل که دارای تأثیر اقتصادی و سیاسی مهمی است نبایستی با عجله و شتابزدگی و قبل از حل مشکلاتی که بوجود خواهد آورد اجرا شود و در هیچ حال نمیبایست بعنوان دوائی واقعی درد اجتماعی فعلی ما که فقر بیحد و حساب تمام مردم و فقدان وسایل کار است تلقی گردد.

مخصوصاً اینکه فقدان صلاحیت دولتهای تحمیلی باین کشور وضع امنیت جانی و مالی و قضائی ما را بجائی رسانده که نشو و نما و توسعه ابتکارات افراد بکلی از بین رفته است و چون هیچکس اطمینان با استفاده از دسترنج خود ندارد آن کوشش و صرف نیرو که شرط اساسی بهبودی اوضاع عمومی و بالا بردن سطح تولید است نمیتواند عرض اندام کند خاصه اینکه قدرت و اثر اجتماعی مالکین جزء هنوز کمتر شده و موجبات تعدی زورگویان و مأمورین غیر صالح و استفاده پرست فراهم تر خواهد گردید بدون آنکه مردم ملجاء و پناه لازم برای حفظ و صیانت حقوق حقه خود در اختیار داشته باشند.

بطور خلاصه تقسیم اراضی اگر عمومیت پیدا نکند خطر نا کثر و اگر هم عمومیت پیدا کند بدلیل فقدان امنیت قضائی نتیجه مطلوبه را بیار نخواهد آورد و دلیل اصلی آن وجود همین دولتهای دست نشانده اجنبی است که برای تأمین منافع دیگران بضرر ملت ایران روی کار آمده و از آنان آبادی مملکت و بهبود وضع قضائی کشور را نمیتوان انتظار داشت زیرا انجام این قبیل خدمات باعث العلل تحمیل این دولتها که خواب نگاهداشتن مردم برای چپاول منابع ثروتی آنها توسط بیگانگان و مشتی طفیلی داخلی است مبیانت دارد و بنا بر این ما که داعیه تأمین منافع کشور و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی این ملت ستمدیده را داریم بایستی برفع و دفع علت العلل بدبختیها که دولتهای ناصالح

فعلی عامل آن هستند دست بز نیم والیته تازمانی که خارجیان در این کشور منافی داشته باشند که در حدود دو برابر بودجه سالیانه کشور ماست انجام چنین خدمت و تأمین چنین منظوری جز خیال خام چیز دیگری نخواهد بود.

پس دلایل عدم موفقیت یکی وجود دولتهای ناصالح و در نتیجه فقدان امنیت قضائی و دیگری فقر عمومی و فقدان وسایل کار است که هر دو آنها را میتوان با (ملی شدن نفت در سراسر ایران) چاره جوئی اساسی نموده و از میان برداشت زیرا: اولاً انتزاع نفت ایران از دست يك شركت خارجی که توسط يك دولت سرمایه دار و متنفذی زیر پرده و حتی علناً حمایت میشود باعث خواهد شد عوایدی که بجهت سرمایه داران خارجی و دولت انگلیس میرود عاید دولت ایران گردیده و ارزش لازم برای جبران فقر عمومی و تأمین نیازمندیهای کشور از نقطه نظر وسایل کار و کارخانجات تولیدی فراهم گردد. ثانیاً در اختیار گرفتن نفت ایران با اعلام ملی بودن آن سبب قطع رشتههای امید يك دولت و يك شركت خارجی در ایران گردیده و دیگر منافع آنها اقتضا نخواهد داشت که تا این اندازه وسایل عقب ماندگی ما را فراهم کنند و در این صورت با توجه بیداری و مقاومتی که هم اکنون از طرف ملت ایران ابراز میشود دولتهای ما هم سرعت رو باصلاح رفته و تأثیر بهبودی آنها در تمام شئون کشور هویدا خواهد گردید. ممکن است پاره ای از آقایان نمایندگان چنین تصور فرمایند که بهتر از ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ایران همانا کنار آمدن بشركت نفت بر اساس شرایط مالی مناسبتر و دنیا پسندتری بوده باشد و یقیناً آقایانی که پیشنهادهائی در این زمینه داده اند جز تأمین منافع ملت ایران بهترین وجه نظری نداشته اند ولی این راه حلها بدلائیل زیر خطرناک و غیر قابل قبول است:

۱ - طرح پیشنهاداتی که هدف آنها افزایش میزان عواید کشور ایران بر اساس قرارداد ۱۹۳۳ باشد نتیجه اش تأیید آن قرارداد که بطلان آن مورد قبول همه آقایان است خواهد گردید و البته اثر این عمل مثل همان عمل الغاء قرارداد داری میتواند شوم و زیان بخش برای ملت ایران واقع شود.

۲ - بفرض اینکه چنین نتیجهای هم حاصل نشود اگر کمیسیون مننائی را برای ازدیاد عواید دولت معین کند تا دولت بر اساس آن بشركت نفت وارد مذاکره شود باز هم مردم عمل کمیسیون را عمل خیانت آمیزی خواهند شناخت زیرا معتقدند که چرا نباید تمام عواید حاصله از نفت که متعلق بماست عاید کشور ایران گردد و دیگران با استفاده از سهم بودن در جزوی از منافع حاصله از آن موجبات خسران کشور ما را مثل سابق با دخالتهای نامشروع خود فراهم آورند.

۳ - بفرض اینکه مردم چنین نسبتی باعضاء کمیسیون ندهند پیشنهاد مذاکره بر اساس افزایش حق السهم دولت ایران از منافع غیرخالص شركت که خطر آن را دارد که بطور ضمنی موجب تأیید قرارداد تحمیلی و باطل ۱۹۳۳ گردد برای شركت ایجاد هیچگونه الزامی نسبت بقبول آن نمیکند و شركت هم نتیجه مطلوبه خود را که تأیید قرارداد ۱۹۳۳ باشد بدست آورده است.

۴ - بنظر کارشناسان اقتصادی اگر پیشنهاد افزایش ظاهر الصلاحی که از طرف کمیسیون داده شده کاملاً مورد قبول شركت هم واقع شود چون موجب تنفیذ معایب اساسی قرارداد ۱۹۳۳ میشود باز هم علاوه بر کلیه مفاسد دیگر ریش دولت و ملت ایران باسنده قانونی جدید در دست شركت نفت و حامی آن افتاده و باز برای سالهای بسیاری قلابه بدبختی بگردن ملت ایران بسته خواهد شد.

۵ - با آنکه تصویب چنین مقرراتی مانع از آن نخواهد شد که دولت و ملت ایران در موقع دیگری سعی در اعلام ملی بودن صنعت نفت در سراسر ایران بنمایند ولی احتمال قوی میرود که دیگر موقعیتی مناسبتر از موقع فعلی برای تحصیل این حق مسلم بدست ملت ایران نبینند و اوضاع سیاسی جهان باین زودبها اجازه اینعمل منطقی وقانونی را بملت ایران ندهد و بنظر ملت ایران این بزرگترین خیانتی است که ممکن است مجلس شانزدهم و دولتهای فعلی نسبت بحقوق آن روا دارند.

۶ - مراتب بالا تازه بغرض اینست که شرکت نفت «سخ ماهیت نمود و برخلاف سابق دست از حساب سازی و بند و بخشش حق ملت ایران بدولت انگلیس وصاحبان سهام خود و تصبیح علمی حق محرز ایران بردارد و حال آنکه این تغییر ماهیت بطور یقین غیر ممکن بوده و در صورت انعقاد قرارداد جدیدی هر قدر هم که ظاهر آن پسندیده باشد باز حق کشور ایران پایمال شده و بلطایف الجیل کلاهائی را که تا کنون بدست دولتهای خائن بسر ایران گذارده اند در آتیه هم خواهند گذاشت و ملت ایران بهترین موقعیت بین المللی را برای احقاق حقوق حقه خود که اعلام ملی بودن صنعت نفت در سراسر ایران است از دست داده است در اینجا لازم میدانم که خاطرهای را که از واقعهای در طول جنگ بین المللی اول دارم بعرض آقایان محترم برسانم یکی از مستأجرین خالصجات دولت که میخواست بعضی املاک خالصه را بمیزان حدا کثر مزایده اجازه کند و صلاح دولت نبود روزی نزد من آمدو گفت حاضریم که این املاک را بهر مبلغ و مقداری که بفرمائید اجازه کنم مشروط بر اینکه در اجازه شرط آفت قید شود و البته مقصود داوطلب این بود که در موقع محصول ادعای آفت زدگی کند و کارشناسی که موافق با او باشد انتخاب کنند و مقدار مال الاجاره را بر طبق نظریات او نسبت بافت زدگی تعیین و تصدیق کنند.

آقایان درست توجه بفرمائید این معامله ای بود که یکنفر مستأجر املاک خالصه میتوانست با دولتهای ما بکند و البته در مورد شرکت نفت با توجه بعظمت عوایدی که نفت ما برای او دربر دارد واعمال نفوذی که با استفاده از تقویت يك دولت خارجی میتواند در دستگاه دولتی ما بنماید نتیجه عمل بر کلیه آقایان واضح و روشن است و احتیاج بتوضیح بیشتری نیست مخصوصاً اینکه قرارداد ۱۹۳۳ دست دولت ایران را از هر حیث بسته و يك شرکت با این قدرت مالی را در کلیه عملیات خود آزاد و مختار گذارده و تازه هم شرکت طبق تجربه و امتحان ۵۰ ساله و بخصوص ۱۸ ساله مدت قرارداد ۱۹۳۳ حتی هیچیک از مقررات قرارداد ظالمانه ۱۹۳۳ را نیز بطوریکه متعهد بوده است انجام نداده و ایجاد دعای فعلی دولت ایران را نیز نموده است. در اینجا لازم است نظر آقایان را بوقایع ماههای اخیر و پیشنهادات و کوشش های جبهه ملی معطوف داشته و بعرض آقایان برسانم که در پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران نمایندگان جبهه ملی بجنبه سیاسی آن بیش از جنبه مالی اهمیت داده اند و علت این بوده است که بعلم الیقین تمام ملت ایران بخصوص نمایندگان محترم مجلس و کمیسیون نفت میدانند که سرچشمه تمام بدبختی های این ملت ستمدیده همان وجود شرکت نفت است و بس و شاهد گویای آن وقایع و اتفاقات و بدبختی های پنجاه ساله اخیر ملت ایران وبخصوص وقایع دوساله اخیر این کشور و قتل ها وسوء قصد های متعدد میباشد. شرکت نفت با این تشبثات میخواهد همه مقامات را مرعوب خود نموده و فاسد کند و تقاضاهائی که داشته و دارد انجام گردد بدیهی است که امید ترقی کشور و بهبودی در وضع زندگانی اجتماعی ملتی که هیئت حاکمه آن فاسد باشد جز آرزوی خام و امیدواری تشنگان بسراب چیز دیگری نخواهد بود.

برای اینکه ما خود را از این وضعیت وخیم خلاص کنیم و برای اینکه دنیا بداند که هیچ دولتی حق نخواهد داشت و نخواهد توانست از معادن نفت ایران کوچکترین استفاده نامشروع بکند ما باید صنعت نفت را در سراسر مملکت ملی اعلام کنیم .

همانطوری که در یکی از جلسات قبل مطرح مذاکره بود وطن پرستی انحصار یکمده معدودی نیست و خوشبختانه اکثریت قریب باتفاق اهالی این مملکت وطن خود را از جان و دل دوست دارند و من مخصوصاً این صفت را بعد کمال در جان و دل نمایندگان محترم سراغ داشته و دیده‌ام ولی لازم است بعرض برسانم برای اینکه فردی بتواند به مملکت خود خدمت کند تنها این صفت کافی نیست بلکه بایستی از صفات شجاعت و فداکاری و از خود گذشتگی هم بهره‌مند باشد تا آثار وجودی وطن پرستی که انجام خدمات شایسته بکشور است بتواند ظهور و بروز کند و گرنه وطن پرستی در حکم اسلحه بزان و پیر ارزشی است که صاحبش آن را مخفی نگاهداشته و در مورد بروز خطر جرئت بکار بردن آن را نکند و در این صورت وجود اسلحه اگر مضر تر نباشد یقیناً فایده‌ای در بر نخواهد داشت و دردی را درمان نخواهد نمود .

در صورتیکه ما با شجاعت و وظایف وطن پرستی که غریزه هر ایرانی است عمل نکنیم ملت ایران هیچگاه این گناه بزرگ را بر ما و بازماندگانمان نخواهد بخشید و علاوه بر این تنفر و انزجار که کشور را بانقلاب و بیستنی سوق میدهد روزی خواهد رسید که خشم ملت باعث انتقام شدید از ما و بازماندگانمان خواهد شد و خسرالدنیا والاخره خواهیم بود و برخلاف اگر بوظیفه‌ای که وطن پرستی و خدا و وجدان امروزه بر ما حکم میکند عمل کنیم بایستی اطمینان داشته باشیم که ملت نجیب ایران

گناهان گذشته ما را نیز بخشوده و برای ما و احفادمان آبروی ابدی و احترام همیشگی خواهد شناخت .

تکفته نگذارم پارهای از عملیاتی که بدان دست زده اند ممکن است برای اعمال فشار بطبقات مختلف کشور بخصوص نمایندگان شورای ملی و سنا برای فیصله دادن کار نفت باشد و البته هیچ ایرانی شرافتمند بخصوص نماینده‌ای وجود نخواهد داشت که برای اجتناب از ضررهائی که بخود او ممکن است وارد آورند دست از انجام وظیفه ملی که ملی شناختن نفت در سراسر کشور است بردارند زیرا با تأمین این نظر به وضعیت عمومی کشور تا اندازه‌ای بالا خواهد رفت که حتی جبران هر گونه خسارتهای شخصی در نتیجه منافع بیشتر آن خواهد شد .

اکنون از شما نمایندگان وطن پرست درخواست میکنم مواد پیشنهادی من مورد بحث و شور واقع شود و باتصویب آن اسباب نجات ملت ایران و خوشنامی امضاء کنندگان فراهم گردد .

ماده اول - مجلس شورای ملی صنعت نفت را در تمام کشور ملی اعلان میکند باین معنا که بهره‌برداری از تمام معادن نفت بحساب ملت ایران بشود .

ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون تا تسویه حساب معادن نفت جنوب را کمیانی سابق بطور امانی و بحساب دولت ایران تحت نظر هیئت نظار بهره برداری خواهد نمود .

ماده سوم - هیئت نظار در ماده فوق‌تر کتب است از هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و هشت نفر از نمایندگان مجلس سنا بانضمام هر یک از مجلسین .

ماده چهارم - هیئت نظار مکلف است که با کمیانی نفت جنوب برای تسویه

حساب داخل مذاکره شده و نتیجه آن را بعداً کتر در هشت ماه برای تصویب به مجلسین پیشنهاد نماید.

ماده پنجم - در صورتیکه کمپانی نفت جنوب بمقادیر ماده دوم تمکین نکند هیئت نظار مکلف است کمیسیونی مرکب از هفت نفر از بین اعضاء خود یا از خارج بعنوان هیئت مدیره موقت انتخاب نموده پس از مطالعات لازم و با نظر متخصصین فنی پیشنهاد خود را برای سازمان دائم بهره برداری بمجلسین تقدیم کند.

تبصره ۱ - انتخاب اعضاء هیئت مدیره موقت با کثرت سه ربع از تمام اعضاء هیئت نظار خواهد بود.

تبصره ۲ - هیئت مدیره میتواند بقدر لزوم کارشناس دعوت یا استخدام نماید.

دکتر محمد مصدق

آقای قشقانی گفتند: روز گذشته جناب آقای دکتر مصدق که پیشنهادشان را مرحمت فرمودند در اطراف آن تذکرات کافی مرحمت فرمودند و تا اندازه‌ای مطلع شدیم. بنده چند چیز بنظر میرسد که بعرض میرسانم البته این پیشنهادهاییکه شده بسیار خوب است و گمان میکنم همه آقایان موافق باشند که ما منافع خودمان را بعداً کمتر بگیریم و حتی المقدور هر مبارزه‌ایکه لازم است بکنیم و این کار بزرگی است که البته برای ما هم بک زحماتی دارد دفعه گذشته فرمودید که قسمتهای سیاسی این موضوع را ما بیش از قسمت مالی آن اهمیت میدهم و اگر اینطور باشد باید در قسمت سیاسی اینموضوع هم بحث بکنیم بنظر بنده بفرض تصویب پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق و انتخاب ۱۶ نفر برای نظارت و تسویه حساب شرکت جنوب تمام کارهای ما باید بدست این هیئت حاکمه انجام شود برای اینکه این ۱۶ نفری که انتخاب

میشوند اینها بغیر از نظارت کار دیگری نمیتوانند بکنند و آنها هیچ نوع حق اجرایی نخواهند داشت و اسباب زحمت خواهد شد. بنده فکر میکنم که قبلاً داخل اینموضوع بشوم بینیم حقیقتاً ما بک دولت و بک مأمورینی داریم که از نظر ما مورد اطمینان باشند یا نه و از این جهت تقاضا میکنم که جناب آقای دکتر مصدق اجازه بفرمایند در این جلسه ما در این قسمت بحث بکنیم برای اینکه ما بک مسئولیت بسیار سنگینی داریم و وضعی پیش نیاید که بعداً خدای نخواستہ برای ما و مملکت ما اسباب زحمت و حرف بشود و باید عاقلانه و آبرومندانه این کار انجام شود.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: بکنیم چه کنیم مجلس شورای ملی رأی داده که در این کمیسیون تصمیمی راجع بنفت گرفته شود چرا این تصمیم را گرفته؟ برای اینکه دیده است دولت بلندگوی نفت است هر چه نفت میگوید او هم میآید اینجا میگوید از این جهت بیک کمیسیونی مأموریت داده که شما چه بکنید. ما هر رقمی را که بگوئیم فرض کنیم کمپانی در مقابلش وجود دارد که با او باید صحبت بکنیم و این رقم را با او بقبولانیم مثلاً بگوئیم ۹۹٪ کمپانی شروع بدب به کردن میکند و قبول نمیکند پس ما نمیتوانیم بک رقمی بگوئیم که کمپانی در مقابل آن شروع به چانه زدن نموده و تولید اشکال کند. (آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: و قرارداد ۳۳ را تنفیذ کنند) و باین حرف ما در هیچ جای دنیا گوش نمیدهند تنها راه منحصر بفرد ما همان اصل کلی ملی شدن صنعت نفت است و بدولت هم نمیتوانیم مأموریت بدهیم برای اینکه او مدافع کمپانی است و دولتهای بعدهم بشرح ایضاً (آقای فقیهزاده گفتند: اگر خودتان رئیس دولت بشوید چطور؟) بنده نمیتوانم با بندهستگاه رئیس دولت بشوم اعلیحضرت همایونی باید رئیس دولت را تعیین بکند ما که نمیتوانیم حزبی

هم نیست که او معرفی بکند پس شاه کسی را معین میکند که مقامات خارجی هم پسندند و این تحمیل میشود بما بفرض اینکه بنده رئیس دولت بشوم ضامن من کیست اینست که ما باید يك مقام و يك کمیونی را معین بکنیم که تکیه گاهش مجلس و ملت ایران باشد که او قضیه را حل بکند همانطور که مجلس نگفت دولت بیاید نظر بدهد و کمیسیون روی نظر دولت معین بکنند گفت کمیسیون بشینند راه حل نفت را معین بکنند برای اینکه مجلس از دستگاه دولتی مایوس بود اینست که ما غیر از اینکه تیشه بریشه این کار بزنیم و يك هیئتی را معین بکنیم که برود تحویل بگیرد کار دیگری نداریم و اگر تولید اشکال سیاسی کرد همان هیئت گزارش میدهد و دولت وقت میآید در مجلس و میگوید که صلاح این است شما بیداید چشم از این منبع نفت هم بردارید اگر صلاح بود که مجلس رأی میدهد و اگر مصلحت نبود مبارزه میکند ماراه عملی که داریم همان تصمیمی است که جلو تر هم مذاکره شد و راجع بقسمت سیاسی بنده توضیح دادم که ایران يك موقعیت دارد و منافع همسایه های ما در بیطرفی ماهست در صورتیکه بما اطمینان پیدا بکنند روسها اگر اطمینان از بیطرفی ما پیدا بکنند بنفعشان است چرا قشونشان را در این فلات ایران معطل بکنند چرا در سرحد قفقاز معطل می کنند برای اینکه ما پایگاه بدشمنشان ندیم؛ اطمینان ندارند انگلستان مسلم است که اگر جنگی پیش آمد کرد قادر برای دفاع از ایران نیست این عدم رضایتی که ملت ایران از حکومتش دارد این برای انگلستان جنگ نخواهد کرد امتحانش را هم در وقایع شهریور ۳۰ داده است قوای انگلیس و امریکا در کرمانیکه اطرافش دریا است دیدید که با بودن آن قوا چه بلایی سر کرده آوردند طریقه حفظ بیطرفی اینست که هیچکس از دشمنان را نگذاریم در این مملکت عملی انجام بدهند که تولید سوءظن

برای طرف دیگری باشد این امتیاز نفت دشمن ایران را در تمام ایران سرفروش را بهین کرده است. در روزنامه ها من خواندم که طبق آن امتیاز نامه حق دارد فرود گاه در تهران بسازد همین فرود گاه را برای نشستن هواپیمای جنگی تهیه میکند و تا این امتیاز هست نمیتوانیم از عملیات آنها جلوگیری کنیم بعلاوه اگر امروز بخواهد خصمانه بما رفتار بکند و نفت بما نهد این چراغ روشن نیست و همینطور تمام زندگی ما فلج و از بین میرود. پس ما چاره ای غیر از این نداریم ما گفتیم که دنیای امروز با شرقی موافق است و مصری موفق میشود که ارتش انگلیس را از مصر خارج بکند و هندی مستقل شود و ما ایرانی ها اگر محکم بایستیم هیچ تولید اشکالی نمیکند و باید از این موقعیت استفاده بکنیم اگر جناب آقای رئیس اجازه بفرمایند من هیئت نظارت را کم میدانم برای اینکه تشکیلات کمپانی تشکیلات خیلی وسیعی است يك قسمتش در غرب و يك قسمتش در جنوب است در قسمت جنوب فواصل منابع نفتی اغلب تا ۵۰ فرسخ است و عده هیئت نظارت برای اینکه بتواند نظارت داشته باشد باید یکعده زیادی باشد که اگر بخواهند سه نفر سه نفر بشعبات بفرستند عده کافی داشته باشند بعقیده بنده ۱۵ نفر از مجلس شورای ملی و ۱۵ نفر از مجلس سنا و ۱۵ نفر دیگر هم از خارج دعوت بکنند که بتوانند بوظیفه نظارت خودشان عمل بکنند بنده در این موضوع زیاد حرف نمیزنم يك جمله دیگر خواستم عرض کنم و آن این بود که يك فرمایشی آقای فقیهزاده فرمودند که شما اگر دولت شدی تکلیف چیست؟ بنده گفتم این کار نیست ولی نباید این را هم نا گفته بماند که دولتهای ما خائن نبودند خائنشان کردند؛ دولتهای ما تصمیمهای مفید گرفتند ولی نگذاشتند سرکارشان بمانند ما باید يك مرکز ثابتی که تکیه گاه ملی داشته باشد و تزلزل نداشته باشد که بتواند بیک فرمان بردارد و بیک فرمان نصب

بکنند برای کار نفعمان در نظر بگیریم و این هیئت نظارت اقلأً باید ۴۵ نفر باشند تا بتوانند کمیسیونهای سه نفری بنقاط مختلف برای نظارت بفرستند و این کار هم بمن الهام شده که با این موقعیت فعلی دنیا اگر جدیت بکنیم حتماً موفق میشویم.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنده خیلی خوشوقت هستم که وضع کمیسیون ما يك طوری است که اجازه داده میشود هر کس عقاید خودش را بگوید روی این اصل هم يك تصمیمی که باید با اتفاق آراء گرفته بشود لازمه اش این است که هر کس عقیده اش را بگوید جناب آقای دکتر مصدق يك پیشنهادی داده اند که مطرح شد عده زیادی هم پیشنهاد داده اند که بنده ندیده ام (آقایان اعضاء کمیسیون: چطور ندیده اید چاپ و توزیع شده است) طبق تصمیم مجلسین نمایندگان حق دارند پیشنهاد بدهند بنابراین میخواستم سؤال بکنم که آیا با پیشنهادهای سایر نمایندگان هم مطرح میشود یا نه و تصمیم این کمیسیون چیست مطابق تصمیم مجلس شورای ملی برای نمایندگان حق قائل شدیم که پیشنهاد بدهند حالا بنده کاری بتصویب و یا عدم تصویب آن ندارم ولی از لحاظ احترام بافکار نمایندگان آیا این پیشنهاد ها باید مطرح بشود و در صورت طرح رویه کمیسیون چه خواهد بود. دیگر راجع باین بود که بعد از آنکه جناب آقای دکتر مصدق پیشنهاد خودشان را مطرح فرمودند بنده حضورشان عرض کردم که بنده با اهمیت آن سؤال آنیکه از دولت کردند توجه مخصوصی کردم و اگر دولت بما جواب روشنی میداد برای تصمیم ما فوق العاده اهمیت داشت ولی نامه آقای نخست وزیر که ما خواندیم البته يك قدری بنظر بنده مختصر و مبهم بود (آقای صالح گفتند: خیلی هم مبهم بود) و آن اندازه اینکه من باید تسلی و رضایت پیدا بکنم نکردم ولیکن در آخر نامه شان ذکر کردند که من يك توضیحات جالبی دارم که اگر کمیسیون لازم بداند میآیم و توضیحات

جالبه را میدهم بنده سهم خودم تصور میکنم و عقیده دارم که باید راجع بقسمتهای مختلفش يك قدری بحث بشود تا ما با يك اطلاع و اطمینان بیشتری داخل تصمیم بشویم و اگر نظر آقایان باشد در دوره اول کمیسیون که آقای دکتر علوی صحبت کردند آقای مکی گفتند من خیلی خوشوقت میشوم که ایشان دوسوال کردند که در اطرافش بحث بشود این موضوع چه از لحاظ مالی - اقتصادی - سیاسی - فنی باید کاملاً مورد دقت قرار گرفته روی آنها بحث بشود که مثلاً اگر موضوع ملی شدن عملی بشود ما از لحاظ فنی میتوانیم اداره بکنیم یا نه و همینطور قسمتهای دیگر. بنده عقیده دارم از این جهات این قضیه مورد بحث قرار گرفته شود و کاملاً روشن بشویم که با يك اطمینان خاطر می بکنیم که پس فردا باعث نگرانی و دغدغه خاطر برای ما و مملکت ما نباشد.

آقای مکی در پاسخ اظهار داشتند: بنده ناچار هستم از عراض خودم برای اینکه زودتر بنتیجه برسیم صرف نظر بکنم و جواب فرمایشات آقای دکتر کاسمی را مختصراً عرض کنم فرمایشات ایشان سه مورد داشت يك مورد این بود که پیشنهاد ها را ندیده اند این پیشنهاد ها بنابینهاد یکی از آقایان اعضاء کمیسیون نفت طبع و توزیع شد و برای آقایان نمایندگان فرستاده شد (صحیح است) (آقای دکتر کاسمی گفتند: بمن نرسیده) بنابراین جای مطالعه اش دیگر امروز نیست که بخواهیم آنها را مطرح و رویش بحث کنیم برای اینکه قبلاً ما این کار را کردیم و پیشنهادات در کمیسیون قرائت شد و باید رعایت الاقدم فالاقدم را کرد و آن پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت که اول همه رسیده مطرح شود اما ایشان راجع بمضار اینموضوع صحبت کردند که من نمیدانم مضار سیاسی واجتماعی این کار چیست در جلسه گذشته جناب آقای دکتر مصدق

تمام جهات این موضوع را تشریح کردند و توضیحات کاملی دادند بنابراین تصور میکنم همان موقعیکه توضیح داده بودند اگر آقای دکتر کاسمی اینجا تشریف داشتند متوجه میشدند (آقای دکتر کاسمی گفتند: اینجا بودم) پس من تصور میکنم که توضیحات ایشان از هر جهت کافی بود و از لحاظ حقوقی و حق حاکمیت ایران در محاکم بین المللی که چقدر میتوانیم پیش ببریم توضیحات کافی و مستندی دادند.

راجع بتوضیحات آقای نخست وزیر که فرمودید در نامه شان نوشته اند من را در کمیسیون بخواهید از نامه ایشان همچو چیزی استنباط نمیشود نوشته اند کمیسیون تصمیم خودش را بگیرد و بعداً اگر لازم شد من میآیم من تصور نمیکنم کشتیهای جنگی انگلیس بخلیج فارس بیاید و ایشان هیچگونه توضیحی ندادند نوشته اند هر طور تصمیمی که میخواهید بگیرید پس جناب آقای دکتر مصدق توضیح خواسته اند و جواب ایشان هم صراحتی ندارد که قبل از تصمیم بنده را بخواهید مجلس ما را انتخاب کرده که سر نوشت نفت را معین بکنیم و توضیحات نخست وزیر هم ضرورتی ندارد و چون جواب ندادند بنا بر این محظوری از طرف دولت بنظر نمیرسد و از این گذشته مجلس هم ما را انتخاب کرده است اگر میخواست مجلس میگفت مجلس و دولت این کار را اقدام کنند. جناب آقای دکتر مصدق کار را هشت میخه کرده اند برای اینکه بعدها دولت نکوید که چرا بمن خبر ندادید و این پیش بینی را ایشان کردند و دولت هم چیزی نداشت که در جواب ایشان بدهد و بنابراین بایان ایشان جای بحثی برای ما گذاشته نشده است.

آقای ققیه زاده گفتند: بنده از حضر مقام ریاست استدعا میکنم که آن اختیاریکه در وهله دوم مجلس یکمسیون داد قرائت بشود تا ما روشن بشویم چون بادم میآید در جلسه اول یا دوم که بعد از این اختیار نشستیم و در اطراف پیشنهادها مذاکره

شد و قرار شد پیشنهادها چاپ و بین آقایان اعضاء کمیسیون تقسیم بشود و حتی فرجهای قائل شدند که بعد از طبع و توزیع آقایان مطالعه تاپس از مطالعه بتوانند اظهار نظر کنند کما اینکه بنده از آنروز تا بحال این پیشنهاد را نگاه داشته ام و میخواستم استدعا کنم حالا که پیشنهادها چاپ و بین آقایان توزیع شده پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق هم که امروز قرائت و تقدیم کمیسیون شده اینهم چاپ و توزیع بشود تا اشکال قانونی نداشته باشیم و طبق نظامنامه ۲۴ ساعت قبل طبع و توزیع شود.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: بنده عقیده و نظر خودم را در جلسات سابق عرض کردم و فعلاً هم از آن عقیده خودم سر نکشتم (احسنت) و امیدوارم اعضاء کمیسیون از این نظر موافقت بکنند و کمیسیون نفت یک تصمیمی بگیرد که اتفاق آراء داشته باشیم اما گاهی اوقات یک صحبت هائی در کمیسیون میشود که شخص بنده نمیتوانم خودداری کنم و جوابی بدهم تصدیق میفرمائید اگر چنانچه این موضوع عملی و نفت ملی بشود با این پیشنهادی که جناب آقای دکتر مصدق کردند البته مجلس یک وظایفی دارد که نمیتواند در قوه مجریه دخالت بکند و وقتی این تصویب شد باید یک دولتی باشد که این کمیسیون بتواند با او کار بکند. آقای حائری زاده گفتند تمام دولتهائی که روی کار میآیند خائن هستند و استناد کردند باینکه اعلیحضرت همایونی خودشان رئیس الوزرا را معین میکنند و قانون اساسی این حق را بمجلس داده بنده عرض میکنم اعلیحضرت همایونی عمل خلافی نکردند اگر یک دولتی بد است ما باید ورقه کی بودمان را بدهیم و بنابراین ما بدهستیم و این از وظایف خودشان است ولی ما باید اینقدر خوب باشیم که اگر دولتی را مناسب ندیدیم و خائنش دیدیم ورقه کی بود بدهیم (آقای مکی گفتند: شرطش این است که

فرا کسیون‌ها را نخواهند بگویند حتماً بدولت رأی بدهید .) این گناه بگردن ما است و ایشان از حق خودشان استفاده کرده‌اند .

موضوع دیگر موضوع پیشنهادهای است بنده فکر میکنم خواندن این پیشنهادهای هیچ اثری در تصمیم ما نخواهد داشت و مانع قانونی هم ندارد دستور بفرمائید آقایان پیشنهاد دهندگان بیایند اینجا و توضیحاتشان را بدهند و بروند ولی روی آنها تصمیم نگیریم و بعد یکی یکی مطرح و رأی گرفته شود این عقیده بنده است .
طرح قانونی قرائت شد و آقای کنجه‌ای تذکر دادند: که اینجا يك مطلبی دستگیر میشود که پس از آن دو هفته مدت کمیسیون دو ماه میشود .

آقای فقیه زاده اظهار داشتند : اختیار یک مجلس بماداده است در ظرف دو ماه بوده و مدت پیشنهادها هم مدتش را ۱۵ روز قرار داده البته در خود کمیسیون تصمیم گرفتیم که اعضای کمیسیون تا آخر دو ماه هر پیشنهادی داشته باشند بدهند با توجه به پیشنهادها بنده عقیده‌ام این است که بایستی به پیشنهادها توجه کرد یعنی پیشنهاد دهنده راخواست و توضیحاتش را شنید و بعد در اطرافش بحث کرد و این مطلب را برای این عرض کردم که جناب آقای مکی فرمودند ما دیگر حق نداریم پیشنهاد رسیدگی بکنیم (آقای مکی گفتند: من نکتم حق نداریم گفتیم با توضیحاتیکه جناب آقای دکتر مصدق در جلسه گذشته دادند الاقدم و فالاقدم باید رعایت شود) .

آقای رئیس توضیح دادند : از تاریخ تصویب مجلس سنا دو ماه است اما راجع باینکه پیشنهاد های رسیده مورد توجه واقع شود بنده آن روز عرض کردم که آقایان پیشنهاد دهندگان را باید وقتیکه پیشنهادشان مطرح میشود بخواهیم معمول این است که در موقع رأی گرفتن پیشنهادها ابتداء پیشنهادیکه مهم و صلاح مملکت در آن

است رأی گرفته میشود و بعد بسایر پیشنهادها ما حساب کردیم که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت بصالح مملکت و از تمام پیشنهادها مهمتر است و بنابراین اول باید تکلیف آن معلوم بشود راجع بسایر پیشنهادها هم بنده آن روز عرض کردم و دیگر خودم را محتاج نمیدانم که توضیحات بدهم (آقای فقیه زاده گفتند: بنده عرض نکردم که رأی بگیری خوانده بشود و توضیح بخواهیم) هر پیشنهادی که خوانده شد باید روی آن رأی گرفته بشود بطوریکه در مجلس هم معمول است .

آقای مکی گفتند : راجع بیان آقای ذوالفقاری توضیح عرض میکنم چون اصلاً موضوع شاه در بین ممالک دموکراسی سه قوه وجود دارد: قوه مقننه - قضائیه - مجریه که هر سه قوه از مجلس قدرت میگیرند مجلس شورای ملی خودش میخواهد يك قانونی وضع بکند که طرز رسیدگی بنفتره يك هیئتی واگذار بکند کما اینکه شما يك نظارتی برای عملیات سازمان برنامه معین کردید پس ما میگوئیم دخالت و کلا در بازه ملی این دخالت در قوه مجریه است در اینجا هم يك قانونی میگذرانیم و میگوئیم که مثلاً ۱۵ نفر نظارت بکنند . موضوع دولتها از زمان ناصر الملک دولتها بارأی تمایل مجلس روی کار میآمدند و حتی در دوره دیکتاتوری ۲۰ ساله هم این طریقه معمول بود ولی ما دیدیم در ظرف این دو ساله اخیر آمدند و يك اختیاراتی دادند و يك مؤسسان قلابی درست کردند (کاملاً صحیح است ما هم رأی ندادیم) آن مجلس هم که قلابی ساخته شد آنهم این رأی را نداده شاه باید مصون از تعرض و بدون مسئولیت باشد اگر شاه مسئول شد یعنی دخالت در کار کرد بنده شاه انگلیس را عرض میکنم یعنی اگر خواست پادشاه و وزیر و وکیل و رئیس بشود و تمام کارها را او بکند اگر يك کار غلطی کرد پس میشود شاه را هم محاکمه نمود در صورتیکه در قوانین ما شاه هیچگونه

مسئولیتی ندارد اگر شاه بخواهد مسئولیتی داشته باشد باید قانونی از مجلس بگذرد که شاه را محاکمه بکنند پس شاه همان شاهی است که مصون از تعرض و بدون مسئولیت است و باید رأی تمایل از مجلس خواسته شود و خیلی معذرت میخواهم اگر عمل نشده بواسطه ضعف مجلس بوده است. بنده اطمینان دارم که نمایندگان محترم این دوره پافشاری بکنند و نگذارند این حق سلب شده بیشتر از این در دست آنها باشد که بدون اراده ملت ایران این دولتها روی کار بیایند و این حکومت مردم بر مردم نیست من از اعضای کمیسیون نفت استدعا دارم که باین مسئولیت توجه بکنند و پافشاری نمایند که حق واقعی خودشان را بدست آورند.

آقای سرتیپ زاده تذکر دادند: اگر قضیه نفت میخواهید حل بشود این نه باشاه کار دارد و نه با کسی کسی هم بما دستوری نداده است ما برای این موضوع که جمع نشده ایم و این صحبتها باعث تشنج میشود راجع بیپیشنهادها که صحبت شد باید بیپیشنهادها خوانده بشود و توضیحات بدهند.

آقای عامری ماده ۱۲۲ نظامنامه داخلی مجلس را قرائت و توضیح دادند: پیشنهاد دهندگان را باید ۲۴ ساعت پیش خبر بدهند اگر آمدند که خیلی خوب و اگر نیامدند حق آنها ساقط میشود ولی همانطور که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند در موقع رأی پیشنهادهای مهم ابتدا مطرح میشود.

آقای دکتر کاسمی گفتند: منظور من این بود که در برابر این پیشنهادهایی که اشخاص مختلف داده اند کمیسیون چه قسم تصمیم میگیرد آیا باید طرح بشود یا نه و اگر طرح بشود چگونه تصمیم گرفته میشود خوشبختانه این موضوع مطرح شد و همه روشن شدیم.

آقای حائری زاده گفتند: فکر میکنم بحث در این موضوع اختلافی نیست زیرا اگر تاریخ پیشنهادهای مقدم در نظر گرفته شود پیشنهاد جبهه ملی در شور اول مقدم داده شده است حالاهم مقدم است و اگر اصل کلی در نظر بگیریم باید يك پیشنهاد مهم را مطرح قرار بدهیم و اگر این پیشنهاد ملی شدن را مطرح بکنیم دیگر موضوعی باقی نمیماند و بنابراین دیگر اختلافی بر سر این موضوع نیست.

آقای ذوالفقاری گفتند: آقایان میگویند ما پیشنهاد داده ایم و باید بیائیم در اطراف پیشنهادمان توضیحات بدهیم میخواهد قبول و یا رد بشود.

آقای رئیس در پاسخ اظهار داشتند: ما با کسی نباید تعارف بکنیم مطلب اینست که اگر شما يك پیشنهادی رأی دادید پیشنهاد دیگر از بین میرود این قانون رأی گرفتن است (آقای ذوالفقاری گفتند: ما صحبت رأی گرفتن نمیکنیم) فرق نمیکند اینجا پیشنهاد هائی داده شده و طریقه مطرح کردن این است که مثلا در مورد خرج کسی پیشنهاد میکند صد تومان و دیگری دوست تومان اگر بصد تومان رأی بگیرند و تصویب بشود دیگر آن پیشنهاد دوست تومان و از آن بالاتر مطرح نمیشود ما پیشنهاد کردیم که صنعت نفت باید ملی بشود اگر باین رأی داده شد دیگر احتیاج نیست که سایر پیشنهادها مطرح شود.

آقای سرتیپ زاده گفتند: در خارج هر چند پیشنهاد بشود اینجا مربوط نیست اینجا هر کدام تاریخش مقدم است آن باید مطرح بشود.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: نظر بنده این است که در جلسه دیگر پیشنهاد دهندگان را دعوت بکنیم که آقایان بیایند صحبتشان را بکنند ولی رأی نگیریم.

آقای مکی گفتند: حقیقت قضیه اینست که یکوقتی میخواهید در اطراف این

پیشنهاد ملی شدن مطالعه بکنید و این حرف ها را میزنید که میخواهید در اطراف آن مطالعه بکنید این را صریح بفرمائید و بروید مطالعه بکنید ولی بکوقت است که این منظور نیست و میخواهید صورت جلسه سیاه بشود و فایده ای ندارد البته پیشنهادهایی که داده شده هدفشان تأمین منافع ملت ایران است حالا اگر بگویی پیشنهادی آمد صد درصد منافع آنها را تأمین کرد این چه بهتر بنفع آنها است و دیگر چه توضیحی لازم است بدهند چونکه صد آید نود هم پیش آقایان است.

آقای صالح اظهار داشتند: بنده معتقدم که هر قدر ما در کار این کمیسیون تسریع بکنیم بمصلحت کشور است برای اینکه يك موضوعی است که تمام دنیا باین کار نگاه میکنند و هر چه زودتر تکلیفش معین بشود زودتر رفع تشنج میشود معینا چون این حرف زده شد بکعبه از رفتای ما علاقمندند که آقایان پیشنهاد دهندگان بیایند و توضیح بدهند بنا بر این مانعی نیست که بکروز بیایند و صحبتشان را بکنند.

آقای دکتر هدایتی تذکر دادند: که آقایان جلسه گذشته توجه فرمودند بنده از کسانی بودم که نه فقط در آن جلسه بلکه در گذشته هم عقیده ام این بود که ما جلسات را متوالیاً تشکیل بدهیم که این کار را زودتر انجام بدهیم و لکن در عین حالیکه نهایت علاقه را بختم امر دارم میل هم ندارم که کمیسیون کاری کرده باشد که فردا يك ایراد قانونی بگیرند ما که این همه زحمت بخودمان داده ایم تابستان و زمستان عصر - صبح - شب زحمت کشیدیم پس فردا تصمیمان يك طوری نباشد که بگویند از لحاظ آئین نامه فلان جا تشریفاتش درست نشده است.

ماده ۱۲۲ نظامنامه مجدداً قرائت شد.

آقای ذوالفقاری گفتند: این يك چیز واضحی است بنده باز هم در تأیید عرایضم عرض میکنم من طرفدار ملی شدن صنعت نفت هستم ولی نمیتوانم بکعبه رفتای مجلسی

من در خارج باشند و پیشنهادهای آنها ترتیب اثری داده نشود من این کار را نمیکم در تصمیم قانونی هم میگویند با توجه به پیشنهاد نمایندگان ما چه توجهی کردیم به پیشنهاد آقایان بنده که طرفدار ملی شدن و طرفدار پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق هستم. این شرط که آقایان هم بیایند و توضیحات خودشان را بدهند.

آقای رئیس اظهار داشتند: بعقیده من عقب انداختن کار نفت کاملاً جنبه سیاسی دارد بنده برخلاف حقیقت هیچوقت عرض نمیکم و خدا را بشهادت میطلبم که هیچوقت برخلاف مصالح مملکت قدمی برنمیدارم و حرفی نمیزنم این يك نقشه است برای عقب افتادن کار نفت و نمیدانم چه نقشه است ما که اینجا با مصالح مملکت برای دوستی با همکاران نباید بازی بکنیم - یکی پیشنهاد کرده ۱۶ درصد یکی ۵۰ درصد یکی صد درصد بنده از بکنفر عامی میپرسم صد درصد بهتر است یا ۵۰ درصد؟ (آقای دکتر کاسمی گفتند: صد درصد بهتر است) پس تمام شد بنده عرض میکنم پیشنهاد صد درصد را مطرح بکنید اگر رد شد صلاح بود ۵۰ درصد و همینطور پیشنهادهای باین تر. طرز رأی گرفتن اینست اول باید رأی بگیریم به پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت آنوقت ما که پیشنهاد کردیم توضیحات میدهیم اگر قانع کننده بود که خیلی خوب تمام میشود و اگر نخواهید بنشینیم و حرف بزنیم این صلاح مملکت نیست.

آقای فقیه زاده پیشنهاد کردند: که اجازه بفرمائید پیشنهاد خودتان چاپ بشود که ۲۴ ساعت قبل از طرح بین آقایان توزیع شود.

آقای ذوالفقاری گفتند: بنده هم بشرافت و وجدانم قسم میخورم که نه آلت کسی بودم و نه کسی مرا تحریک کرده و نه منظوری دارم که این کار عقب بیفتد از روی کمال صداقت و درستی این را اکتفم و تنها از نظر احترام بمقاید رفتای پارلمانیم

بود و طرح قانونی هم گفته است که با توجه بپیشنهاد نمایندگان بنده باز تکرار میکنم که با ملی شدن صنعت نفت موافقم اما نمیتوانم بعقاید و افکار رفقای پارلمانی خودم پشت پا بزنم و شما یقین بدانید که من از روی کمال حسن نیت عرض میکنم و بدولت هم تماس نگرفتم که خواهم طرفداری از آن بکنم.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: موضوعی که مطرح شد بنده هم همین نظر را داشتم و الان يك سوء تفاهمی شده حضرتعالی نظرتان اینست که کلیه پیشنهادات خواننده بشود بنده هم همین نظر را دارم که پیشنهادات خواننده بشود منتها اختلاف در اینجا است که این پیشنهادات کلیه خواننده بشود و بعد رأی گرفته بشود جنابعالی عقیدهتان اینست که يك پیشنهاد خواننده بشود و يك رأی گرفته بشود بعد پیشنهاد دیگری و این يك موضوع نظری است جناب آقای عامری در نظامنامه بیشتر از ما اطلاع دارند و در هر صورت نظر ما اینست که محض احترام آقایان آن پیشنهادها خواننده بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: ما نظامنامه داریم و بنده مطابق نظامنامه رفتار میکنم و هیچ بنظریات خصوصی نگاه نمیکنم.

آقای فقیه زاده گفتند: عرض من این بود که پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق طبع و توزیع بشود.

آقای گنجه ای اظهار داشتند: این بحثی ندارد و چاپ میشود.

آقای قشقائی گفتند: همانطوری که مکرر گفته شد همه حسن نظر و حسن تفاهم دارند که این کار بنحو مطلوب حل بشود حالا ما دو جلسه بحث بکنیم که پیشنهاد دهنده بیاید یا نیاید این بعقیده بنده باید مطابق نص صریح قانون عمل شود خوبست ما بیائیم کار را کوتاه تر کنیم و قدم بقدم جلو بیائیم در دفعه گذشته يك پیشنهادی شده بود اول گفته شد که با قرارداد کس - گلشائیان موافقید یا نه؟ همه آقایان

گفتند موافق نیستیم و سه چهار جلسه نشستیم برای تهیه فورمول آن حالا ما صحبت بکنیم آیا ملی شدن صنعت نفت خوب است یا نیست اگر گفتیم خوب است باید ببینیم چطور ملی بشود و اگر گفتیم خیر سایر پیشنهادها مطرح میشود اگر آقایان اجازه میفرمائید من پیشنهاد میکنم که راجع باینموضوع صحبت بشود.

آقای فرامرزی گفتند: بکقدری توضیح بدهید راجع به ملی شدن در دنیای خارج دولت میآید بکدستگاهی را از دست مردم میگیرد و بدست خودش اداره میکند در ایران این موضوع عملی هست و نفت ایران ملی هست منتها بحث اینست که این ملی که ما داریم خودمان عملی بکنیم و جانشین شرکت نفت خودمان باشیم.

آقای مکی گفتند: یعنی حساب سود و زیان و کلیه عواید معادن نفت بخرانه داری کل کشور که خزانه ملت است وارد بشود.

آقای بهبهانی پیشنهاد کردند: که يك جلسه آقایان پیشنهاد دهندگان را دعوت بکنند که در اطراف پیشنهادشان مذاکره بشود و رأی بگیریم البته هر کدام مقدم است روی آن رأی گرفته میشود.

آقای عامری اظهار داشتند: چون موافقت شده که پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق چاپ و توزیع بشود بنابراین سایر پیشنهادات را بخوانیم و ممکن است بیشتر از یکی دوسه تا پیشنهاد مورد توجه واقع نشود و بعد هم الاقدم و فالاقدم بیائیم روی پیشنهادها رأی بگیریم.

در اینموقع ساعت ۸ بعد از ظهر جلسه ختم و جلسه آئینه بروز دوشنبه هفتم اسفند ماه ۲۹ سه ساعت قبل از ظهر موکول گردید و قرار شد از آقایان پیشنهاد دهندگان برای روز مزبور دعوت بعمل آمده و جلسه از صبح تا عصر ادامه داشته باشد.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و دوم

سی و دومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت در ساعت قبل از ظهر روز دوشنبه هفتم اسفندماه ۱۳۲۹ بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان: گنجه ای، بهبهانی، صالح، مکی، پالیزی، دکتر شایگان، دکتر کاسمی، دکتر علوی، فقیهزاده، قشقائی، سر تپیزاده، عامری، حائریزاده، دکتر هدایتی تشکیل گردید.

آقایان: صفائی - تیمورتاش - کههد - دولت آبادی - کشاورز صدر که پیشنهاد داده بودند در جلسه حضور داشتند ابتداء صورت جلسه قبل قرائت گردید و چون اعتراضی نداشت بتصویب رسید.

سپس تلگرافات - نامه ها - بیانیه ها - قطعنامه ها که از شهرستانها و مراکز در خصوص ملی شدن صنعت نفت بکمیسیون رسیده بود طبق فهرست زیر قرائت گردید: تلگراف راجع به ملی شدن صنعت نفت از طرف کارخانه صنایع پشم اصفهان بامضاء حسین روستائی.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف کارگران کارخانه رسباف اصفهان.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف کارگران کارخانه زاینده رود اصفهان.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف کارگران کارگاه جاوید.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف کارگران نختاب اصفهان قطعنامه.

نامه هیئت تحریریه جهان نما بکورقه چاپی راجع بملی شدن صنعت نفت.

بیانیه سازمان دانشجویان حزب ایران راجع بملی شدن صنعت نفت.

نامه شماره $\frac{0}{11/11/12}$ آقای علی حسینی.

نامه آقایان پزشکان با ۱۴۲ اسم و امضاء.

تلگراف از مشهد فرهنگیان خراسان راجع بملی شدن صنعت نفت بامضاء آقای احمد قاسمی و متجاوز صد امضای دیگر.

تلگراف از لنکرود راجع بتظاهراتی که برای ملی شدن صنعت نفت شده بامضاء سید ابوالقاسم موسوی.

اعلامیه جمعیت مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس.

نامه هیئت مدیره موقت جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت ایران و انگلیس بامضاء مجید غفاری و ۸ امضاء دیگر.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف کارگران کارخانه وطن اصفهان بامضاء محمد علی هرندی.

تلگراف راجع بملی شدن صنعت نفت از طرف جمعیت طرفدار ملی شدن صنعت نفت بامضاء محمد سپاهانی.

تلگراف از کرگان راجع بملی شدن صنعت نفت بامضاء سیدهادی طاهری و قریب ۲۰۰ امضاء دیگر.

نامه دانشجویان دانشگاه تهران و قطعنامه چاپی راجع بملی شدن صنعت نفت.

نامه دانشجویان ایرانی مقیم پواتیه فرانسه راجع بملی شدن صنعت نفت بامضاء محمد حسین کریمی و چند امضاء دیگر.

نامه مشروح از طرف کارگران مسلول شرکت نفت ایران و انگلیس بنمایندگی آقایان علی محمد دانشمند و غلامعلی صالحی و امضاهای دیگر.

نامه مسلولین متحصن در مجلس بامضاء آقایان محمد مهدی طاهری و غلامحسین ضیاء دهکردی.

ورقه بزرگ راجع بملی شدن صنعت نفت که بامضای متجاوز از ۶۰۰ نفر استادان و دانشگاهیان رسیده .

تلگراف از کرمانشاه راجع بملی شدن صنعت نفت بامضای جشدی مدبر داخلی طلیعه غرب .

تلگراف از هراغه راجع بملی شدن صنعت نفت بامضای معین الاسلام وعده امضاء های دیگر .

تلگراف از کاشمر راجع به گرانی قیمت گازوئیل به امضای احمد تبریزی و امضاءهای دیگر .

تلگراف از اهواز راجع برسیدگی بکارمندان مسلول شرکت نفت بامضای آقای سروش زاده .

آقای صفائی اظهار داشتند : قبل از اینکه عرایضی عرض کنم از آقایان محترم تمنا دارم که با نظر لطف بعزایض بنده توجه بفرمایند و اگر در عرایضم لغزشی مشاهده شود عفو بفرمایند .

بنده در اطراف پیشنهاد عرایضی میکنم بک پیشنهادی بموقع دادم و بعد که متوجه پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق شدم پیشنهادم را تکمیل کردم بنابراین این بک پیشنهاد ابتدائی نیست و مکمل آن است .

بعد از اینکه در این جلسه شرفیاب شدم و بیانات جناب آقای رئیس را قبل از رسمیت جلسه شنیدم و بعداً هم صورتمجلس خوانده شد دیدم موردی برای اینکه بنده عرضی کنم نیست زیرا دو تصمیم معین شده یکی اینکه تا تکلیف پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق معلوم نشود نسبت بپیشنهاد دیگری تصمیمی گرفته نخواهد شد بنابراین

چه لزومی خواهد داشت که ما داخل بحث در پیشنهادمان بشویم اگر پیشنهاد ایشان تصویب شد دیگر ما کاری نداریم و آن آرزویی که مورد حاجت تمام ملت ایران است برآورده میشود و فرمودند که اگر آن پیشنهاد رد شد جریان دیگری خواهد داشت این مطلب برای من مبهم بود اگر جریان دیگر اینست که ادامه باین کمیسیون ندهند زحمت ما هدر خواهد رفت و اگر غیر از این است که ما باید بیائیم توضیحات بدهیم بنده منظور خودنمائی که ندارم منظور اینست که بک چیز بکه بنظر بنده رسیده و ممکن است آن نظریات مورد توجه کمیسیون واقع بشود و با توضیحات ما متوجه بشوید ولی وقتیکه پیشنهادها خوانده نمیشود و تصمیم روی آن گرفته نمیشود چه نتیجه ای دارد اجازه بفرمائید که پیشنهاد دهندگان آن موقعی توضیح بدهند که پیشنهادشان مطرح بشود روی آن بحث گردد توضیح برای موقعی است که بحث بشود پس اگر کمیسیون نفت بآن تصمیمش باقی است که پیشنهادها را بخوانند و ترتیب اثر ندهند جز آن پیشنهاد که از لحاظ تقدم و هم همانطور که آقای مکی گفتند چونکه صد آید نودم پیش او است مطرح گردد بنابراین توضیحات ما بی نتیجه است (آقای سرتیپ زاده گفتند : این سوء تفاهم است قرار است پیشنهاد آقایان قرائت و بحث بشود).

در اینموقع نامه آقای کههد بشرح زیر قرائت گردید :

ریاست محترم کمیسیون نفت بنده را برای توضیح در اطراف پیشنهاد خود امروز ساعت ۹ دعوت فرموده اید بنده در ساعت ۹ در کمیسیون حاضر شدم معلوم شد پیشنهاداتی قبل از پیشنهاد بنده داده شده است و باید بنوبت در اطراف آنها مذاکره و برای هر یک از آنها رأی گرفته شود. بدیهی است هرگاه پیشنهادات دیگران که قبل از پیشنهاد بنده است مورد



تصویب قرار گیرد موضوع منتفی است بنا بر این هرگاه پیشنهاد دیگران تصویب نشد بنده حاضرم در اطراف پیشنهاد خود توضیحات لازم را بدهم. با تقدیم احترامات کبهد

۲۹/۱۲/۷

آقای تیمور تاش اظهار داشتند : بنده از مقدمه میگذرم بدلیل اینکه صحیح است همانطور که فرمودند هم اهمیت این کمیسیون و هم اهمیت موضوع نفت مسلم است و هم امیدوارم که آقایان قبول بفرمایند که کسانی که پیشنهاد کرده اند از روی حسن نیت بوده است (صحیح است) اجازه میخواهم از جناب آقای دکتر مصدق برای تنویر ذهن خودم چند سؤال بکنم چون اگر جواب بفرمایند قانع میشوم و خیال میکنم موضوع پیشنهاد منتفی میشود :

اول اینکه مأموریتی که اعضاء کمیسیون نفت برای خودشان قائل هستند این را بچه نحو تفسیر میفرمائید یا بمعنی که آیا تصور میفرمائید پیشنهادی که رسیده است در اینجا باید مطرح شده و یکی از آنها بتصویب رسیده و در مجلس در پیرامون آن پیشنهاد تنها صحبت بشود و یا اینکه تصور میفرمائید نقشی که مجلس بعهده آقایان معین کرده اینست که موضوع نفت را مطالعه فرموده و حدود و ثغور نفت را معین بفرمائید؟

(آقای دکتر مصدق در پاسخ اظهار داشتند: کمیسیون گزارش کار خودش را هر طور که صلاح میدانند تنظیم میکند و بمجلس تقدیم میدارد) (یکی از آقایان اعضاء گفتند: فرقی ندارد) اگر فرقی ندارد ولی بنده تصور میکنم باید پیشنهادها خوانده بشود و در اطراف آن توضیحات لازم بدهند و آن توضیحات در گزارشی که بمجلس تقدیم میشود قید گردد (آقای رئیس گفتند: این تکلیف خود کمیسیون است) راجع به پیشنهادی که آقای دکتر مصدق فرمودند چند نکته بر بنده روشن نبود

و اجازه توضیح میخواهم. راجع بجنبه قضائی ملی شدن نفت اشاره ای بود که در جلسات دیگر جلسه توضیحات داده شده که متأسفانه بنده نبودم و نمیدانم چه بیاناتی شده است.

آقای رئیس تذکر دادند : جنابعالی برای توضیح در پیشنهاد خودتان دعوت شده اید نه برای کار دیگری در جلسه قبل مذاکره شد و حتی عقیده من این بود که هر پیشنهادیکه مطرح شد صاحب آن پیشنهاد برای ادای توضیحات دعوت بشود بعد نظر آقایان اینطور شد که کلیه دعوت بشوند - بر طبق آئین نامه بقدر ربع ساعت میتوانید در اطراف پیشنهاد خودتان توضیح بدهید. بعد کمیسیون هر طور که صلاح میدانند عمل میکنند و البته قرار بر این شد که به پیشنهادهای مهم رأی گرفته بشود اگر تصویب نشد آنوقت تکلیف سایرین معین میشود.

آقای تیمور تاش متذکر شدند : که توضیحات بنده دوسه ساعت طول میکشد و يك ربع ساعت بهیچوجه برای بنده کافی نخواهد بود و از این جهت از توضیحات خودم هم صرف نظر میکنم.

بنده در پیشنهاد خودم قید کردم که اگر مشکلاتی برای ملی کردن صنعت نفت وجود نداشته باشد طبیعاً موافق هستم ولی من يك مشکلاتی برای این کار قائل هستم. **آقای رئیس اظهار داشتند :** بنا بر این حضرتعالی توضیحات را بگذارید برای هر وقت که پیشنهادتان مطرح شد.

آقای حائری زاده گفتند : برای توضیح پیشنهاد ربع ساعت باید صحبت بشود.

آقای تیمور تاش سؤال کردند : آیا برای پیشنهادها ترتیبی داده شده و

پیشنهادها با هم مزبیتی دارند؟

آقای رئیس در جواب اظهار داشتند: پیشنهادها در خود مجلس چطور مطرح میشود؟ بترتیب ورود شماره گذاشته میشود و بعد از آن مطرح و رأی گرفته میشود این از نظر ترتیب پیشنهادها است. بعد در باب رأی هم تصدیق میفرمائید که آن پیشنهادیکه مهم و یا بیشتر صلاح مملکت است اول با رأی میگیرند مثلاً اگر در مجلس کسی پیشنهاد بکند صد تومان و دیگری دوست تومان اول به آن صد تومان رأی میگیرند. ما پیشنهاد کردیم که صنعت نفت باید ملی بشود یعنی صد در صد از عایدات نفت متعلق بملت ایران شود البته از این نقطه نظر اهمیت این پیشنهاد با پیشنهاد پنجاه درصد بیشتر است و باید ابتداء این پیشنهاد مطرح و رأی گرفته بشود اگر تصویب نشد آنوقت پیشنهاد دیگری مطرح میشود.

آقای صفائی گفتند: بنا بر این وقت بنده محفوظ میماند برای موقعیکه پیشنهاد مطرح میشود استدعای دوم من این است که متمم پیشنهادم را که تقدیم کردم اجازه بفرمائید چاپ بشود.

آقای رئیس جواب دادند: در اینخصوص مذاکره میکنیم و ترتیبش را میدهم.
آقای دکتر هدایتی عقیده داشتند: که وقت را محدود بیک ربع ساعت نکنیم و در عین حال هم سه ساعت نمیشود صحبت کرد.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: آن جلسه که مذاکره شد ما درست توجه نکردیم بنده دو عرض کردم یکی اینکه همه پیشنهادها باید خوانده بشود و در اطرافش بحث کرده و رأی بگیریم؟ و دیگر اینکه پیشنهادهای رسیده بترتیب تقدم یکی یکی مورد بحث قرار بگیرد و رأی بگیریم و بنده میخواستم ترتیب آن را معین بفرمایند اما کمیسیون تصمیم نگرفت با چه رویه‌ای شروع بکار بکنیم.

آقای رئیس بیان داشتند: آن جلسه معین شد و جناب آقای بهبهانی فرمودند که آقایان بیایند اینجا هر کدام مطابق آئین نامه یکربع ساعت توضیح بدهند و گفتیم جلسه را صبح و عصر میکنیم که صبح برای توضیحات آقایان باشد و عصر هم ما کارمان را بکنیم بنده عرض کردم برای توضیح در پیشنهادتان یکربع ساعت صحبت بکنید ایشان میخواهند سه ساعت صحبت بکنند.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده هم این را درست نمیبینم که آقایان بگویند سه ساعت میخواهیم صحبت کنیم مسئله هر چقدر مهم باشد میشود اکثر آرا یکساعت در اطراف موضوع توضیح داد و اما راجع به یکربع ساعت که میفرمائید این تصور میکنم در مجلس است. (آقای حائری زاده گفتند: کمیسیون هم تابع مجلس است)
آقای سرטיפ زاده تذکر دادند: که در صورت جلسه قبل آخرش مجدداً خوانده بشود تا این قضیه حل گردد یکربع ساعت معین نشده و آنها هم وقت معین کردندشان خوب نبود و ما آنها را دعوت کردیم که بیایند و پیشنهادشان قرائت بشود.

آقای عامری توضیح دادند: قانونی است که بما اختیار داده شده نوشته با توجه بپیشنهادهای نمایندگان این بود که اگر ما توجهی نکنیم در مجلس میگویند رعایت نشده است آئین نامه مقدم و این قانون مؤخر است همانطور که آقای رئیس فرمودند شروع بصحبت میکردند اگر میدیدیم چیزی قابل توجه است البته اجازه داده میشد که صحبت بکنند.

آقای رئیس اظهار داشتند: ما پیشنهادی داده‌ایم که از نظر تاریخ و از نظر اهمیت مقدم است تکلیف این پیشنهاد را معین بفرمائید.

آقای دکتر شایمان اظهار داشتند: اینمسائل تشریفاتى اینهمه اهمیت ندارد

که ما اینقدر وقتان را تلف نکنیم (صحیح است) این همیقدر کافی بود که ما مورد ایراد نباشیم و اقدام اساسی هم شده جناب آقای بهبهانی پیشنهادی داده اند که آقایان تشریف بیاورند اینجا و مطابق آئین نامه پیشنهادشان قرائت و توضیحات بدهند آقای صفائی بحث و صحبت کردند ایشانهم صحبت کردند جناب آقای دکتر مصدق گفتند یک ربع ساعت و ایشان گفتند سه ساعت و فکر نمیکنم که باعث کدورت باشد بعد هم مطلبی که جناب آقای دکتر مصدق گفتند قضیه را فیصله داد چون ما میخواستیم از آقایان توضیح بخواهیم و خودشان فرمودند که چون توضیح مفصل است اگر موردی پیدا کرد که پیشنهاد ما بخواهند رأی بدهند ما میآئیم توضیح میدهیم. کمیسیون دو عمل دارد عمل اول اینست که توجه بشود پیشنهادها بعد اگر مطابق همین ترتیبی که داریم پیشنهادهای مقدم رد شد و محتاج پیشنهاد مؤخر شدیم البته آنرا میخوانند و میگویند توضیح بدهید اولاً آقای صفائی در کمال صفا رفت و خودشان گفتند چون پیشنهاد من مطرح نیست بنده میروم اگر پیشنهاد من مطرح شد آنوقت مرا بخواهید و حرف بسیار صحیح و منطقی زدند.

راجع با آقای تیمورتاش ملاحظه فرمودید که مذاکرات را چطور شروع کردند این مذاکرات ممکن است ده ساعت طول بکشد و ما این وقت را نداریم و سوالات ایشان موردی نداشت منظور من اینست چیز روشن و واضحی غیر از آن چیزیکه داشتند نداشتند و بعلاوه حق ایشان هم ازین نرفته است. بنظر بنده در این تشریفات اینهمه معطل نشوید مسئله خیلی مهمتر از این است که آقایان بهشان بر بخورد ما که خدای نخواستہ قصدی نداریم و اگر خدای نخواستہ با آنها برخورد باشد از آنها هم معذرت میخواستیم. آقای فقیه زاده اظهار داشتند: یکقسمت فرمایشاتی که جناب آقای دکتر شایگان فرمودند بنده را قانع کردند نکته ایکه میخواستم تذکر بدهم این است که

ما آقایان پیشنهاد دهندگان را همگی را برای یکساعت معین دعوت کردیم یعنی بهمه اخطار کردیم که ساعت نه صبح بیایند برای توضیحات و الان هم ساعت ۱۲ است اساساً ما نباید در یکساعت معین آنها را دعوت کرده باشیم همه که باهم نمیتوانند صحبت بکنند این را من استدعا میکنم در آتیه اگر خواستید دعوت بفرمائید این مسئله را رعایت بفرمائید و بعلاوه یک طوری بشود که این همقطاران ما هم از ما نرنجند حرفشان را بزنند یک ربع ساعت که تمام شد تذکر بدهید و اگر توضیحاتشان تمام نشد ارفاقاً یک قدری فرجه با آنها بدهید.

آقای مکی گفتند: مطلب همین بود که آقای دکتر شایگان فرمودند آن جلسه بنده پیش بینی کردم که اگر آقایان را دعوت بکنیم کار ما طول خواهد کشید از عمر کمیسیون چیزی باقی نمانده است (آقای دکتر کاسمی گفتند: تا ۱۲ فروردین) مجلس قبل از عید تا ۲۰ فروردین تعطیل میشود ما باید زودتر تکلیف این کار را معین بکنیم (آقای حائری زاده گفتند: ۲۰ اسفند عمر کمیسیون تمام میشود) شاید آقایان بخواهند که تا آخر کمیسیون صحبت بکنند آنوقت تکلیف ما چیست در مجلس اگر یک پیشنهادی قرائت شد روی آن رأی میگیرند جناب آقای رئیس هم فرمودند آقایان بیایند و هر کدام ربع ساعت صحبت کنند و حالا آقای تیمورتاش میخواهند سماعت صحبت بکنند.

آقای سرتیپ زاده گفتند: بنده برخلاف عقیده آقای حائری زاده عقیده دارم که این کاربردتر شد چون تصمیم گرفتیم که آقایان را دعوت بکنیم و اینجاصحبت بکنند و بعد هم تصمیم بگیریم البته سه ساعت هم شرط نیست ولی در هر صورت باید آنها بیایند صحبت بکنند تصمیم ما اینطور بود.

آقای دکتر کاسمی گفتند: این بیانی که آقای دکتر شایگان فرمودند برطبق تصمیم مجلس که بما داده قید شده با توجه پیشنهادها این کلمه توجه پیشنهادها

چطور معین میشود موقعیکه این پیشنهادها خوانده بشود و در صورت جلسه قید گردد همانطور که سابق هم خوانده شد در هر صورت خوبست خوانده بشود که بعد ها ایرادی نکیرند آنوقت اگر در این پیشنهادها توضیحاتی از پیشنهاد دهنده لازم شد آن پیشنهاد دهنده دعوت بشود. بعقیده بنده باید منبای کار کمیسیون این باشد و ممکن است بعضی پیشنهادها اصولاً مورد توجه واقع نشود.

آقای صالح توضیح دادند: راجع باینکه میفرمائید پیشنهادها توجه بشود اولاً همه آنها چاپ و منتشر شده و در ثانی نسبت بقرائت آنها در کمیسیون اگر نظر آقایان باشد در دومین جلسه کمیسیون این دوره دوم قرائت شد.

آقای قشقائی گفتند: گفتند بنده اجازه اینکه خواستم بلافاصله بعد از صورت جلسه بود و متأسفانه فرصت بدست نیامد که عرایضم را بکنم و حال صحبت در اطراف اینست که در اطراف پیشنهادها صحبت بشود یا نشود البته تردیدی نیست باید بحث بشود. عرایض من مربوط بقسمتهائی بود که در این روزهای اخیر درجراید نوشته شده بنده خواستم تذکر بدهم که تمام این بدبختی هائیکه ما الساعه گرفتار هستیم روی قرارداد منحوس ۱۹۳۳ بوده که عاملین شرکت نفت هستند و همین روزنامهها در آن موقع بواسطه انعقاد آن قرارداد جشن گرفتند و چراغانی کردند و نتیجه این کار باینجا رسیده که ما ملت ایران دچار این بدبختی بشویم اولاً باید تشکر کنم که چند روزنامه وطن پرست هست که افکار مردم ایران را منعکس مینمایند من دیدم در یکی دوروزنامه کیهان و باختر امروز در سرمقاله اش افکار مردم را نوشته بود و من از آنها تشکر میکنم. اگر دولت انگلستان با مادوست است که چرا یکوقت که منافع یکی از شرکتهای تابعه شان بخطر میافتد تهدید میکند بنده صراحتاً میگویم که باینکه دولت انگلستان دولت زورمندی است اما چون حق با ما است و همیشه حق غالب است. از اینجهت تهدید هیچ اثری ندارد باید شرکت

نفت و دولت انگلیس بداند دولت ایران بهیچوجه از تهدیدهای آنها نمیترسد و تا آخرین دقیقه در راه بدست آوردن حقوق خودش جهاد خواهد کرد. بنده متعجبم که چرا دولت اینموضوع را نگفته است و این امر هیچگونه تأثیری در تصمیمات ما ندارد و باید بدانند که شکست هائیکه در جاهای دیگر مثل هندوستان و برمه و مصر خورده با این تهدیدها نمیتوانند در ایران جبران کنند این يك تذکری بود که لازم دیدم داده شود.

آقای صفائی گفتند: من يك جمله ای بنظر آمد که عرض میکنم بنظر بنده آرزو و آمال ملی همیشه باید تطبیق با مصلحت و امکانات بشود و الا اگر نشود گاهی ممکن است عکس العمل نتیجه گرفته شود و چون پیشنهادی که ما کردیم بنده بهم خودم روی این اصل بوده که رعایت امکان را با مصلحت و آرزو کردم و اگر کمیسیون نفت بتعمام این پیشنهادها رسیدگی بکند بشکلی که حل بشود که تا چه حد آرزو با امکان تطبیق کند بنده عقیده ام اینست این آمال و آرزو که حد اکثر استفاده است با قطع ابادی تطبیق میکنند ولی با مصلحت تطبیق میکنند یا نه بنظر آقایان است ولی نظر من اینست که تمام پیشنهادها خوانده بشود و باندازه بکریع مذاکره بشود آقایان توجه بفرمایند که ما این عقایدمان را بعرض برسانیم و صرفاً روی ایده آل نرویم عقیده بنده اینست که کمیسیون باید يك تصمیم فوری نگیرد تا ما توضیحاتمان که از راه امکان و مصلحت بنظرمان آمده بدهیم و این مسئله امکان و مصلحت از آقایان فوت نشود ولی اگر این امکان را بما ندهید امکان این میرود که مصلحت فوت گردد چهار ماه جلسه تشکیل دادید دو جلسه هم برای خاطر ما تشکیل بدهید.

آقای دکتر کاسمی گفتند: اجازه بفرمائید ایشان که الان حضور دارند توضیحات خودشان را بدهند.

آقای بهبهانی تذکر دادند: همه آقایان از روی یک حسن نیتی یک پیشنهادی داده اند مخصوصاً پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق که منهم امضاء کرده ام ولی خوب البته یک امورات مملکتی گاهی پیش می آید حضرت تعالی هم عمده پیشنهادتان راجع به سیاست مملکت است دیشب در روزنامه اطلاعات و کیهان که بنده خواندم نوشته بود یادداشتی داده اند و چون روی سیاست مملکت است بعقیده بنده خوبست دولت را امروز عصر یا فردا صبح بخواهید که توضیح بدهند این یادداشت آنها چیست. (آقای رئیس اظهار داشتند: بعقیده من هیچ لزومی ندارد) یک امر مملکتی را ما نباید سرمان زیر آب بکنیم شاید اسباب زحمت مملکت باشد همینقدر نوشته است راجع بنفت یک یادداشتی دولت انگلیس به مجلس داده باید فهمید که مطلب چیست. عمده پیشنهاد جناب عالی راجع سیاست مملکت است. باید در ضمن این پیشنهاد یک قدری توجه داشته باشیم.

آقای رئیس اظهار داشتند: ما دولت را خواستیم و نگفتم تشریف ببرید شما از دولت بپرسید اگر برخلاف مصلحت مملکت بود رأی ندهید بنده میدانم میخواهند این کار بتعمیق بیفتد چه مانعی است که حضرت تعالی بادولت مذاکره بفرمائید.

آقای مکی گفتند: بنده حقیقتش را تشریح میکنم این یک تبابی بیشتر نیست بین دولت انگلیس و دولت ایران یادداشتی فرستاده اند عین نطق نماینده مجلس و سؤال جواب را فرستاده اند و نوشته اند این را برای دولت ایران فرستادیم بنده میگویم این یادداشت را برای ملت ایران بفرستند. آن روزیکه با دو کلمه خبر یا دو تا مصاحبه یک مملکتی را تجزیه میکردند و میبردند و میخوردند آن روز دیگر امروز نیست همین توپها در مجلس انگلستان راجع بعصر و استقلال هندوستان زدند همین

توپها راجع به برمه خیلی زدند ولی دیدید که بالاخره هندوستان مستقل شد و ارتش انگلیس از مصر خارج شدند امروز موقعیت جهان اجازه نمیدهد که یک تبابی شرکت نفت بادولت بکنند و آنها عین نطق مجلس را بفرستند اینجا هیچ منطقی نیست که ما بخواهیم هر آن با یک رنگ دیگری جلسهمان را ادامه بدهیم. روز اول من عرض کردم این اختیاریکه باین کمیسیون داده شده در تاریخ مشروطیت ایران داده نشده که بتوانند اینطور قدم سریع و دقیق برای سعادت ملت ایران بردارند ما باید از این وضعیت استفاده بکنیم و از صحبت هائیکه ما را منحرف میکند خودداری نمائیم. یک و کیلی آزاد بوده و سئوالی کرده بنده هم فردا در پشت تریبون مجلس جواب میدهم. دولت جوابی بمانداده است هیچگونه جواب قانع کننده ای ندارد مصرها اگر از آن توپ و نشرها ترسیده بودند باین زودی نمیتوانستند ارتش انگلیس را از مصر خارج بکنند ما هم یک ملتی هستیم که هم تمدنمان از مصرها بیشتر بوده و هم خونمان رنگین تر است و باید در مقابل آنها ایستادگی کنیم.

آقای حائری زاده گفتند: مطالبی که خواستم بگویم گفته شده و خیال میکنم ما باید تصمیم بگیریم دولت اگر یک دولت مبعوثی از طرف ملت بود میآمد باما همکاری میکرد ما باید زودتر تصمیم بگیریم و باین کار برفع ملت ایران خاتمه بدهیم برای اینکه این کمپانی کارش آتربیک کردن است مردم را سرگرم میکنند و فردا بایی کشی راه میاندازند مردم را بیک چیزهای عجیب و غریب سرگرم میکنند یکعده چاقو کش را داخل دانشگاه کرده اند که دانشگاه را بدنام بکنند.

آقای دکتر شایگان توضیح دادند: تصمیمی که ملت ایران و کمیسیون مخصوص نفت میگیرد البته هیچوقت بشرط اهیال کمپانی یا دولت انگلیس نیست (صحیح است) و آنها با تمام قوا سعی خواهند کرد که این تصمیم را در هم بشکنند

بنا بر این اینکه چیزی نیست که غیرمنتزاع باشد آن کسیکه خربزه میخورد باید پای لرزش هم بایستد اگر میخواهید ابتدای يك انقلاب سیاسی برای يك مملکتی باشید آنها البته تمام پشتیبانی که ممکن است همه جا خواهند کرد چیزیکه باعث این میشود که ما قدرت در خودمان میبینیم اینست که آنها حرف حقی ندارند بزنند این تطفلی که معاون وزیر خارجه انگلیس کرده در هیچیک از ممالک دنیا معنائی برایش قائل نیستند يك شرکتی است در اینجا این حرفی که ما میزنیم دعوائی که بشرکت نفت نداریم مصلحت ملت ایران در این است که این صنعت نفت ملی بشود حالا اگر ضرری بفلان کمپانی میخورد و ضرر فلان کمپانی بضرر فلان دولت است این حرفی ندارد حالا این حرفی که او میزند که ما نمیتوانیم بی نظر باشیم این چیزی نیست اما اگر اوخواست که آثار خارجی داشته باشد آنوقت است که ما مطمئن هستیم که ممکن الوقوع نیست بعلاوه دولت انگلستان برسر قضیه نفت نمیتواند اولتیماتوم بدولت ایران بدهد و اولتیماتوم او فتای دولت انگلیس است در شرق کمپانی که ملیاردها ثروت دارد میلیونها نفوس از آن استفاده میبرند این کمپانی در برابر حرف ما نمیتواند ساکت بنشیند و میگوید به ملت ایران چه فکر خوبی کرده است و البته ساکت نمیشیند و اقدام میکند اما اقدامی که آثار صریح خارجی داشته باشد نمیتواند بکند و اگر بفرض هم آن کار را کردند نمیتوانند دنبال آن اقدامشان عملی بکنند و امروز سال ۱۹۳۳ نیست همانطور که آقای حائری زاده گفتند اگر دولت مبعوث از طرف ملت بود لازمه پیشرفت کار این بود که با ما همکاری بکند حالا این دولت دولت بدی است یا خیر همینقدر میتوان گفت که این دولت همچنین شجاعتی در خودش نمی بیند چون این مشکل است ما حرفی نداریم بدولت بزنیم دولت باید بیاید بگوید این یادداشت رسیده است تمام مساعی ما اینست که بگوئیم کمیسیون نفت که نماینده ملت ایران بود حرف

خودش را زده است این بیان را که گفتید باندازه قدرت نظامی انگلستان است اگر این حرف را اینجا متحداً زدید و مجلس شورای ملی تأیید کرد غصه اینکه این حرف عملی نمیشود نداشته باشید و مطمئن باشید که عملی میشود البته آنها برای اینکه این حرف را ما نزنیم اقداماتی میکنند و اگر آنها شکست بخورند شکست ملت انگلستان است در شرق ما بایستی پیش خود و خدا و وجدان تصمیم قاطع را بگیریم.

آقای دکتر علوی اظهار داشتند : بنده هم در تأیید پیشنهاد جناب آقای بهبهانی شخصاً مانعی نمی بینم که تمام جهات و جوانب قضیه را ما مطالعه بکنیم نه تنها از لحاظ این یادداشت بلکه از جهت روشن شدن جنبه های سیاسی ، فنی ، اقتصادی و مخصوصاً از لحاظ قضائی که اگر آقایان صلاح بدانند دولت بیاید اینجا و توضیحاتی بدهد که ما در موقع رأی دادن کاملاً روشن باشیم ما همه مصمم هستیم که حد اعلاى حقوق ملت ایران را تا آنجا که مقدور است بعمل آوریم اگر ما صرفاً روی احساسات برویم که ترفه ایم و احساسات را با تفکر و تعقل توأم نکنیم ممکن است نقص غرض بشود اینست که قبل از اینکه رأی نهائی داده بشود ماهیت امر برای من روشن بشود که بنده هم امضاء خودم را بدهم .

آقای فقیه زاده اظهار داشتند : جناب آقای دکتر شایگان ضمن فرمایشاتشان فرمودند عملی که در مجلس انگلستان شده است هیچ عکس العملی برای ما پیدا نخواهد کرد بنده معتقدم این حرف بصرف حرف بنده و جنابعالی قانع کننده نیست آقای بهبهانی يك پیشنهادی کردند که دولت راعوت بکنید تا بیاید اینجا بگوید چه یادداشتی دولت انگلستان داده است و ممکن است همین الان دولت بیاید توضیح بدهد تا اقلاً بشنوم

یادداشت چه بوده و موضوعش از چه قرار است و آیا حقیقت دارد یا ندارد قبل از ناهار تلفن بشود که بعد از ناهار دولت بیاید.

آقای سرتیپ زاده گفتند: بنده عقیده ام را صریح و روشن عرض میکنم اینکار خیلی مهمی است و شوخی نیست یک چیزیکه باحیاط و محاط ملت ایران تماس دارد این باید هم دولت و هم پیشنهاد دهندگان بیابند و هر قدر بتوانیم در اطراف این پیشنهادها فکر بکنیم و نباید اینکار را سرسری بگیریم من معتقدم که دولت هم بیاید با او هم شور بکنیم.

آقای مکی گفتند: راجع باین قسمت سئوالی کردند دولت هم جواب قانع کننده نداشت و گفت کمیسیون نظرش را بگیرد حالا اگر آقایان حاضر نیستند امروز رأی بدهند صریحاً بگویند پس فردا اگر میخواهند ببینند موضوع چیست ممکن است یک یادداشتی بدهند بمجلس و با ازدولت مصلحت بینی بکنند و بعد هم بیابند رأیشان را بدهند و اگر بنا بشود باین عنوان ما کار کمیسیون را عقب بیندازیم و نخست وزیر برای اینکه چهار روز بیشتر بماند یک تباہی بکنند از مصلحت خارج است بنابراین ما باید تکلیف خودمان را بدانیم و بگوئیم که چه میخواهیم.

آقای دکتر کاسمی گفتند: بنده دو قسمت عرض داشتم الان ما دو ساعت است بحث در این مسائل میکنیم و همه میگویند که آقایان میخواهند کار را عقب بیندازند و حال آنکه دو نفر از پیشنهاد دهندگان اینجا بودند و میخواستند توضیحاتشان را بدهند. یکی هم آن بیانی بود که در جلسه قبل عرض کرده ام و جناب آقای دکتر مصدق گفتند که نخست وزیر گفته است من میآیم در مجلس شورای ملی توضیحات خودم را میدهم قسمت اخیر نامه آقای نخست وزیر را قرائت و گفتند در اینجا نوشته شده در کمیسیون

میآیم نه در مجلس (آقای اللهیار صالح گفتند: نوشته اند در صورت ضرورت) حالا بنده استدعا میکنم همانطور که موافقت فرمودید اجازه بفرمائید آقای صفائی بعد از ناهار توضیحات خودشان را بدهند و همچنین آقای کشاورز صندری.

در اینموقع سه ربع ساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار تعطیل و مجدداً یک ساعت و بیست دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق تشکیل گردید.

آقای رئیس بیان داشتند: اگر اجازه بفرمائید برای آقایان پیشنهاد دهندگان نیمساعت وقت قائل شویم که صحبت کنند جلسه هم از ساعت نه صبح شروع شود و به آقایان نوشته شود باینکه یک ربع ساعت حق دارند بر طبق آئین نامه صحبت کنند ولی استثنائاً نیمساعت اجازه داده میشود صحبت کنند.

آقای پالیزی گفتند: اگر امروز وقت داشته باشید دولت را دعوت بفرمائید بیاید صحبت خود را بکنند والا برای روز چهارشنبه دعوت فرمائید.

آقای رئیس در جواب اظهار داشتند: بنده بدولت نوشتم که بیایند صحبت کنند و آمدند یک کلمه صحبت کردند؟ چه محظوری در بین است که خودشان بیایند و صحبت کنند؟

آقای پالیزی گفتند: چه عیبی دارد از طرف کمیسیون بدولت تلفن شود؟
آقای رئیس اظهار داشتند: جنبه سیاسی آن خوب نیست که ما دولت را بخواهیم زیرا تصور میشود که ما ترسیده ایم اگر میگوئید که ما بنشینیم حرفهای بزنیم یک چیزی بود.

آقای عامری اظهار داشتند: قسمت اول که فرمودند آقایان بیایند نیمساعت صحبت کنند که رفع هر گفتگویی بشود خیلی صحیح است.

آقای رئیس متذکر شدند: من مرض هستم و خیلی ناراحت هستم که در کمیسیون حاضر میشوم و بنا بر این نگذارید وقت تلف بشود.

آقای عامری در دنباله بیانان نشان گفتند: اینکه فرمودید وقتمان انضباطی داشته باشد صاحبان پیشنهاد را بگوئیم سر ساعت ۹ حاضر شوند و هر کدام نیمساعت دیرتر حاضر شوند بنویسیم اگر سر وقت حاضر نشدند حقشان تلف میشود موضوع دیگر اینست که راجع بیادداشت سفارت انگلستان که رسیده خوب است با دولت مذاکره بشود.

آقای رئیس بیان داشتند: ممکن است یک نفر با نخست وزیر صحبت کند اگر معلوم شد غیر از نطق معاون وزارت خارجه موضوعات دیگری هم بوده است اجازه داده شود بیایند در کمیسیون صحبت کنند.

آقای عامری گفتند: یک موضوع دیگر از بیانات جناب آقای دکتر مصدق است که بنده هم شریک هستم اظهار روسها اینست که ایران تبعیض میکند ولو آنکه ۹۹ درصد منافع بایران برسد. بنده حاضرم که بطور خصوصی با نخست وزیر صحبت بشود اگر گفتند مطالبی هست که دعوت کنیم بیایند بکمیسیون.

آقای رئیس گفتند: با این ترتیب و بطور خصوصی عیبی ندارد.

آقای صالح اظهار داشتند: توهمی که برای یادداشت پیدا شده بنده یقین دارم بيمورد است حداکثر یادداشت همان است که در روزنامه ها نوشته شده و چون ما حاضر شده ایم برای مبارزه و حصول بهدفع ملکی لذا از چنین نطقی نباید ازجا در رویم و اما اگر موضوع مؤثری بود وظیفه نخست وزیر است که بیایند اینجا و مطلب را بگویند ما که در کمیسیون را روی دولت بسته ایم، همیشه دولت میتواند در کمیسیونها و مجلس

حاضر شود و صحبت کند پس همین که نخست وزیر بکمیسیون و بمجلس نیامده و در اینخصوص صحبتی نکرده بنا بر این معلوم میشود چیز مهمی نبوده است و اینکه گفته شد ما جلو نخست وزیر را بسته ایم اینطور نیست. جناب آقای دکتر مصدق فرمودند ضرورتی نمیبینم برای حضور دولت در کمیسیون ولی دولت اگر ضرورت ایجاب نمود باید بیاید در کمیسیون و بگوید و حالا اگر از طرف کمیسیون منتشر شود که از نخست وزیر دعوت شده و با خصوصی دعوت بعمل آمده خوب نیست و ملت خیال میکند ما نرسیده ایم بنا بر این بنده استدعا میکنم آقایان نگذارند این قسمت از کمیسیون خارج شود.

آقای حائری زاده تذکر دادند: ما نباید کارمان هرج و مرج بشود قرارداد برای ۶ نفر آقایان پیشنهاد دهندگان هر یک نفر نیمساعت فرجه داده شود برای صحبت و کمیسیون هم ساعت ده تشکیل میشود آقای رئیس هم موافقت فرمودند که روز چهارشنبه برای توضیح پیشنهاد دهندگان اختصاص داده شود و درخصوص حضور نخست وزیر هم قرارداد خصوصی با ایشان صحبت شود که اگر حرفی دارند مهم است خودشان بیایند بکمیسیون و صحبت کنند.

آقای مکی درخصوص اینکه بعضی از آقایان میل دارند کار تأخیر شود توضیحاتی داده و اظهار نمودند: اگر حقیقه اینطور است خوب است بفرمایند چند روز دیگر میل دارند کمیسیون تصمیم اتخاذ کند والا اینکه هر روز بمنوای کار را بتأخیر میاندازند خوب نیست.

در اینموقع جلسه کمیسیون ختم و قرارداد از آقایان پیشنهاد دهندگان برای روز چهارشنبه هر یک ساعت دو نفر دعوت بشوند که در اطراف پیشنهاد خودشان توضیحات بدهند.

جلسه دو ساعت بعد از ظهر ختم گردید و جلسه آینده بروز چهارشنبه ۲۹/۱۲/۹ سه قبل از ظهر موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و سوم

سی و سومین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه نهم اسفند ۱۳۲۹ دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان گنجی، صالح، مکی، سر تیپ زاده، دکتر علوی، فقیه زاده، حائری زاده، دکتر کاسمی، عامری تشکیل گردید آقایان اردلان، تیمورتاش، کشاورز صدر، صفائی که برای ادای توضیحات درباره پیشنهاد خودشان دعوت شده بودند در جلسه حضور داشتند. قرائت صورت جلسه قبل بجله بعد موکول گردید. ابتدا آقای اردلان در اطراف پیشنهاد خود چنین اظهار داشتند: بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام و یکمرتبه میخوانم و بعد بقدر ۶۰۵ دقیقه صحبت میکنم (آقایان رئیس و اعضاء تذکر دادند: که بیشتر هم میتوانید توضیح بدهید). متن پیشنهاد قرائت شد و گفتند: در قسمت اول که بنده نوشته ام دولت مکلف است راجع بدولت توضیح میدهم تمام عدم موفقیت مذاکرات ما با شرکت نفت اینست که واسطه مذاکرات که دولت بوده خودش ایمان و عقیده بکار خودش نداشته اگر ما بخواهیم که آن واسطه کار که در اینجا دولت نامیده شده با از طرف دولت و با از طرف مجلس هیئتی معین بشوند باید یک اشخاصی باشند که خودشان ایمان و عقیده داشته باشند و اگر نداشته باشند موفقیت حاصل نمیشود مثلاً گلشایان که قرارداد الحاقی را بمجلس آورد و با فرور هر که از قرارداد در مجلس دفاع کرد اینها مثلاً نمیتوانند بروند از شرکت نفت استیفای حقوق ایران را بکنند برای اینکه خودشان ایمان درستی نداشتند و مقصود من نماینده دولتی است که خودش عقیده داشته باشد و وقتی روی عقیده برود

صحبت بکنند مذاکراتش مؤثر واقع میشود. وقتی ما یک دولتی را بوجود آوردیم که خواست از روی ایمان استیفای حقوق ملت ایران را بکنند باید بعقیده بنده پنج اصل را در نظر بگیریم..... راجع بعقد قرارداد جدید توضیح عرض میکنم و بنده شخصاً قرارداد ۱۹۳۳ را باطل میدانم و بطلانش اینست که عاقد قرارداد در مجلس گفت این قرارداد از روی کوره و اجبار بسته شده است و آقای دکتر شایگان از لحاظ قضائی بحث مفصلی نمودند و ثابت کردند که این قرارداد ارزش قانونی ندارد و بعد هم خود شرکت نفت ایمان نداشت که این قرارداد صحیح است و قرارداد الحاقی را برای تثبیت آن بوجود آورد آن دولتی که من عرض کردم باید بمنظور عقد قرارداد جدیدی بوجود بیاید یعنی هیچ قرارداد ۱۹۳۳ را بحساب نیاورد من چنین دولتی با این ایمان و عقیده را عرض کردم که بمنظور عقد قرارداد جدیدی معین بشود بنده نوشته ام عقد قرارداد الحاقی جدید و وقتی دولت این نیت را داشت باید پنج اصل در این قرارداد را در نظر بگیرند که بنده در پیشنهادم ذکر شده است. و وقتی روی آن عمل شد قوانین ایران در این شرکت حکمفرما هستند در صورتیکه حالاً برعکس است مرکز شرکت در لندن است و قانون مالیات بر درآمد انگلستان در آنجا حکمفرما می کند و بنا بر این یک مرکز که منبع فیضش در ایران است باید مرکز اصلی شرکت هم در ایران باشد و تابع کلیه قوانین ایران باشد. دو شرط دیگر هست که با هم تقریباً یکی هستند و بنده در دو ماده نوشته ام راجع بمنافع سهم ایران.... و البته این شرط عملی نمیشود مگر اینکه نظارت در خرج داشته باشیم والا برای ما حساب سازی خیلی آسان است بنده خودم محاسب هستم و این بسته بتنظیم آنست اینست که باید حسن نظارت کامل در خرج داشته باشیم بنده در یک روز نامه ای خواندم که شرکت نفت صد هزار لیره بمؤسسه پاستور سنگاپور هدیه

داده ما در مملکت خودمان هیچ بهداشت نداریم آنوقت يك مؤسسه ايکه بايد بما سهم بدهد بچه مناسب صد هزار ليره بينگاه انستيتو پاستور سنگاپور هديه میکند و اين دو اصلی که من در قسمت دوم و سوم عرض کردم هر دو باهم توأم است مشروط بر نظارت . در امتياز داری ما دو ماده داشتیم که در قرارداد ۱۹۳۳ آن را از دست داده ایم اين را بنده زنده کرده ام یکی مدت و دیگری اموال و اثاثیه . بنده معتقدم در حال حاضر هیچگونه قراردادی با شرکت نفت صلاح نیست منعقد بکنیم که حداکثر از ده سال تجاوز بکند و اين صلاح نیست و اگر زیادتر بکنیم در آخر هر ده سال حق فسخ را داشته باشیم و اين مدت ده سال که من عرض کردم تطبيق میکند با قرارداد داری و در قسمت اثاثیه هم چون مربوط بنظارت در خرج میشود ما میتوانیم تمام اين اثاثیه را بحساب خودمان بگذاریم آن دولتی که بنده عرض کردم که ايمان و عقیده داشته باشد باینکه شرکت نفت حقوق ما را غصب کرده آن دولتی که وقتی چشمش بچشم شرکت افتاد يك خاطره هائی در نظرش نیاید که چه جور او را باین مقام رسانیده است . اين نظر بنده است عقیده خودم اين است که فعلاً مصلحت مملکت باین نحو اقتضا میکند . البته اگر پیشنهاد دیگری بتصویب برسد و در مجلس بیاید بنده در آنجا هم عرض میکنم و البته آقايانی هم که موافق گزارش باشند توضیح میدهند و اشکال ما را رفع میکنند مملکت مشروطه اساسش شور و مشورت است و همه ما هدف واحدی داریم که آن خدمت به مملکت است .

آقای تیمورتاش در اطراف پیشنهاد خود اظهار داشتند : بنده میتوانم عرض بکنم که در اطراف پیشنهاد يك قدری فکر کرده ام و نوشته ام و بر اين مبنا است که گرچه ملی شدن صنعت نفت آرزوی هر ایرانی است ولی بعلم مشکلاتی که

برای عقل نارسای بنده دارد قابل عمل در محیط کنونی نمیدانم پیشنهاد بنده چند نکته اصلی در بردارد و اولین مشکل ایران با شرکت نحوه کنترل عمل است باین معنی که ما حق مداخله در محاسبات شرکت عمل نداشته و با اینکه تا کنون انجام نشده است و باید تصدیق کرد که نظارت در کار يك شرکت بزرگ با آن محاسبات پیچ در پیچ کار بسیار مشکلی است . ما در همین شرکت های خودمان هزار گونه میتوانم تغییر و تحول بدهیم ، ارقام را بالا و پائین ببریم چه رسد بشرکت بنا بر این بنظر بنده راه معقول برای استیفای حقوق ایران اين خواهد بود که حتی المقدور يك طرز نظارت ساده و در عين حال عملی پیش بینی بشود روی اين زمینه خیال کردم که اگر مقدار نفت خام مستخرجه از جاهای کشور را ملاک عمل قرار بدهم چون اولاً قبل از اینکه بخواهیم استفاده دیگری بکنیم میتوانیم نظارت کنیم و ثانیاً اين نظارت جنبه مکانیکی خواهد داشت و بوسیله کنتورها و سایر دستگاههای مکانیکی دیگر ما میتوانیم بمقدار حقیقی استخراج نفت بی ببریم و ملاک عمل برای وصول حق الامتياز قرار بدهیم و اما اصل حق الامتياز بدو قسمت شده یکی نقدی و دیگری جنسی . منظور اینست که قدر مسلم نفت خام در دنیای امروز خیلی خریدار دارد و ثانیاً یکی از وسایل عمل و کار شرکت موضوع توزیع است که در واقع يك شبکه خواه یا ناخواه « البته منظورم اين نیست که تمام کسانی که در شرکت نفت کار میکنند ایرانی نیستند یا خدای نخواستہ مصالح مملکت را در نظر نمیگیرند . » هواخواه شرکت هستند و ثانیاً استفاده ايکه شرکت از توزیع میکند بنده خیال نمیکنم کمتر از استفاده از استخراج باشد بهر حال اگر ملت ایران میتواندست توزیع داخلیش را خودش در دستش بگیرد مسلماً يك قدم بزرگی برداشته است . روی اين زمینه وقتیکه دولت ایران دارای يك مقدار نفت خام باشد هم میتواند خودش شخصاً يك بازاری در دنیا برای نفتش بوجود بیاورد و هم میتواند توزیع داخلیش را شخصاً اداره بکند . اين

از نقطه نظر جنسی و از نقطه نظر نقدی نظرم این بود که عین طلا داده بشود بدلیل اینکه یکی از تسلط هائیکه انگلیس بایران دارد اهمیت همین لیره‌های پلکه شده است و حتمی است که علاقه انگلستان این خواهد بود که این لیره‌ها در پلک خودش مصرف بشود و تبدیل بدلار و غیره نکرده و از اینجهت پیشنهاد بنده این بود که عین طلا بایران داده بشود برای اینکه ایران مجاز باشد بهر تریبی که بخواهد از این ارزش خارجی استفاده بکند این قسمت اول پیشنهاد بنده بود چون عقیده مندم که پیشنهاد دهندگان و یا بطور کلی مجلس نمیتواند تا یک حدود خیلی زیادی وارد جزئیات مطلب بشود و یک رقم قاطعی را بگوید یا مأمور مذاکره را بایند یک رقم قطعی بکنند اینست که بنده در پیشنهاد یک حدودی را قائل شدم اما مقدار و نسبت بین این نقد و جنسی که مآلاً باید حق الامتیاز دولت ایران را تشکیل بدهد آقای مهندس حبیبی در این قسمت خیلی کمک کرده و معلوم شده که بهترین بیلان‌ها و یا ترازنامه‌های شرکت در سالهای اخیر ۴۹ و ۵۰ است (آقای گنجه‌ای گفتند: سال ۵۰ که نداریم) بیخشید عملکرد سال ۴۹ است و آن چیزیکه بنده خیال میکنم قابل عمل باشد بر مبنای سود نازیره شرکت در سال ۵۰ پنجاه درصد مبنای عمل ما باشد. یعنی حق الامتیازی که ما میگیریم پنجاه درصد آن ترازنامه سال ۴۹ باشد. ارقام را بر سبیل مثل عرض میکنم فرض بفرمائید که شرکت ۴۰ میلیون تن نفت استخراج کرده و ۴۰ میلیون لیره استفاده برده بنا بر این میشود گفت روی هر تن نفت یک لیره استفاده کرده این یک لیره را نیم لیره اش را بما میدهد که مأمورین وصول قسمتی نقد و قسمتی جنس وصول میکنند البته این مسجل خواهد شد.

قسمت دوم که بنده علاقه مند بودم توزیع داخلی است که خیلی اهمیت میدهم

و طبیعی است که اگر دولت ایران دارای یک مقدار نفت خام بود این را میتواند در پالشگاه خود شرکت تصفیه بکند در اینصورت شاید دولت ایران در سال سه چهارمیلیون تن نفت داشته باشد که در مرحله اول هم میتواند مصارف داخلی خودش را تأمین کند و محتاج باین نگرانی نخواهد بود که آیا فلان روز شرکت نفت سیاستش اقتضا میکند که در فلان نقطه مملکت مقداری نفت در دسترس عموم بگذارد یا نکند و همچنین اساساً این دستگاه و شبکه‌ای که در تمام کشور هست این بسود ملت ایران و بسود دستگاه ایرانی برکنار خواهد شد این اصل دوم پیشنهاد من بود. اصل سوم که اهمیت برای آن قائل هستم اینست که نه تنها باید یک حداقلی برای استخراج شرکت در نظر گرفت بلکه باید یک حداکثر هم در نظر گرفت چون این گنج نهفته را که خدا بما داده است باید نسلهای آینده هم از آن استفاده بکنند و چه بسا وضع دنیا ایجاب بکند که بخواهند این خون را بکلی از عروق ملت بکشند و این برخلاف منافع نسلهای آتیست مملکت خواهد بود از اینجهت باید یک حداکثری هم برای استخراج در نظر گرفت.

اصل چهارم راجع به گمرکات شرکت نفت است که شرکت بیبانه اینکه ما معافیت گمرکی داریم هر گونه جنسی را که بخواهد وارد میکند بنام مصرف داخلی خودش و بدون توجه بمقررات داخلی گمرکی ما. اصل دیگر موضوع ماشین آلات مولده ایست که بدرد استخراج میخورد و باید از حقوق گمرکی معاف باشند. اصل پنجم را زیاد بحث نمیکنم و باید طبق مقررات اجتماعی و کار رعایت شود.

اصل ششم را اهمیت میدهم زیرا همانطوریکه آقای اردلان گفتند من هم مخالف بهر گونه قرارداد الحاقی که بخواهد مؤید قرارداد ۱۹۳۳ بشود. جناب آقای دکتر مصدق مطالبی فرمودند که بنظر بنده کاملاً صحیح است همه ما در اعماق قلبمان مخالف

قرارداد ۱۹۳۳ هستیم و آن را از لحاظ ایرانیت باطل میدانیم. بنظر بنده هر ایرانی وقتی کمیت و کیفیت آن قرارداد را در نظر بگیرد آن را باطل میداند.

قرارداد ۱۹۳۳ از نقطه نظر ایرانیت کاملاً ملفی است ولی حقیقت مطلب اینست که بدبختانه من میدانم که آیا از نقطه نظر عرف قضائی هم ملت ایران میتواند باطل بداند یا نه جناب آقای دکتر مصدق فرمودند و ما این را قبول داریم و همه میدانیم که باطل است ولی نباید اظهارش کرد بدلیل اینکه این کافی نیست که يك کسی بیاید بگوید که يك قراردادی را بعنف و اجبار قبول کردم و بعد هم بگوید خیر! این بنظر بنده تصور نمیکنم در محاکم قضائی قابل قبول باشد بیخشد از اینکه این مطلب را میگویم در همه جای دنیا ممکن است که يك قراردادی را بعنف و اجبار تحمیل بکنند و ملت هم حق دارد بگوید ولی ملتی حق ندارد که بعد از تغییر رژیم باز آن مسبین را پروبال بدهد و بر سر خودش جا بدهد اگر این کار را کردند یعنی عمل گذشته را تسجیل و قبول کردند (آقای حائری زاده گفتند: فشار کمپانی هنوز مرفوع نشده است) گفته شده که عنف و اجبار در کار است و گفته شده که تقی زاده اطلاع از تمدید مدت نداشتم بنده يك نامه ای دارم که اگر اجازه بفرمائید بخوانم. (آقای رئیس گفتند: این مربوط به پیشنهاد است؟) حالا از قرائت این نامه فعلاً میگذرم و قصد اینست که از این نظر دوم اساساً غلط است (آقای رئیس تذکر دادند: آن مجلسی که این قرارداد را تصویب کرد نمایندگان آن نمایندگان حقیقتی ملت ایران نبودند) متأسفانه آنچه را که ما میخواهیم وقتی در مجلس هم بگوئیم این کافی برای اقناع جنبه قضائی مطلب نیست برای اینکه يك تنه بجنس گرفتار قانع و پیروز نمیشویم آنچه را که ما میگوئیم جنبه بین المللی دارد چه بسا همین شرکت غاصب فردا

مارا کنار میز محکمه بکشند و ما باید يك استدلالی بیاوریم که محکمه پسند باشد نه احساسات پسند بهتر ترتیب بامثال امر جناب آقای دکتر مصدق از این عمل میگذرم (آقای رئیس گفتند: اگر مربوط به پیشنهاد است بخوانید.) بنظر بنده قرارداد ۱۹۳۳ در عین حالیکه از نقطه نظر ایرانیت مردود میدانیم نمیتوانیم در يك محکمه قضائی رد شده بدانیم برای اینکه اعضاء کنندگان آن آن بجهتترین دستگاههای مقننه ما تکیه زده اند و این نمونه تأیید قرارداد ۱۹۳۳ است پس باید يك قرارداد نوین و جدیدی در نظر گرفت و مخصوصاً من تصریح میکنم که هر گونه قرارداد الحاقی یا مکمل یا بهر عنوان دیگری باشد منافع ما را تأمین نمیکند و باید يك قرارداد تازه ای در نظر گرفته بشود. راجع بمصرف گازهای حاصله از نفت که امروزه بدون مصرف و استفاده از آن از بین میرود و آتش میزنند (آقای مکی گفتند: يك ملیون و نیم تن وزش هست.) در صورتیکه امروز مورد استفاده هائی خواهد بود و چه بسا ممکن است با علم کنونی دنیا فردا مورد استفاده بیشتری واقع بشود. موضوع دیگر قضیه اجازه لوله کشی است که ندر این قرارداد و نه داری اجازه خاصی بشرکت داده نشده است و یکی از موارد اختلاف حاد و شدید مرحوم پدرم با شرکت راجع بلوله کشی بود که حق لوله کشی باید علاوه بدهند این راهم توجه بفرمائید که کسانی که مأمور مذاکره میشوند این را اعمال نظر بکنند. دیگر اینکه ماده کذائی ۱۶ قرارداد فعلی یعنی تقلیل کارمندان خارجی باید مورد نظر باشد و بطور کلی این توضیحاتی بود که میخواستم راجع به پیشنهادم بدهم و اما کمال مطلوب و آرزوی بنده اینست که صنعت نفت ملی بشود ولی مشکل میدانم که این عمل با اوضاع بین المللی امروز قابل عمل باشد و من میخواهم اگر اجازه بفرمائید در خارج از وقت کمیسیون دو سه موضوعی که دارم از جناب آقای رئیس سؤال

بکنم چه بسا ممکن است منتهی پیروی از عقیده شما بکنم .

آقای کشاورز صدر در اطراف پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت بیان داشتند:
بنده عرض خیلی مختصر و خلاصه است یعنی بی نیاز هستم از اینکه راجع بمحاسن و مزایای ملی شدن صنعت نفت عرضی بکنم زیرا آقایان دکتر مصدق و مکی که متخصص و قهرمان هستند در اینکار و بعد کافی و شافی دلائل لزوم ملی شدن نفت را توضیح فرموده اند حالا چرا بنده ملی شدن را امضاء کردم .

یکروزی در مجلس بودیم آقای مکی بمن گفتند این باند ملی شدن نفت را به سینهات بزنی بنده يك چیزی نوشتم روی کاغذ و الغاء قرارداد ۱۹۳۳ را بسینهام زدم ولی یکروزی در میتینگ روز جمعه که جلوس مجلس بود تلفنی بمن کردند که میتینگ هست و شما نماینده رفتم دیدم که انصافاً جمعیت بسیار زیادی که محققاً ۱۸۰۱۸ هزار نفر هستند بنده با اتفاق آقای صادق شهیدی رئیس حسابداری ژاندارمری که با من بود با زحمت از داخل جمعیت رفتم بعد يك امور انتظامی در جمعیت بود و ما را برد بالا وقتی رفتم بالا دیدم یکدسته ای آنجا هستند از جمله برادر لنگرانی گفتند ما آمدیم برای میتینگ در خصوص نفت . شهیدی بمن گفت که بپرسید چه جوری بشود گفتند الغاء قرارداد گفتیم خیلی خوب است و ملی شدن چه عیبی دارد که ما ملی کنیم اظهار کردند باینکه اگر بنا هست که ملی بکنیم ما این نفت جنوب را باید ملی بکنیم نه نفت تمام معادن من گفتم جمیع معادن ما متعلق بدولت است و طبیعتاً ملی است اما يك نکته ای هست که اگر دولت آمد يك امتیازی بشمال یا بشرق یا بدولت فرانسه داد ما چه کار بکنیم ما باید يك کاری بکنیم که این امتیاز دادن ممنوع بشود و اگر این امتیاز را بدهیم يك دولت دیگری هم میخواهد و بالتیجه وسیله اعمال نفوذ دیگری در مملکت ما بوجود میآید اما اگر ما بگوئیم تمام

و جمیع معادن ماملی است اولاً جای کله برای کسی باقی نمی ماند و بعلاوه تمام مرافعه برای این است که از این نفت استفاده بکنند . دیدیم آقایان زیر بار این حرف نمیروند و اعتقاد باین نداشتند حتی دیدم بجهه ملی بدین هستند و اظهار بدینی میکردند و یکنفرشان گفت یکی از اعضاء جبهه ملی آمده بود برای اخلاص خلاصه من از این وضعیت و گفتگوهای دیگری که بسته گریخته بگوشم رسید استنباط کردم که متمایلین بشمال و جنوب هیچکدام طالب ملی شدن نیستند و از این امر نتیجه گرفتم که تنها راه فرار از دادن وسیله مداخله با جانب چه شمال باشد چه جنوب ملی شدن صنعت نفت در سرتاسر کشور است تا بدین وسیله با یکدست متنفذ جنوبی و با دست دیگر متنفذ شمالی رانده شود و مجال بهانه و ایراد برای هیچیک باقی نماند بنده راجع بمعایب قرارداد و هر قرارداد و امتیازی که بخارجی بدهیم حرفی نمیزنم ولی يك نکته ای عرض میکنم بدون هیچ شائبه ای بمقدسات عالم در منزل ما بچه های بنده وقتی که این علامت را بسینه زدم همه بمن احترام کردند و بیش از چند تلفن بیننده کردند که راه کار اینست مایکروزی باید احترام بافکار مردم بگذاریم و این مملکت که مال دوست سید نصر هیئت حاکمه نیست من معتقدم نود درصد افراد این مملکت با ملی شدن موافقند این نکته را نباید از ذهن دور داشت که اشخاصی هستند که میگویند مردم دهاتی یا کارگر یا حال و با عمله توی دخانیات این عقلش نمیرسد که ملی شدن نفت یعنی چه بنده در حمام بودم آن کسیکه کیسه میکشید گفت این نفت را چرا ملی نمیکنید گفتم ملی یعنی چه؟ گفت ملی یعنی اینکه این معادنمان را بگیریم و بدهیم بدست دولت که ضررش و نفعش مال همه باشد و بسیار بسیار از من بهتر توضیح داد مردم همه فهمیده اند اعتقاد بنده اینست اگر کمسیون نفت یکقدری احتیاط بکنند و بخواد روی این امر رأی ندهد پنجاه

یاد داشت دیگر برای ما میآید بنده اطلاع پیدا کردم که انگلیسها تا ۵۰ درصد منافع حاضرند بما بدهند آن روزیکه صحبت نفت بود آیا اگر آنها انصاف میداشتند شاید فکر ملی کردن هم نمیآمد ولی اصطکاک افکار باهم و لجاج و عناد کمپانی اول الغاء امتیاز و بعد ملی شدن را بنهن آورد و آلآن که ۵۰ درصد حاضرند آن کسیکه بمن گفت بربط نگفت این حداقل مبارزه است که جبهه ملی و کسانی که طرفداری کرده اند بوده اینست که بنده معتقدم که باید به ملی شدن نفت رأی داد و مسلم بدانید که دولتهای غربی منافشان را بر سر نفت با ما بهم تمیزند هر چه نفت بخواهند آنها پول دار تر هستند و مشتری خرید هستند و ما هم میفروشیم با آنها و البته دولت انگلستان از يك کمپانی نفتی خودش برای منافش بکسدری مقاومت و حمایت میکند و بنظر بنده صد درصد ضرورت دارد خاصه این موقعی که یادداشت داده اند ملت ایران و مجلس ایران همیشه در مقابل این یادداشت ها سرسختی کرده و این یادداشت بمنزله این نیست که شما نفت را ملی نکنید بمنزله اینست که شما نباید در مقدرات خودتان آزادانه دخالت کنید. ایران بشهادت تاریخ لب پرتگاه رسیده ولی وطن پرستی و علاقه اش بمملکت خطر را رفع کرده است دوران جلوس شاه عباس و طلوع نادر و امثال آن شاهد بارز این مدعی است جناب آقای دکتر مصدق ما جناب عالی را پیشوای آزادیخواهان ایران میدانیم تصدیق بفرمائید اگر ما رأی بدهیم که هر چه آنها میگویند درست است هم آنها بما اعتنائی نمیکند و هم رقیبشان دشمن ما میشود و روز آخر هم اگر خطری برای ما پیش بیاید ما از این خواهند برد شما اگر نفت را ملی بکنید آقای آسیا میشود یعنی بانفوذترین دولتهای آسیا میشود و آن عظمت باستانی خودتان را بدست میاورید این را برای امتحان از کمیسیون بگذرانید و بیاورید بمجلس بینید روی دست و پای شامی افتند

یا نه؟ این مجموع عرایض بنده بود آلآن توده ایها مبارزه میکنند برای اینکه نفت ملی نشود شما مستبعد ندانید که اگر صدای يك توپ بلند شد ایندفعه با يك تجربیاتی میآیند و اگر آن امتیاز را گرفت آن شدیدتر از امتیاز جنوب است اینست که من حتی معتقدم نفت را ملی بکنید و نفت را هم بهر قیمتی که میخواهید ولو خیلی کم با آنها بفروشید آنوقت است که استقلال مملکتمان را حفظ کرده ایم. تمام این کسر اسکناس که ما مجبور شدیم لایحه بیاوریم و اسکناس چاپ بکنیم تمام را در شرکت نفت ذخیره کردند که مردم را مجبور بکنند که نگویند ملی اما اشتباه میکنند آنوقت کمیوست میآید.

آقای صفائی گفتند: عرایض من ممکن است خیلی مفصل نباشد و بدو قسمت تقسیم میشود یکی آن اشکالاتی که در مقدمه پیشنهاد خودم ذکر شده و بنظر بنده پیشنهادی که جناب آقای دکتر مصدق فرمودند آن منظور هائیکه خودشان فرمودند تأمین نمیکند در رأس آن قسمت عمده اش کوتاه کردن دست شرکت نفت و عمال نفت است. دوم حد اکثر استیفای مادی کردن تا از دست تحریرات شرکت نفت خلاص بشویم و دوم اینکه حد اکثر استفاده را ما ببریم. در قسمت دوم صد در صد بضرر ما است زیرا شرکت نفت ممکن است خسرابکاری بکند و آن منظور ما تأمین نمیشود و از لحاظ مالی بواسطه بد نام کردن ملت ایران و برای اینکه بگویند نمیتوانند عمل بکنند هر نوع خراب کاری میکنند، سطح استخراج را میبرند پائین خلاصه حسن نیت ندارد شرکت مسلماً برای اینکه اثبات بکند که خوب کار میکرده و قرارداد بنفع ما بوده هر کاری که میخواهد میکند و این مثل يك ما زخمی میشود اگر باید کشت که بکشیم بنظر بنده اگر ملی شدن واقعاً باید بشود و بمصلحت است بنده ایران را دارم که اگر شرکت بطور اهانتی عمل بکند منظور مقدس شمارا بد جلوه میدهد اگر

ما میتوانیم اداره بکنیم باید دست آنها را کوتاه بکنیم بنده روی اصل ملی شدن چون معتقدم که مصالح با ایده آل دوتا است یعنی آرزوی ملت ایران در اینست که نفت ملی بشود چنانچه ما آرزو داریم که فرد فرد این مملکت بقدر آقاخان پول داشته باشد.

پیشنهاد اولیه من عبارت از این بود که تصمیماتی که ما میخواهیم بگیریم ما که نمیخواهیم قرارداد را لغو بکنیم میخواهیم از حاکمیت ایران استفاده بکنیم برای اینکه قرارداد را اگر لغو بکنیم کار بمحا کمه میکشد و از لحاظ حاکمیت ملت ایران این کار را نمیتوانیم و اگر از لحاظ قضائی معتقدید که صحیح است من حرفی ندارم و البته بنظر قضات است.

پس منظور اینست که این عمل یکطوری بشود که از حاکمیت استفاده بکنیم چون بعقیده بنده امروز که ملی بکنیم فردا نمیتوانیم دست آنها را کوتاه بکنیم و چون نتوانستیم نالی فاسد پیدا میشود و از این جهت بنده پیشنهاد کردم که دولت را موظف نکنید که خودش مطالعه بکند و در ثانی از لحاظ بیرون کردن آنها و قطع آبادی و اعلام پوسیدگی آن قرارداد آنرا هم مطالعه بکند و مسلماً اگر ما بقوه حاکمیت و اعمال قدرت ملی آنها را اخراج بکنیم زودتر موفق میشویم بنده در آن پیشنهاد نوشته ام دولت اگر اشتباه بکند مجلس جبران میکند چنانچه در قرار کس - گلشائیان اینطور شد ولی اگر مجلس تصمیم گرفت دیگر کسی نمیتواند بگوید صحیح نیست و اگر نیک اشکالاتی برخورد کرد طبیعتاً کار مشکل میشود پس برای اینکه مجلس و ملت در یک بن بستی واقع نشود و فردا نتواند عقب کرد بکند کمیسیون نفت تصمیمات خودش را بگوید و دولت را مأمور مطالعه و مذاکره بکند و با شرکت بامتخصصین تماس بگیرد.

در موضوع نشر اسکناس بانک ملی آقای حائری زاده فرمودند من متخصص

نیستم و آن مرد بلژیکی میآید موضوع را حل میکند در این موضوع هم ممکن است اگر دو سه ماه ما ملاحظه بکنیم بنظر بنده اصلاح میآید که این نظر مجلس را تطبیق با عمل و امکان بکنند این صحیح تر بنظر میآید تا مجلس یک عملی بکند و بعد برخورد باشکال نماید دست دولت را در کار بگذاریم که اگر عمل غلطی شد بگوئیم دولت این کار را کرده و راه برای اصلاح آن باز باشد. بعد از اینکه پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق را دیدم برخوردیم بآن محظوری که در ماده دو نوشته اند بطور امانی شرکت عمل کند. شرکت نفت که ملزم نیست حرف ما را قبول بکند شرکتی را که شما دارید گردنش را میزنید این چطور ما ایمان پیدا بکنیم که برای ما کار بکند و قتی که باین ماده برخوردیم پیشنهاد را تکمیل کردم و برای اینکه نظر نهائی خودم را عرض کرده باشم گفتم ملی شدن آرزوی ما است و حالا که خود جناب آقای دکتر مصدق معتقد شده اند که باین زودی ما نمیتوانیم ملی بکنیم این بود که بنده پیشنهاد تکمیلی کردم.

پیشنهادشان بشرح زیر قرائت گردید:

ریاست محترم کمیسیون نفت - پیرو پیشنهاد مورخه ... که بموقع تقدیم شده اینک نظریه قطعی خود و هشت نفر نمایندگان محترم مجلس ملی را بصورت پیشنهاد ضمیمه پیشنهاد گذشته تقدیم میدارد مستدعی است مقرر فرمائید مورد نظر و بحث گردد. صفائی ۱۳۲۹/۱۲/۶:

ریاست محترم کمیسیون مخصوص نفت - بطوریکه خاطر کمیسیون مستحضر است ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور اکنون مورد توجه و علاقه کثیری از هموطنان میباشد ولی اقدام بآن مستلزم تهیه وسائل و مقدمات کافی و پرسنل آزموده و از همه مهمتر سرمایه هنگفت آبهیم بارز خارجی میباشد که متأسفانه فعلاً در دسترس

دولت نیست بنا بر این وجه همت مراجع دولتی و ملی مملکت بالفعل این باید باشد که از يك طرف آن وسایل و اسباب و مقدمات و سرمایه را فراهم نمایند تا در موقع خود بتوانند بملی ساختن صنعت نفت در سراسر کشور اقدام نمایند و از طرف دیگر احتیاج مبرمی را که ملت و مملکت با استفاده جنسی و نقدی و ارزی از این یگانه منبع مهم درآمد مملکتی یعنی معادن نفت خود دارد نباید از نظر دور داشت زیرا فعلاً تنها از این راه میتوان بنیه مالی و اقتصادی مملکت و ملت را تقویت نمود و اصلاحات ضروری و فوری را در شئون حیاتی مملکت و مردم عملی ساخت و سزاوار نیست این فرصت گرانباه را در انجام اصلاحات اساسی با انتظار حصول امری که اسبابش فعلاً آماده نیست از دست داد. بنا بر این امضاء کنندگان زیر معتقدند دولت مأمور گردد با شرکت نفت برای استیفای حقوق ملی وارد مذاکره جدیدی بشود و در ظرف سه ماه نتیجه مذاکره خود را با اطلاع مجلسین برساند چنانچه این مذاکره بازم نتایج مطلوبه نرسید دولت مکلف باشد در باب موجبات ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور مطالعات کامل و اقدامات لازم بنماید و لایحه قانونی آن را بمجلسین پیشنهاد کند.

اصولیکه بنظر پیشنهاد کنندگان برای عملی شدن استیفای حقوق مزبور میرسد و در عین حال راه را در رأس مدتهای معینی برای ملی ساختن صنعت نفت باز نگاه میدارد و مدار مذاکرات جدید دولت باید واقع شود بشرح ذیل است:

۱ - برای احترام از اختلافات پیچیده محاسباتی حق السهم ایران تا حدی که مربوط بعملیات شرکت در ایران است بر اساس مقدار استخراج قرار گیرد و از هر تن نفت استخراج شده صدی پنجاه آن بدولت ایران تعلق گیرد. شرکت موظف باشد سهمیه دولت را طبق بالاترین قیمت بین المللی نفت در هر سال بر اساس مظنه طلا تسعیر و به

ارز خارجی بپردازد و یا اگر دولت خواست بتواند تمام یا قسمتی از سهمیه خود را جنس دریافت کند و بهر مصرف میخواهد برساند.

۲ - در قسمت استفاده از عملیات شرکت در خارج ایران شرکت موظف باشد لا اقل ۲۵٪ از کلیه درآمد خالص خود را قبل از پرداخت هر گونه مالیاتی بدولت ایران بپردازد.

۳ - شرکت عملیات خود را در ایران باید طبق آخرین سیستم ترقیبات علمی انجام بدهد لذا موظف است بقوریت لوله حمل نفت (که ارزاترین وسیله حمل و نقل نفت در دنیا است) یکی از مراکز بزرگ توزیع مواد نفتی در داخله بکشد و قیمت نفت مصرف داخلی را هم با صدی پنجاه تخفیف نسبت بقیمت تمام شده معین نماید و در دسترس عموم مصرف کنندگان در داخله بگذارد.

۴ - در رأس هر ۱۲ سال اختیار فسخ یا تجدید نظر در قرارداد برای دولت تأمین گردد.

۵ - دولت دارای دو کمیسیون نفت باشد که با پیشنهاد دولت و تصویب مجلسین در هر پنجسال یک مرتبه انتخاب شود و این دو نفر عضو صاحب رأی در هیأت مدیره شرکت باشند.

۶ - در ظرف پنجسال کارمندان خارجی شرکت محدود بعهدهای متخصص عالیمقام گردد و بقیه کارکنان شرکت عموماً ایرانی باشند.

۷ - از کلیه ذخائر سابق حق السهم ایران دفعه واحده پرداخت گردد و بعد هم همه ساله حق السهم ایران بابت ذخیره های سالیانه پرداخته شود.

۸ - تأمین بهداشت عمومی نقاطیکه شرکت در آن کار میکند بخرج شرکت باشد.

۹ - معافیت از حقوق گمر کی منحصر باشیاء وارداتی باشد که مستقیماً برای عملیات صنعتی و فنی نفت ضرورت دارد .

۱۰ - خانه و بهداشت و بیمه بازنشستگی و سایر بیمه های اجتماعی کارگران مطابق قوانین ایران کاملاً تأمین گردد. امضاء آقایان : فرهودی - عبدالصاحب صفائی - بزرگ نیا - دکتر راجی - عماد تربتی - عرب شیبانی - پیراسته - امامی اهری - محمد علی مسعودی . (آقای رئیس گفتند : این پیشنهاد را مابعد عنوان توضیح قبول داریم چون موقع پیشنهادها گذشته است) در حال خلاصه عرض بنده بر گشت باین نکته که بدون تردید بنده چه حسن نیت داشته باشم یا نداشته باشم عقیده ام اینست که حداً کثر استفاده بشود . ملی شدن با وضعی که اگر بخواهیم دست شرکت دوباره در کار باشد بنده صد درصد بضرر کشور میدانم اگر واقعاً اسباب نداریم و زمان میخواهد برای این کار عجله نخم اینکار کاشته شده دولت را موظف بکنیم که مقدمات کار را تهیه بکند زیرا اهالی عمل کردن مسلماً بضرر ما است و در مدت این ۸ ماه ماقدرت پیدا نخواهیم کرد و بعلاوه این هشت نفری که از مجلس انتخاب میشوند اینها که تخصص نفتی ندارند و از این گذشته فرد که طرفش با شرکت شد این آستان شرکت نفت میشود مگر ما کمیسر نفت در لندن نداریم شما مگر صد دینار از آنها استفاده میکنید و اقداماتی میکند که وانمود کند که شما نمیتوانید این را ملی بکنید .

آقای رئیس اظهار داشتند : اینکه فرمودید سطح استخراج پائین نیاید ضرر پائین آمدن سطح استخراج برای مملکت چیست و آن وجوهی را که خود شرکت هر چه خواسته داده آیا ملت ایران از آن استفاده کرده یا نکرده است ؟
آقای صفائی گفتند : بنده معتقدم و جوهریکه شرکت نفت در این چهل پنج

ساله بملت ایران داده است صرف مصالح واقعی نشده است و همیشه بدست عملی که داشتند با گلوله توپ درست کردند با سوم شهر نور خودشان بردند و با صرف و لخر جی برنامه کردند و همیشه کوشیده اند که این پولی که ما میگیریم بدست رجال دلسوزی نیفتد و حال آنکه اگر بدست رجال دلسوزی صرف میشد الان ما شکالی نداشتیم و این حرف ملی شدن را نمیزدیم چنانچه در عراق بطوریکه من اطلاع دارم صرف هیچگونه مخارج پرسنلی نمیشود عربهای عراق اینکار را کردند ولی ما صرف بوالهوسی کردیم .

و اما اینکه فرمودید سطح پائین بیاید چه ضرری دارد بنده منباب مثال عرض کردم اگر اهالی شرکت عمل بکنند چطور شما میتوانید مطمئن باشید که اخلال نکنند و بملت ایران بفهمانند که این بصالح ملت ایران نیست و اینطور خواهد شد که سی میلیون لیره مان بسه میلیون لیره تنزل کند اگر بخواهید ملی بکنید فوری آنها را بیرون بکنید .

آقای رئیس اظهار داشتند : اینکه فرمودید اشخاصیکه متصدی کار شرکت بشوند آستان شرکت نفت میشوند بنده عرض میکنم آیا این هشت ماه آستان بشوند بهتر است یا تا سال ۱۹۹۳ اینکار مستمر باشد بنده حساب کردم که حد اکثر هشت ماه باشد نظر جنابعالی اینست که اگر دولت ایران بخواهد ملی بکند باید بلافاصله از شرکت بگریزد بجهت اینکه اگر بلافاصله از دست شرکت نگرفت اسباب زحمت میشود . پیشنهاد بنده اینست که ما چون نمیتوانیم فوراً در آن موقعی که تصمیم میگیریم از دست شرکت بگریزیم و برای نقل و انتقال یعنی تحویل و تحوّل شرکت بملت ایران يك وقتی لازم است حداً کثر آن وقت هشت ماه باشد و حالاً جنابعالی میفرمائید اگر اشخاصی بروند و مأمور شوند برای این تحویل و تحوّل آنها از شرکت آستان میشوند بنده سؤال میکنم که اگر اینکار را نکنیم نتیجه این میشود که تا سال ۱۹۹۳ شرکت همه متصدیان اهر را آستان بکند پس اجازه بفرمائید فقط در مدت هشت ماه این عمل را بکنند و بعد از

۸ ماه دیگر مردم از شرکت آستن نشوند.

آقای صفائی گفتند: البته که اگر دوران امر مابین هشت ماه و سی سال باشد صحیح است ولی حساب مابین ۸ ماه و ۳۰ سال نیست اگر ۸ ماه قطعی باشد بنده حرفی ندارم ولی میترسم بعد از ۸ ماه تازه همین وضعیت امروز را پیدا کنیم به اضافه تجربیاتی که شرکت کرده ۸ ماه که سهل است بعقیده من اگر سی سال و یکروز کم باشد بهتر است و بنده قبول دارم ولی مسلم اینست که بعد از ۸ ماه دومر تبه وضع مثل همین امروز است بنده عرض میکنم این ۸ ماه تمام نمیشود این تخریب هائیکه کرده اند باز هم ادامه دارد و خوبست یک تمهدی در بین باشد جنابعالی همیشه در مواقعی وارد مبارزه شده اید که واقعاً جانشین نداشته اید نه از نظر شجاعت و نه از نظر شهامت و نه از نظر سایر جهات دیگر (صحیح است) همیشه جنابعالی بر احساساتمان تسلط داشته اید ولی اینجا را توجه بفرمائید آرزوی ملت ایران را با امکان و مصلحت روز تطبیق و توافق بفرمائید از بنده زبنده نیست که بیش از این عرضی کنم والا این اشخاصی که تلگراف میکنند همتهائی بودند که برای انتخابات مؤسسان و سنا تلگراف کردند (آقای حائری زاده گفتند: خیر اینها نبودند) آنهائیکه برای جمهوریت امضاء کردند این ملت ایران باین تلگرافات آشنا شده است. مردم بجناب آقای دکتر مصدق ایمان دارند ایشانرا وطن پرست و شخص منصف میدانند و وقتی دیدند ایشان یک مطلبی میفرمایند دیگر خودشان فکر نمیکنند و میگویند جناب آقای دکتر مصدق گفتند و میروند دنبال آن آنها را مخلوط با مصلحت نکند آنها احساساتی است پیرو باطمینان شما ولی شما باید فکر مصلحت و امکان را بفرمائید (احسنست).

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده دو مطلب دارم یکی اینکه تاریخ ختم

دو ماه بوده معین بفرمائید کار کمیسیون چه وقت تمام میشود حضرت تعالی در بدو جلسه بجناب آقای گنجه ای اعتراض فرمودید که با فرمایشات ایشان راجع بیک قسمتش مخالفند (آقای رئیس اظهار داشتند: اجازه بفرمائید بنده در جلسه قبل اشتباه کردم و آقای گنجه ای روی عرایض ما فرمایشی فرمودند) اولین جلسه در تاریخ ۲۹/۱۱/۹ ماتشکیل دادیم در این روز بخصوص صحبت هائی در اطراف پیشنهادها شده آقای گنجه ای و بنده و بعضی آقایان دیگر عرایضی کردیم که در صورت مجلس مندرج است و گذاشتیم از تاریخ تصمیم مجلس سنا که از آن تاریخ رسمت پیدا میکند در همان روز نامه ای بریاست مجلس شورای ملی یعنی همان تاریخ ۲۹/۱۱/۹ نوشته شد و در تاریخ ۲۹/۱۱/۱۴ جلسه مجدداً تشکیل شد و بنده عرض کردم «راجع بمدت پیشنهادها عرض میکنم بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون که خود هم این عقیده را دارم عقیده شان اینست که این دوهفته مهلت برای پیشنهادها از تاریخ برگشت از مجلس سنا حساب کنیم و پیشنهادها را بپذیریم بنده خواستم استدعا کنم اگر در این دو قسمت اختلافی وجود دارد رأی گرفته شود زیرا ممکن است یک پیشنهاد هائی بعداً برسد که مفید باشد» آقای گنجه ای هم بیانات بنده را تأیید فرمودند خود جناب آقای دکتر مصدق هم فرمودند نمایندگان عضو کمیسیون میتوانند تا آخر دوره کمیسیون پیشنهاد بدهند آقای حائری زاده هم در تاریخ ۲۹/۱۱/۱۴ اظهار کرده اند: «اگر خارج از موضوع ندانند این موضوع را من خیلی مسرورم که این تصمیم را مجلس سنا گرفته است زیرا اینطور تصمیم گرفتند که اگر طرح قانونی باشد که باید مجلس سنا نظر بدهد و اگر تصمیم باشد که این یک باب جدیدی افتتاح شده و بنفع قانونگذاری است» پس در تاریخ ۱۴ بهمن نامه مجلس سنا بما ابلاغ شده است بنابراین میخواستیم عرض کنیم بیانات جناب آقای گنجه ای در مجلس تقریباً

درست بوده است دوم اینکه استدعا بکنم از جناب آقای عامری که مأموریت خصوصی داشتند چه اقدامی کرده اند .

آقای رئیس در پاسخ توضیح دادند : راجع بتاريخ یعنی چه وقت مدت کمیسیون خانمه پیدا میکند مذاکره شد جناب آقای بهبهانی فرمودند از تاریخ تصویب مجلس سنا بنده گفتم صحیح است ولی اگر مایک اشتباهی بکنیم اشتباه مناسب خواهد شد که مدت ما تمدید شود و آنچه جناب آقای گنجه‌ای در مجلس فرموده اند روی اظهار بنده بوده است ولی بعد بنده تحقیق کردم چرا کمیسیون روز ۹ بهمن تشکیل شد گفتند مقرر اینطور امر کرده که تا ۱۵ روز آقایان نمایندگان که عضو کمیسیون هستند پیشنهاد خود را بدهند و آقایان اینطور تصمیم گرفته بودند که تا آخر ۱۵ روز باید تأمل بکنیم تا هر کس پیشنهادی دارد بدهد و بعد از انقضاء ۱۵ روز آنوقت کمیسیون تشکیل بشود بنابراین ۱۵ روز برای وصول پیشنهادها بود و باین جهت کمیسیون روز نهم بهمن تشکیل شده البته یکماه ونیم دیگر حق داریم که کمیسیون را از آن تاریخ ادامه بدهیم و آقایان مذاکره فرمودند قانونی اگر در مجلس تصویب بشود و برود بمجلس سنا آیا تاریخ دوماه از روز تصویب مجلس شورای ملی حساب میشود یا از روز تصویب مجلس سنا همین جا بود که بنده اشتباه کردم و گفتم اگر قانونی را مجلس شورای ملی تصویب بکند و به مجلس سنا برود آن قانون باید از آخرین تصویب مجلس اجرا شود (آقای فقیه زاده گفتند : بنده قبول کردم) ولی بعد که تحقیق کردم گفتند مجلس سنا گفته است که ما داخل در تصمیمات کار مجلس نمیشویم فقط عقیده خودمان را راجع به رد قرارداد الحاقی ساعد - گس اظهار میکنیم بنابراین تصمیم مجلس از تاریخی که بماراجع شده است دوماه میباشد حالا تاریخ تصمیم مجلس هر چه هست تا دوماه بعد از آن است .

آقای گنجه‌ای بیان داشتند : امروز این قضیه را حل بفرمائید برای اینکه تأثیر در کار ما دارد آن روز يك مطلب دیگر ماند همان روز اینجا صحبت شد این از تاریخ تصویب کدام مجلس است و قتیکه ما مراجعه کردیم بنامه ای که نوشته شده بود معلوم شد که اشتباه از این جا ناشی است یعنی از دفتر مجلس که به سنا فرستاده اند اشتباه کردند پس ما يك طرفی دادیم با آنجا اگر آنجا رد میشد این تمام میشد ما حل کردیم که يك طرحی بود بایستی مجلس بفرستد به سنا بگوید این طرح را فرستادم و در تنظیم نامه از دفتر مجلس اشتباه شده و نوشته اند تصمیم مجلس را فرستادیم و اگر در سنا این را کم و زیاد میکردند این میرفت پی کارش . تعیین تاریخ در تصمیم ما تأثیر دارد ممکن است در آخرین روز این اشتباه و کشمکش بشود و حالا تا جلسه دیگر باید معین بشود که تاریخ ختم کمیسیون چه روزی است چون خیال میکنم از تاریخ تصویب مجلس سنا بوده است .

آقای دکتر کاسمی گفتند : بنده خیال میکنم این میاحشه ای که جنابعالی فرمودید جایش امروز نبود و همان روز اول بود اگر نظر مبارک باشد موقعی که بحث این شد که باید بسنا برود قرارداد تا اظهار نظر سنا ما جلسه نداشته باشیم اگر به اظهار نظر سنا اهمیت نمیدادیم جلسات خودمان را ادامه میدادیم بعد هم هر موقعی اینجا برای تعیین جلسه صحبت شد گفتیم چون وقت داریم جلسه را سه چهار روز عقب میاندازیم پس مسلم بود که ملاک عمل از تاریخ تصویب سنا است اگر سنا زود جواب بمانمیداد و میگذاشت سه روز به آخر وقت مانده ما در عرض سه روز چه میکردیم؟ بنابراین برای خودتان هم مسلم بود که تاریخ کمیسیون از تاریخ مجلس سنا بوده است .

آقای رئیس توضیح دادند : ما برای چه گفتیم که سنا نظر بدهد اگر رد میکرد و میگفت من قرارداد الحاقیه را تصویب کردم دیگر این ترتیبات از بین

میرفت. ما تردیدمان این بود که اگر سنارد بکند و بگوید قرارداد الحاقی را قبول دارم تصمیم مجلس راجع بمدت دو ماه مورد پیدا نمیکرد و سنا گفته است که عمل مجلس يك رزولوسیون (تصمیم) و مربوط بکار خود مجلس شورای ملی است و ما بتصمیمات مجلس کاری نداریم و هر مجلسی در تصمیم خود آزاد است و اینجا وظیفه ما نیست و ما باید فقط عقیده خودمان را نسبت به قرارداد الحاقی اظهار بکنیم و اکنون عرض من اینست که ما يك بحث بی‌جهتی میکشیم ما باید تصمیممان را تا دو ماه بگیریم وقتی ما تصمیممان را زودتر بگیریم این اشکال بکلی رفع میشود و بعقیده من موردی ندارد که ما بیائیم تا دوازدهم فروردین بنشینیم و يك تصمیم بگیریم و بعد بگویند که چون از موعد گذشته رسمیت ندارد. آقایان آمدند صحبتشان کردند و حق آنها هم که نیامدند ساقط شد امروز کمیسیون میتواند بنشیند و تصمیم خود را بگیرد اگر توانستیم که تصمیم بگیریم چه از این بهتر و دچار اشکال نمیشویم و اگر توانستیم که تصمیم بگیریم چه از این بهتر و دچار اشکال نمیشویم و اگر نتوانستیم تصمیم بگیریم میبایست از مجلس بپرسیم که تا دوازدهم فروردین حق داریم کمیسیون را ادامه دهیم یا نه اکنون حد متیقن همان دو ماه است از تاریخ تصمیمی که مجلس شورای ملی اتخاذ نموده و من هیچ دلیلی نمی بینم که کمیسیون کار خود را طولانی کند که دو ماه منقضی شود و حملات مردم را متوجه عمل بی منطق خود نماید.

آقای مکی گفتند: بفرض همانطوریکه جنابعالی میفرمائید کمیسیون باتفاق آراء تصمیم گرفت که ۱۲ فروردین و ۱۱ فروردین يك تصمیمی بگیریم و بمجلس بدهیم و مجلس گفت که این تصمیم از موقعش گذشته است پس این چه عملی است که ما بکنیم.

آقای سرتیپ زاده گفتند: همانطور که آقای کنگه‌ای میفرماید سنا اگر

رد میکرد این محققاً تاریخش از تصویب سنا است و جناب آقای دکتر خودشان يك شرحی مرقوم داشتند.

آقای رئیس توضیح دادند: اگر ما توانستیم از تاریخ تصویب مجلس در طرف دو ماه کار خود را تمام بکنیم این حرفها موردی ندارد اگر نمیتوانیم تمام بکنیم اول باید رجوع بکنیم بمجلس سنا ببینیم آنچه را که گفته‌اند صحیح است یا نه اگر نبود آنوقت باید تا موعد منقضی نشده از مجلس شورای ملی تمدید مدت بخواهیم.

آقای حائری زاده تذکر دادند: که اینموضوع را اگر بخواهیم کش بدهیم حقوقش خیلی زیاد میشود مجلس برای ما آمد وقت معین کرد با اطمینان اینکه يك طرح قانونی است که سنارای بدهد خودمان را معطل کردیم. مجلس سنا اول این را ضبط کرد و تشخیص داد که يك تصمیمی در مجلس گرفته شده پس از مراسله‌ایکه نوشته شد بسنا در جلسه خصوصی سنا صحبت کردند و در جلسه علنی گفتند که يك مراسله‌ای بنویسیم که مجلس شورای ملی يك تصمیمی گرفته و مربوط بخودش هست اگر بگوئیم يك طرح قانونی است که باید بمجلس سنا جریان قانونی را بگذراند و در سنا هنوز طرح نشده است. ما چرا راه مشکل را بگیریم قدر مسلم اینست که تا ۲۰ اسفند اگر تصمیم بگیریم اشکالی پیش نمی آید يك موضوع مهم مملکتی را نباید اینهمه کشش بدهیم.

در اینموقع نیمساعت بعد از ظهر جلسه ختم گردید و جلسه آینده بروز شنبه دوازدهم اسفند ماه ۱۳۲۹ شش ساعت بعد از ظهر موکول گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و چهارم

سی و چهارمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز شنبه ۱۲ اسفند ماه ۲۹ شش ساعت ونیم بعد از ظهر بر بابت آقای دکتر مصدق و با حضور آقای نخست وزیر و آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی و آقایان: صالح - مکی - ذوالفقاری - پالیزی - حائری زاده - عامری - سرتیب زاده - فقیه زاده - دکتر علوی - قشقائی - دکتر هدایتی - دکتر کاسمی - گنجهای تشکیل گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: اگر آقایان اجازه بفرمایند جناب آقای نخست وزیر فرمایشی دارند بفرمایند.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند: بنده وقتیکه مرقومه جناب آقای دکتر مصدق را زیارت کردم شرحی عرض کرده بودم که اگر کمیسیون بخواهد برای توضیحات حاشرم مقصود من این بود يك مسائلی که از نقطه نظر دولت قابل اهمیت است با اطلاع برسانم همانطور که در یکی از جلسات عرض کردم کمیسیون طرز مطالعه و رسیدگی اش یکطور دیگری است و دولت هم نتیجه مطالعاتش را بکمیسیون میرساند و کمیسیون هم نسبت بآن مطالعات تصمیم میگیرد. پس از آنکه آن جریان رخ داد دولت برای اینکه از جریان نفت حقیقه درک بکند که اظهار نظری که میکند اظهار نظر شخصی نباشد از اینجهت بنده دستور دادم کمیسیونهای مختلفی تشکیل شد زیرا اداره کلیه امور اقتصادی بدست افراد ایران و استخراج معادن زیر زمینی و منابع ثروت بدست افراد میهن بزرگترین آمال هر ایرانی علاقمند و میهن پرست میباشد ولی این آرزو و آمال و علاقه و ایمان نیابستی وسیله و سبب شود که قدمهای غیرموزون برداشته و در عرض بهبود وضع کشور لطمه بترقی و تعالی آن زده شود. امور فنی و تخصصی مطالبی

است که مستلزم دارا بودن سابقه و اطلاعات کافی است مثلاً وقتی شخصی بیمار میشود چنانچه بخواهد در اسرع وقت بهبودی یابد باید بطیب حاذق مراجعه نماید و این طبیب پس از تشخیص کامل بیماری و تجویز دارو برای علاج آن بیمار را موظف مینماید که تمام دستورات او را بموقع اجرا گذارده تا از مرز نجات یابد. اگر بدون اطلاعات فنی و تخصصی ممکن بود هر فردی در هر قسمت اظهار نظر کرده و عقایدی بیان نماید و آنهم مورد قبول عامه قرار گیرد دیگر احتیاجی نبود که سالهای دراز برای کسب علم و هنر در دانشگاهها و مؤسسات علمی مردم صرف وقت کرده و خود را در امری متخصص معرفی نمایند.

امروز زندگانی بشر سراسر پراز فنون و اصول علمی بوده و برای هر قسمت از آن بایستی از فکر و نظر متخصصین فنی استعانت جست و از افکار بجا و نظریات صریح آنان استفاده نمود مخصوصاً در مسائلی که در زندگانی اجتماعی مداخله داشته و مردم کشور بآن علاقمند و بانظر دقیق خود ناظر آن باشند خاصه وقتی این امر مهم بازنگانی اکثریت مردم تماس داشته در صورت کوچکتربین اشتباه لطمه جبران ناپذیری در منافع عمومی وارد خواهد ساخت.

در امور اجتماعی و مطالبی که با زندگانی ملتی ارتباط دارد نمیتوان فقط تابع احساسات و نظریات شخصی و خصوصی آنها شده روی حب و بغض دست با اقدامات غیر مطلوبی زد. در چنین موارد است که متخصصین و اشخاص فنی بایستی همه را از تردید خارج نموده و رشته حقایقی را که درک آن برای سایرین مقدور نیست روشن سازند. موضوع نفت امروز مطلبی بسیار مهم و بحثهای زیادی در اطراف آن شده و میشود ولی باید دانست این اظهار نظر ها چون صرفاً روی احساسات و نظریات فردی اشخاص

است نمیتوان ارزش مهمی دارا باشد مگر آنکه هیتهای متخصص و متبحر داخلی و با خارجی در اطراف اینموضوع رسیدگی و تحقیق را روشن سازند.

امروز صدها هزار نفر معیشت و زندگیانشان از طریق کار در مؤسسات نفت تأمین میشود اگر روزی در نتیجه عدم دقت بوضع استخراج و یا صدور نفت لطمه وارد شده زندگانی این اشخاص دچار اشکال گردد مسئولیت این تشنج و اختلال معیشت متوجه کدام شخص خواهد بود. زیرا دروضع کنونی نمیتوان فقط باظهار نظر صرف سر نوشت عده زیادی مردم را مورد ملاحظه قرار داد بنا بر مراتب بالا چون موضوع نفت و اتخاذ تصمیم درباره آن امری بسیار مهم و قابل توجه است لذا ضرورت قطعی دارد که برای اخذ هر تصمیم و نظری نظریه متخصصین و متقنین مربوطه در هر قسمتی خواسته شده جداً مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد مخصوصاً از لحاظ:

فنی - مالی و اقتصادی - قضائی - سیاسی.

بهین مناسبت بود که دولت پس از ملاحظه جریانات اخیر از متصدیان و مسئولین امور و متخصصین در هر رشته کمیسیونهایی تشکیل و سؤالاتی نموده که اینک عین جواب و نظریه هر يك برای استحضار و اطلاع ذکر میشود:

۱ - از لحاظ فنی:

این مطالب توسط مهندسین عالیرتبه شرکت نفت ایران مورد بررسی دقیق قرار گرفته و گزارشات زیر داده شده است:

قسمت اول سؤال جناب آقای دکتر مصدق:

۱ - آیا دولت جناب شما ولو با کمک متخصصین خارجی قادر است که از معادن

نفت جنوب بهره برداری کند یا خیر؟

چنانچه جواب این سؤال منفی است علل آنرا مرقوم فرمایند.

نظریه - سؤال جناب آقای دکتر مصدق دارای سه ابهام است و مادام که سه ابهام روشن نشود جواب دقیقی نمیتوان باین سؤال داد:

الف - معلوم نیست منظور جناب آقای دکتر مصدق از بهره برداری معادن چیست؟ آیا منظور فقط بهره برداری نفت خام است و یا اینکه عملیات تصفیه حمل و نقل بخش و فروش مواد نفتی نیز درجمله (بهره برداری معادن) مستتر میباشد.

ب - معلوم نیست منظور جناب آقای دکتر مصدق از متخصصین خارجی بمعنی اعم کلمه است یا اینکه بنظر ایشان باید قیودی از لحاظ ملیت متخصصین خارجی قائل بود.

ج - پس از رفع ابهام از دو موضوع فوق لازم است جناب آقای دکتر مصدق همچنین معین فرمایند اولاً منظورشان از بهره برداری معادن جنوب بمیزانی است که شرکت نفت انگلیس و ایران در حال حاضر از معادن جنوب نفت استخراج مینماید یا میزان کمتری و در اینصورت چه مقدار. ثانیاً آیا بهره برداری بمیزان مورد نظر ایشان را باید فوراً شروع نمود یا بتدریج و در اینصورت در ظرف چه مدت؟

برای اینکه دولت بتواند نسبت بسؤال جناب آقای دکتر مصدق جواب صریحی بدهد باید قبلاً از تفسیریکه ایشان برای نکات مبهم فوق الذکر قائل هستند اطلاع حاصل نماید زیرا هر يك از تفسیرات ممکنه اوضاع و احوال مخصوصی را پیش میآورد که نحوه اقدام نسبت بآن متفاوت بوده و بدین ترتیب جواب سؤال (۱) لزوماً بستگی بتوضیحاتی خواهد داشت که نسبت بنکات مبهم فوق الذکر خواهند داد.

صرف نظر از نکات فوق الذکر موضوع دیگری که روشن شدن آن نهایت لزوم

را دارد آنست که جناب آقای دکتر مصدق دقیقاً معین فرمایند منظور صریح ایشان در ملی کردن صنعت نفت چه میباشد.

نظر باینکه در کشور ایران مالکیت نفت در زیر زمین سالهاست که طبق قوانین موضوعه در اختیار دولت میباشد لذا باید اینطور نتیجه گرفت که منظور جناب ایشان ملی کردن عملیات مربوط به اکتشاف و استخراج و تصفیه و حمل و نقل و پخش و فروش نفت ایران است.

نحوه عملی که بعضی از دول در ملی کردن صنایع و بنگاهها اعمال نموده اند عبارت از این است که صرفاً مالکیت این صنایع و بنگاهها را از ید مالکین خارج نموده و در اختیار دولت در آورده اند بدون اینکه در مدیران و تشکیلات و مقررات داخلی آن صنایع تغییری بدهند. با توجه باین مطلب جناب آقای دکتر مصدق باید معین فرمایند که منظور ایشان این نحوه عمل است یا اینکه میخواهند تغییرات اساسی در مدیران و کارمندان شرکت و همچنین شخصیت حقوقی و تشکیلات و مقررات داخلی شرکت داده شود تا با اصول متداول در کشور تطبیق نماید.

لازم تذکر نیست که در هر حال دولت ایران نمیتواند در تشکیلات عظیم شرکت نفت انگلیس و ایران در خارج از کشور ایران کوچکترین دخل و تصرفی بنماید. در این صورت هر گونه نحوه عملی مواجه با اشکالات خاصی خواهد بود که بطور خلاصه بقرار ذیل است:

۱ - چنانچه منظور بهره برداری نفت خام باشد میتوان با کمک متخصصین خارجی برور برای استخراج و صدور نفت خام از میدانهای نفت خیز ناخلیج فارس تشکیلاتی داد ولی تهیه وسائل باربری در بانی فوق العاده مشکل و پخش آن باز هم

مشکلتر بنظر میرسد.

۲ - چنانچه منظور بهره برداری کامل یعنی تصفیه و فروش نفت تصفیه شده باشد علاوه بر اشکالات باربری در بانی و پخش موضوع اداره و ایجاد تشکیلات جدیدی برای انجام عمل تصفیه نیز باید مورد توجه قرار گیرد و این امر اشکال کار را بمراتب زیادتر خواهد نمود.

قسمت دوم سؤال جناب آقای دکتر مصدق:

۲ - چنانچه دولت ایران هیچگونه تغییری در مشتریان نفت ندهد و کلیه محصول معادن نفت جنوب را بعد از وضع مصرف داخلی کماکان با دول و بنگاههای معامله کند که تا کنون با شرکت نفت معامله میکردند آیا ممکن است ملی شدن صنعت نفت ایجاد عکس العمل هائی بکند یا نه؟ در صورت امکان توضیح فرمایند که عکس العمل های احتمالی از چه قبیل و نتایج آنها ممکن است چه باشد؟

نظریه - چون شرکت نفت جنوب محصولات خود را تقریباً منحصراً بصاحبان سهام خود و با شرکتهای فرعی که در کشورهای مختلف جهان ایجاد کرده است میفروشد شرطی را که جناب آقای دکتر مصدق در مقدمه قسمت دوم سؤال ذکر فرموده اند تحقق پذیر نیست زیرا تهیه مشتری برای نفت ایران باید با ایجاد شرکتهای تابعه حمل و نقل و پخش جدید التاسیس در کشورهای مختلف که بازار فروش نفت موجود است صورت گیرد و این امر علاوه بر تخصص فنی و صرف نظر از عکس العمل های احتمالی مستلزم صرف وقت و سرمایه زیادی است که تا وقتی مقدمات آن حاضر نشده باشد خسارات جبران ناپذیری پیش خواهد آورد بنا بر این فوق چون شرط مندرج در قسمت دوم سؤال آقای دکتر مصدق در خارج تحقق پیدا نمیکند لذا هیچگونه پاسخی نسبت باین سؤال مقدر نمیشود.

جهت روشن شدن افکار سؤالاتی از مهندسين منظور شده که جوابهایی در مقابل آنها داده اند و عیناً نقل میشود:

سؤال اول

آیا کلیه مهندسين ایرانی که در رشته های مختلف مربوط بنفت تحصیل کرده اند چند نفر میباشد؟

جواب سؤال اول

تعداد مهندسين ایرانی که در رشته های مختلف نفت تحصیل و سابقه عمل دارند دقیقاً معلوم نیست. طبق صورتیکه تهیه شده است عده متخصصین ایرانی در رشته های مربوط بنفت در حدود ۳۰ نفر میباشد ولی در هر حال عده کلیه متخصصین ایرانی چه در داخل و چه در خارج از کشور از یکصد نفر تجاوز نمیکند.

سؤال دوم

آیا بوسیله مهندسين ایرانی میتوان کلیه معادن شرکت نفت را اداره و بهره برداری کرد یا خیر؟

جواب سؤال دوم

خیر زیرا تعداد مهندسين و متخصصین که در حال حاضر در معادن شرکت نفت انگلیس و ایران مشغول کار میباشد بیکهزار نفر بالغ میشوند و چنانچه در جواب سؤال اول ذکر شد فقط در حدود ده درصد مهندسين مورد احتیاج را میتوان از متخصصین ایرانی بکارگماشت.

توضیح اینکه اغلب از مهندسين ایرانی مدتی است از اداره امور مربوط باستخراج نفت دور بوده و بکارگماشتن آنها در امور استخراج نفت مستلزم مدتی تمرین و اخذ

تماس مجدد باروش مسائل فنی مخصوص نواحی نفت خیز شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد.

سؤال سوم

اگر بوسیله مهندسين ایرانی اداره معادن شرکت نفت مقدور نیست با مهندسين فعلی انگلیسی که در رأس کار هستند مقدور است و میتوان مطمئن بود یا خیر؟

جواب سؤال سوم

ادامه کار با مهندسين انگلیسی که فعلاً شاغل امور فنی در دستگاههای نفت جنوب میباشد البته امکان پذیر است مشروط بر اینکه در وضع استخدامی و حقوق و مزایا و وسائل رفاه و آسایش آنها تغییری حاصل نشود و نسبت بآتیه شغل خود اطمینان و اعتماد کافی داشته باشند. در صورتیکه مدیران فنی فعلی بخواهند از کار کناره گیری کنند باید متخصصین خارجی با همان میزان تجربه بجای آنها بکارگماشت. ولی نسبت باطمینان از نتیجه عمل آنها باید متذکر بود که در امور صنعتی مانند صنعت نفت سوء نیت حتی بکنفر ممکن است خرابکاریهای بسیار مؤثری را در نتیجه عمل بوجود آورد.

سؤال چهارم

در صورتیکه منظور جواب کردن این مهندسين باشد از کجا و در چند مدت میتوان متخصصین لازم جلب و در رأس امور نفت گمارد؟

جواب سؤال چهارم

همانطور که در جواب سؤال دوم ذکر شد حداقل بیکهزار نفر متخصص خارجی احتیاج خواهد بود. انتخاب و جمع آوری این عده از بین متخصصین کشورهای اروپایی نظر بمحدود بودن صنعت نفت در آن قاره (باستثنای دولت شوروی و رومانی) بسیار مشکل است بنا بر این انتخاب قسمت اعظم متخصصین نامبرده ناگزیر بایستی از بین

امریکائیا یا انگلیسیها صورت گیرد و این امر مستلزم صرف وقت بسیار میباشد زیرا انتخاب متخصصین خارجی از بین افرادی که سابقه کار آنها بر دولت روشن نیست عمل دشواری بوده و محتاج مطالعه زیادی میباشد چنانکه برای انتخاب و استخدام عده معدودی متخصص زمین شناس از خارج برای امور اکتشافی سازمان برنامه لازم بود مدت هشت ماه صرف وقت شود البته برای انتخاب و استخدام عده کثیری متخصص شاید سالها وقت لازم باشد.

سؤال پنجم

آیا استخراج نفت بوسیله دستگاه ایرانی و اروپائی مقدور است یا خیر؟

جواب سؤال پنجم

چنانکه فرصت کافی برای انتخاب و جمع آوری و هم آهنگ نمودن کارکنان و همچنین تشکیل سازمان لازم موجود باشد استخراج نفت خام بمیزان محدودی که بتوان برای آن در سالهای اول مشتری پیدا کرد مقدور میباشد.

سؤال ششم

آیا امور تصفیه نفت با چنین سازمانی مقدور است یا خیر؟

جواب سؤال ششم

با چنین سازمانی تصفیه نفت بمراتب مشکلتر از عمل استخراج نفت خام خواهد بود زیرا عده کارمند و متخصص و کارگر مورد احتیاج اعم از ایرانی یا خارجی در صورت انجام عمل تصفیه چهار برابر عدهای خواهد بود که برای استخراج نفت خام بتهائی لازم است صرف نظر از این موضوع تنوع عملیات مختلف تصفیه مستلزم وجود متخصصین مختلف در امور مربوطه میباشد که انتخاب و بکارگماشتن آنها بمراتب کاررا مشکلتر مینماید.

سؤال هفتم

آیا میتوان پس از استخراج نفت سیاه تصفیه نشده بازار برای فروش آن تهیه کرد و در چه مدت و بچه طریق؟

جواب سؤال هفتم

چون شرکت نفت جنوب محصولات خود را تقریباً منحصرأ بصاحبان سهام خود و با شرکتهای فرعی که در کشورهای مختلف ایجاد کرده است میفروشد نمیتوان انتظار مشتریهای حاضر و آمادهای در کشورهای دنیا داشت بنا براین تهیه مشتری برای نفت ایران باید با ایجاد شرکتهای تابعه حمل و نقل و پخش جدیدالتأسیس صورت گیرد تا بتوان در کشورهای جهان مجدداً بازارهای فروش بدست آورد و این امر علاوه بر متخصص فنی و صرف نظر از عکس العملهای احتمالی مستلزم صرف وقت و سرمایه زیادی است که تا وقتی مقدمات آن حاضر نشده باشد خسارات جبران ناپذیری پیش خواهد آورد. باید انتظار داشت که فروش نفت ایران در سالهای اول محدود بمیزان قلیلی باشد که قسمت اعظم آنرا بازار داخلی تشکیل میدهد. مدت زمانی که برای تسخیر بازارهای خارجی و تأمین مشتری برای میزان فعلی محصول شرکت نفت انگلیس و ایران لازم است با احتمال قوی در حدود همان مدتی است که شرکت مزبور برای فروش محصول خود صرف وقت کرده است.

سؤال هشتم

آیا میتوان بوسیله حمل و نقل مواد نفتی برای رسانیدن بیازارهای دنیا در نظر گرفت یا خیر؟

جواب سؤال هشتم

حمل و نقل مواد نفتی برای صدور از کشور جز از راه دریا مقدور نمیشود و

کشتیهای نفتی اجاره‌ای در دنیا وجود دارد ولی اغلب آنها طبق قراردادهای طولی‌مدت هم اکنون در اختیار شرکت‌های تولیدکننده نفت در دنیا قرار گرفته‌اند و در حال حاضر تعداد کشتیهای نفتکش از میزان مورد احتیاج برای حمل و نقل محصول معادن نفت در جهان کمتر میباشد. لذا موضوع تهیه کشتی نفتکش بطور اجاره‌ای با خریداری در هر حال امر بسیار دشواری خواهد بود بخصوص با توجه باینکه برای صدور نفت بمیزان فعلی تعداد کشتی نفتکش در حدود مجموعاً هشتاد هزارتن در روز (سالیانه در حدود سی میلیون تن) باید از بنادر ایران مرتباً بازرگاری کند.

سؤال نهم

آیا گرفتن معادن نفت از شرکت و اداره آن بوسیله مهندسين ایرانی و اروپائی لطمه بوضع کارگران درآمد و فروش نفت خواهد زد یاخیر؟

جواب سؤال نهم

با اشکالاتی که در فوق ذکر شد فروش و صدور نفت ایران در دنیا بمیزان فعلی کاری بس دشوار و محتاج وقت کافی و تجهیز وسائل کار میباشد و مادام که این وسائل فراهم نشده است استفاده از کارگران موجود شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران و همچنین فروش نفت بمقدار کنونی برای تأمین درآمد فعلی دولت از آن امر غیر میسر خواهد بود.

سؤال دهم

نظر کلی شما راجع بمعادن نفت که در اختیار شرکت نفت است چیست و بچه طریق میتوان اداره نمود؟

جواب سؤال دهم

بطور کلی معادن نفت جنوب که در اختیار شرکت نفت انگلیس و ایران است

از لحاظ میزان ذخیره و هزینه استخراج و موفقیت از مرغوبترین معادن نفت دنیا بشمار میرود و برای اداره آن بایستی روبه ای پیش گرفته شود که روز بروز توسعه یابد مشروط باینکه کشور ایران از این منبع زیرزمینی حداکثر استفاده را بنماید.

اصولاً برای تعیین روبه مناسبی که بهترین نتیجه را عاید کشور نماید باید از تجربیات حاصله در سایر کشور های نفت خیز استفاده نمود و در این مورد سه نحوه عمل را میتوان ذکر کرد:

۱ - ملی کردن نفت بطریقی که در کشور مکزیک عمل شده است توضیح آنکه در کشور مزبور قبل از سال ۱۹۳۸ از طرف مالکین اراضی نفت خیز که صاحب منابع زیرزمینی اراضی خود بودند امتیازاتی بکمپانیهای مختلف داده شده بود دولت مکزیک در سال ۱۹۳۸ حق مالکیت نفت زیرزمینی کشور خود را از مالکین آن سلب و بدولت منتقل نمود و بالطبع قرارداد های فردی منعقد شده با شرکت های صاحب امتیاز لغو گردید و دولت مکزیک خود با تشکیل شرکت دولتی (Petroleos Meexicane) بهره برداری از منابع نفت خیز را بخود اختصاص داد. البته وضع نفت مکزیک با وضع نفت جنوب ایران تطبیق نمیکند زیرا در جنوب ایران معادن نفت متعلق بدولت بوده و دولت هم امتیاز آنرا بشرکت نفت انگلیس و ایران داده است.

۲ - روبه دولت و نزوئلا - این کشور را از راه تجدید نظر در مواد قرارداد های امتیازی نفت موفق شده است حداکثر استفاده را از منابع نفتی خود بنماید و میزان تولید محصول خود را بمراتب بیشتر از سایر کشورهای همجوار ترقی دهد.

۳ - روبه دولت کلمبی که اخیراً پس از انقضاء امتیاز سی ساله ناحیه دو مارس (de Mares) که بشرکت اترناشیونال پترولوم (Enternational Petroleum) داده

بود مجدداً همان شرکت را مأمور نمود که از حوزه امتیازیه سابق خود بوکالت از طرف دولت کلمبی بهره برداری کند و در مقابل در سال اول چهار درصد و در سال دوم سه درصد و در سالهای بعد دو و نیم درصد نفت خام مستخرجه را بابت حق العمل خود برداشت نماید چون هنوز از عمر قرارداد کلمبی با شرکت مزبور بیش از چند روز نگذشته است اظهار نظر در باره چگونگی نتیجه این عمل مشکل میباشد ولی این نحوه عمل در مورد حوزه امتیازی نفت جنوب که دوره قرارداد آن هنوز منقضی نشده است قابل اجراء بنظر نمیرسد.

بامقایسه عمل سه کشور نفت خیز مذکور و با توجه بجدول پیوست چنین بنظر میآید که نحوه عمل کشور ونزوئلا با وضع فعلی امتیاز نفت جنوب بیشتر تطبیق نموده و بیشتر بصره و صلاح میباشد:

نمودار ترقی میزان محصول کشورهای بزرگ نفت خیز جهان در ظرف پنج سال اخیر

(حد متوسط استخراج روزانه بر حسب هزار چلیک)

	۱۹۴۵	۱۹۴۶	۱۹۴۷	۱۹۴۸	۱۹۴۹	۱۹۵۰
کلمبی	۶۱	۶۱	۶۸	۶۵	۸۱	۹۳
کانادا	۲۲	۲۱	۲۰	۳۲	۵۷	۷۷
مکزیک	۱۲۰	۱۳۵	۱۵۳	۱۵۹	۱۶۶	۱۹۴
بحرین	۲۰	۲۲	۲۶	۳۰	۳۰	۳۰
عربستان سعودی	۵۸	۱۵۴	۲۴۶	۳۹۰	۴۷۶	۵۴۵
کویت	—	۱۶	۴۴	۱۲۷	۲۴۷	۳۳۵
قطار	—	—	—	—	۲	۳۴

	۱۹۴۵	۱۹۴۶	۱۹۴۷	۱۹۴۸	۱۹۴۹	۱۹۵۰
عراق	۹۶	۹۸	۹۹	۷۲	۸۶	۱۳۵
ایران	۳۵۷	۴۰۲	۴۲۲	۵۱۸	۵۶۱	۶۷۰
ونزوئلا	۸۸۵	۱۰۶۳	۱۱۹۰	۱۳۳۹	۱۳۲۱	۱۴۹۰

سؤال - آیا تعداد کافی مهندسین ایرانی معدن شناس وجود دارد که بتوانند کاوش و تعیین محل معادن را بنمایند؟

جواب - تعداد زمین شناس و معدن شناس زیاد است ولی تعداد اشخاصیکه در زمین شناسی نفت تخصص داشته و دارای تجربه کافی بوده و بتوانند مستقلاً عهده دار عملیات زمین شناسی نفت گردند محققاً از ده نفر تجاوز نمینماید.

سؤال - آیا چند کارشناس ایرانی واروایی در استخدام شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد؟

جواب - اطلاع دقیقی نسبت بتعداد کارمندان ایرانی وانگلیسی شرکت نفت انگلیس و ایران در دست نیست آنچه از آمار منشره در مجله های خارجی میتوان استنباط نمود بشرح زیر است:

تعداد کارمندان ایرانی اعم از فنی و غیر فنی در حدود ۴۴۰۰ نفر.

تعداد کارمندان خارجی اعم از فنی و غیر فنی در حدود ۵۰۰۰ نفر.

(نقل از مجله Petroleum times شماره ژوئن ۱۹۴۸)

سؤال - آیا ملی کردن نفت چه تأثیری در مخارج تولید و بالتبعیجه در بازار فروش آن خواهد داشت؟

جواب - چون شرکت نفت انگلیس و ایران قسمت عمده کالاهای مورد احتیاج

خود را از شرکت هائی میخرد و یا بوسیله شرکتهائی بیمه و حمل میکند که در آنها سهم میباشد محققاً خریدهای مزبور را بقیمت ارزانتری تمام کرده و حمل و نقل آنرا بقیمت مناسبتری انجام میدهد و چون این موضوع در قیمت تمام شده محصولات نفتی محققاً مؤثر میباشد در صورت ملی شدن صنعت نفت البته مزایای فوق الذکر از بین خواهد رفت لیکن چون در وضع فعلی اختلاف میان قیمت فروش و قیمت تمام شده فوق العاده میباشد در نتیجه تأثیر آن در بازار فروش زیاد نخواهد بود.

البته در اینجا تأثیر تحولات احتمالی که در صورت ملی شدن نفت در سازمان اداری و بهره برداری پیش خواهد آمد و چگونگی آن در هزینه تولید تأثیر بسزائی خواهد داشت و همچنین رقابت های احتمالی ترستهای (Trust) نفت و عکس العملی که در حین عرضه شدن نفت ملی شده ایران ممکن است بوجود آید در نظر گرفته نشده است.

این مجموعه اطلاعاتی بود که از لحاظ فنی داده شد و از جنبه اقتصادی و مالی سؤالانی از وزارت دارائی و اشخاصی که متصدی این کار است شده و این عین سؤال و جوابی است که شده است.

۲ - از لحاظ مالی و اقتصادی:

سؤالانی از وزارت دارائی شده که اینک عین جوابهای واصله ذکر میشود:

بعرض برسد

در برابر سؤالانی که فرموده اند بشرح ذیل بعرض جواب مبادرت مینماید:

۱ - فعلاً چه عواید مسلمی شما از کمپانی دریافت مینمائید؟

جواب - در سال ۱۹۵۰ تقریباً ۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره و در سال ۱۹۴۹ مبلغ

۱۳۴۷۹۲۷۱ لیره قطعاً دریافت گردیده است.

۲ - در هر سال با وضع کنونی چه مقدار ارز وارد کشور شده و خرج میشود؟

جواب - علاوه بر مبلغی که بشرح فوق از کمپانی دریافت شده سالانه بین ۲۰ و ۲۵ میلیون لیره برای مصارف شرکت بیانک ملی ایران فروخته میشود بطوریکه جمعاً در حدود ۴۰ میلیون لیره سالیانه از مجرای شرکت نفت ارز بکشور وارد میشود.

۳ - چند نفر کارگر بطور قطع در استخدام این کمپانی بوده و چه مبلغی بطور تقریب به آنها حقوق داده میشود؟

جواب - قریب ۶۰۰۰۰ نفر که مزد آنها تقریباً در حدود ۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال میباشد در کمپانی بکار مشغولند و البته این عده متوسط کارگران است و گاهی زیاده تر زمانی هم ممکن است کمتر از این مقدار باشد.

۴ - چند خانواده بطور کلی از مرز نفت در ایران معیشت مینمایند؟

جواب - چنانکه عرض شد متجاوز از ۶۰ هزار کارگر و کارمند از شرکت نفت حقوق میگیرند و هر گاه عده ای را که بطفیل این عده زندگی میکنند مانند کسبه و غیره در نظر بگیریم شاید در حدود ۶۳۰۰۰ خانواده از این راه زندگی و امرار معاش مینمایند.

۵ - در صورت عدم ورود ارز بکشور و نگاهداری این کارگران لطمه بوضعیت

اقتصادی کشور خواهد زد یا خیر؟

جواب - مسلماً از حیث ارز دچار تنگدستی شدید شده و بالغ بر چهار خمس احتیاجات ارزی کشور بلا محل خواهد ماند و از لحاظ نگهداری کارگران هم مشکل بزرگی بوجود خواهد آمد.

۶ - نظر کلی شما از لحاظ مالی و اقتصادی راجع بنحوه اداره معادن نفت جنوب

چيست؟

جواب - چنانچه آنجا نشین دیگری برای ارزی که بشکورش وارد میشود و محلی برای نگاهداری کارگران و کارمندان نداشته باشیم مشکل بسیار بزرگی پیش خواهد آمد و چون بنظر نمیرسد که بتوان بفوریت کار استخراج و تصفیه و حمل و نقل و فروش نفت را براه انداخت لذا بنظر شخص بنده اصلح آنست که قرار عادلانه با خود شرکت نفت داده شده و جریانی پیش نیاوریم که از لحاظ اقتصادی و مالی دچار مشکلات لاینحلی بشویم.

۷ - آیا چند خانواده بطور غیر مستقیم زندگی آنهاستگی بمؤسسات نفت دارد؟

- روبره مرته میتوان گفت ۶۳ الی ۶۵ هزار خانواده باین وسیله ارتزاق مینمایند علاوه بر این عده قریب ده هزار مقاطعه کار نیز وجود دارد که برای شرکت نفت کار میکنند.

۸ - چه درآمدهائی در ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ از قرارداد الحاقی عاید میشد؟

- تنها بر طبق قرارداد الحاقی در سال ۱۹۴۹ قریب ۹۰۰۰۰۰۰ لیره و در سال ۱۹۵۰ قریب ۱۱۰۰۰۰۰۰ لیره بر درآمد سابق اضافه شده.

۹ - آیا در صورت ملی کردن نفت چه مبلغ باید برای جبران خسارت بشرکت

پرداخت؟

این سؤال را بدو صورت میتوان جواب داد:

الف - رقمیکه شرکت بابت بهای مؤسسات خود در ترازنامه منظور نموده و آن

عبارات از ۲۷۶۳۹۴۲۸ لیره است که ۵۳۵۲۵۶۴۴ لیره آن استهلاک گردیده و ۲۷۶۳۹۴۲۸

لیره در حساب باقی است و در صورتیکه صرفاً ترازنامه ملاک عمل قرار گیرد باید رقمی بین ۲۷ میلیون و کسری لیره و ۸۱ میلیون لیره را در نظر گرفت.

آقای مکی در این باره توضیحاتی خواستند و **آقای شعاعی** کفیل وزارت دارائی

توضیح دادند: شرکت در ترازنامه ۴۹ قیمت تمام مؤسساتی که در ایران دارد ۸۱ میلیون و خوردهای برآورد نموده و بعد از این مبلغ ۵۱ میلیون و خوردهای مستهلاک شده بطوریکه بموجب ترازنامه شرکت قیمت مؤسساتش پس از وضع استهلاک ۲۷ میلیون لیره شده بنابراین اگر بروم روی ترازنامه شرکت از ۲۷ تا ۸۱ میلیون لیره ۵۱ میلیون که استهلاک شده در استهلاک باید در نظر گرفت هر چه ما از سود و زیان مستهلاک کردیم این رزرو ما است و بنابراین باید بین این رقم را ترازنامه قرار گرفت (آقای مکی گفتند: تمام طول قرارداد چقدر است؟) فرض بفرمائید نود سال و ۴۵ سالش گذشته است.

آقای مکی گفتند: پس نصفش مانده است آنوقت ضرب در بیست در صدش

نمیکنند.

آقای شعاعی گفتند: بنده دو رقم عرض کردم یکی میگویید ۸۱ میلیون و رقم

زیرش مینویسد ۵۱ میلیون مستهلاک شده و رقم آخرش ۲۷ میلیون باقی مانده است.

آقای نخست وزیر گفتند: اجازه بفرمائید خواننده بشود بعد توضیح داده میشود.

ب - تقویم تأسیسات شرکت بهای روز تحویل و این رقمی است که حتی بطور

تقریب هم اظهار نظر برای وزارت دارائی مشکل است و شاید بهای تقریبی بین ۳۰۰

الی ۵۰۰ میلیون لیره بالغ گردد.

۱۰ - آیا ایران میتواند قرضه تحصیل نماید و آیا بربح آنرا چطور میتوان

تضمین نمود؟

- هرگاه بنا بر این باشد که استخراج و فروش نفت با دولت باشد البته تحصیل قرضه کار خیلی دشوار و مشکلی نخواهد بود و ربح آنهم خیلی سنگین نیست و شاید بین $2\frac{1}{4}$ الی ۳ درصد بیشتر نباشد و با احتمال قوی دول بزرگ با وثیقه گرفتن منابع نفت با سایر منابع کشور حاضر شوند قرضه بزرگی بمدت طولانی بدهند.

۱۱ - آیا سرمایه کار از کجا تأمین خواهد شد؟

- سرمایه کار عبارت است از یک موجودی اولی که شاید از چهل الی پنجاه لیره تجاوز نماید و میتوان آنرا از مبلغ قرضه‌ای که در قسمت ۴ عرض شد تأمین نمود.

۱۲ - آیا قرضه‌های لازم برای تأمین در یک مدت طولانی قبل از ۱۹۹۳ که مؤسسات نفت بدولت ایران بر میگردد پرداخت؟

- جواب این سؤال بسیار مشکل است و بستگی دارد باینکه آیا دولت مستقیماً یا بوسیله دیگران خواهد توانست بهره برداری کامل از منابع نفت بشماید یا خیر و آیا تا چهل سال دیگر نفت اهمیت فعلی خود را از دست خواهد داد یا خیر؟

بهر صورت چنانچه بسیار خوش بین بوده و وضع را بحال حاضر تا چهل سال دیگر فرض نمائیم البته استرداد قروض اشکال نخواهد داشت ولی باز هم عرض میشود که این پیش بینی ابداً مأخذی ندارد.

۱۳ - آیا در ۱۹۹۳ دولت و مجلس فعلی ایران بعلمت اینکه بدون جهت و جوه هنگفتی را برای آنچه متعلق بخود کشور است پرداخته اند مورد انتقاد شدید واقع نخواهد شد؟

- جواب این سؤال بستگی باین دارد که مجلس و دولت فعلی بدانند عملی را که

میخواهند انجام دهند در قدرت و استعداد آنهاست یا خیر اگر واقعاً میتوانیم نفت را خودمان استخراج کرده وسیله حمل و نقل آنرا هم داشته باشیم و در بازارهایی با استفاده و منفعت بفروش برسانیم و دچار رقابت شدید شرکتهای بزرگ واقع نشویم و در تمام این مدت چهل سال نفت اهمیت فعلی خود را حفظ نمایم و صاحبان امتیاز فعلی هم بسهولت و آسانی دست از نفت بردارند شاید وسیله لعنت برای دولت و مجلس حاضر بدست نسلهای بعدی داده نشود ولی هرگاه نتوانیم از عهده بر آئیم و مشکلات آنرا فکر نکرده وارد عمل شویم و بدجهت مملکت و دولت و مردم را دچار فقر و بدبختی و فلاکت نمائیم و دیون هنگفتی هم برای نسلهای آینده بارش باقی بگذاریم استعداد ندارد که در آن موقع لعنت بمجلس و دولت و حتی نسل قدیم جزو عبادات در آن زمان قرار گیرد.

۱۴ - مبالغی که از بابت حق الامتیاز و فروش لیره از طرف شرکت نفت عاید میشود چه میزان از جمع درآمد اسعار خارجه کشور است و جوه لازم جهت واردات کالاهای ضروری چگونه بدون جوه درآمد تأمین میشود؟

- در سال ۱۹۴۹ جمع لیره‌ای که از طرف شرکت نفت بیابانک ملی ایران فروخته شده قریب ۳۳ میلیون لیره و در سال ۱۹۵۰ قریب ۴۰ میلیون لیره بوده است و این مبلغ قریب $\frac{1}{3}$ احتیاجات ارزی کشور را تأمین کرده است.

البته اگر شرکت نفت و درآمد نفتی در کار نباشد فقدهای این درآمد عظیم بدبختیهای بیشتر و غیر قابل تصوری را برای مملکت بار خواهد آورد و اگر صنعت نفت بدست خودمان یا دیگران ادامه یابد و از این مبلغ درآمد های معمولی باقی بماند تفاوتی در اوضاع حاصل نخواهد شد.

۱۵ - میزان سرمایه‌ای را که شرکت بطور سالیانه در ایران بصورت لوازم کار و اشیاء و مصالح و غیره علاوه بر اسعاری که طبق قسمت دوم بفروش میرساند بکار میاندازد چه مبلغ است عوض این لوازم و اشیاء چطور تهیه و تأمین خواهد شد و بدون آنها تعمیر و نگاهداری و پیشرفت و توسعه کار و امر تصفیه نفت چگونه انجام خواهد یافت ؟

- بر طبق ترازنامه شرکت در سال ۱۹۴۹ معادل ۱۵۶۰۹۹۷۲ لیره لوازم کار و اشیاء و مصالح و غیره وارد شده است و البته اگر بنا بر این باشد که دولت مستقیماً یا بوسیله دیگران بخواهد صنعت نفت جنوب را اداره نماید باید این اشیاء را نیز از انگلستان یا امریکا وارد نماید .

در خاتمه بعرض میرساند که تمام این جوابها با فرض آنست که دولت اساساً از لحاظ فنی و سیاسی و سایر جهات خود را قادر با استخراج و تصفیه و حمل و نقل و فروش نفت بداند و نفت هم در طول مدت چهار سال آینده اهمیت خود را از دست نداده و مواد دیگری برای جانشینی آن کشف نشود و الا تمام این فرضها و حسابها هوایی و باطل خواهد بود و چنانچه دولت بدون مطالعه و قبل از توجه بمسائل بسیار مهم اداری و فنی و سیاسی و غیره اقدام بملی کردن نفت بنماید نتیجه آن زبانهای خواهد بود که نسلهای ایرانیان را دچار فلاکت و شتامت خود خواهد نمود ولی با ملاحظاتی فوق و در صورت امکان و اطمینان بانجام امر و قدرت داشتن بر اینکه واقعاً آنچه کمپانی نفت جنوب انجام میدهد دولت و ملت ایران شخصاً انجام دهند حسابهای فوق صحیح است و منتج بت نتیجه خواهد شد .

۳ - از لحاظ قضائی :

از قضات عالی‌رتبه کشور کمیسیونی تشکیل و سئوالاتی که شده مورد بررسی قرار

و جوابهایی داده شده که عیناً ذکر میشود :

سؤال ۱ - آیا میتوان قانوناً قرارداد ۱۹۳۳ را لغو کرد یا خیر ؟

جواب ۱ - آنچه از مطالعه قرارداد ۱۹۳۳ بنظر میرسد مادام که این قرارداد مورد عمل است طبق مواد ۲۱ - ۲۲ - ۲۵ و ۲۶ قرارداد مزبور که عیناً در زیر نقل میشود :

ماده ۲۱ - طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و صداقت و تفسیر معقول و متناسب این قرارداد باشد .

کمپانی صریحاً تعهد مینماید که در هر وقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام به هیچ عمل و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید . این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آئیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و باهیچیک از دستورات و نظامات اداری و با عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود .

ماده ۲۲ - الف - هر قبیل از اختلافات حاصله بین طرفین مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این امتیازنامه و حقوق و مسئولیتهای مقرر در آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردی که بموجب این امتیازنامه محتاج بتوافق نظر طرفین است بطریق حکمیت قطع و فصل خواهد شد .

ب - طرفی که تقاضای حکمیت میکند باید تقاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ کند - طرفین هر يك يك حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت يك حکم ثالث انتخاب خواهند کرد .

هر گاه حکمین نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل

نمایند حکم مزبور را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داورى دائمى بین‌المللى تعیین خواهد نمود .

چنانچه رئیس دیوان دائمى بین‌المللى از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین حکم ثالث نباشد حکم ثالث بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

ج - حکم ثالث باید از ملت ایران یا انگلیس نباشد و بعلاوه ارتباط نزدیک نیز نه با ایران و نه با انگلیس از حیث تعلق بیکی از مستملکات با ممالک تحت‌الحمایه و با مستعمرات و ممالک تحت قیمومت و مالکی که بوسیله یکی از ملکین مذکور در فوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالک مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

د - اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از وصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خود را معین نکرد و یا تعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبور حق خواهد داشت که از رئیس دیوان داورى دائمى بین‌المللى (یا از نایب رئیس درموردی که مطابق قسمت اخیر جزء ب پیش بینی گردیده) تقاضا نماید که يك حکم منفرد ذیصلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعیین کند و در این صورت اختلاف موجود بوسیله حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

ه - اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصول خواهد بود که در موقع حکمیت در دیوان داورى دائمى بین‌المللى معمول و مجرى است - وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مذکور در جزو (و) معین خواهد کرد .

و - حکم حکمیت مستند بر اصول قضائى مذکور در ماده ۱۳۸ اساسنامه دیوان داورى دائمى بین‌المللى بوده و قابل تجدید نظر نخواهد بود .

ز - مخارج حکمیت بنحویکه در رأی حکمیت معین میشود تأدیه خواهد گردید .
ماده ۲۵ - در آخر هر سال مسیحى کمپانی حق خواهد داشت که این امتیاز را ترك نماید مشروط بر اینکه دو سال قبل از آن دولت را از نیت خود کتباً مطلع ساخته باشد . در خاتمه مدت فوق‌الذکر کلیه دارائى کمپانی در ایران (بطوریکه در قسمت III ماده ۲۰ تصریح شده) مجاناً و بدون هیچ قیدی بطور سالم و قابل استفاده ملک دولت خواهد شد و کمپانی در آتیه از هر گونه تمهدی بری خواهد بود . چنانچه نسبت بتمهدات طرفین مربوط بقبل از انقضاء مدت مذکور در فوق اختلافاتی حاصل شود بطریق حکمیت مذکور در ماده ۲۲ قطع و فصل خواهد شد .

ماده ۲۶ - این امتیاز برای مدتی که ابتداءً آن از تاریخ اجرا و اتمام آن در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ خواهد بود بکمپانی اعطاء میگردد .

قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این امتیاز نمیتواند خاتمه پیدا کند مگر در صورتیکه کمپانی مطابق ماده ۲۵ آنرا ترك کند و یا آنکه محکمه حکمیت بر اثر ارتکاب تخلفی از طرف کمپانی نسبت باجرای مقررات این قرارداد ابطال آنرا اعلام بدارد .

تخلف بمعنی مذکور در فوق منحصر بموارد ذیل است :

الف - هر گاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه حکمیت باید بدولت پرداخته شود تا یکماه بعد از تاریخ صدور رأی تأدیه نگردد .

ب - هر گاه تصمیم بر انحلال اختیاری یا اجباری کمپانی گرفته شود .
 در مورد تخلفاتی که نسبت بمقررات این قرارداد از هر يك از طرفین ناشی شود

محکمه حکمیت درجه مسئولیت و اثرات مترتبه بر آنرا تعیین خواهد نمود.

هر نوع انتقال امتیاز مشروط بر تصویب دولت خواهد بود.

طریق الغاء قرارداد انحصار داده شده است باینکه یا کمپانی ترك کار نماید و یا قضیه بر اثر بروز اختلاف رجوع بحکمیت شود و نتیجه در این فرض ناچار تابع نظر هیئت حکمیت خواهد بود.

سؤال ۲ - آیا میتوان استخراج نفت را ملی کرد یا خیر؟

جواب ۲ - هر چند این سؤال مورد اعمال نظر قضائی ندارد ولی به انتفاء موضوع قرارداد در صورتیکه از جهات مالی یا فنی برای دولت تهیه وسائل بی اشکال باشد از نظر قضائی بهیچوجه اشکالی در بین نیست.

سؤال ۳ - چه اشکالات قضائی برای انجام این دو منظور موجود است؟

جواب ۳ - با توجه بمراتبی که در پاسخ دو سؤال اول مذکور است هیچ اشکالی از نظر قضائی موجود نیست.

سؤال ۴ - دولت ایران و شرکت نفت بکدام مراجع قانونی ممکن است مراجعه کنند و چه اشکالات قضائی ممکن است پیش آمد نماید؟

جواب ۴ - در ماده ۲۲ قرارداد که در پاسخ سؤال اول نقل شده مرجع رسیدگی باختلاف بین دولت ایران و شرکت نفت هیئت حکمیت است و اینکه در نتیجه رسیدگی چه اشکالات قضائی ممکن است پیش آمد نماید این امر تابع قوت و ضعف ادله طرفین و تشخیص هیئت داور است که بطور قطع قبلاً نمیتوان آنرا پیش بینی کرد.

آقای صالح سؤال کردند: ممکن است بفرمائید که از قضات دیوان عالی کشور آیا جلسه عمومی شده یا افراد معینی میباشد.

آقای نخست وزیر جواب دادند: اسامی آقایان اینجا هست حالا از جنبه

سیاسی عرض میشود.

۴ - از لحاظ سیاسی:

در این قسمت کارمندان عالی رتبه وزارت امور خارجه این سؤالات را بررسی و جوابهایی داده اند که عیناً نقل میشود:

سؤال ۱ - آیا با وضع کنونی جهان صلاح است که عمل شود؟

جواب ۱ - در وضع آشفته کنونی جهان چنانکه ملاحظه میشود کلبه دول کوچک نهایت سعی و کوشش را دارند که در روابط خود با دول دیگر مخصوصاً دول معظم اختلافی بوجود نیاید و برعکس در تشدید روابط حسنه بذل اهتمام مینمایند و بدین جهت جای تردید نیست که شدت عمل و در نتیجه ایجاد نفاق بین يك دولت كوچك و کشور معظمی بهیچوجه مصلحت نبوده و مقرون بصلاح کشور نیست.

سؤال ۲ - آیا از این طرز رفتار کشورهای دیگر سوء استفاده نخواهند کرد؟

جواب ۲ - وضعیت جغرافیائی ایران بخصوص این نکته را روشن میکند که هر اختلافی در روابط بوجود آید میتواند باعث انواع سوء استفاده قرار گیرد.

سؤال ۳ و ۴ - آیا در صورتیکه تصمیم بملی کردن نفت گرفته شد و کمپانی بخواهد از راه قانونی با او عمل شود راه حلی برای این موضوع هست یا خیر؟ در صورتیکه کمپانی فقط بخواهد از راه قانونی عمل کند ممکن است با فشار و اجبار او را خارج کرد یا خیر؟

جواب ۳ و ۴ - ملی شدن نفت مستلزم خلع بد کمپانی و ناقض امتیازنامه نفت است که طبعاً بشدت عمل نسبت بکمپانی منجر خواهد شد که اثرات آن در پاسخ های

سؤالات ۱ و ۲ اشاره شده است و بدینجهت مصلحت کشور در آنستکه علاوه بر جنبه‌های فنی و مالی و اقتصادی و قضائی نکته سیاسی مزبور نیز مورد توجه قرار گیرد.

سؤال ۵- آیا اعمال قدرت و زور برای طرد کمپانی و ملی کردن نفت باوضع

کنونی جهان صلاح است یاخیر؟

جواب ۵- صلاح نیست.

سؤال ۶- نظریات کلی شما راجع بملی شدن نفت چیست؟

جواب ۶- البته ملی شدن نفت در صورت موجود بودن شرایط و وسائل غایت مطلوبست ولی از لحاظ سیاسی موضوع که تنها در صلاحیت وزارت امور خارجه میباشد با اوضاع فعلی جهان متضمن مشکلاتی خواهد بود که فوقاً بآن اشاره گردید و چون از طرف دیگر موافقتنامه کس - گلشائیان منافع ملت ایران را تأمین نمیکند اقتضا دارد که با نظر متخصصین فن و دقت در کلیه جوانب امر از راه مذاکرات مستقیم نهایت کوشش و بذل جهد بعمل آید که حداکثر حقوق و منافع کشور تأمین و استیفا شود.

آقای گنجه ای سؤال کردند: وزیر خارجه امضاء کرده است؟

آقای حائری زاده گفتند: وزیر خارجه ای که چند نفر فراری آلمانی را به

حکومت رسمی شناخته و چین با عظمت را بر سمیت شناخته ما جواب او را بر سمیت نمیشناسیم.

آقای نخست وزیر اظهار داشتند: اینها مجموعه آن چیزی است که از این

چهارجنبه مختلف دولت نظر خواست و این نظریاتی است که باطلاع رسید.

در چند روز قبل سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلستان در تاریخ ۴ اسفندماه ۱۳۲۹

اینجانب را ملاقات و ضمن ملاقات نکات زیر را متذکر گردید:

۱ - چون اخیراً شایعاتی در اطراف شرکت نفت و نظریه دولت انگلستان نسبت به این شرکت اظهار شده به اطلاع میرساند که نظریه دولت انگلستان نسبت بکمپانی مطالبی است که معاون وزارت خارجه انگلیس در مجلس عوام در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۲۹ اظهار نموده است.

۲ - شرکت باتکلیه تصویب امتیازنامه در ایران مؤسسه صنعتی بزرگی که منابع عظیم و دائم التزاید ایران را متضمن است بنا نموده است و طبق ماده ۲۱ و ۲۶ امتیازنامه نمیتوان قانوناً باسم ملی کردن بعمل شرکت خاتمه داد.

بابشان جواب داده شده که فعلاً موضوع در مجلس شورای ملی مطرح و طبعاً مأمورین مسئول با دقت نکات لازمه را مورد توجه قرار داده و طبق اصول قضائی و مقررات کشور عمل و توافقی رویه و روش دولت را تعیین نموده اند فعلاً دولت در اینخصوص اقدامی نمیتواند بنماید.

این بود مجموع آن چیزی که دولت در بک امر مهمی مثل نفت ناگزیر بود قبلاً از اینکه هر اظهار نظری بکنند از متخصصین و اشخاصیکه وارد هستند سؤال و نظریه بدهد آن چیزیکه بنده باید بعرض برسانم اینست که: سوانح گذشته همیشه باید درس عبرتی برای ما باشد در کلیه تصمیمات و نظریات خود از گذشته پند گرفته و مرتکب خبط و خطائی که باعث ملالت خاطر و تکدر مادر آتیه است نشویم.

در ۱۹۳۳ اعلیحضرت رضاشاه فقید روی اصل میهن پرستی و علاقه بکشور تصمیم به لغو قرارداد داری نمودند ولی بعداً ملاحظه شد که دولت برای استیفاء حقوق خود ناگزیر از مراجعه به حکمیت است با آنکه طبق سوابق موجوده در وزارت خارجه با عدمای از اعضاء هیئت حکمیت مذاکرانی شده و آنها را موافق نموده

بودند معیناً ضمن عمل عدم موفقیت در قسمت حکمیت درک گردید و در خاتمه مجبور به انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ گردیدند که امروز بعضی قسمتهای آن مورد اعتراضاتی بوده و در مجلس شورای ملی بحث بسیار در اطراف آن میشود.

در تاریخ هر کشوری یک پیش آمد تلخ و ناگوار برای همیشه درس عبرتی بایستی محسوب شده و از نظر دور نگردد حالیه هم که باز بمنظور استیفای حقوق موضوع نفت مطرح و در جریان مذاکره میباشد جای آن دارد که تجربه تلخ گذشته را در نظر داشته بطوری اقدام بعمل نمائیم که در آتیه دچار خسران و ندامتی نگردیم.

امروز در امور فنی تخصص - جلب نظر متخصصین و بحث با مطلعین از وظائف اولیه هر متصدی امر و هر مسئولی میباشد زیرا اگر این اقدام نشود مرتکب خبط و خطای بزرگی شده ایم و اگر روزی هم پیش آمده های غیرمنتظره رخ دهد از جواب آن عاجز خواهیم ماند. پس در چنین موقعی که موضوع بسیار مهمی چون موضوع نفت که ارتباط بسیار نزدیکی با منافع و مصالح افراد کشور دارد مورد بحث است ما بایستی بنظریات متخصصین و مسئولین امر ترتیب اثر داده گفتار و بیانات آنها را مورد نظر قرار دهیم. اگر در اظهارات آنها تردیدی داشته باشیم ناگزیریم با جلب متخصصین و متفکرین معروف جهان بحقایق امر پی برده و پس از تحقیق کامل در امور تصمیمی اتخاذ نمائیم که باعث خسران و تولید هزاران اشکالات نشود.

اینک بانتظار آنست که کمیسیون و مجلس شورای ملی از اصول و نظریاتی که در اینباب دارند دولت را آگاه سازند تا بتواند بوظائف قانونی خود عمل نماید.

آقای صالح اظهار کردند: چه اشخاصی اظهار نظر کرده اند یا تمام مهندسین شرکت نفت اظهار نظر کرده اند.

آقای نخست وزیر جواب دادند: در قسمت اقتصادی وزارت دارائی و کلیه اشخاصی که رؤسای درجه یک وزارت دارائی هستند در قسمت سیاسی خود آقای رئیس در قسمت دادگستری آقایان اخوی - امامی - وثیقی و دادبان و دکتر قاسم زاده که اینها رؤسای دیوانعالی کشور هستند و این کمیسیون را آنها تشکیل دادند. این مجموع آن چیزی است که اگر بنده تقاضا کرده ام چون تصور میکردم که یک امر بسیار مهمی است و آقایان که در این کمیسیون شرکت دارند میل دارند نظریات مسئولین امر را درک نمایند و دولت وظیفه دار بود که این اطلاعات را بطور صریح و روشن از آنها بخواهد که نظر فردی محسوب نشود این نظری است که هر کدام از متخصصین در قسمت خودشان ابراز کرده اند و این مجموع آن چیزی است که باید عرض کنم حالا اگر مطالبی بنظر آقایان میرسد که باید از لحاظ توضیح بنده عرض کنم عرض کنم و اگر با بنده فرمایشی ندارید تا مرخص شوم.

آقای صالح سؤال کردند: اینکه فرمودید مهندسین یا امضاءشان اینجا هست؟

آقای نخست وزیر جواب دادند: خیر اینجا تکذاشتیم امضاءشان پهلوی بنده است.

آقای صالح بیان داشتند: ممکن است که فردا بگویند ما امضاء نکرده ایم.

آقای قشقائی سؤال کردند: راجع بجواب سفیر انگلیس یک چیز رسمی بوده است؟

آقای نخست وزیر جواب دادند: او صحبت کرده و بنده جواب او را شفاهاً

دادم والا هیچ نوت کتبی داده نشده.

آقای مکی گفتند: مسلماً اطمینان دادید که تا من هستم نمیگذارم منافع شرکت

نفت از بین برود؟

آقای دکتر هدایتی گفتند: این جوابها در موضوع ملی کردن آیا این مهندسین یا سیاسیون و اقتصادپون نظر مثبتی هم دادند؟
آقای دکتر کاسمی گفتند: در قسمت فنی هست و از همه جامعتر است.
آقای مکی و صالح اجازه صحبت خواستند.
آقای رئیس تذکر دادند: مطرح نیست.
 ساعت هفت و یکربع بعد از ظهر آقای نخست وزیر و آقای شعاعی جلسه را ترك نمودند.

آقای مکی گفتند: باید آنها را جواب بدهیم بنده يك جمله اش را هیكترتم و میكتم تمام اینها بیمورد و بیمعنی است.

آقای حائری زاده گفتند: چهار نفر از آن افرادی که ضعیف و نوکرمآب هستند آنها را خواسته اند و این جوابها را گرفته اند اگر اجازه بفرمائید در آن جلسه بنده وقت خواستم که صحبت کنم.

آقای رئیس اظهار داشتند: روز دوشنبه از ساعت ده تا عصر جلسه طول خواهد کشید آنها را که نخست وزیر نوشته است شما میتوانید در اطراف آن صحبت بکنید.
آقای اللهیار صالح گفتند: نخست وزیر وادار کرده که اینها را بنویسند و اینها کسانی هستند که اگر برخلاف نظر نخست وزیر يك چیزی بنویسند از خدمت خارجشان میکند.

آقای رئیس گفتند: می بینید چیز مهمی ننوشته اند حالا صورت جلسات قبل خوانده بشود.
 در اینموقع صورت جلسات ۳۳ و ۳۴ قرائت و چون اعتراضی نبود بتصویب رسید.

آقای فقیه زاده گفتند: این بیاناتی که آقای نخست وزیر کردند این را بفرمائید طبع و توزیع شود.
آقای رئیس اظهار داشتند: دستور میدهم طبع و توزیع گردد و اجازه بفرمائید جلسه روز دوشنبه از ساعت ده تا عصر تشکیل شود.
 آقایان عامری و قشقائی بواسطه گرفتاری نظر داشتند که روز چهارشنبه جلسه تشکیل شود.
آقای رئیس گفتند: چون يك هفته دیگر بیشتر وقت نداریم اجازه بفرمائید همان روز دوشنبه باشد.

آقای دکتر کاسمی: بروز سه شنبه بعد از ظهر را پیشنهاد نمودند.

آقای قشقائی گفتند: برای خلاصی حداقل از دست نوکرهای کمیانی نفت تمام آقایان موافق هستند که حداکثری که ممکن است موافقت بکنند و دست آنها را کوتاه نمایند بنده در نظر خودم موافقم که از لحاظ مالی ضرر ما است ولی از لحاظ سیاسی کاملاً بنفع ما خواهد بود.

آقای رئیس اظهار داشتند: آقایان بنا بر این موافقت فرمودید که جلسه همان روز دوشنبه که روز معمولی ما است باشد و بنا بر این جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینده سه ساعت قبل از ظهر روز دوشنبه چهارده اسفند ماه موکول و تا عصر ادامه خواهد یافت. در اینموقع ساعت ۸ و ربع بعد از ظهر جلسه ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و پنجم

سی و پنجمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت دو ساعت قبل از ظهر چهاردهم اسفند

بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان: بهبهانی - گنجهای - مکی - دکتر علوی - اللهیار صالح - حائری زاده - دکتر کاسمی - قشقائی - ذوالفقاری - فقیه زاده - سرتیپ زاده - پالیزی - دکتر هدایتی - جواد عامری - فرامرزی تشکیل گردید.

آقای مکی اظهار داشتند: در جلسه گذشته حقیقت قضیه این بود که نخست وزیر اینجا بیاناتی کرد و بقدری بنده از بیانات ایشان عصبانی شدم که نزدیک بود قلبم از حرکت بایستد برای اینکه بیان یک نخست وزیر که بنام ملت زمام امور را در دست گرفته و میخواهد دفاع از حقوق ۱۵ میلیون ملت گرسنه و بدبخت ایران بکند غیر اینست. اگر نماینده شرکت نفت نورتگرافت یا سفیر انگلیس اینجا بودند جرئت نمیکردند اینطور دفاع از شرکت نفت بکنند که نخست وزیر دامن خدمت شرکت نفت را بکمر بست و اینطور بر خلاف حق و انصاف و منطبق با بیانات سفسطه آمیز از شرکت دفاع کرد.

بیانات نخست وزیر که دو موضوع بود یک موضوع راجع بمهندسی ایران بود بنده تحقیق کردم که این مهندسی ایرانی که نخست وزیر از آنهاست سوال کرده کی بوده اند معلوم شد سه نفر بوده اند یکی مهندس راجی که تحصیلاتش در انگلستان و با خرج انگلیسها بوده است. یکی مهندس نفیسی است که کافی است بنده بگویم نفیسی و برادر مشرف نفیسی است. یکی هم مهندس مستوفی که سابقاً در اداره امتیازات بوده و مهندسی است که بخرج شرکت نفت دو لندن تحصیل کرده و بعد از آمدن بایران مجدداً برای دو سال دیگر جهت گذراندن کورس تکمیلی بانگلستان رفته و آمده است. در صورتیکه ما ۷۰۶۰ نفر مهندس ایرانی در ایران داریم مهندس معظمی برادر آقای دکتر عبدالله معظمی و مهندس اصفیاء که بزرگترین مهندس ژئولوگ است (زمین

شناس) و مهندسی عالیمقام دیگری در ایران هستند که احساسات وطن پرستی شان اجازه نداده استفسار نخست وزیر را پاسخ بگویند و این سه نفری که پاسخ داده اند بنده هوشتان را عرض کردم اگر غیر از این بود آقایان حق دارند حکم اعدام مرا بدهند. مهندس راجی با زور آنها معاون سازمان برنامه شده اینها از لحاظ مهندسی بودند که ایشان گفتند و جرئت هم نکردند اسامیشان را بگویند و اما راجع بقسمت سیاسی که ایشان نظریه آقای رئیس وزیر خارجه را خواندند باید عرض کنم این همان آقای رئیس وزیر امور خارجه است که وقتی سفیر ایران در لندن بوده آن تلگرافات را کرد که در اسناد محرمانه پرونده نفت مضبوط است و تهران مصور و بعضی جرائد دیگر آنها را چاپ کردند و اگر آن تلگرافات را آن روز نمیگرد مسلماناً امروز وزیر خارجه نبود. و اما از لحاظ قضات آنها که نظر داده اند سه نفر مثل اخوی - امامی و دادبان بوده اند و عدده زیادی مثل ذره و سایر قضات شنیدم امروز تکذیب و اعتراض کرده اند در صورتیکه وقتی این قبیل مسائل مهم مملکتی پیش میآید ایشان نمی باید حسن و حسین را جمع بکنند اگر آقای شیخ محمد بروجردی میآید و چنین قضاوتی میکردند آنوقت حق بایشان بود و با اگر یک هیئت عمومی دیوان کشور بانفاق آراء یا با اکثریت نسبی رأی میدادند حق بانخست وزیر بود و اما تازه آن سه نفر چه گفته اند آنها گفته اند مطابق ماده فلان و فلان نمیشود قرارداد را لغو کرد ولی راجع بملی شدنش میشود و ملت میتواند از حق حاکمیت خودش استفاده کند و اینقدر وجدان بخرج داده اند که گفته اند میشود ملی کرد. بدبختی ما اینست که یک نخست وزیری که باید حامی و حافظ ملت ایران باشد این دنبال یک قرارداد پوسیده ای را گرفته و میگوید این سند است. در خصوص نظریه رؤسای وزارت دارائی اگر ملاحظه فرموده باشید نوشته بود « این بنده » آقای صالح پرسیدند: این بنده کیست؟ آقای

شعاعی گفتند بنده هستم. آقای رزم آراء ایشان را آورده اند که کار فرور را بکنند و راجع باقتصادی هم بنده نمیدانم آن علمای اقتصادی که ایشان با آنها مشورت کرده اند چه اشخاصی بوده اند اگر اینها يك شخصیت هائی بوده اند که باید ایشان میاهات بکنند و بگویند چه اشخاصی بوده اند همچنین يك مقدار از قام و اعدادی داده اند که قابل رد بود يك جا گفتند که تا ۵۰۰ میلیون خسارت این کار است وقتی بیلان شرکت را دولت دارد و میداند تمام سرمایه شرکت ۲۰۷ میلیون است و طبق توضیحی که آقای شعاعی داده اند گفتند بین ۸۱ تا ۲۷ میلیون لیره است و آنها را مستهلك کرده اند اگر دوره امتیاز پوسیده را نود سال بگیریم ۴۳ سال دیگر باقی مانده و اگر بیست درصد مال دولت ایران بشود باید سرمایه ضرب در ۹۰ تقسیم بر ۲۰×۴۳ بکنیم اگر این حساب را بکنید ملاحظه خواهید کرد که چیز قابل ملاحظه ای نیست در صورتیکه ما طبق همین قرارداد پوسیده اگر یکروز پای تصفیه حساب پیش بیاید میلی هم طلب ما خواهد شد. موضوع دیگر که نخست وزیر با کمال ناجوانمردی عرض کرده و این را از لحاظ اینکه اهانتی نکرده باشد در اینجا نگفت و آقایان شنیده اند که نخست وزیر در اینجا گفته باشد که من مصالح تمام ملت را نمیتوانم فدای يك عده ای بکنم (اعضاء کمیسیون: چنین مطلبی اینجا نگفتند) این را در رادیو گفته است من موقعی که می شنیدم از شدت تأثر و تعجب مو بر اندامم راست شد که چطور ممکن است کسیکه قاعدتاً باید دامن خدمت ملت را که با حقوق میدهد بکمر بندد تا این اندازه پستی و خیانیت بخرج دهد و بنفع بیگانگان قلماً و قدماً قیام و اقدام نماید برای اینکه چندروز بیشتر زمام در دستش باشد و علت اینکه این بیان را در رادیو دستور داده اند که بخوانند حقیقت قضیه اینست که دولت ها را انگلیسها می آورند دولت ها را امروز از صدر مشروطیت با نظر

غالباً انگلیسها می آورند (آقای فرامرزى گفتند: از روزیکه رأی تمایل از مجلس سلب شده است.) البته از آن روز مسلماً بیشتر اعمال نفوذ میکنند (صحیح است) خود رزم آراء احساس کرد که با این کیفیت ممکن است اربابها از او حمایت نکنند علت اینکه در اینجا جرئت نکرده و نگفته است و در رادیو گفته خواسته است بگوش اربابهایش برساند که من تا آخرین قطره خونم برای حفظ وراثت داری ایستاده ام و باید از من حمایت کنید و اگر آقایان رادیو شنیدید و جداناً سؤال میکنم حرفهائیکه نخست وزیر اینجا زد بازادیو یکی بود؟ (آقای یالیزی گفتند: من رادیورا نشنیدم) چرا من همان شب شنیدم بایک مقدمه طولانی بکمیسیون نفت و مجلس يك عده ای حمله کرد و گفت این نظریه دولت است در جواب سؤال آقای دکتر مصدق بنده خیال کردم که این نطق را یکی مست کرده و مثل از باب شاهرخ از خارج میگوید ولی دیدم خیر صبح و ظهر و شب هم همانها را گفت و میخواست است به اربابهایش بگوید من تا آخرین قطره خونم مبارزه خواهم کرد و نمیگذارم يك ذره از حقوق ملت ایران باو بر گردد و شما نوکری از من با و فاتر پیدا نخواهید کرد البته این بیانات را بایک استدلال منطقی همانوقت میتوانستیم جواب بدهیم و روشن بکنیم و من بی نهایت عصبانی شدم که نخست وزیر باحضور آقایان این حرفهای بی معنی را بگوید و ما گوش بکنیم و از دیربرون برود اگر ایران احتیاج بيك فداکاری دارد آن موقع الان است بنده عرض کردم بتمام مقدسات عالم با احترام شخص جناب آقای دکتر مصدق بود که سمت پدری بر بنده دارند و همان موقع که بنده میخواستم صحبت کنم ایشان زنيك کشیدند همانوقت با داداشتی نوشتم بجناب آقای صالح که این جلو گیری را که جناب آقای دکتر مصدق کردند حال سکتی ای بمن دست داد و بجدی بمن سخت گذشت که نمیدانم چه عرض کنم. نجاس پاشا در مص

برای تخلیه کانال سوئز و لغو آن قرارداد میگوید اگر بنا شود فردی از ملت مصر در این قضیه کشته بشود نحاس پاشا خواهد بود و چون چنین نخست وزیری داشت ملاحظه کردید که کانال سوئز را تخلیه کردند و با اینکه در مجلس عوام انگلستان هم بنحاس پاشا نخست وزیر مصر حمله کردند ولی سرانجام پیش برد. دنیای امروز بیش از این اجازه نمیدهد که ملت و مملکت ایران در زیر اسارت سیاست خانمانسوز انگلیس ما دست و پا بزنیم و حقمانرا غاصبانه ببرند. نخست وزیر خیال میکند که ما میدانیم ایشان شبها با چه اشخاصی صحبت میکنند ولی هستند اشخاص شرافتمندی در همین کمیسیون که آنجا هستند و دفاع هم میکنند همین آقای سر تیب زاده گفته است که قرارداد ۱۹۳۳ باطل است ما میدانیم در مواقع خطیر آنها نهایت کوشش و جدیت و مردانگی را در راه مصالح عالیله مملکت نموده و مصالح مملکت را بر هر چیز ترجیح میدهند. نخست وزیر برای این میخواهد این خدمت را بشرکت نفت بکنند که اگر بزرگوزی بخواهد مقدمات جمهوری شدن را برای رئیس جمهوری خودش فراهم نماید زمینه مساعد بوده و از بابانش خدمات او را منظور داشته و کمک کنند. من آن شب خیلی متأسف شدم که جناب آقای دکتر مصدق اجازه ندادند که جواب بدهم و از طرفی بنده از کمیسیون سیاست گزارم که کمیسیون آن شب نطق نخست وزیر را بایک سکوت آمیخته بغرت تلقی کردند و هیچکس تصدیق نکرد و نکفت صحیح است و نطق ایشان در کمیسیون بایک نفرتی مواجه گردید البته اعضای کمیسیون هر چه باشند ایرانی هستند و برای حفظ منافع ایران در هر جمیع شده اند و اگر این صمیمیت در آنها وجود نداشت ما نمی توانستیم اینهمه باهم کار بکنیم مثلاً ملاحظه بفرمائید آن رایی که با اتفاق آراء به مجلس تقدیم شد جناب آقای فقیدزاده در مسافرت عتبات عالیات بودند و در مراجعت آمدند و پشت تریبون گفتند چون در

مسافرت بودم حالا که برگشته ام منم آن رایی را که کمیسیون راجع به رد قرارداد کس - گلشائیان داده قبول دارم این قابل پذیرش و بخشش نیست که یک نخست وزیر بیاید و با استعداد و هوش ایرانی توهین کند خود انگلستان وقتی که میخواست حدود حوزه امتیازی خودشانرا تعیین بکنند یک مهندس عالی مقام استخدام کردند این مهندس عالی مقام که آمد با ایران سفید کوه بختیاری جلوش بود و تصور کرد که نفت ندارد خدا با ملت ایران بود، بلوچستان که امروز بزرگترین حوزه های نفتی تشخیص داده شده تشخیص دادند که اینجا نفت ندارد پس خود انگلستان مهندسین عالمقامی را می آورد آنجا و خوشبختانه درست تشخیص نمیدهند (آقای فرامرزی گفتند: خود انگلیس ها تشخیص نمیدهند برای اینکه بحرین را نتوانستند آنها تشخیص بدهند) در همان موقعی که انگلیسها آلمانها را از ایران بیرون می کردند مهندسین آلمانی در استخدام شرکت نفت بوده و شاید هم حالا آنجا باشند پس اگر ما بخواهیم یک روزی اینکار را بکنیم این چیزی نیست که باید تنها مهندسین انگلیسی در اینجا باشند بلکه ما میتوانیم مهندسین عالی مقام از ملتهای مختلف استخدام و از آنها استفاده کنیم بنده بارها عرض کردم که سی میلیون تن استخراج از لحاظ قوه تولید نفت در دنیا یک رقم کوچکی نیست و مکرر عرض کرده ام که ۰.۶٪ نفت دنیا را امریکا مصرف میکند ما هر روز بکه خواستیم نفتمان را اداره بکنیم تمام کشورها از لحاظ فابریکاسیون و تعادل دنیا بهم نخورد بنفتم ما احتیاج دارند و میخرند و حتی حاضرند متخصصین مجانی هم در اختیار ما بگذارند معیناً نخست وزیر که من بجرأت عرض میکنم اگر نماینده شرکت نفت نرتگرافت در کمیسیون حاضر شده بود و یا اگر سفیر کبیر انگلیس که حافظ منافع اتباع انگلیس است در کمیسیون حاضر شده بود مسلماً بقدرت نخست وزیر (آقای حائری زاده گفتند: یعنی بوقاحت ایشان) بلی بوقاحت و بیشرمی ایشان از کمپانی نفت نمیتوانست بادر نظر گرفتن

وجدان دفاع بکنند و این باعث کمال تأسف است برای ملتی که میخواهد جهت حفظ استقلال و عظمتش قدم بردارد و چنین افراد پست و بی آبرویی نخست وزیرش باشد.

آقای رئیس با يك حالت تأثر شدیدی اظهار داشتند: بنده يك توضیحاتی در اطراف بیانات آقای مکی دارم و باید عرض کنم که آقای مکی يك شخص بتمام معنی وطن پرستی است (صحیح است) و اینجانب بهیچوجه تردیدی در وطن پرستی ایشان ندارم ولی معتقدم که اصول آزادی حکم میکند که خادم و خائنین و وطن پرست همه بتوانند حرف خودشانرا در محیط آزادی بزنند (صحیح است) اگر آن شب با آن حال تأثری که به آقای مکی دست داده بود من اجازه صحبت میدادم قهرأ بدانید که نتیجه معکوس میبخشید یعنی وقتیکه جلسه و کمیسیون که باید همیشه باحال سکوت و باحال خیلی ملایمی باین کار رسیدگی بکنند و بحقایق برسد و آنچه را که وظیفه دارد در يك محیط متشنجی بیفتد قطعاً طرفین نخواهند گذاشت نتیجه مطلوبه حاصل شود باینجهه بهمکار عزیزم اجازه صحبت ندادم و آن چیزهاییکه نخست وزیر آورد چیزی نبود که قابل توجه بشود ما همه میدانیم که در این مملکت صد نفر مهندس بیشتر نداریم همه میدانستیم که کشتی بازکش نداریم، همه میدانستیم که در آن محیط شرکت نفت يك عده زیادی هستند که از این نفت ارتزاق و اعاشه میکنند همه میدانستیم که قرارداد ۱۹۳۳ را هم انگلیس ها میگویند داریم اینها يك چیزهایی نبود که بر ما مجهول باشد و نخست وزیر بواسطه توضیحات و تحقیقاتیکه از بعضی از اشخاص که آنها یا از نظر اجبار یا از نظر اینکه در ادارات هستند و میخواهند سوء استفاده بکنند افکار و عقاید نخست وزیر را بهر طور که میخواسته اجرا نموده اند و اینطور جواب داده و نوشته اند. شنیدم یکی از اشخاص که سناتور است و اظهار عقیده کرده گفته است من این امضاء را میکنم ولی ممکن است مورد غضب ملت واقع بشوم بهمین جهت امضاء مرا منتشر نکنید (آقای فرامرزی گفتند: لابد دکتر

قاسم زاده بوده اند) میدانم و همینطور سایر اسامی را منتشر نکردند چون يك قدری مستبعد است که در يك گزارشی اسامی منتشر نشود و دیگران منتشر بکنند و چیزی هم ننوشته اند که مورد توجه باشد همه يك سؤال و يك جوابهایی بوده است که توضیحاتی نسبت بآنها داده بودند. قضات دادگستری نوشته اند قرارداد ۱۹۳۳ ماده ۲۱ و یا فلان ماده اش اینطور میگوید و عین آنرا نقل کرده اند البته برای خاطر نخست وزیر نخواستند جواب ندهند شاید هم قضات اساساً وظیفه نداشته اند که بگویند این قرارداد در چه حالی است يك کاغذی گذاشته اند جلوشان و يك چیزی نوشته اند و بعلاوه در قسمت آخر راجع بسؤال دوم هم نوشته اند اگر هر چند این سؤال مورد اعمال نظر قضائی ندارد ولی باتفاق موضوع قرارداد در صورتیکه از جهات مالی بافتی برای دولت تهیه و مسائل بی اشکال باشد از لحاظ قضائی بهیچوجه اشکالی در بین نیست و همچنین در مورد سؤال سوم که نوشته اند چه اشکالات قضائی برای انجام این دو منظور موجود است؟ جواب داده شده با توجه بعراستی که در پاسخ دو سؤال اول مذکور است هیچ اشکالی از نظر قضائی موجود نیست اینها يك چیزهایی نیست که آقای مکی آن همه متأثر بشوند بنده مخصوصاً همان شب که آقای دکتر هدایتی گفتند اینها چه وقت منتشر میشود گفتم هر چه زودتر و دستور دادم که چاپ بشود و بنظر آقایان برسد که وقتیکه اینجا مطرح میشود توجه داشته باشند و بنده خودم يك نظریات و اظهاراتی راجع بگزارش کمیسیونهای نخست وزیر خواهم نمود. این بود که بنده خواستم عرض کنم که در محیط کمیسیون باید هر کس از روی آزادی عقیده خودش را اظهار بکنند ولو آنکه غلط باشد البته مطالب شما در صورت مجلس نوشته میشود و اگر ما مطالب را بدیم برادبو و گفته نشود این سوء نیت اداره مملکت و دولت است.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده در خارج آقای مکی را دیدم فوق العاده برآشفته بودند من بنظر خودم آمد جناب آقای دکتر آن رویه ای که پیش گرفتند که حرف زده نشود خیلی خوب و پسندیده بود و آقایان اگر هم کاری نکرده باشند لااقل حالا که میگویند ۵۰ درصد یا ۶۰٪ و همین نتیجه زحمات آقایان است. رویه جناب آقای دکتر هم در آن شب بسیار مطلوب و پسندیده بود و بعداً من قهر ایشان را فرو نشاندم حالا هم بنده نسبت به هم خودم و همه رفقا این مطلب را کتمان نداشتند که در اثر مساعی و زحمات و وطن پرستی آقایان چیزی را که فراموش نکرده ایم و میگفتند یکشاهی از این بالا تر نمیدهیم و حتی اخیراً گفته بودند که حالا احتیاجی بیول ندارند هر وقت احتیاجی پیدا کردند خودشان قبول میکنند اما حالا کار بجائی رسیده که ۵۰٪ میدهند (آقای مکی گفتند: میگویند مطابق آرامکو) لازمه انسان همین است و ایجاب میکند که خدمتی را که کسی کرده نباید انکار کرد و از این لحاظ برای ما قابل انکار نیست زحمات و خدمات شما را خیلی هم به هم خودمان متشکر هستیم هیچوقت رفقای ما نظر نداشتند این افکار پسندیده آقایان که جز خدمت بملکت و گرفتن منافع بوده منکر بشوند البته از روز اول یک چیزی بیش آمد که من استدعا کردم بنده باهیچکس زیر زیر کی چیزی ندارم ما همیشه سعی مان این بود که در کمیسیون اختلافی نباشد و هر کاری میکنیم با هم متفق باشیم هر جا صحبت شده من تشکر کرده ام راجع بگزارشی که آقای مکی بمجلس دادند برای اینکه آقای مکی قبلاً مرا دیدند و گفتند بیائید و بنشینیم گزارش را با هم تهیه بکنیم من هم و در تمام گزارشی هم که دادند یک کلمه نگذاشتند که ما جبهه ملی خواستیم این کار را بکنیم و آنچه را که شده در نهایت صمیمیت بوده است اگر ما در آنجا نماندیم که میرویم خواستیم خیانتی با آقایان بکنیم که خلاف وجدان

کرده ایم ولی در اینجا هم همیشه حفظ الفت کرده ام پس بنظر بنده شاید عمل خلاف صمیمیت نسبت بر رفقای اقلیت نشده است حالا هم امیدوارم چون نظری در کار نیست باز هم یک وضعی فراهم بشود که متفقاً رأی بدهیم.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده از جناب آقای دکتر مصدق تشکر میکنم چون آن شب اجازه صحبت ندادند و من دیدم که آقای مکی خیلی عصبانی هستند و از ایشان تشکر میکنم که این رویه را ادامه ندهند. راجع بقرارداد ۱۹۳۳ اینجا صحبت هائی میشود در صورتیکه بحث ندارد یک دیکتاتورری بوجود آوردند و با کشتارهای دسته جمعی - تبعید - زجر - شکنجه - سانور قرارداد ۳۳ را گذرانیدند و آقای وزیر خارجه انگلستان خودش اقرار کرده و همچنین وزیر دارائی وقت هم در پشت تریبون مجلس شورای ملی گفتند که این قرارداد چون کرده و اجبار در کار بوده لغو است بعقیده من این حرفی ندارد و من حتی حاضر نیستم از قراردادی که با آن شرائط و در آن محیط بوجود آمده است کلمه ای بشنوم و از آقایان استدعا میکنم دیگر راجع بآن قرارداد ننکین و اجباری مذاکره ای نفرمایند. وظیفه ما اینست که حرفهای نخست وزیر را قضاوت نموده و جواب بدهیم من نمیخواهم بگویم دولت رزم آرا چگونه دولتی است ولی همانطوریکه در یکی از جلسات اول یا دوم کمیسیون عرض کردم تا دولتها بارای تمایل مجلس شورای ملی و پشتیبانی مردم نباشد موفق بهیچ کاری نخواهند شد. مقاله نامه کس - گلشائیان را انگلیسها را برای این آوردند که خودشان اقرار داشتند که آن قرارداد منافع ایران را تأمین نمیکند و راجع باینکه در این کمیسیون چه شده من خیلی خوشوقت هستم چون با اکثریت که صحبت میکنم تمامشان میل دارند که در نهایت مجاهدت و خوبی حداکثر منافع ایران را بدست بیاورند و میخواهند ببینند

چطور این عمل را انجام دهند تا تولید اشکالی ننمایند و معتقدند که ما باید سر نوشت آتیه ایران را تعیین بکنیم. بنده خیال میکنم که این آقایان نمایندگان همه خوب هستند و مخصوصاً یکمده نخبه هم این جا جمع شده اند و میخواهند با خلوص نیت این نظر را تأمین بکنند و مطمئن باشید وقتی مرا کشی بلند میشود و میگوید مادیگر فرانسه را نمیخواهیم که بر ما حکومت کند اگر از آن مقام بالا تا پایین گرفته بخواهند بگویند که ما طوق بندگی و اسارت انگلیس را بگردن می اندازیم ملت با چوبه های دار جواب آنها را خواهد داد. موقعی که مؤسسان میخواستند درست بکنند ما را آوردند در اطاق که امضاء بگیرند من امضاء نکردم و خوشوقت هستم برای اینکه مقدمات آن کارها همه برای همین مسئله امروز نفت بوده است. بنده رفتم نزد گلشایان گفتم این کم و زیاد میشود گفت نه. اکنون خوشبختانه در مقابل مبارزات رشیدانه ملت ایران این کار باینجاریسد و یک موفقیت هائی حاصل شده تمام مردم ایران باشما هم عقیده هستند که حد اکثر منافع ایران گرفته شود و از لحاظ سیاسی این طوق لعنتی از گردن ما خارج شود زیرا آنها تا بخشدار گناوه را هم اگر نخواهند بآنجا نمی فرستند و تمام مقدرات زندگی ما دست آنها است ما ۱۸ نفر هیچکدام مخالف نیستیم ولی یک ترتیبی داده بشود که یک راه حل خوبی پیدا بکنیم تا به هدف نزدیکتر بشویم (آقای مکی گفتند: اگر اینطور بشود من پای یکی یکی آقایان را میبوسم) ولی همانطوریکه در جلسات سابق عرض کردم از نظر مادی ملی شدن صنعت نفت بعقیده بنده موقتاً بضرر ایران میباشد.

آقای فقیه زاده خطاب با آقای مکی گفتند: در وطن پرستی شما هیچکس تردیدی ندارد.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بعد از خاتمه بیانات نخست وزیر بنده هم مثل جناب آقای مکی تقاضای صحبت کردم و آقای رئیس اجازه صحبت ندادند و فرمودند این موضوع مطرح نیست و منهم مثل آقای مکی متأثر شدم ولی من این اندازه عصبی مزاج نیستم سعی میکنم در مقابل سختی ها و نامالایمات خود داری تمام و حقیقت قضیه اینست که بنده هم نهایت متأثر بودم نه از لحاظ اینکه مطالبی که اظهار کرده اند واجد اهمیت باشد بلکه از لحاظ اینکه چگونه ممکن است یک نخست وزیر که رأی اعتماد از مجلس گرفته بیاید در یک مرجع رسمی ملی مدار کسی در ظاهر برای دفاع از یک شرکت غاصب خارجی اظهار نماید. وقتیکه مردم مملکت برای طرد این شرکت مبارزه میکنند دولت هم باید با مردم همصدا بشود بهمین شکل که آقای مکی دولت مصر را مثال زدند و گفتند قراردادی که خود نجاس پاشا امضاء کرده اکنون میگوید « باید لغو بشود و ما حاضریم که کشته بشویم و این قرارداد لغو بشود » وقتیکه مصلحت مملکت تشخیص داده شد باینکه باید دست انگلیس از ایران کوتاه بشود که سایر ممالکی هم که نظر دارند رفع بهانه از آنها بشود این دولت باید ب مردم کمک بکند برای تهیه مدارک جهت طرد آنها نه اینکه بیاید اینجا بنشینند آنها بشکل صحنه سازی این مطالب را بیاورند اینجا برای اینکه بتوانند در خارج بگویند که ما رفتم و از شما دفاع کردیم والا این بیانات ایشان هیچگونه تأثیری در کمسیون و مردم ندارد ملاحظه بفرمائید بنده حالا در جزئیات دخالت نمیکنم ولی یک کلیاتی با اجازه آقایان متذکر میشوم مثلاً در مقدمه اظهارات خود گفتند: « اگر بدون اطلاعات فنی و تخصصی ممکن بود هر فردی در هر قسمت اظهار نظر کرده و عقایدی بیان نماید و آنها مورد قبول عامه قرار گیرد دیگر احتیاجی نبود که سالهای دراز برای کسب علم و هنر در دانشگاهها و مؤسسات علمی مردم صرف

وقت کرده و خود را در امری متخصص معرفی نمایند * این موضوع ملی شدن يك چیزی نیست که تنها مردم بازار حرف آنرا میزنند بنده يك بیانیه‌ای در مجلس تقدیم کردم که متجاوز از ۵۰۰ نفر از استادان دانشگاه که مرکز علم و فضیلت است امضاء کرده‌اند در صورتیکه نخست وزیر گفته است که ما بصرف نظر اشخاص نمیتوانیم نفت را ملی بکنیم و نظریات یکمده اشخاص را در این امر دخالت دهیم اولاً ابتکار این مسائل با کسانی مثل آقای مهندس حسینی بوده که بزرگترین دانشکده دنیا را تمام کرده و تجربیات زیادی داشته‌اند. علمای روحانی ما که تمام اشخاص وطن پرست هستند با تشخیص مصلحت سیاسی و ملی ایران تأیید کردند. مهندسین - دانشجویان - اصناف و کسبه تمام طبقات مملکت این را خواسته‌اند و این ملی شدن صنعت نفت خواسته يك ملت است و نخست وزیر نمیتواند بگوید اشخاص. امروزه در هیچ شهری نیست که قسمت اعظم آن طرفدار ملی شدن نباشد. نخست وزیر میگوید متخصصین نفت این نظریه را تهیه کرده‌اند در صورتیکه بزرگترین متخصصین همین مهندس حسینی است و این نظریه‌ای که آقای نخست وزیر خواندند سه نفر از مهندسین نوشته‌اند که بنده امضاء آنها را نمیدانم ولی نکته قابل توجه اینست که در همین‌ها هم سعی کرده‌اند چیزیکه بضرر مملکت باشد نگویند و همه را با اصطلاح سمبل کرده‌اند ایشان در مقابل سؤالات جناب آقای دکتر مصدق وقت را بسؤالات متقابل گذرانیده‌اند و چیز مهمی نگفتند و همینطور در قسمت دارائی که گفتند رؤسای درجه اول وزارت دارائی بنده گفتیم آن رؤساء کی هستند بعد وقتیکه کفیل وزارت دارائی آمدند کلمات ماشینی را اصلاح بکنند در ضمن اینکه اصلاح میکردند در آن گزارش نوشته شده بود «این بنده» پرسیدم این بنده کیست؟

آقای شعاعی گفتند خود من و معلوم شد که اینها اظهارات خود آقای شعاعی جانشین آقای فروهر است. راجع بقسمت قضائی در دیوانکشور دو شکل عمل بیشتر نیست یکی اینکه يك پرونده میروید در مقابل دادگاه و آن پرونده مدعی و مدعی علیه دارد و هر يك توضیحات خود را داده‌اند و دادگاه رسیدگی میکند و رأی میدهد. مورد دیگر وقتی است که جلسه عمومی دیوانکشور تشکیل میشود و روی اکثریت و اقلیت رأی میدهند اما اینجا فقط سه چهار نفر را برده‌اند و يك قراردادی را جلوشان گذاشته و گفته‌اند مطابق این قرارداد آیا میشود آن را لغو کرد. بدون اینکه حرف مدعی قرارداد را گوش بکنند ما که مدعی هستیم و میگوئیم این قرارداد نافذ نیست و کسی نبوده که جواب بدهد آنها هم گفته‌اند طبق ماده فلان نمیشود لغو کرد. خلاصه مقصود بنده از این بیان توضیح اجازه بود که آن روز خواستم برای صحبت بنده میخواستم اظهارات از جار و نفرت بکنم بعنوان يك نفر نماینده از اینکه يك نخست وزیری در مجلس شورای ملی حاضر بشود و برای يك مؤسسه مضر خارجی يك مدار کسی تهیه نماید و آقای مکی حق داشتند اینطور نگران و مضطرب بشوند ولی از لحاظ تأثیری که این مطالب ممکن است داشته باشد ملت ایران خودش بخوبی قضاوت نموده و تحت تأثیر این حرفها واقع نخواهد شد.

آقای حائری زاده گفتند: بنده میخواستم آقایان را متوجه تصمیم چند جلسه قبل خودمان بکنم محکمه یا مجلس یا کمیسیون يك رویه ای برای بحث و انتقاد است تا بتصمیم نهائی برسیم در جلسات پیش تصمیم گرفتیم که پیشنهاد دهندگان توضیحات خودشان بدهند بدون اینکه جوابی گفته بشود و بعد از آن ما جواب بدهیم و رأی بکفایت مذاکرات بگیریم رویه ما این بود من دیدم ۲۲ نفر پیشنهاد کردند که ۱۳ نفر راجع

بملى شدن رأى داده اند و بقيه كسانى هستند كه نظر اصلاحى داشته اند و اين ۱۳ نفر عبارتند از آقاىيان: فرامرزى - کشاورز صدر - اسلامى - صالح - حائرى زاده - دكتور مصدق - مكى - دكتور شايگان - بهبهانى - آزاد - نريمان - دكتور بقائى - شيبانى - و نه نفر ديگر هستند كه پيشنهادهائى اصلاحى داده اند سيزده عدد ميمونى است و براى انگليسيها نحس است اين نه نفر هيچكدامشان قرارداد ۳۳ راطرف توجه قرار نداده اند. جناب سرتيپ زاده قرارداد دارسى را نافذ قرار داده اند از اين ۲۲ نفر تقريباً ۶ نفر از خارج آمده اند و توضيحاتى داده اند بقيه هم دعوت شده اند و نيامده اند و تقريباً اسقاط حق شده جناب نخست وزير هم كه بى دعوت آمده بودند و يك فرمايشى كردند و بعقيده من موضوع مربوط بدولت نيست زيرا كه دولت گفته است كه من عامل كمپانى نفت هستم. (آقاى فرامرزى گفتند: هيچوقت نگفته است) دولت آمده يك حرفهائى زده براى اينكه حسن خدمتى بخارجيهها کرده باشد و اين را من در موقع خودش عرض ميكنم. چيزي كه ما بايد توجه بكنيم كوتاهى عمر اين كميسيون است كه ما تا ۲۰ اسفند بايد تصميم قطعى بگيريم (آقاى رئيس تذکر دادند: تا ۱۹ اسفند) براى اينكه ۲۰ ديماه مجلس تصميم گرفته و دو ماه بما اختيار داده است تا ۱۹ وقت داريم كه بايد تصميم خودمان را براى مملكت بگيريم. اينست كه من استدعا دارم كه جوابها را كنار گذاشته و اعضاء كميسيون در اطراف پيشنهادهائى كه داده اند توضيح بدهند اولش جناب آقاى سرتيپ زاده و بعد هم ساير آقاىيان و خاتمه مذاكرات را اعلام بكنيم و برويم روى جواب دادن و تصميم براى گزارش بمجلس بگيريم جناب آقاى گنجهاى عقيددهاى داشتند و من موافق هستم كه قبل از اينكه كميسيون تمام بشود يك كميسيون فرعى از آقاىيان عامرى، گنجهاى و مكى و چند نفر ديگر تشكيل بشود كه طرحش را تهيه و

بگذرانيم و اگر چنانچه زودتر باين امر خاتمه ندهيم هر روز موضوع نشر اسكناس و بلوا پيش ميايد.

آقاى دكتور كاسمى گفتند: بنده در يرو فرمايشات آقاى حائرى زاده عرض ميكنم همانطور كه در كميسيون وهله اول تصميم كميسيون با اتفاق آراء گرفته شد و اثر اين تصميم هم در مملكت خودمان وهم در دنيا اثر فوق العاده شگفتى كرد بنده آرزويم اينست كه تصميم نهائى اين كميسيون دوم هم با اتفاق آراء بشود (صحيح است - احسنت) خدا شاهد است كه هيچكدام از ما نميخواهيم يك پول باين مملكت خسارت وارد آيد ياك پول از جيب اين مردم بجيب خارجيهها برود با اين وضع بدبختى كه مردم دارند ما از صبح تا غروب ميديوم و صد دينار و يكقران از اين مردم ميگيريم كه تا آخر سال دو هزار لباس پسرانه و دخترانه تهيه و بشن دو هزار عريان بيوشايم با چنين منبع ثروتى كه داريم اگر بدست ما يبايد ديگر لازم باين دستگاه و اينكارها نيست. بنده اتفاقاً همين فكرى كه آقاى گنجهاى اى پيدا کرده بودند و توافق شد بنده هم ميخواستم همين پيشنهاده را بكنم كه بمحض اينكه يك فورمولى پيدا بشود تمام آقاىيان اعضاء بكنند و بمجلس تقديم دارند من هم پيشنهاده ميكنم كه آقاىيان دكتور مصدق - عامرى - مكى با هم يك سو كميسيونى بكنند و با تمام نظرياتى كه ما کرده ايم بنشينند يك فورمول مقتضى تهيه نمايند كه آن را بمجلس تقديم كنيم و دفعه پيش هم ملاحظه فرموديد چيزي كه با اتفاق آراء بمجلس تقديم بشود ديگر حرفى در آن زده نميشود و در كمپانى هم مؤثر است.

آقاى قشقائى گفتند: آنوقت ديگر كمپانى وجود ندارد.

آقاى دكتور علوى اظهار داشتند: همه ما ميخواهيم كه بحد اعلاى امكان حقوق ملكى ما استيفاء بشود. اگر بعضى از آقاىيان تا كنون راجع بعضى از اين پيشنهادهها

دچار تردید بوده اند هیچ ایرادی بر آنها نیست برای اینکه در موضوع نفت تخصصی نداشته ایم و باید بامتخصصین مشورت بکنیم تا انشاء الله با وحدت و اتفاق بنفع مملکت نظریه بدهیم. آنچه را که جناب آقای مکی راجع بتحصیل کرده های انگلستان اظهار داشتند بنده میخوام متذکر شوم که غالب اشخاصی که در انگلستان تحصیلات خود را تکمیل نموده اند از شریفترین و وطنپرستترین عناصر این آب و خاک هستند و همین آقای مهندس طالقانی که آقای مکی توصیفات و تعریفات زیادی از ایشان کردند در انگلیس تحصیل کرده اند و بنا بر این خواستم عرض کنم که تحصیل کردن در انگلستان مباحثی با وطنپرستی نداشته بلکه روح شهامت و وطنپرستی بیشتر در آنها تحکیم مینماید.

آقای گنجهای اظهار داشتند: حالا باید گوش بدهیم بتوضیحات آقایان اعضا کمیسیون که پیشنهاد داده اند ولی راجع بیپیشنهاد بنده که صحبتی شد بنده این پیشنهاد را دوتائی صحبت می کردم و يك دلیلی داشتم که عرض کردم و خودم داوطلب این کار نیستم عقیده ام اینست که باید جناب آقای حائری زاده در این سو کمیسیون باشند و بنده را کنار بگذارید. حالا پیشنهاد آقای پالیزی قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم که بیپیشنهاد جناب آقای حائری زاده مبنی بر اینکه آقایان گنجهای - عامری و مکی انتخاب بشوند رأی گرفته شود. پالیزی

آقای فقیه زاده گفتند: بنده بیپیشنهاد آقای پالیزی تقاضا میکنم رأی گرفته بشود (به پیشنهاد مزبور رأی گرفته شد و با اتفاق آراء بتصویب رسید) حالا بانتخاب آقایان بنده اسامی را معین میکنم. آقایان حائری زاده - عامری - مکی - فرامرزی - گنجهای که در صورت موافقت رأی گرفته شود.

بانتخاب آقایان مزبور رأی گرفته شد و با اتفاق تصویب گردید.

آقای سرتیپ زاده پیشنهاد خود را شرح زیر قرائت کردند: ۱۳۲۹/۱۰/۲۱

پیشنهاد مینمایم بیمان ۱۹۳۳ چون در محیط آرام صورت نگرفته و امضاء کننده آلت فعل بوده الفشاء شده دولت مطابق بیمان داری حقوق ملت را استیفاء نماید سرتیپ زاده. و توضیح دادند: که بنده اولاً عقیده ندارم چون ما وسائل نداریم و قبلاً نقشه نداشته ایم و فاقد همه گونه وسائل هستیم حالا بکمر تبه بیائیم ملی بکنیم این خیلی مشکل است و بنده معاهده ۱۹۳۳ را غلط میدانم اجبار و عنف بوده هم امضاء کننده وهم آنها عملاً تصدیق کرده اند و اینکه عرض کردم داری در پیشنهادم مقصودم این بوده که يك قرارداد عادلانه ببندید ده ساله تا این ده سال دولت و ملت بتواند وسائلش را تکمیل نماید. اذا اراد الله شیء حی اسبابه من هر چه تحقیق کردم آنها میگویند ما فاقد وسائل هستیم و این هم مسئله مهمی است و شوخی نیست و اگر بی گذار داخل بشویم اگر منفعت نداشته باشد ضرر هم دارد اگر ما نقشه داشته باشیم موفقیت ما حتمی است.

آقای عامری گفتند: اگر این توضیح را نداده بودید ما فکر میکردیم منظورتان داری است و میرفتیم روی داری صحبت میکردیم و حالا ما روشن شدیم.

آقای حائری زاده گفتند: بنده و جناب آقای دکتر همه پیشنهاد ملی شدن را امضاء کردیم يك اضافاتی برای طرز اجرائیش بنده پیشنهاد کرده بودم که خیال میکنم توضیحات بدهم بهتر است. بنده با پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق تا آخرش موافق هستم و این قسمت اضافه است ما دولتها را با اوضاع و احوال امروز ایران و رویه ای که امروز پیش گرفته اند یقین داریم که دولتها پشتیبانی از طرف ملت ندارند می بینند اگر

تخطی بکنند فردا میگویند برز و مجبور است برای بقاء خودش هر دولتی که آمد مرا کز قدرت را از خود راضی نگاه بدارد این کمپانی ۵۰ سال است در این مملکت ریشه دوانیده و تمام مراکز قدرت ما دست او است اینست که مصلحت نیست بدولت مأموریت بدهیم البته خود کمیسیون هم که تمامش مستقیماً نمیتواند عمل کند پس ما که تصمیم ملی شدن نفت را میگیریم يك کمیسیون و يك هیئتی را مجلس باید انتخاب بکند البته این کمیسیون با نظر جناب آقای دکتر مصدق فرق دارد و من معتقدم که باید یکقدری بیشتر باشد و ۱۸ نفر از مجلس و نه نفر از سنا معین شوند چون فواصل مناطق نفتی خیلی زیاد است از خوزستان تا کچساران و مسجد سلیمان چهل پنجاه فرسخ فاصله دارد و آن هیئت باید مأمور اجرا و عمل شود و به مجلس گزارش بدهد خلاصه يك هیئت خاصی از طرف مجلس مأمور برای کار نفت بشود غیر از دولت که کارهای جاری دارد و کاغذهای من و شما را سانسور میکشد و این پیشنهاد را من صد درصد واجب میدانم که مورد نظر باشد و در آن کمیسیون که تشکیل میشود باید توجه داشته باشید که اگر دستور کار را بدولت بدهیم الی الابد عمل نخواهد شد ولی اگر يك هیئتی از طرف مجلس انتخاب بشوند که اقتدار قانونی داشته باشد امیدواریم کار ما حل بشود. بنده دولت را بیک قسمت معتمد دخالت بکند برای اینکه از شرکت نفت جنوب راه راحت شدن ما اینست که استفاده بکنیم از حق قانونی خود و بهزار دلیل که دولت خودش کار نفت را اداره بکند ممکن است این شرکت که میخواهد مدتش را تمدید بکند يك تضییقاتی برای ما فراهم بکند و تمام زندگی ما را فلج بکند پس لازم است که خود دولت هم دخالت داشته باشد اما این مال استخراج و بهره برداری است قسمتهای فرعی را من معتقدم که يك قسمتهای بخشی را معین بکنید که اگر بدست دولت بگذاریم

ممکن است دستگاه ما را فلج بکند دولت تاجر خوبی نیست و از لحاظ اقتصادی و تجارت ما می بینیم خوب کار نمیکند در فرانسه و انگلیس و در همه جای دنیا همین طور است باید ما برای کارهای فرعی نفت يك شرکتی درست بکنیم و باید يك شرکتی درست کرد که قائم مقام شرکت نشود و من این را پیش بینی کردم ما اگر لوله کشی برای افغانستان بخواهیم بکنیم نصف سهام برامکن است خود ایران داشته باشد و نصف دیگر هم ممکن است بهر يك از دول که خواسته باشند يك عشر سهام را بدهیم (آقای رئیس گفتند: این باملی شدن مخالف است) کارهای فرعی را عرض کردم مثلاً برای کار بخش نفت زیر این شرکتهای فرعی را دیگر دولت نمیتواند اداره بکند (آقای رئیس گفتند: ملی یعنی باید تمام عایدات نفت مال ملت باشد و اینکه میفرمائید بحث اینجا نیست) من دیدم بعضی از روزنامهها بحث میکنند که آیا دولت میتواند قسمت فروش را اجرا بکند من این را عرض کردم که صنعت نفت در قسمت اکتشاف و استخراج دولت را صالح میدانم و کارهای فرعی را باید بشیرکتها بدهیم و سرمایه این شرکت ۰/۵۰ سهام آن متعلق بدولت باشد و بقیه هر يك يك عشر سایر دولتها بدهیم این توضیحاتی بود که بنده دادم حالا در این کمیسیون هر تصمیمی گرفته شد بنده تبعیت میکنم.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: جلله اینکه بنده میخواستم عرض کنم اینست که آخر مدت کمیسیون را میخواستم عرض کنم در صورتیکه در دوجلسه قبل که بنده بودم تصمیم اینطور گرفته شد که بعد از رأی مجلس سنا تاریخ آن حساب شود حالا رأی مجلس سنا هر چه هست حالا میشنوم که خلاف شده و میگویند ۲۰ اسفند دوره منقضی است. (آقای فقیه زاده گفتند: بنده این اشتباه را داشتم و جناب آقای دکتر مصدق توضیح دادند) اگر يك قانونی بگذرد و بعد از مجلس سنا تصویب بشود کدام تاریخ سندیت دارد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده تحقیقات کردم مجلس سنا تجزیه کرده يك جا گفته ما در كار داخلی مجلس دخالت نمیکنیم و بعد گفته اند راجع بقرارداد گس - ساعد که رد کرده اند آن را رد شده میدانم پس تاریخ ما از تاریخ مجلس شورای ملی است (صحیح است).

آقای بهبهانی تذکر دادند: بنده مخالف نیستم که زودتر رأی بدهند معتقدم همین امروز بنشینیم و تصمیم بگیریم و کار تمام بشود ولی روه قانون اینست که يك ماده ای از مجلس گذشته و آن اینست که آن مذاکرات فروهر لغو و کمیسیون سابق بنشینند کار خودشان را انجام دهد رأی آنها تاریخش از برای ما مدخلیت دارد یعنی از آنوقت ما میتوانیم شروع بکار کنیم.

آقای رئیس گفتند: آقا تشریف نداشتید و بحث شد گفتیم قدر متیقن اینست که تا ۲۰ اسفند باید رأی خودمان را بدهیم.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: بنده حرفی ندارم ولی قانوناً از تاریخ مجلس سنا است.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده استدعا میکنم هر چه زودتر رأی بدهند که موقع از دست نرود.

در این موقع جلسه ختم گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و ششم

سی و ششمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز چهارشنبه شانزدهم اسفند ماه ۱۳۲۹ دو قبل از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان مشروحه ذیل: بهبهانی - گنجهای - صالح - مکی - دکتر علوی - دکتر کسمی - فقیه زاده - ذوالفقاری -

سرئیب زاده - دکتر شایگان - پالیزی - حائری زاده - قشقائی تشکیل گردید.
آقای رئیس اظهار داشتند: يك فقره تلگراف از گلستان و يك نامه با مضامین متعدد از قزوین و همچنین يك ورقه بزرگ بامضای تقریباً ۳۵۰ نفر از اصفهان و يك نامه سرکشاده از اصفهان مبنی بر ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران رسیده که عیناً بکمیسیون تقدیم میگردد و همچنین جواب آقای نخست وزیر را بکمیسیون تقدیم میکنم که قرائت شود.

متن مشروحه آقای دکتر مصدق در جواب نامه آقای نخست وزیر که در جلسه ۳۴ روز دوشنبه ۱۲/۱۲/۲۹ در کمیسیون قرائت نموده بودند بشرح زیر قرائت گردید:
شانزدهم اسفند ماه ۱۳۲۹

کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی

پس از آنکه مجلس شورای ملی اظهارات آقای فروهر و استرداد لایحه قرارداد الحاقی توسط دولت رزم آرا را با اتفاق آراء مردود شناخت و یکی از با شهامت ترین قدمهای مجلس شانزدهم را برداشت و مجدداً کمیسیون مخصوص نفت را با مهلت دو ماه مأمور مطالعه و تنظیم پیشنهادی نمود اینجانب از دولت دو سؤال زیر را نمودم:

سؤال اول - آیا دولت جناب شما و لو با کمک متخصصین خارجی قادر است که از معادن نفت جنوب بهره برداری کند یا خیر؟ چنانچه جواب این سؤال منفی است علل آنرا مرقوم دارید.

سؤال دوم - چنانچه دولت ایران هیچگونه تغییری در مشتریان نفت ندهد و کلیه محصول معادن نفت جنوب را بعد از وضع مصرف داخلی با دول و بنگاههای معامله

کند که تاکنون با شرکت نفت معامله میکرده اند آیا ممکن است ملی شدن صنعت نفت ایجاد عکس‌العملهایی بکند یا نه؟

در صورت امکان توضیح فرمائید که عکس‌العمل‌های احتمالی از چه قبیل و نتایج آنها ممکن است چه باشد؟

قبل از اینکه وارد در بحث اساسی امروز و کشف اسراری که در یادداشت کمیسیونهای آقای نخست‌وزیر نهفته است بشوم چون پاره‌ای محافل علاقمند علت طرح سئوالات اینجانب را مایل بودند بدانند مقتضی میدانم که توضیحاتی برای روشن شدن افکار عمومی بدهم.

بکرات دیده و شنیده شده بود که آقای رزم‌آرا وزیردستانشان با بیان مطالب خلاف واقعی در صدبرآمده اند که بعضی از نمایندگان مجلس شورای ملی را گاه بطور انفراد و گاه بصورت دسته جمعی از ابراز نظر یا اینکه تبعیت از افکار عمومی نسبت به نفت پیدا کرده اند جلوگیری بعمل آورده و آنها را از اظهار علنی آن باز دارند و نظر اساسی من از دو سؤال بالا این بود که دولت را مجبور نمایم تا در صورتیکه واقعاً دلیل صحیحی در دست دارد رسماً با اطلاع عموم نمایندگان برساند تا همه مردم و جهانیان از آن آگاه شوند و در صورتی هم که ادله محکم و صحیح و قطعی در بین نیست دیگر دولت نتواند از این وسیله ارباب استفاده نموده و در کار ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران که خواسته تمام ایرانیان و فتوای قاطبه علماء و روحانیون است با دید و بازدید و ترسانیدن نمایندگان از عواقب خیالی و ساختگی آن اخلال کند.

در سئوالی که اینجانب نمودم و جوابهای مبسوطی که آقای نخست‌وزیر به

مجلس ارائه دادند و چندین بار در رادیو خوانده شد چندین مطلب مهم را بشرح ذیل روشن و واضح نمود:

اولاً - معلوم شد هیچگونه دلیل قطعی و قابل قبول برای جلوگیری و انصراف نمایندگان از تصمیم خود وجود ندارد.

ثانیاً - کیفیت عمل آقای نخست‌وزیر را بر همه کس روشن نمود زیرا موقعی که آقای نخست‌وزیر جوابهای مغلطه آمیز بالا را بکمیسیون مجلس تقدیم نمود پیش از چهل روز از تاریخ سؤال ساده اینجانب میگذشت و حال آنکه فقط دوسه روز با تاریخ اظهارات مستر دیویس در مجلس عوام انگلستان و ملاقات با مستر شیپرد سفیر انگلیس فاصله داشت.

ثالثاً - علاوه بر نشان دادن مانوری که در این تقدّم و تأخر منظور دولت بوده است بالاخره دخالت مقامات رسمی دولت انگلیس در امر نفت جنوب که قانوناً و منطقاً یک امر تجارتنی است بدینا ثابت نمود اینک بر خلاف انتظار و برخلاف کلیه اظهاراتی که مقامات شرکت نفت تاکنون ابراز میداشتند بر همه کس روشن شد که شرکت نفت جز دولت انگلستان که با نقاب یک شرکت تجارتنی اسباب اینهمه بدبختی و مرتکب اینهمه حق‌کشی نسبت بحقوق ملت ایران شده است چیز دیگری نیست.

رابعاً - دقت در جواب کمیسیونها نشان میدهد که نخست‌وزیر بهدایت دیپلماسی انگلستان این جوابها را توسط بعضی افراد این کشور که شخصیت خود را بسته به میزهای میدانند که پشت آن نشسته اند و تحت عنوان ظاهری خدمتگذاری پیامال کردن حقوق ملت و مخفی داشتن حقایق مشغولند تهیه کرده و تقدیم داشته است.

با این ترتیب من نهایت خرسندم که توانستم از سؤالاتی که نمودام نتیجه مطلوب

را بدست آورده تشریک مساعی دولت جناب آقای رزم آرا را با سیاست نفتی دولت انگلستان و شرکت نفت بضرر ملت ایران ثابت کنم و بعلاوه مانع آن شوم که دولت ایشان بتواند با اظهارات تهدیدآمیزی غیر از آنچه که در جواب کمیسیون نفت نوشته است عده ای را تحت تأثیر نظریات زبانبخش خود قرار دهد.

البته پس از آنکه جوابهای پنجگانه آقای نخست وزیر را حلاجی و روشن نمودم دیگر نکته ابهامی که بتواند کمترین نگرانی نسبت بملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران برای احدی ایجاد کند باقی نخواهد ماند و آنان که این راه حل منطقی وقانونی و مؤثر در بهبود وضع ناگوار ملت ایران را تأیید نکنند هیچگونه بهانه ای نخواهند داشت و از هم اکنون بطور قطع و یقین خواهند دانست که بحقوق ملت ایران بفتح اجانب خیانت کرده و ملت ایران هرگز این خیانت را نخواهد بخشید.

قبل از جواب گوئی بکمیسیونهای نخست وزیر اذکر یک نکته ناگزیرم و آن اینکه صرف نظر از عبارات و کلماتی که در اثر علاقمندی اشخاص بجاه و مقام در پارهای از این گزارشها بکار برده شده و خواسته اند افکار عمومی ایران را که بقدرت آن پی برده اند منحرف و مرعوب سازند گزارش کمیسیونهای نخست وزیر جواب سؤالات این جانب نیست چه در آنها سعی شده است بامهارت هر چه تمامتر مغلطه و سفسطه نمایند زیرا در هیچیک از جوابها نه سؤال اول و نه سؤال دوم من چنانکه خواستار آن شده بودم جوابی داده نشده سهل است هیچگونه توضیح شفاهی نیز در آن زمینه بکمیسیون نفت نداده اند. حال که کلیات بالا بعرض کمیسیون رسید بترتیب بیحد و تدقیق اجمالی در مفاد نامه آقای نخست وزیر نظریاتی که از لحاظ فنی و مالی و اقتصادی و سیاسی وقضائی تهیه شده است میپردازم.

نامه نخست وزیر و توصیه های پدران

جناب آقای نخست وزیر در نامه ای که بیوست آن گزارشهای چهارگانه بدون امضا را تسلیم نموده نمایندگان محترم را دعوت فرموده اند که عنان اختیار را بدست احساسات تدهند و بدانند که در امر خطیری مثل نفت لازم است با کارشناسان فنی وقضائی و اقتصادی و سیاسی شور و بحث شود و سپس راه حل منطقی و متینی انتخاب گردد. ضمن انشاء این نامه جناب ایشان چنانکه در مصاحبه مطبوعاتی علناً اظهار نموده خواسته اند چنین وانمود کنند که:

اولاً - کلیه پیشنهادات و اظهارات جبهه ملی در زمینه نفت و بخصوص درخواست ملی شدن آن متکی بر احساسات و نظریات فردی است و هیچگونه مشاوره ای با کارشناسان مطلع در این مسائل بعمل نیامده است.

ثانیاً - چون فعلاً صدها هزار نفر زندگانشان بطور مستقیم و غیر مستقیم از عوائد حاصله از معادن نفت جنوب تأمین میشود نمیبایست کاری کرد که احتمال ایجاد اشکالاتی در امر بهره برداری نفت بشود و بالتبعیجه سر نوشت عده زیادی مردم را مورد ملعبه قرار دهد.

البته برخلاف آنچه که آقای نخست وزیر بمنظور نگران ساختن افهان عمومی نسبت بخواسته ملت ایران یعنی « ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران » اظهار میدارند جبهه ملی باعدۀ زیادی از کارشناسان فنی وقضائی و اقتصادی که اطلاعات خود را از روی نهایت عشق و اخلاص در اختیار جبهه گذارده اند در تماس دائم بوده و بانهایت دقت تمام اطراف و جوانب کار را مطالعه و با اطمینان کامل پیشنهاد خود را که مورد قبول قاطبه ملت ایران واقع شده است تقدیم نموده و از نظر سیاسی هم با سابقه متمدنی

که اکثریت قریب باتفاق افراد جبهه ملی در امور سیاسی دارند و صلاحیت آنان در این زمینه بمراتب از افراد دست نشانده‌ای که بنام وزارت امور خارجه ولی با اعمال نظر خاص آقای نخست وزیر انتخاب شده و اظهارات نفرت انگیزی نموده اند بیشتر باین نتیجه قطعیه رسیده‌اند که تنها ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران از هر جهت بنفع ملت ایران است و هیچگونه خطری با اعمال آن متوجه منافع اقتصادی باسیاسی یا اخلاقی کشور ایران نخواهد گردید.

از لحاظ فنی :

از طرف آقای نخست وزیر مطالعه ملی شدن صنعت نفت از متصدیان فعلی شرکت نفت ایران خواسته شده و آنها بایکی دو نفر دیگر از مهندسینی که در دولت فعلی مثل خودشان پست های حساسی را در اختیار داشته و نهایت علاقه بحفظ پست های خود دارند و چنانچه بحکم وجدان عمل میکردند امیدی بحفظ مقامات فعلی با طرز عمل دولت کنونی برای آنها باقی نمی ماند . سه گزارش از طرف آنها بنخست وزیر داده شده که فقط یکی از آنها را که بیشتر مورد پسند واقع شده و بهتر در تدوین آن اعمال نفوذ کرده بکمسیون نفت تقدیم داشته است .

گزارش اول

در یکی از این سه گزارش کمیسیون فنی اظهار داشته است که :
اولا - چون نسبت بملی شدن صنعت نفت مطالعه کافی نشده (البته توسط خود آنها) و نظر با اهمیت وتأثیر آن بهتر است قبلاً بامشاورین حقوقی و اقتصادی و فنی مشاوره و سپس اقدام شود .

ثانیاً - چنانچه هدف دولت منحصر آ بدست آوردن درآمد زیادتری است از معادن نفت جنوب چنین بنظر میرسد که از راه تجدید نظر در قرارداد امتیاز شرکت نفت انگلیس و ایران منظور بهتر تأمین گردد ضمناً توصیه مینمایند که در قرارداد جدید (نه ضمن قرارداد الحاقی) هیچگونه موادی نبایستی گنجانیده شود که بحقوق دعاوی دولت در گذشته خللی وارد آوزد و با منبای تفسیر برای روش آتیه شرکت بضرر ایران قرار گیرد و بعلاوه هر قراردادی که بسته میشود نبایستی برای مدت بیش از پنج سال باشد و جمع درآمد ایران نبایستی از حدا کثر درآمد سایر کشورها کمتر شود و بالاخره در موضوع تعلیم و تربیت کارمندان ایرانی شرکت و تقلیل کارمندان خارجی و بکار گماردن ایرانیان بجای آنها و همچنین ترمیم دستمزد و بهداشت کارگران طبق آخرین سیستم متداوله در دنیای متمدن نبایستی مواد محکمی باضامات اجرائی پیش بینی گردد. البته منظور نهفته ای که در این گزارش وجود دارد این است که اعلام ملی شدن صنعت نفت پس از طی این طریق که نهایت احتیاط آمیز است عملی گردد .

لازم است در اینجا تذکر بدهم که در پیشنهاد اینجانب برای سیر مرحله عمل و مطالعه لازم برای تشکیلات بهره برداری نفت پس از ملی شدن بهمین دلیل بوده است که هشت ماه تعیین شده تا وقت کافی برای مشاوره و تهیه افراد لازم و دادن تشکیلات مناسب باشد و اگر آن مدت بنظر اینجانب کم و بیش ضروری است مدت پنج ساله پیش بینی شده در این گزارش مخصوصاً که بدون اعلام ملی بودن صنعت نفت تعیین گردیده است اغراق آمیز و متکی بر تمایلی بوده که برای ارضاء نخست وزیر داشته‌اند .

گزارش دوم

در گزارش دومی که کمیسیون فنی سابق الذکر ارسال داشته نکات جالب

توجهی موجود است که بيمورد نیست بعرض برسانم: بموجب این گزارش حق السهم دولت ایران در سال ۱۹۵۰ براساس قرارداد ۱۹۳۳ و برطبق تفسیری که شرکت نفت از ماده مربوط بتضمین طلا مینماید معادل با ۱۵/۴ میلیون لیره و چنانچه آن ماده مطابق قرارداد عربستان سعودی نسبت بتضمین طلا تفسیر شود برای همان سال معادل ۲۴/۱ میلیون لیره گردیده و براساس قرارداد الحاقی کس - گلشائیان بالغ بر ۲۵/۸ میلیون لیره میشود.

در صورتیکه حق ایران بر اساس قرارداد عربستان سعودی محاسبه شود ۴۱/۵ میلیون لیره و اگر براساس میزان دریافتی کشور و نزوئلا در سال ۱۹۴۸ که قیمت نفت کمتر از امروز هم بوده است محاسبه گردد ۶۸/۳ میلیون لیره و بالاخره هر گاه بر اصل تنصیف منافع حاصله از نفت خام فقط که پاره ای از نمایندگان پیشنهاداتی در آن زمینه داده اند محاسبه شود حداقل میزان آن ۵۶/۷ میلیون لیره میشود.

دو گزارش بالا که شامل حقایق تلخی از نظر آقای نخست وزیر بوده است در کشورهای میز آن بایگانی شده و بجای آن با اعمال نفوذ گزارش سومی تهیه و تقدیم کمیسیون مخصوص نفت گردیده که در آن سعی شده است که با استفاده از لفافه هائی که حقیقت را ضمن آن مخفی داشته اند ملی نمودن صنعت نفت را در نظر نمایندگان محترم مشکل جلوه دهند.

گزارش سوم

گزارش سوم کمیسیون فنی که آقای نخست وزیر آن را آفتابیی کرده اند شامل دو قسمت است:

قسمت اول - مشتمل بر سه صفحه که ضمن آن برای فرار از جواب سئوالات

اینجانب يك سلسله ابهامات در سئوالات اینجانب فرض نموده اند و علت آنهم چنانکه از جواب سئوالات مندرجه در قسمت دوم ملاحظه میشود این بوده است که با همه بیمی که در کمیسیون فنی نسبت بانقمام جوئی آقای نخست وزیر در صورت عدم تأمین نظریات ایشان وجود داشته کمیسیون نخواستہ است جوابها را طبق میل ایشان تهیه نماید و بنابراین درصدد برآمده است که از پاسخ صریح طفره بزند ولی آقای نخست وزیر مصر تر از آن بوده که آقایان تصور نموده اند و ضمن سئوالهای متعددی از کمیسیون درصدد برآمده است که اقلاً بطور غیر مستقیم جوابی مطابق میل خود از کمیسیون دریافت کند ولی با همه صرف وقت و فشاری که بکار برده است توفیق مهمی در این زمینه نیز بدست نیاورده.

در اینجا برای جلوگیری از هر مغلطه ای لازم است که هدف منطقی ملت ایران از تقاضای ملی شدن صنعت نفت را با وجود آنکه مکرر از طرف جبهه ملی و اینجانب اعلام شده است باستحضار آقایان اعضاء محترم کمیسیون برساند:

- ۱ - ملت ایران معتقد است قرارداد ۱۹۳۳ تحمیلی و باطل است و دلایل بسیاری برای اثبات این حقیقت اعم از شواهد تاریخی و اظهارات مقامات مسئول دولت انگلستان و همچنین مقامات مسئول و ذی‌مدخل ایران در دست دارد که اینجا محتاج بعرض نیست.
- ۲ - ملت ایران معتقد است که برای حفظ این منابع عظیم و بهره برداری از آن بنفع شرکت غاصب نفت کلیه وسایل شیطانی شرکت و تحریکت خانمان بر انداز دولت انگلیس بیش از نیم قرن است که در این مملکت با شدت هر چه تمامتر مشغول بفعالیت بوده و تا زمانی که منابع نفتی ما در اختیار شرکت است وضعیت ملت ایران هیچوقت از این بهتر نمیشود.

۳- ملت ایران معتقد است که اگر کوتاه شدن دست شرکت نفت که حیات سیاسی و اقتصادی و همچنین آبروی ملت ایران را بخطر انداخته است بقیمت ازین رفتن عواید حاصله از نفت جنوب هم باشد باز بیلان عمل بنفع ملت ریجذیده ایران است و بهمین دلیل ملت خود را برای قبول هر نوع محدودیتی که ضروری باشد حاضر نموده است مخصوصاً اینکه تا کنون نیز ملت ایران از پرداختی های شرکت حقیقتاً سودی نبرده است.

۴- فعلاً حداکثر انتظار ملت ایران از منابع نفت جنوب منحصر بتأمین میزان ارزش فعلی حاصله از این منبع یعنی حداکثر سالیانه ۴۰ میلیون ریال میباشد.

۵- ملت ایران میدانند که این مبلغ ارزش بافروش فقط ۸ میلیون تن نفت بجای ۳۲ میلیون تن نفتی که فعلاً از کشور ما بیغما میروند قابل تأمین است و ۲۴ میلیون تن نفت دیگر در صورتیکه نخواستند فعلاً آزما بخرند زیر زمین خواهد ماند تا فرزندان لایق آینده کشور از آن بنفع خود و مملکت بهره برداری نمایند.

۶- ملت ایران مطمئن است که نه تنها فروش این مقدار نفت با توجه بنیازمندی دنیا برای او مقدور است بلکه میتواند در همان سال اول ملی شدن صنعت نفت بیش از اینها بدینا بفروشد و میزان عواید خود را بالا ببرد و نیز متوجه است که حداکثر عایدات ایران از نفت تا سه سال پیش سالیانه از ۲۰ میلیون لیره یعنی نصف عایدات محتمل سال ۱۹۵۰ تجاوز نکرده است.

۷- ملت ایران حاضر است برای تشویق شرکتها و ترستهای نفت با خرید نفت ماکه هر تن کمتر از یک لیره تمام و در خلیج فارس ۵ لیره داد و ستد میشود بین یک الی دولیره تخفیف داده و آنرا در حدود هر تن سه تا چهار لیره بفروش رساند و باین ترتیب با

فروش نفت بیشتری که بعداً کثرت استخراج فعلی شرکت نفت خواهد شد همین عواید ارزی را برای خود تأمین کند و نگذارد شرکت آنرا تاراج نماید.

۸- ملت ایران یقین دارد که پس از ملی شدن صنعت نفت طولی نخواهد کشید که خواهد توانست میزان استخراج خود را بمیزان فعلی رسانده و از این راه سالیانه حداقل ۱۶۰ میلیون لیره یعنی چهار برابر حداکثر عوایدی که در سال ۱۹۵۰ دریافت داشته بدست آورده و تمام مبلغ عظیم را بنفع خود مورد استفاده قرار دهد.

۹- ملت ایران میدانند که اعداد بالا فقط متکی بر قیمت نفت خام است و بسا کوشش مناسبی که برای تصفیه آن لازم است ممکن است تا میزان ۲۰۰ میلیون لیره حد اقل افزایش یابد.

۱۰- ملت ایران میدانند که برای تأمین ۴۰ میلیون لیره یعنی حداکثر عایداتی که تا کنون از راه حق الامتیاز و فروش ارزش کمپانی برای تأدیه اجرت کارگران و کارمندان عاید ملت ایران شده است استخراج و فروش یک چهارم میزان استخراج کنونی کافی است و اگر هم دو نلت کارگران و کارمندان فعلی در اثر نقصان تولیدبیکار گردند چون امکان پرداخت حقوق و دستمزد آنان از محل ۴۰ میلیون لیره تأمین گردیده است دولت ایران میتواند مزد آنها را کلاً بپردازد و از وجود آنها برای آبادی خوزستان که سیاست شرکت تا کنون مانع آن بوده است استفاده نماید و بسر فرض محال اگر هم کاری نباشد میتواند بدون اینکه کاری از آنها بخواهد حقوق آنها را پرداخت نماید.

۱۱- ملت ایران پس از تسلط بر منابع نفت خود نظر خاصی در باب ملیت کارشناسان و متخصصین فنی که برای بهره برداری ضرورت دارند ندارد. بنابراین مواعینی

که در این راه ایجاد میشود فقط نتیجه ضعف کسایتست که برای ابقاء مقام خود این اظهارات را نموده‌اند.

قسمت دوم - طبق قسمت دوم از گزارش کمیسیون نخست وزیر فعلاً تعداد کارمندان فنی و غیر فنی ایرانی شرکت رو بهمرفته با تعداد کارمندان فنی و غیر فنی خارجی شرکت نفت از حیث عده تقریباً برابری میکنند و در صورت امتناع عده‌ای از کارمندان خارجی فعلی شرکت نفت از قبول خدمت که آنهم بسیار بعید بنظر میرسد دولت ایران خواهد توانست کارمندان فنی و تخصصی لازم را از سایر کشورها استخدام نماید و فرضاً اگر مجبور شویم مزدهای بیشتری برای استخدام کارشناسان پرداخت نمائیم نظر باینکه حتی نفت خام در وضع فعلی کمتر از یک لیره تمام شده و قیمت آن در خلیج فارس بیش از پنج لیره میباشد اضافه پرداختی‌ها و اضافه مخارج از هر قبیل که باشد در قیمت کل تولید تأثیر ناچیزی داشته و بهر حال از نقطه نظر امکان فروش نفت و صدور آن مضر واقع نخواهد شد بعلاوه خود کمیسیون نخست وزیر معتقد است که اداره تصفیه خانه نیز در همان شرایط بالا و با وجود تعداد زیادی کارشناس که برای اینکار لازم است ممکن است و تنها جدیت و زحمت و اشکال بیشتری در بر خواهد داشت.

البته هیچکس ادعا نکرده است که ملی شدن صنعت نفت (یعنی رهائی یافتن ملت ایران از تسلط اجانب و استفاده صدها میلیون لیره در سال از آن منبع!) بدون هیچگونه زحمتی انجام پذیر میباشد و نکته مهمی که از گزارش فنی نخست وزیر استنباط میشود این است که بهیچ حال این عمل را غیرمیسر معرفی ننموده و البته صحیحاً در آنجا اشاره شده است که هر قدر افزایش عایدات بیشتری نسبت به عایدات فعلی دولت ایران منظور نظر بوده باشد کوشش و جدیت بیشتری لازم میباشد و اشکالات زیادتری

در راه نیل بمقصود بوجود خواهد آمد.

باز خود گزارش کمیسیون نخست وزیر بدون اینکه عمل را غیر میسر بشناسد فقدان وسایل باربری ایرانی را یکی از اشکالات مهم شناخته و معتقد است که صدور نفت از ابتدای کار بمیزان فعلی چون تعداد زیادی نفتکش لازم دارد امری بس دشوار است ولی صدور مقادیر کمتر را امری میسر میدانند.

بالاخره در انتهای گزارش سه طرز عمل بهره‌برداری از نفت را که یکی ملی کردن و دیگری امانی عمل نمودن و سومی که عمل بر اساس قراردادهای منصفانه باشد متذکر گردیده و طریقه اخیر را بر اساس مقررات متداوله در کشور و نزولاً توصیه مینماید ولی هدفی که کمیسیون نخست وزیر برای خود تعیین نموده این است که روز بروز بر میزان استخراج منابع نفت ما افزوده شود و حال آنکه چیزی که فعلاً برای ملت ایران مهم است افزایش میزان تولید نیست بلکه افزایش میزان درآمد کشور بدون افزایش میزان استخراج میباشد و با توجه باینکه حتی بر طبق اصول متداوله در قراردادهای و نزولاً فقط حداکثر ۵۰ درصد ارزش واقعی نفت مستخرجه از زمین عاید آن کشور میشود و بقیه صرف منافع صاحبان سهام میگردد بهترین راه حل همان ملی کردن است که فقط باین طریق صد درصد عواید عاید مملکت میشود اگر چه منجر بیابین آمدن استخراج تا میزان $\frac{1}{3}$ گردد زیرا عواید فعلی ما با فروش همین میزان تأمین گردیده و بقیه نفت ما در زیر زمین برای آئینه محفوظ خواهد ماند.

در اینجا لازم است برای اثبات اینکه کمیسیون نخست وزیر بحقیقت مسئله نفت توجهی نداشته و فقط میخواسته است جوابی بر طبق منویات نخست وزیر تهیه کند بی اطلاعی آنان را با ذکر یکی دو مثال که بطالان آنها برای هر کس بدیهی است

بمرض آقایان برسانم نامتذکر باشند کسانی که تن بتهیه پاسخهای مورد نظر نخست وزیر داده یا اشتباه نموده و یا مطیع اوامر بوده اند.

یکی از آن دونگه اینکه در جواب سؤال دهم آقای نخست وزیر تحت شماره یک چنین مینویسند: «... در کشور مکزیک قبل از سال ۱۹۳۸ از طرف مالکین اراضی نفت خیز که صاحبان منابع زیر زمینی اراضی خود بودند امتیازاتی بکمپانیهای مختلف داده شده بود.

دولت مکزیک در سال ۱۹۳۸ حق مالکیت نفت زیر زمینی کشور خود را از مالکین آن سلب و بدولت منتقل نمود و **بالتبع قرار داد های فردی منعقد با شرکتهای صاحب امتیاز لغو گردید** و دولت مکزیک خود با تشکیل شرکت دولتی بهره برداری از منابع نفت خیز را بخود اختصاص داد البته وضع نفت مکزیک با وضع نفت جنوب ایران تطبیق نمیکند زیرا در جنوب ایران معادن نفت متعلق بدولت بوده و دولت هم امتیاز آنرا بشرکت نفت انگلیس و ایران داده است.»

گذشته از اینکه کمیسیون مهندسیین میبایست فقط از نظر فنی اظهار عقیده کند نه از نظر قضائی که در صلاحیت آنها نیست این نوع استدلال مغالطه صرف است زیرا تعصیر مالکیت منابع نفت بخودی خود هیچگونه تأثیری در امتیاز ندارد و دولت مکزیک که توانسته است منابع نفت خود را ملی کند و امتیازات را کلاً لم یکن تعاید در حقیقت از حق حاکمیت خود نسبت بسلب مالکیت منابع نفتی و همچنین نسبت به بهره برداری از آن منابع هر دو استفاده کرده است و اگر امکان استفاده از حق حاکمیت نبود بصرف سلب مالکیت از اشخاص و تملک منابع نفت از طرف دولت امتیازات نفت از میان نمیرفت.

بنابراین جای تردید نیست که دولت مکزیک از حق حاکمیت خود اولاً در سلب مالکیت منابع نفت و ثانیاً در بهره برداری آن بصورت ملی استفاده کرده است ولی دولت ایران چون مالک منابع نفتی است راجع بمالکیت اعمال اصل حاکمیت لزوم ندارد فقط از این اصل نسبت بهره برداری استفاده خواهد نمود.

نکته دیگر اینکه راجع بوضعیت کارگران جواب کمیسیون نخست وزیر از این قرار است: « با اشکالاتی که ذکر شد فروش و صدور نفت ایران در دنیا بمیزان فعلی کاری بس دشوار و محتاج وقت کافی و تجهیز وسایل کار میباشد و مادام که این وسائل فراهم نشده است استفاده از کارگران موجود شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران و همچنین فروش نفت بمقدار کنونی برای تأمین درآمد فعلی دولت از آن غیر میسر خواهد بود.»

این است اظهارات کمیسیون فنی نخست وزیر و حال آنکه هرگاه توجه بمیزان درآمد فعلی دولت ایران و مخارجی که شرکت برای کلبه کارمندان و کارگران خود بصورت ریمال مینماید بشود مشاهده میگردد که جمع این دو رقم رو بهمرفته در سال ۱۹۵۰ که بخدا کشر خود رسیده است طبق یادداشت اقتصادی تسلیمی آقای نخست وزیر فقط ۴۰ میلیون لیره یعنی ارزش ۸ میلیون تن نفت خام در خلیج فارس میباشد و در صورت فروش $\frac{1}{4}$ نفت فعلی تأمین آن مبلغ برای ملت و دولت ایران میسر است و چنانچه قبلاً نیز گفته شد این نقصان میزان استخراج نظر باینکه عواید لازم برای تأمین حقوق کلبه کارمندان و کارگران کافی است ایجاد هیچگونه زحمتی نخواهد نمود زیرا میتوان با پرداخت تمامی حقوق آن کارگران و کارمندان که وجودشان موقتاً در استخراج و تصفیه نفت لازم نیست زندگانی آنها را براحتی بدون مراجعه کاری تأمین نموده و یا بهتر با پرداخت حقوق آنان آنها را بکارهای عمرانی دیگر در قسمت جنوبی کشور

واداشت و بخصوص خوزستان را که جفدنشین شده است آباد و معمور نمود و از این راه نیز بثروت و تولید کشور افزود.

نتیجه بررسی گزارش فنی نخست وزیر اینک:

اولا - کمیسیون فنی نخست وزیر مرتکب دواشته شده است یکی اینکه در امر قضائی که در صلاحیت آن نبوده است اظهار عقیده کرده و نتیجه غلط گرفته است و دیگر اینکه برای تأمین حداکثر عواید فعلی و تأمین مزد کارگران و کارمندان شرکت مقدار استخراج فعلی را ضروری دانسته در صورتیکه برای تأمین دو منظور فوق فقط استخراج یک چهارم میزان فعلی یعنی ۸ میلیون تن کفایت.

ثانیاً - از مفاد جوابهای کمیسیون نخست وزیر چنین استنباط میشود که عمل بهره برداری از منابع نفتی جنوب بفرض ملی شدن آن صرف نظر از اشکالات کم بازبایدی که ممکن است در استخراج و تصفیه و فروش حاصل شود امری ممکن و مقدور است و بنابراین نتیجه ای که نخست وزیر از کمیسیون انتظار داشته است بهیچوجه تأمین نشده بلکه تلویحاً نظریات جبهه ملی تأیید گردیده است.

از لحاظ اقتصادی:

در این گزارش که از طرف شخص واحدی اظهار نظر شده و ظاهراً آقای شعاعی کفیل فعلی وزارت دارائی است مطالب اصلی زیر را میتوان مورد توجه و نظر قرارداد: حداکثر ارزش حاصله از منابع نفت که در سال ۱۹۵۰ بدست آمده کلاً و روبه هم رفته معادل ۴۰ میلیون لیره یا $\frac{4}{8}$ کل عایدی ارزش کشور است و ۶۰ هزار نفر کارگر با اجرت روزانه متوسطی معادل ۱۴۰ ریال (اغراق شاعرانه) که وسیله ارتزاق ۶۳ هزار خانوار است از آن منتفع میگردد و در صورت ملی شدن چون بهره برداری فوری بنظر مشکوک

میرسد علاوه بر از بین رفتن $\frac{4}{8}$ عایدات ارزی کشور و اشکالاتی که از آن نتیجه خواهد شد این کارگران و خانواده های آنها نیز گرفتار مشکلاتی خواهند گردید و حال آنکه با قراری عادلانه که با خود شرکت نفت بسته شود این اشکالات در بین نخواهد بود.

قیمت مایملک شرکت را آقای شعاعی با اظهار عدم اطلاع معیناً به ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون لیره تقویم فرموده و ضمناً اقرار کرده اند که طبق بیلان شرکت ۸۱ میلیون لیره ارزش داشته و ۵۴ میلیون لیره آن تاکنون مستهلك شده است.

در صورت ملی شدن امکان تأمین سرمایه باریج $\frac{2}{5}$ تا ۳۳ درصد مورد تصدیق واقع شده و استهلاك آن در مدتی کمتر از مدت قرارداد ۱۹۳۳ با چند لیت و لعل میسر شناخته شده است.

چون استخراج نفت در صورت ملی شدن آن را مشکل شناخته اند تأمین ارزش حاصله از آن و بنابراین اداره کارمندان و کارگران و تأمین محل ارز وارداتی را مشکوک و مضیقهای اقتصادی را محتمل شناخته اند و بحسب عدم لیاقت اداره نفت پس از ملی شدن آن تصویب کنندگان را از لعنت آبنندگان بر حذر داشته و اصلح طرق را کنار آمدن با شرکت نفت از راه مذاکره دانسته اند و اجتناب از لعن آبنندگان و جلوگیری از بیکاری کارگران و همچنین مضیقهای تأمین ارزش اقتصادی را مشروط بر این دانسته اند که دولت و ملت ایران موفق شود آنچه را که کمپانی نفت جنوب انجام میدهد با انجام رساند. از این خلاصه گزارش نکته ای که بیش از همه جلب توجه مینماید این است که آقای کفیل وزارت دارائی هم یکی از مغالطه های کمیسیون فنی نخست وزیر را تکرار کرده است و آن مغالطه اینک برای جلوگیری از پیش آمدهای بد اقتصادی و بیکاری کارگران و تأمین ارزش مورد نیاز فعلی کشور باید ملت ایران بتواند آنچه را که کمپانی

نفت جنوب انجام میدهد انجام دهد و با عبارت دیگر شرط توفیق آنست که ملت ایران هم بتواند مثل شرکت نفت سالیانه ۳۲ میلیون تن نفت استخراج کند - مطلبی که عدم صحت آن را در ضمن بحث از لحاظ فنی بعرض آقایان رسانیده و ثابت کردم که برای تأمین این ۴۰ میلیون لیره که حد اکثر عایدی کشور ایران از نفت بوده است فقط فروش نفتی معادل یکچهارم این مقدار کافی بوده است و بنا بر این اطمینان بتوفیق ملت ایران در جلوگیری از مضیقه های مالی و اقتصادی و کارگری دو صد چندان میگردد و با توجه به امکان فروش نفت بقیمت کمتر بمنظور جلب مشتری نیز یقین است که ترفیق ملت ایران صد در صد خواهد بود.

اما اینکه تأمین ارز لازم برای نیازمندیهای کشور را با تکرانی تلقی نموده اند صحیح نیست زیرا چنانچه گفتیم فروش مقدار نفتی معادل یک چهارم استخراج فعلی شرکت نفت همان حد اکثر ۴۰ میلیون لیره ای را که تا امروز عاید کشور ایران شده است تأمین مینماید و بعلاوه چون خرید عمده ما از کشورهای آمریکا و انگلیس و فرانسه میباشد بخوبی خواهیم توانست بجای ارز مورد لزوم نفت خود را با آنها بفروشیم و چنانچه دیدیم با مختصر نقصانی در قیمت فروش معامله با ما از دو طرف برای فروشندگان محصولات مورد نیاز ما سودمند و مفید واقع خواهد شد و بطور مسلم تمامی آن کشورها برای تسخیر بازار واردات ما و دریافت نفت با یکدیگر رقابت کامل نموده و سر و دست و پا خواهند شکست و بفرض فقدان ارز خود نفت یا طلای سیاه ما رفع این مضیقه را خواهد نمود.

با این ترتیب مشاهده میشود که ملت ایران میتواند با معاوضه نفت خود هم شده معادل ۴۰ میلیون لیره بلکه بمراتب بیشتر مساحت کشور از حیث پوشاک و

ماشین آلات و محصولات مصرفی را تأمین نماید و با این ترتیب از نقطه نظر اقتصاد ملی کاملاً وضعیت ارزی و اقتصادی کشور ایران با وضعیت ارزی و اقتصادی فعلی برابری خواهد نمود و بنا بر این کشور توانائی آنرا خواهد داشت که کارگران صنایع نفتی خود را از محل فروش محصولات وارداتی مورد نیاز کشور که با معاوضه نفت بدست آمده است تأمین نموده و دچار هیچگونه مضیقه نشود.

بعلاوه باستی متوجه بود که اگر شرکت نفت در سال ۱۹۵۰ معادل ۱۵/۶ میلیون لیره واردات لوازم کار داشته علت این بوده است که شرکت میخواهد تا ۱۹۵۳ میزان تولید نفت کشور ایران را لااقل در سال به ۴۵ میلیون تن برساند و بنا بر این در صورتیکه پس از ملی شدن ما هم در اثر افزایش تقاضای نفت لازم بدانیم محصول بیشتری بدست آوریم چون از محل نفت خام سالیانه ۱۶۰ میلیون لیره یعنی یازده برابر مخارجی که برای تهیه وسایل کار لازم داریم ارز بدست خواهیم آورد و هیچگونه مضیقه ایجاد نخواهد شد و اگر بدلایلی میزان استخراج ما در حدود نصف و نلث استخراج باقی بماند احتیاجی بخريد وسایلی که در این حدود ارزش داشته باشد نخواهیم داشت مخصوصاً اینکه وسایل بدکی چندین ساله بهره برداری بر اساس و میزان فعلی از هم اکنون در انبارهای شرکت نفت موجود است

بالاخره راجع بپرداخت حق قانونی شرکت نسبت بمایملکی که در ایران دارد با اینکه بکرات این مطلب مورد بحث و مذاقه قرارداد شده است مجدداً برای روشن شدن ذهن آقایان بدکر مطالب زیر میپردازیم:

برای تعیین ارزش مایملک شرکت برخلاف اظهار مشاورین آقای نخست وزیر مشاورین ما سه راه را مورد نظر قرارداد و ثابت کرده اند که در هیچ حال ارزش مایملک

شرکت نمیتواند بیش از ۲۰۰ میلیون لیره بوده باشد و برخلاف اظهارات یاس آمیز آقای کفیل وزارت دارائی چون ۲۰۰ میلیون لیره بالا ارزش ۴۰ میلیون تن نفت یعنی میزان محصولی است که شرکت نفت در کمتر از ۱۶ ماه از کشور ایران بیغما میبرد ملت ایران خواهد توانست در ظرف دو سال و هر سال ۲۰ میلیون تن و با در چهار سال و هر سال ۱۰ میلیون تن و با در ده سال و هر سال ۴ میلیون تن هر کدام را که شرکت نفت مایل باشد طلب آن شرکت را پرداخت نماید و بهر صورت در هیچ حال ۴۰ سال آنهم با نهایت اظهار یاس که کفیل وزارت دارائی نموده است برای تصفیه حساب با شرکت نفت لازم نخواهد بود و جای هیچگونه نگرانی از این حیث باقی نخواهد ماند. ممکن است بگویند شاید شرکت نفت قبول نکند و لیره مطالبه نماید. اولاً این اظهار معقول نیست زیرا که نفت پر ارزشترین و پربهاترین و پرمشتریترین مواد اولیه است و مخصوصاً در چند سال اولی که نفت ایران ملی شده است شرکت نفت برای تأمین نیازمندی شرکت های تابعه خود مجبور خواهد بود که جای این ۳۰ میلیون تن را که از آن محروم شده است پر نماید و چون نمیتواند سهمیه خود را در سایر منابعی که فعلاً تحت اختیار دارد تا چند سال دیگر که احتیاجات لاینقطع رو بنزاید است افزایش دهد بنا بر این با کمال میل داوطلب قبول نفت خام بابت طلبهای خود در ایران خواهد بود و بقرض آنکه از راه لجساج نخواهد اینکار را بکند ماطلب او را میتوانیم بمیل خود قسط بندی نموده مثلاً ده سال و هر سال در حدود ۲۰ میلیون لیره بدهیم چنانچه گفته شد این ۲۰ میلیون لیره اضافی سالیان با فروش چهار یا حداکثر پنج میلیون تن که بقیمت ارزاترتری فروش برود قابل تأمین خواهد بود. اما مبلغ ۲۰۰ میلیون لیره حد اکثر مبلغی است که ممکن است شرکت نفت از مآخوهان باشد زیرا طبق بیانات

شرکت از ابتدا و تأسیس تا حال میزان هزینه انجام شده در تمام شرکت های تابعه و متحده بیش از ۲۰۰ میلیون لیره نبوده و بعلاوه اگر از راه تعیین ارزش کل سهام شرکت هم محاسبه نمائیم ارزش کل مایملک شرکت نفت از همین میزان ۲۰۰ میلیون لیره تجاوز نخواهد نمود.

و حقیقت این است که بدهی ما بشرکت بمراتب از ۲۰۰ میلیون لیره کمتر خواهد بود زیرا طبق گزارش اقتصادی و بر اساس بیان شرکت نفت انگلیس و ایران و عدهای از شرکت های تابعه آن رو بهمرفته ۸۱ میلیون لیره بابت مایملک خود تا کنون خرج کرده و ۵۴ میلیون لیره یعنی $\frac{1}{3}$ ارزش آن را از محل عواید شرکت که ۲۰ درصد آن متعلق بدولت ایران بوده است مستهلک نموده و فقط ۲۷ میلیون لیره آن مستهلک نشده است که از آن مبلغ هم $\frac{1}{6}$ ۱۵ میلیون لیره آن ارزش مایملکی است که شرکت در جریان سال اخیر بایران وارد نموده است.

علاوه بر اینها اگر طلبهای مازشرکت نفت حتی بر اساس قرارداد الحاقی که برای شرکت تعهد آورده و حداقل مطالبات مازشرکت است در نظر گرفته شود ماهم اکنون در حدود ۴۰ ملیون لیره از شرکت نفت طلبکار میباشیم و چون افزایش مایملک شرکت هم از محل عواید بوده که ۲۰ درصد آن متعلق بما بوده است بنا بر این برفرض اینکه مایملک شرکت ۲۰۰ میلیون لیره ارزش داشته باشد ۴۰ میلیون لیره از آن متعلق بملت ایران خواهد بود و بالاخره چون مدتی از امتیاز گذشته و در انتهای امتیاز تمام مایملک شرکت متعلق بایران میشده است و بعلاوه نسبت بگذشته میلیونها لیره دعای بخصوص از بحریه انگلستان داریم بنا بر این حداکثر طلب شرکت از ما ۱۰۰ میلیون لیره یعنی ارزش نفتی است که ظرف ۸ ماه از کشور ما بیغما برده میشود و با این ترتیب ما ظرف

یکسال میتوانیم طلب شرکت بابت ما بملک آنرا پرداخت و تسویه نماییم .
نتیجه اینکه مواعی که ضمن گزارش اقتصادی خواسته اند در راه ملی کردن
صنعت نفت بگذارند بهیچوجه مانع واقعی نبوده و جای هیچگونه نگرانی باقی نمیگذارد
مخصوصاً اینکه گزارش اقتصادی آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی باوجود فشاری که از
طرف نخست وزیر در کار بوده سعی کرده اند باطریق طریق سیاست عمومی دولت که مذاکره
در انعقاد قرارداد باشد شرکت نفت است حد اکثر مردم را مرعوب و اذعان را مشوب نمایند
هیچگاه جرأت نکرده است که ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران را غیر ممکن
معرفی نماید .

از نظر سیاسی :

با دعای آقای نخست وزیر کارمندان عالی رتبه وزارت خارجه که آقای نخست وزیر
و خود آنها نخواسته اند نامشان افشا شود توصیه های پدران زبر را بنمایندگان محترم
مجلس شورای ملی و ملت ایران نموده اند :

فعلاً در وضع آشفته جهان کلبه دول کوچک نهایت سعی و کوشش را دارند که
در روابط خود با دول دیگر و مخصوصاً دول معظم اختلالی بوجود نیاید و تردید
نیست که شدت عمل بین يك دولت كوچك و كشور معظمی مقرر
بصلاح کشور نیست مخصوصاً اینکه با توجه بوضعیت جغرافیائی ایران . . . هر اختلافی
در روابط . . . میتواند موجب سوء استفاده شود .

پس از این کلیات که قضاوت آن با خود آقایان نمایندگان و ملت ایران است
و درحقیقت توصیه بخدمتگذاری و بندگی اجانب در آن مستتر است آقای نخست وزیر
بخود اجازه داده اند که فرض نمایند پس از اعلام ملی شدن ممکن است شرکت تن

در نهد و در اینصورت یرش نموده اند که اعمال فشار صلاح است یا نه و البته کمیسیون
سیاسی نخست وزیر امتناع شرکت و لزوم اعمال فشار را تأیید نموده و اثرات آن را هم
که عبارت از عدم عنایت دولت فخریه انگلستان نسبت با ایران است پیش بینی مینماید .
سیس در تکمیل اظهارات فوق سرراً اظهار عقیده مینمایند که در وضع فعلی
جهان چون عمل ملی کردن منتهی بلزوم اعمال فشار خواهد بود و دولت انگلستان
آزرده دل خواهد شد صلاح کشور نیست و در جواب با آخرین سؤال نخست وزیر ملی
شدن نفت را جزو آرزوها و غایت مطلوب یاد کرده و با ادعای اینکه اظهار نظر سیاسی
در این زمینه فقط در صلاحیت وزارت امور خارجه است آنرا توصیه مینماید و برای
اینکه مردم را اغفال نموده و خود را بتمام معنی دلسوز این جامعه سیه روز معرفی کنند
موافقتنامه گس - گلشائیان را غیر کافی برای تأمین منافع ایران شناخته و راه مذاکرات
مستقیم را پیشنهاد نموده است .

آقایان محترم و قاطبه ملت ایران میدانند که وزارت خارجه ما بی ارزش ترین
دستگاههای تشکیلاتی کشور است و کمتر موردی میتوان یافت که این دستگاه که
از بهترین مزایا برخوردار است قدمی برفع کشور بردارد .

حال از چنین دستگاهی چه انتظاری میتوان داشت مخصوصاً اینکه نخست وزیر
پیروی از سیاست عمومی خود که دفاع از منافع بیگانگان و فدا کردن حیثیت و
آبرو و حقوق ملت ایران است سعی نموده اند افراد نخبه ای در بین اعضاء يك چنین
دستگاهی کلچین نموده و نظریات شیطانی خویش را با آنها دیکنه کند با وجود تمام
این مراحل بعید بنظر میرسد که از طرف کارمندان عالی رتبه وزارت امور خارجه چنین
اظهاراتی شده باشد زیرا با توجه بطرز تدوین سؤالات و جوابهاییکه داده شده و ارتباطی

که بین سؤالات مطرح شده وجود دارد یقین دارم که هیچیک از این سؤوال وجوابها زاده فکر ایرانی نیست وجواب و سؤالی است که تهیه دیده اند و بدولت دست نشانده خود دستور تقدیم آنرا داده اند.

من بنمایندگی جبهه ملی و پیشتیبانی ملت ایران که با تظاهرات و نوشتجات و تلگرافات خود همواره طرز عمل پیشنهادی ما را بهترین وجهی تأیید نموده اند مراتب انزجار ملت ایران را نسبت باین گزارشات که آقای نخست وزیر حامل آن شده اند ابراز و اظهار تنفر و انزجار مینمایم و بوسیله کمیسیون محترم نفت و مجلس شورای ملی بجهانیان اعلام میدارم حکومتی را که بچنین پستی ها و بنده صفتی ها تن دردهد ملت ایران قانونی نمیشناسد و هر گونه عملی که از این دولت سر بزند بحساب ملت ایران نبوده و برای مردم اینکشور تعهدآور نخواهد بود.

از لحاظ قضائی :

قبل از اینکه متن جوابهای کمیسیون قضائی نخست وزیر را نقل و بیعت در اطراف آن بپردازم لازم است نکته مهم اساسی زیر بعرض نمایندگان محترم برسد : اولین سؤالی که از کمیسیون مزبور شده این است : « آیا میتوان قرارداد ۱۹۳۳ را لغو کرد یا خیر » این سؤوال بدلائل ذیل جز از طرف کسانی که خیال خیانت درس داشته باشند نمیتواند مطرح شده باشد زیرا بر هیچکس پوشیده نیست که ملت ایران نظر باینکه انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ در زمان حکومت دیکتاتوری که ایجاد آن بهمراهی و کمک انگلستان بوده است بعمل آمده (طبق اعترافات مقامات رسمی دولت انگلیس در سال ۱۹۲۰) و همچنین اعتراف آقای تقی زاده امضاء کننده آن و اینکه شاه فقید برای تمدید مدت هیچ حاضر نبوده و بالاخره مجبور بتسلیم شده است و عدم صلاحیت

مجلس که نمایندگان حقیقی ملت نبوده و آنرا تصویب نموده است و هیچگاه رسمیت نداشته و بهمین دلیل هم بوده است که جبهه ملی بیپرویی از افکار و آمال ملت ایران هیچوقت تقاضای الغاء قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ را که باطل و ملغی الاثر است ننموده و فقط ملی کردن صنعت نفت را درسراسر ایران خواهان شده است.

با ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران که نتیجه اعمال حق حاکمیت ملت ایران است و هیچ قانون و مقرراتی بفرض اینککه بصورت ماده مندرجه در قراردادی که تحمیلی هم نبوده و کاملاً قانونی و صحیح بوده باشد نمیتوانند آن حق را از ملت ایران سلب نمایند * تکرار میکنم با ملی شدن صنعت نفت قرارداد ۱۹۳۳ خواه چنانککه شرکت نفت مدعی است آن قرارداد قانونی و تعهدآور بوده باشد و خواه آنطوریکه نظر ملت ایران است تحمیلی و باطل تلقی گردد کلن لم یکن گردیده و هیچ احتیاجی بعنوان کردن الغاء آن در کار نیست * .

پس اگر کسانی عنوان کنند که آیا میتوان قانوناً قرارداد ۱۹۳۳ را ملغی نمود یا نه بدو دلیل خیانت کرده اند. اول اینکه باین عبارت و علی رغم تمایلات و قضاوت افکار عمومی خواسته اند قرارداد باطل و تحمیلی ۱۹۳۳ را تعهدآور تلقی نمایند.

دوم اینکه هیچگونه قراردادی را از طریق حقوق خصوصی نمیتوان فسخ و ملغی نمود مگر آنکه چنین حقی ضمن مواد قرارداد شناخته شده باشد ناچه رسد بقرارداد ۱۹۳۳ که این حق برای شرکت نفت شناخته شده و از دولت ایران سلب گردیده است. * بنابراین بطریق اولی نمیتوان قرارداد ۱۹۳۳ را از مجرای حقوق خصوصی الغاء نمود* .

نتیجه آنکه این عمل که مورد تقاضای ملت ایران و جبهه ملی نبوده است بدون دلیل و فقط بمنظور گسترانیدن دامی در راه ملت ایران مطرح گردیده است و جبهه

ملی بنمایند گی ملت ایران شدیداً بطرح آن از طرف نخست وزیر معترض میباشد .
اما عین اظهار نظر قضائی کمیسیون آقای نخست وزیر :

۱ - آنچه از مطالعه قرار داد ۱۹۳۳ بنظر میرسد مادام که این قرار داد مورد عمل است طبق مواد ۲۱ و ۲۲ و ۲۵ و ۲۶ قرار داد مزبور . . . طریق الغاء قرار داد انحصار داده شده است باینکه یا کمپانی ترک کار نماید و یا قضیه بر اثر بروز اختلاف رجوع بحکمیت شود و نتیجه در این فرض ناچار تابع نظر هیئت حکمیت خواهد بود .
۲ - هر چند سؤال ملی کردن استخراج نفت مورد اعمال نظر قضائی ندارد ولی باتفاء موضوع قرارداد در صورتیکه از جهات مالی یا فنی برای دولت تهیه وسایل بی اشکال باشد از نظر قضائی بهیچوجه اشکالی در بین نیست .

۳ - نسبت باینکه چه اشکالات قضائی برای انجام این دو منظور موجود است با توجه بمراتبی که در پاسخ دو سؤال اول مذکور است هیچ اشکالی از نظر قضائی موجود نیست .

۴ - راجع بمراجع قانونی که ممکن است طرفین مراجعه کنند در ماده ۲۲ قرارداد که در پاسخ بسؤال اول بدان اشاره شده مرجع رسیدگی باختلاف بین دولت ایران و شرکت نفت هیئت حکمیت است و اینک در نتیجه رسیدگی چه اشکالات قضائی ممکن است پیش آمد نماید این امر تابع قوت و ضعف ادله طرفین و تشخیص هیئت داور است که بطور قطع قبلاً نمیتوان آنرا پیش بینی کرد .

اما نظریات اینجناب :

۱ - چنانچه مشاهده میشود سؤال اول از نقطه نظر پیشهاد جبهه ملی و با توجه بتوضیحاتیکه در ابتدای بررسی قضائی تذکر داده شده موردی ندارد و ملت ایران که

قرارداد ۱۹۳۳ را تحمیلی و باطل میدانند اعم از اینکه از نقطه نظر قضائی در این نظر ذبحی باشد یا نباشد اصولاً خواهان الغاء نبوده و بدان احتیاجی نیز ندارد .

۲ - اگر قرارداد ۱۹۳۳ برخلاف نظر ملت ایران قانونی هم بوده باشد استناد مستردیوس معاون وزارت امور خارجه انگلستان بماده ۲۱ قرارداد بمنظور غیر قانونی شناختن عمل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران موجه نیست زیرا هیچ مجلسی نمیتواند مجالس مقننه بعد از اعمال حق حاکمیت که حق ملت ایران است محروم کند .
۳ - در سؤال سوم با وجود آنکه پرسش این بوده : « چه اشکالات قضائی برای انجام این دو منظور موجود است » (که مقصود الغاء قرار داد ۱۹۳۳ و ملی کردن صنعت نفت بوده) چنین جواب داده اند که : « با توجه بمراتبی که در پاسخ دو سؤال اول مذکور است هیچ اشکالی از نظر قضائی موجود نیست .

۴ - راجع بمراجع قانونی نیز که شرکت ممکن است پس از ملی شدن بآن مراجعه کند کمیسیون نتیجه را تابع قوت و ضعف ادله طرفین و نظر هیئت داور است تشخیص داده است و بنا بر این مسلم است که شرکت نفت از نظر ملی شدن صنعت نفت نمیتواند بدیوان داد گستری بین المللی مراجعه نماید .

مراتب مذکوره بر فرض این است که این اظهار نظر ها بدون تحریف نقل و نوشته شده باشد ولی چنانکه جناب آقای سید احمد امامی مستشار دیوان عالی کشور که یکی از اشخاص مورد شور نخست وزیر بوده اند اظهار داشته اند نسبت این گزارش بقضات دیوان کشور باین صورت صحیح نیست و ذیلاً بیانات جناب آقای امامی در پاسخ بسئالات خبرنگار روزنامه باختر امروز را از روزنامه نامبرده نقل مینمایم :

« در روزنامه دیروز باختر شرحی خواندم مشعر بر اینکه آقای نخست وزیر

با بنده مذاکره حضوری کرده‌اند و در طی این ملاقات نظریه بر صحت و اعتبار قرارداد ۱۹۳۳ اظهار شده این مطلب برخلاف واقع است زیرا بنده بهیچوجه با آقای نخست وزیر ملاقات نکرده‌ام و هیچ نظری نیز در باب صحت قرارداد ۱۹۳۳ و سایر قراردادهای مربوط بنفت ابراز ننموده‌ام. زیرا ملی شدن صنعت نفت نظر و آرزوی من بوده و من همیشه امیدوار بآنجام این امر بوده‌ام چرا که قراردادهای نفت را اساساً متضمن تأمین حقوق ملت ایران نمیدانم.

سؤال - آیا اصولاً چنانکه آقای نخست وزیر در مجلس ابراز کرده‌اند سؤالی از قضات دیوان کشور شده است یا نه ؟

جواب - آقای سید احمد امامی جواب دادند : حقیقت این است که بوسیله وزارت دادگستری سؤالاتی کتبی از آقایان اخوی و وثیقی و دادبان و اینجان ب عمل آمده است و در طی چند جلسه پاسخهایی باین سؤالات داده شده است. در جلسات اول این کمیسیون بنده شرکت نداشتم در قسمتی هم که شرکت داشتم جوابها همه متضمن همین مطالب است که اظهار کردم و من شخصاً از آقای وزیر دادگستری تقاضا کرده‌ام که برای اطلاع مردم متن سؤالات و جوابها برای انتشار بروزنامه ها داده شود.

سؤال - آیا سایر آقایانی که از ایشان نام بردید با شما هم عقیده هستند ؟

جواب - بلی همه آقایان بالاتفاق عقیده داشتیم که برای ملی شدن صنعت نفت از نظر قضائی مانعی نیست و مخصوصاً در پاسخ این سؤال که اگر مجلس در اینباب رأی بدهد چه تأثیری خواهد داشت جواب این بود که در اینمورد هم مانند سایر موارد دولت و قوه مجریه مکلف با اجرای مصوبات مجلس هستند .

اکنون بفرس اینکه این گزارش صحیح هم بوده باشد در آن چیزی که مانع

قانونی در راه ملی کردن صنعت نفت باشد مشاهده نمیشود و چنانچه آقای نخست وزیر بخواهند باین گزارش با مفهومی که مورد نظر ایشان است استناد نمایند و مدعی شوند که در آن گزارش تحریفاتی هم نشده چونکه از مجموع قضات دیوان عالی کشور استفسار شده است رسمیت ندارد.

نتیجه بررسی

با بحث انتقادی و تجزیه و تحلیلی که بعمل آمد و توضیحاتی که داده شد بر کلیه آقایان مسلم و محرز گردید که از نقطه نظر فنی و اقتصادی و سیاسی و قضائی هیچگونه مانعی در سر راه ملی کردن صنعت نفت که پیشنهاد جبهه ملی بیروی از تمایلات عمومی است وجود نداشته و اکنون که هیچگونه مانعی در راه انجام این خدمت بزرگ باقی نمانده است راهی جز موافقت با ملی کردن صنعت نفت که آرزوی ملت ایران و بزرگترین قدم مجلس شورای ملی برای آزادی و ترقی ملت ایران است در بین نیست و یقین دارم که قلب همگی ما که همواره آکنده از مهر ایران بوده‌است امروز بیش از هر زمانی بهم نزدیک شده و خواهیم توانست در يك محیط صمیمیت و محبت با اتفاق آراء با رزوهای قاطبه ملت ایران که با فتاوی علماء اعلام نیز فریضه دینی ما شده است لبیک اجابت گفته « **ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور** » را تصویب و برای گذشتن از آخرین مرحله قانونی تقدیم مجلس شورای ملی نماییم .

دکتر محمد مصدق

آقای رئیس تذکره دادند : بنده تصور میکنم که وقت ما برای این کار نفت خیلی صرف شده و بیش از این نمی‌بایست خودمان را معطل بکنیم زیرا تا روز شنبه موعود دو ماه کمیسیون منقضی میشود (صحیح است) پیشنهادی از طرف هفت نفر از آقایان حاضر اعضاء کمیسیون راجع به ملی شدن صنعت نفت داده شده که پنج نفر از

اعضاء کنندگان نماینده جبهه ملی هستند و دو نفر آقایان بهبهانی و فرامرزی هستند بنده تصور میکنم برای ملت ایران تنگ باشد که نمایندگان مجلس شورای ملی رأی به ملی شدن صنعت نفت ندهند باینجهت اگر بعضی از آقایان بخواهند رأی ندهند بنده نمیخواهم آقایان را مرعوب بکنم این پیشنهاد حاضر است آقایانیکه حاضرند امضاء بکنند و آقایانی که حاضر نیستند امضاء نکنند.

آقای مکی مخبر کمیسیون اظهار داشتند : اجازه بفرمائید بنده گزارش سو کمیسیون را تشریح و تقدیم بکنم امروز پنج نفر آقایان تشریف آوردند آنچه که مورد اتفاق همه ما بود این بود که با ملی شدن صنعت نفت همه موافق بودند ولی آقایان می گفتند که ما باید يك طرحی تهیه بکنیم که تکلیف بعد ما با کمیانی نفت جنوب معین شود اینست که خواستم باستحضار کمیسیون برسانم که دیروز تمام وقت ما صرف این کار شده و از ساعت اولی که نشستیم اینجا همه آقایان بایک حسن نیتی ملی شدن را در نظر گرفتند و برای بعد هم يك فورمولهایی تهیه شد و قرار شد در خدمت آقایان امروز هم بنشینیم و آن گزارش را تهیه و تقدیم کنیم (آقای قشقائی گفتند: چرا نکردید) جناب آقای گنجه ای که در هیئت رئیسه بودند جناب آقای عامری هم که نیامدند. (آقای رئیس بیان داشتند: ایشان گفته اند بنده امروز يك دعوی عدلیه دارم) جناب آقای فرامرزی هم آمدند و گفتند میروم هر وقت آقایان آمدند مرا هم خبر کنید و بنده بودم و آقای حائری زاده این بود گزارش کار ما. (آقای رئیس تذکر دادند: ابتدا اصل موضوع را معین بکنیم بعد صحبت در طریقهاش بکنیم) در طریقهاش سه چهار موضوع پیش آمد که طرق مختلفی را پیش بینی میکردند اگر بخواهیم بدولت مأموریت بدهیم این اشکالاتی که ما پیش بینی میکردیم پیش میآید و اگر

بخواهیم بيك کمیسیونی بدهیم مدتش را چکار بکنیم و دیگر اینکه آیا در حال حاضر چه بکنیم و روی این اصل بود که نتوانستیم نتیجه بگیریم چون آقایان طرق مختلفی را پیش بینی میکردند که از چه طریق وارد بشویم که هم پرستیژ کمیسیون را حفظ بکنیم و هم حق ملت استیفاء بشود.

آقای قشقائی گفتند : موضوع دومی بیشتر شرط است که کاملاً استیفاء حقوق ملت ایران بشود.

آقای صالح بیان داشتند : بنده عقیده ام این است که از تجربه دفعه پیش استفاده بکنیم آن چیزی که متفق علیه همه است « یعنی ملی شدن صنعت نفت » امضاء بشود و بعد بنشینیم طرق آن را هم پیش بینی بکنیم.

آقای رئیس اظهار داشتند : کاملاً صحیح است.

آقای مکی گفتند : بنده منبأب گزارش عرض میکنم که آقایان با کمال حسن نیت دیروز سه ساعت وقت خودشان را صرف کردند.

آقای گنجه ای اظهار داشتند : مقصود از تشکیل سو کمیسیون برای این بود که ما يك فورمول تهیه بکنیم که مثل سابق مورد اتفاق باشد و برای این منظور هم مادیروز سه ساعت زحمت کشیدیم و بيك مقدماتی هم نزدیک شدیم و همه نظریات آقایان هم صحیح بود. بنابراین ما سعی مان این بود که يك فورمول متفق علیه تهیه بکنیم و دو سه فورمول هم تهیه کرده ایم ولی متأسفانه توافق حاصل نشد امروز صبح هم من و آقای ذوالفقاری اینجا بودیم با آقای سرتیپ زاده هم پیغام فرستادم که اگر کار رسید بجائی ببیند اطلاع دهند و من میآیم در هر صورت بنده عقیده ام اینست که مایک روز و دو روز وقت داریم اقلاً فردا هم وقت داریم (آقای رئیس گفتند: خیر وقت نداریم) مقصود این بود که مایک جلسه ای تشکیل بدهیم اگر اتفاق شد که دیگر

تمام شده و مورد توافق و ایده آل همه است که بیک صورتی بیاوریم و همه امضاء بفرمایند.
آقای سرتیپ زاده گفتند: بنده تا طرز عملش را ندانم صریحاً عرض نمیکنم

رأی نمیدهم.

آقای قشقانی گفتند: بنده میخواستم بک عرضی بکنم که جمع بین این دو فرمایش باشد همینطور که جناب آقای سرتیپ زاده گفتند ایشان میل دارند بدانند که برای ملی شدن که رأی میدهند بعداً چه قسم عمل میشود و وظیفه ما اینست که برای ملی شدن که رأی میدهم بدانیم بچه طرز عمل میشود برای اینکه حرفی در اطراف این نشود ما همه که اینجا هستیم سو کمیسیون برود عقیده خودش را بگوید و بیاورد بکمیسیون (آقای رئیس بیان داشتند: نیامدند آقا) بفرمائید تلفظ کنند بیاوند اینجا و اگر تهیه نکردند آنوقت در خود کمیسیون مینشینیم و بک فورمولی تهیه میکنیم.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: این بیانی را که جناب آقای صالح

کردند بنده میخواستم عرض کنم ما تجربه گذشته را داریم و تجربه بسیار صحیحی بوده که قدم بقدم برداریم در بین آقایان حاضر فقط آقای سرتیپ زاده میگویند که من رأی نمیدهم به ملی شدن تا تکلیف اجرای آن معلوم نشود و گمان نمیکنم کس دیگری این حرف را بزند (آقای کنجه ای گفتند: چرا بنده هم هر چه ایشان بگویند قبول دارم) بنابراین ما هر کاری باید بکنیم و یا هر فورمولی که باید تهیه بکنیم برای ملی شدن نفت نیست و این فرع بر آن اصل است یعنی این اصل را قبول بکنیم و بعد ببینیم چطور اجراء بکنیم (صحیح است) پس آن آقای که میشود بآن رأی داد و محرز است که اکثریت مخالفتی ندارند عبارت از همین اصل ملی شدن صنعت نفت است بنابراین بهمان ترتیب که آقای رئیس گفتند اگر این امضاء شد با اتفاق آراء این وقت باقیمانده را آقایان صرف میکنند برای روشن کردن آن موضوع برای این هفت نفری که امضاء

کرده اند محرز و مسلم است و این راهی که جناب آقای دکتر مصدق پیش بپوش کرده اند راه صحیحی است و مطابق این بیاناتی که جناب آقای دکتر مصدق تهیه فرمودند تأسف دارم که همه آقایان درست توجه نکرده اند که ببینند چه استدلالات صحیح و بجائی آورده اند و تمام این مطالبی را که آقایان اینجا میفرمایند همه را روشن کرده اند بنابراین چون وقت ما کم است و مخاطرات عظیمی در پیش داریم و این فرصت از آن فرصتهائی است که زود فوت میشود این قسمت اول را بگذرانیم و این قسمت که گذشت آنوقت میتوانیم برای طرز عملش فکر بکنیم.

آقای سرتیپ زاده گفتند: من عقیده ام اینست که این بک چیز قابل حل است

این کمیسیون امروز بنشیند تا غروب و این مسئله را حل بکند والا غیر از من خیلی ها هستند که امضاء نمیکنند.

آقای حائری زاده گفتند: دبروز ما هیچ اختلاف نظری نداشتیم و فرمایش

جناب آقای سرتیپ زاده هم منافی نیست و من در این کمیسیون مخالف نظر و نشت نمی بینم در موضوع ملی شدن نفت که راه منحصر بفرود بوده همه موافق بودند برای طریقه اینکه بعد از ملی شدن کی اجراء و عمل میکند و نقشه بعد چه باشد بنده چند ماده نوشته بودم بعد آقایان گفتند بک ماده واحد باشد بهتر است. ما میگفتیم دولتها هر دولتی باشد چون متکی بحزب و جمعیتی نیست نمیتواند فشار بکمیانی بیاورد و حق ایران را بگیرد دولتها ضعیف هستند یا بسکوت میگذرانند و یا اگر هم عملی کنند نمیتوانند نتیجه مطلوب بگیرند من با نظر آقای سرتیپ زاده موافقم لازم نیست سو کمیسیون هر پنج نفر باشند اکثریت سو کمیسیون الآن حاضر است دو نفر دیگر هم اگر حاضر شدند تشریف بیاورند شرکت کنند که بک چیزی تهیه و باوحدت نظر

بگذرد و مطمئن هم هستیم میگذرد همه ما برای استیفای منافع ایران تردیدی نداریم ما باید آن سنگ آخر را بگذاریم حالا اگر اجازه بفرمائید تنفس داده شود و ما بنشینیم اینجا يك فورمولی تهیه بکنیم.

آقای صالح اظهار داشتند: اینکه آقای سرتیپ زاده کاملاً مخالف قرارداد ۱۹۳۳ هستند و آن را باطل میدانند که تردیدی نیست خودشان مکرر فرموده اند الا آن هم فرمودند و در صورت جلسه هم نوشته شده است بنا بر این الا آن ما در مقابل تعهدی قرار نگرفته ایم که آن تعهد مانع باشد برای اتخاذ تصمیم ما فقط در مقابل اراده ملت ایران که الا آن ما می بینیم سرتاسر کشور ایران مایلند که صنعت نفت در تمام کشور ملی شود قرار گرفته ایم و یک دست خارجی هست که هر روز يك حادثه ای ایجاد میکند برای اینکه وقت ما را بگیرد. (آقای رئیس بیان داشتند: مثل اینکه امروز سو کمیسیون تشکیل نشد). اعم از اینکه این سو کمیسیون انتخاب شده بود یا نشده بود کمیسیون مکلف بود در ظرف این مدت قانونی که در اختیار دارد تصمیم خود را بگیرد وقت ما محدود است همانطور که امروز يك سانحه ای واقع شد معلوم نیست یک ساعت دیگر چه بکنند و حتی ممکن است پارلمان را تعطیل بکنند و این وقتی که در دست ما است باید از آن استفاده نموده و بنام نمایندگان ملت ایران رأی خودمان را اعلام بکنیم اینست که من استدعا میکنم که ملت ایران میخواهد این کار را تمام بکنیم اگر چنانچه انشاء الله مجلس شورای ملی باقی ماند و اگر از عمر کمیسیون چیزی باقی ماند راجع بطرز عمل آن در مدتی که وقت داریم يك فورمولی تهیه میکنیم و دیگر اینکار درست مجلس شورای ملی است یا در مجلس تهیه میشود و یا بکمیسیون مجدداً مأموریت میدهد

استدعای من از جناب آقای سرتیپ زاده اینست که از این فرصت محدودی که داریم استفاده بشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: اینجا آقای گنجه ای با آقای سرتیپ زاده با در ملی شدن نفت موافقت دارند یا ندارند اگر دارند باید تکلیفش را معین بکنند و بعد طرز اجرای این کار را بنشینیم و مذاکره بکنیم حالا اگر برای طرز اجرای آن يك روز و دو روز هم نشود که يك فورمولی تهیه کرد ممکن است به مجلس شورای ملی گزارش بدهیم که رأی به ملی شدن دادیم ولی وقت برای طرز اجرای آن نداشتیم اگر مجلس اجازه داد که خیلی خوب و اگر اجازه نداد این دیگر دست مجلس است. مجلس اگر بدولت رجوع کرد که کرد ولی اگر با صنعت ملی شدن نفت موافق نیستید بنده استدعا میکنم این را بفرمائید و این ورقه را اعضاء نکنید حالا ما جهتش را نمی پرسیم و نمی رنجیم.

آقای گنجه ای اظهار داشتند: ما خیلی صراحت لهجه داریم آقای سرتیپ زاده گفتند این شکلی که فقط يك سطر بنویسیم ملی بشود بنده باین شکل رأی میدهم اما اگر شما فرصت بدهید و بخواهید این حل بشود راهش اینست که از حالا تا فردا..... (آقای رئیس اظهار داشتند: ما تا شب هم اینجا می نشینیم) بنشینیم و این موضوع را حل بکنیم من با آقای حائری زاده موافق بودیم آقای مکی هم توضیح دادند اشکال مختلف هم روی کاغذ آمده اگر مجال بدهید ممکن است حل بشود و اگر مجال ندهید بنده و آقای سرتیپ زاده رأیمان را روی کاغذ مینویسیم و میدهیم.

آقای مکی گفتند: با آقایان عامری و فرامرزی تلفن شده آقای فرامرزی گفته اند

الآن میآیم و آقای عامری هم از صبح که از منزل خارج شده اند تا کنون بمنزلشان مراجعت نکرده اند.

آقای قشقائی گفتند: بنده يك عرضی دارم ما باید این را تصدیق بکنیم که آقای سرتیپ زاده از روز اول شاید اگر ما می گفتیم که قرارداد کس - گلشائیان قابل رد نیست ایشان می گفتند رد میشود و من شاهد و ناظر بوده ام که ایشان نهایت علاقه را برای استیفای حقوق ایران دارند و یقین هم دارم که احساسات ایشان هم خیلی است و مثل ما است بعد از ناهار آقایان گنجهای - مکی - عامری و فرامرزی بنشینند يك ساعت دو ساعت و يك فورمولی تهیه بکنند و ما هم اینجا هستیم. خدای من شاهد است بنده مکرر بجناب آقای دکتر مصدق و همشهری عزیزم جناب آقای دکتر شایگان عرض کرده ام که تمام آقایان نهایت وطن پرستی را دارند و یگانه کمیسیونی را که در تاریخ مجلس ایران حس صمیمیت و همکاری برای توافق در يك مسئله مهم مملکتی وجود داشته همین کمیسیون بوده است.

در اینموقع سه ربع ساعت بعد از ظهر جلسه برای صرف ناهار تعطیل و مجدداً در ساعت شش بعد از ظهر بریاست آقای دکتر مصدق و با حضور آقایان: بهبهانی - گنجهای - صالح - حائری زاده - مکی - قشقائی - پالیزی - دکتر هدایتی - دکتر کلمی - دکتر علوی - فقیه زاده - عامری - سرتیپ زاده - ذوالفقاری - دکتر شایگان تشکیل گردید.

آقای عامری اظهار داشتند: بنظر من میآید با این اوضاع متشنج در صورتیکه آقایان موافقت داشته باشند با دقت و مطالعه بیشتری در اینموضوع اقدام و تصمیم گرفته شود بهتر میباشد والا ممکن است خدای نخواستہ قدمی برداشته شود و اگر در آئینه از این

قدم زحمت و مشکلاتی برای کشور ایجاد شود قابل جبران نباشد بنابراین بنظر من اگر از مجلس بالفرض که مدت کافی نباشد برای یکماه یا دو ماه دیگر تقاضای تمدید اختیار کمیسیون بعمل آید بنده تصور میکنم مناسبتر خواهد بود.

آقای حائری زاده گفتند: بنده معتقدم که بدبختی ها و حوادث ناگواری که در این مملکت پیش آمد کرده صدی هشتاد مولود اثر یکهای کمپانی نفت بوده و هر چه برای اتخاذ تصمیم ما تأخیر بشود باید منتظر حوادث بیشتری باشیم (صحیح است) این واقعه رزم آراء يك واقعه کوچکی است چیز مهمی نیست که ما را از تصمیم خودمان منصرف بکند و مطالعات هم در اطراف این پرونده شده و و کلای جدی کمپانی هم که بهمه لباسی آمده اند دفاع کرده اند و ما هم آن اسناد و مدارک مختصری از پرونده های نفت که در تحت اختیار ما آمد مطالعه کردیم و مجال دیگری برای مطالعه باقی نیست من مخالف این نیستم که امروز هم کمیسیون فرعی يك ساعتی بنشینند و تصمیم بگیرد و بعد از یکساعت دیگر مجدداً در کمیسیون مطرح بشود تا این اندازه مخالف نیستم ولی اگر بخواهیم بتأخیر بیندازیم ممکن است يك حوادث دیگری پیش بیاید و من ایمن نمیدانم مردن یکبار، شیون یکبار.

آقای صالح اظهار داشتند: يك قسمت از عرایض تأیید فرمایشات جناب آقای حائری زاده بود اینکه جناب آقای عامری میفرمایند باید مطالعه بکنم مگر چقدر میشود مطالعه کرد چندماه در دوره اول کمیسیون و الان نزدیک دو ماه است در دوره فعلی کمیسیون ما مطالعه کردیم آنچه پرونده و سابقه بود مطالعه شده و از طرف دولت هم که در واقع مدافعه از کمپانی میکرده و نهایت کوشش برای انصراف ملت و کمیسیون آنچه ممکن بوده بعمل آورده و بنفع بیگانگان بزعم خود اقامه دلیل نموده و دیگر

چیزی نیست که موجب تأخیر بشود. بعلاوه آن تصمیمی که امروز در کمیسیون اتخاذ شود يك امر قاطعی نخواهد بود. بمجلس و اظهار نظر میکنند بعد هر صورتی که در مجلس پیدا کرد آنوقت بشکل قانون درمیآید و بمجلس سنا میرود و در آنجا هم مطالعه و مباحثه میشود این تصمیم ما چیزی نیست که نگرانی داشته باشد از اینکه حوادثی ایجاد میکنند خدا شاهد است نگرانی من اینست که هر چه عقب بیفتد ایجاد حوادث میشود برای اینکه ملت بر سر اینکار عصبانی شده و پیش از این طاقت تحمل ندارد و هر عملی از طرف ملت بشود در اثر همین نارضایتی مردم از دولت است که چرا دولت و مملکت زودتر اینکار رفت را انجام نمیدهد پس اگر رأی کمیسیون روی ملی شدن باشد باعث تسکین مردم خواهد شد و عقیده من اینست که يك حالت آرامشی در مملکت ایجاد میکند و در این حال کار قطعی هم نشده و بمجلس میرود و مجلس میتواند هر قدر بخواهد مباحثه و مطالعه بکند بعد هم در مجلس سنا مباحثه و مذاکره میشود و هر چه که مصلحت دانستند بشکل قانون درمیآید و بعمل میشود من نمیدانم چه نگرانی هست و آنچه نقصی در اطلاعات ما هست که اگر چند روز صبر بکنیم آن نقص رفع میشود نگاهداشتن بحال بی تکلیفی باعث تشنج و اضطراب بیشتر مردم و موجب خدای نکرده يك حوادث دیگری میشود اینست که بنده استدعا میکنم که کوشش بکنید در ظرف این مدت قانونی که در اختیار ما است نظر خودمان را بمجلس شورای ملی بدهیم و آقایان نگران نباشند که نظری که کمیسیون بدهد ممکن است يك حوادثی رخ بدهد و برعکس باعث تسلی خاطر مردم میگردد.

آقای مکی گفتند: بنده یک قدری بی پرده تر صحبت میکنم: بشکن دلم که رایحه دهر بشنوی کس از درون شیشه نبوید کلاب را. يك جربانی هست در کمیسیون که ما کار را نا بخته میکنیم و بيك جایی میرسانیم متأسفانه يك بازی در خارج از مجلس

هست که تمام مطالعات کمیسیون را تحت الشعاع خودش قرار میدهد دیروز که باتفاق آقای عامری در سو کمیسیون بودیم همه در ملی شدن آن متفق بودیم ولی از دیروز که يك همچو خبری دادند آن دستگاہی که از خارج کار این مملکت را اداره میکند این تفرقه میاندازد (آقای قشقائی گفتند: آندستگاه را بگوئید) یا اینکه ما و کیل هستیم و حق دخالت در سرنوشت مملکت را داریم و اگر بقول محمدعلیشاه و کیل باشیم و شرط بکنیم که در سیاست دخالت نکنیم ما همچو و کیلی نیستیم ملت ایران ما را برای این و کیل کرده که برای سعادت و تأمین منافع ایران بکوشیم و مبارزه بکنیم و در این راه کشته بشویم بنا بر این من از جناب آقای عامری میخواستم سؤال بکنم من بایشان خیلی معتقد بودم (آقای قشقائی گفتند: حالا هم معتقد باشید) حالا هم معتقد هستم و میخواستم استدعا بکنم ایشان وظیفه نمایندگی خودشان هر چه هست همان را اجرا بکنند آقای عامری يك کاری میتوانند بکنند که تا هزار سال دیگر نام ایشان را به نیکی بنویسند ما دلمان میخواهد نام نیک همه برای همیشه جاوید بماند میخواستم استدعا بکنم آنچه وظیفه نمایندگیشان ایجاب میکند و همانطور که قسم خورده ایم که جز حفظ سعادت ملت ایران و مملکت قدمی بر نداریم همان را انجام دهیم. آن روزی که اولتیماتوم روس را بایران دادند وضعیت ما خیلی بدتر از حالا بود قشون روس تاقزوین آمده بود همه آقایان میدانند روسیه تزاری در درشت چند نفر را دار زدند در تبریز همینطور مرحوم ثقة الاسلام و عدلای را دار زدند ما قشونی نداشتیم، رادو نداشتیم، ارتباط نداشتیم، افکار عمومی اینطور منعکس نمیشد ولی وقتی اولتیماتوم دادند مجلس دوم يك قدمی برداشت و در مقابل آنها ایستادگی کردند و گفتند ما زیر بار این اسارت نمیرویم و مجلس را هم منحل کردند و نام نیک آنها در تاریخ ماند. بیائیم ما يك قدمی با کمال تهور

برداریم و نام نیکی از خود باقی گذاریم. ممکن است آقایان يك نگرانی داشته باشید که بعد از آن چه میشود ما قدم اولش را بر میداریم که کمیسیون نفت میخواهد نفت را ملی بکند و بعد از مجلس وقت بگیریم که بچه طریق این را عملی بکنیم اگر این کار را بکنیم افکار عمومی که آلان متشنج است يك آبی روی آن ریخته‌اید و يك قدری آرام تر خواهد شد ما مجلس گزارشمان را میدهیم و مجلس را هم مختار میکنیم که اگر مصلحت میداند همین کمیسیون را مأموریت بدهد و اگر این را صالح نمیداند پیشنهاد بکند در جلسه علنی این کار را بکنند ما نظریه خودمان را میدهیم مجلس اگر مایل است اختیار بدهد برای یکماه دیگر یا دو ماه دیگر بکمیسیون که راه اجرای این اصل را معین بکنیم و اینهم يك راه دیگری است که جنابعالی با خیال راحت بتوانید رأی بدهید و این باعث افتخار شما خواهد شد.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده در این حالی که با قسمت عمده فرمایشات جناب آقای صالح راجع بتسریع در حل این مشکلی که مواجه شدیم موافقم و معتقدم که تأخیر در این کار ممکن است موجب تأسف و ندامت برای ما باشد بلکه برای ملت ایران برای اینکه موقعیتی از لحاظ بین‌المللی نصیب ما شده است و برای گرفتن حق خودمان صد درصد موفق خواهیم شد. اما در قسمت دوم بیاناتشان که تاحدی خواستند از اهمیت و وزن تصمیمی را که کمیسیون راجع بنفت میگیرد کاسته شود زیاد موافق نیستم بکمتر به تجربه ثابت کرد و این دفعه هم بنده اینطور پیش‌بینی میکنم که هر تصمیمی که ما بخواهیم بگیریم پیش‌بینی شود که در مجلس شورای ملی و مجلس سنا مورد تأیید واقع بشود برای اینکه این ادعای فقط نیست ما هم مثل آقایان آلان ۷، ۸ ماه است که در خارج داریم مطالعه میکنیم و این میرساند تصمیمی را که ما میگیریم

بیشتر با اطلاع از جریان امور خواهد بود و از اینجهت معتقد نخواهم بود که این تصمیم اهمیت نداشته باشد و خشت اول را باید سعی کنیم فوق‌العاده محکم بگذاریم راجع به بیانات جناب آقای مکی هم که فرمودند ما نباید بترسیم واقعا همینطور است ما یا نباید این کار را قبول بکنیم و حالا که قبول کردیم نباید عقبگرد بکنیم من اینطور استنباط کردم در ظرف این مدت خدا را شاهد میگیرم ما هیچ‌نبیتی نداریم حرف خیلی زده میشود ولی شأن من نیست تا چیزی برایم ثابت نشده چیزی را قبول و یا اظهار آن را بنمایم ما محیط متشنج و عصبانی داشتیم نتیجه‌ای نتوانستیم بگیریم و هر موقع محیط آرام و خوب بود بت نتیجه می‌رسیم بنده بر فرض اینکه صحیح باشد که چهار روز مهلت داریم همین الساعه حضرت‌تعالی که در نهایت بیطرفی و فعالیت این وظیفه را انجام داده‌اید و من یادم می‌آید بعضی از روزها در کمیسیون را قفل کردید و ما را نگهداشتید الان هم همین کار را بفرمائید و این سو کمیسیون را همینطور بفرمائید تشکیل بدهند و اگر امروز تشکیل نشد گرفتاری داشتند و جای تأسف است. خود جناب آقای دکتر شاهد هستند بنده الان ۷۶ سال است حضورشان ارادت دارم و افتخار دارم برای اینکه امروز يك رجال سیاسی هستند که زیر نظر ایشان شاگردی بکنیم و چیز یاد بگیریم من میدانم با این وضعیت کسالت مزاج برای جنابعالی خیلی زحمت دارد در این چنین موقعی که این کار باید بمصلحت تمام بشود و مردم بجنابعالی اعتماد دارند، دست جنابعالی روی هر چیزی بیاید این مردم را تسکین میدهد و خود حضرت‌تعالی ممکن است ریاست دولت را قبول بفرمائید با اینکه جنابعالی از مجلس هم ناراضی هستید ولی چون مسئله نفت در بین است این يك موفقیت خوبی است برای مملکت (آقای رئیس گفتند: کار کمیسیون را باید

تمام بکنیم) پیشنهاد بنده این بود که افراد سو کمیسیون تشریف داشته باشند و این کار را تمام بکنند.

آقای مکی گفتند: سو کمیسیون فایده ندارد برای اینکه يك فعل و انفعالاتی شده که آن عقیده دیروز خودشان را ندارند.

آقای قشقائی گفتند: اگر نظر تان باشد اختیاری که بما داده اند گفته اند که رویه و وظیفه دولت را معین بکنیم همه ماها حسن نیت داریم و میخواهیم این کار بخوبی و صلاح مملکت حل بشود بنده يك راهی بنظرم رسیده که عرض میکنم اگر مورد توجه شد که رأی گرفته میشود و تصویب میشود اینجا وقتی تنها صحبت میکنیم می بینیم دسته جمعی هیچکس با ملی شدن مخالف نیست برای اینکه وقت ما میگردد خوبست مثل سابق يك کاری بکنیم و موافقت با پیشنهاد ملی شدن را تهیه و این ورقه را همه امضاء بکنیم و برای اینکه طریقه اجرایش معلوم بشود این ورقه امضاء شده در خدمت حضرت تعالی باشد فردا از مجلس مامدید میگیریم برای یکماه یا دو ماه که در عرض دو ماه طریقه ملی شدن را بمجلس پیشنهاد بکنیم و در صورتیکه موفق نشدیم که طریقه اش را معین بکنیم همان ورقه امضاء شده را بمجلس میدهیم برای بنده خیال میکنم که از لحاظ مالی بصالح مانباشد بهتر است از نظر همه ماها يك راه حل پیدا بکنیم ولی اگر بعد از یکماه راه آنرا پیدا بکنیم بالاتفاق آن امضاء را همه بدهیم به مجلس که مجلس رویه آنرا معین بکند.

آقای مکی گفتند: توضیحی که بنده عرض کردم با توضیح آقای قشقائی يك میانندی داشت بنده گفتم این گزارش ملی شدن صنعت نفت را میدهیم و ضمن تقدیم گزارش يك ماه اختیار میگیریم ایشان چیز دیگری میکوبند.

آقای رئیس اظهار داشتند: در کمیسیون رسمی کسی همچو کارهایی نمیکند اینجا جناب آقای عامری نگرانی داشتند که ممکن است کمیسیون يك کارهایی بکنند که بعد اسباب ندامت و موجب خسارت باشد این کار را باید بجه ترتیب جلو گیری کرد خوب يك شخص محترم و متبحری وقتی يك عقایدی اظهار میکند نمیتوانیم بگوئیم فکر نکرده اند. ما الان هشت ماه است که در تمام کارهای نفتی دخالت کردیم و تحقیقات نمودیم ما هر قدر بخواهیم اطلاعات پیدا بکنیم در این کمیسیون با این اوراق و اسنادی که اینجا هست بیش از آنکه پیدا کرده ایم پیدا نخواهیم کرد. موضوع راجع باین است که آیا ما به ملی شدن صنعت نفت عقیده داریم یا نداریم آیا این احساساتی که این مردم آلان مدتی است بخرج میدهند و از مجلس شورای ملی و از هر مقامی تقاضا میکنند که شما بیائید نفت را ملی بکنید شما باین ترتیب اثر میدهید؟ افکار مردم را مؤثر میدانید یا نمیدانید؟ این قتل رزم آراء علتش عدم توجه بافکار عمومی بود مردم بشاه شکایت میکنند قبول نمیشود بمجلس شکایت میکنند توجه نمیشود، مینینگ میدهند اعتنائی نمیکند ناچار دست در میآورند و رئیس دولت را میزنند آیا تصور نمیفرمائید که اگر این کار دامنه اش وسیع تر بشود يك جریانی در مملکت بشود که حقیقتاً ما هم نتوانیم اینجا جمع بشویم. اینست که یکقدری توجه بمردم داشته باشید. بنده زمان استبداد یادم میآید وقتی مردم از يك حاکمی بشاه شکایت میکردند فوراً شاه آن حاکم را معزول میکرد و برای مردم تسلی خاطر می پیدا میشد. آلان چند ماه است که مردم میگوبند نفت باید ملی بشود ما همه فهمیدیم که این نفت باین صورتی که هست برای مملکت فایدهای ندارد و منافع آن بچیب بیگانگان میرود این خلاف مروّت و خلاف وجدان است که بگوئیم همینطور باشد.

این خیالی که فرمودید بهیچوجه منطقی ندارد زیرا ما میگوئیم مردم تقاضایشان این است که نفت ملی بشود ما پیشنهاد ملی شدن نفت را فقط بآن ماده واحده رأی میدهیم چون عجلتاً وقت نخواهد رسید و با تصویب این ماده واحده افکار مردم يك قدری تشقی پیدا کرده و اگر مجلس صلاح دانست که ما مجدداً برای تعیین راه حل آن وارد میشویم و حتی اگر لازم شد متخصصین خارجی هم میآوریم. این برای ما بسیار تنگ و خجالت آور است که بگوئیم هفت ماه نشستیم اینجا حرف زدیم و کاری انجام ندادیم اینست که اگر آقایان محترم اجازه فرمایند این ماده ایکه پیشنهاد کرده ایم طبق آئین نامه قرائت و رأی گرفته بشود (پیشنهاد جبهه ملی قرائت گردید) بنده میخواهم بگویم اگر باین رأی بدهید چه ضرری باین مملکت میرسد غیر از اینکه يك مردمی تسلی خاطر و تشقی پیدا میکنند بعد اگر مجلس اجازه داد که می نشینیم و طریقه و فورمول آنرا تهیه میکنیم و اگر اجازه نداد خود مجلس هر طور صلاح میدانند رفتار میکنند ما از این کمیسیون اگر دست خالی برویم برای ما تنگ است و بلعنت گرفتار میشویم.

آقای پالیزی اظهار داشتند: بطور کلی عموم با نظر آقایان موافقت دارند بنده معتقد هستم چون دولت دیگری میآید روی کار خوبست تأمل نکنیم تا دولت جدیدی که میآید با او هم مشورت بکنیم و نظر او را هم بخواهیم.

آقای صالح توضیح دادند: چون آقای سرتیپ زاده و همینطور آقای گنجهای معتقدند که تا طریق اجرای ملی شدن نفت معلوم نشود امضاء نمایندگان از این لحاظ بنده میخواهم عرض کنم که این پیشنهادی که جبهه ملی کرده است بطور کلی در خود آن پیشنهاد هم طریق اجرائیست و حالا اگر کمیسیون يك جزئیاتی را در نظر نگیرد تازه نمیشود گفت که کمیسیون مخصوص نفت طریق اجرا و رویه برای دولت معین نکرده برای توضیح عرض میکنم تصمیمی که از مجلس شورای ملی گرفته شده بنده میخوانم:

(بشرح زیر قرائت شد) «مجلس شورای ملی با تأیید و تصویب گزارش کمیسیون نفت دائر بر اینکه لایحه ساعد - کس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ بآن کمیسیون مأموریت میدهد که با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم نماید. آقایان نمایندگان میتوانند در ظرف دو هفته هر گونه پیشنهادی که دارند بکمیسیون تقدیم نمایند» در آن موقعی که این تصمیم را مجلس گرفته ملی شدن صنعت نفت فقط يك پیشنهادی بوده که هنوز بشکل گزارش از کمیسیون نرفته بود خود پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت تعیین يك رویه و طریقه ایست برای دولت برای اینکه ما میگوئیم این موضوع که تا بحال در دست بیگانه بوده بعد از این طریقه استیفای ملت ایران از نفت این خواهد بود که کلیات عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت باشد این تعیین کردن يك طریقه و رویه ایست برای عمل دولت و بعد اینکه دولت متخصصین از داخله یا خارجه بخواهد برای عمل اینها دیگر يك جزئیاتی است که دولت خودش میتواند انجام بدهد وقتی جلو دولت گذاشتید صنعت نفت باید ملی شود این خودش يك طریقه ایست حالا اگر آقایان خواستید چه در کمیسیون و چه در مجلس وارد يك جزئیاتی بشوید دستتان باز است و من این توضیح را برای آقایانی عرض کردم که تردید دارند و میگویند که اگر ما این حرف را بزنیم بوظیفه قانونی خودمان عمل نکرده ایم در صورتیکه ما تعیین کردیم که طریقه عملی دولت این باشد که نفت ملی است و کلیه عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری دست دولت است و اینکه آقای پالیزی گفتند که ما منتظر دولت بشویم اولاً معلوم نیست که دولت چه وقت تشکیل خواهد شد و چند روز طول خواهد کشید در تانی بودن یا نبودن دولت در وضع ما تأثیری ندارد و این توهم هم موجب ندارد.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: در موقعی که جناب آقای صالح ابن تصمیم قانونی را قرائت کردند در آن تصمیم نوشته شده: «بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ بنده را متوجه کرد که این قانون را یکمرتبه دیگر بخوانم چون يك ماده اش راجع بتضییع منافع ایران از نفت جنوب است یعنی اگر ما بملی شدن رأی بدهیم در این قانون نوشته شده است ماده واحده اش را من نمیخوانم اما شق پ و ج هر دو مورد استفاده است: قسمت ب از ماده واحده راجع به بی اثر بودن موافقتنامه ۱۵ فروردین ۲۵ راجع بایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی مصوب شب ۳۰ مهرماه ۱۳۲۶:

ب- دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را بمنظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و در ظرف مدت پنجسال نقشه های کامل فنی و علمی مناطق نفت خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت بمقدار کافی بتواند ترتیب بهره برداری بازرگانی از این ثروت ملی را بوسیله تصویب قوانین لازم تعیین کند. این يك قسمت که دولت باید این اکتشافات را بکند و اما شق ج میگوید: «ج- واگذاری هر گونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن بخارجیها و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجيها در آن بوجهی از وجوه سهیم باشند مطلقاً ممنوع است» پس از این دو قسمت نمیشود استفاده کرد که در تمام نقاط نفت جنوب دولت باید مطالعه کرده باشد سایر قسمتهایش اصلاً ملی است.

آقای دکتر شایگان گفتند: مقصود این است که تکلیف نفت جنوب را معین بکنید.

آقای سرتیپ زاده اظهار داشتند: بنده هم عقیده ام اینست آقای عامری خیلی خوب میفرمایند ولی اگر نظر ایشان را قبول نکنید کمیسیون باید يك فورمول هم تهیه بکند که دولت برود چه کار بکند.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: تصور میکنم این بیانی را که جناب آقای عامری فرمودند مثل اینست که زمان را اشتباه فرموده اند علتش هم اینست که در محیطی آمد و شد میکنند که آدم را کمتر می بینند اینست که آن کسانی که میگفتند مرده با دار تجاع برادر سیدضیاء ولی حالا دیگر مردم متوجه هستند و باز بنده تأسف میخورم هر کسی خودش يك عقیده ای دارد و در باب کشف حقیقت میباشد بنده مدتی مریض بودم ولی در این مدت هر چه کتاب مربوط بنفت بوده است خوانده ام ولی می بینم دوستان و رفقای ما حالا خارجشان را نمیدانم ولی لاقلاً این جوابی که بنامه مرحوم نخست وزیر داده شده است غالباً نشنیده اند و اگر شنیده بودند این حرف را امروز نمیزدند اینها مطالبی است که شش ماه روی آن صحبت شده و روشن کرده اند از جهات مختلفه این چیزی را که ما نوشتیم در جواب نخست وزیر این چیزی است که از متخصصین درجه اول گرفته شده و جواب دندان شکنی است به چیزهای بی پایه نخست وزیر هر کسی خودش از فکر خودش يك نتیجه ای میگیرد بدون توجه بنظریات آقایان اگر من بخواهم مثل روش مدرسه که از شاگردان امتحان میکنم بخواهم امتحان بکنم میکنم شما فلان چیز را خواندید؟

اینها يك تحقیقاتی است آن را بخوانید همه این تشنج ها هست برای خاطر همین قضیه نفت تمام این زحمات را برای همین قضیه ایجاد میکنند باید کار در ا گذاشت و یکمرتبه برید البته کار کوچکی نیست و این ایادی انگلیسها نمیتوانند باین آسانی صرف نظر بکنند برای اینکه منتفع میشوند ولی آقا مردم هم هستند.

بنا بر این این تصمیم يك عکس العمل دارد حالا بعد از اینهمه صحبت و بحث ها جناب آقای عامری گفتند که من فکر میکنم سال پیش که ۲۰ یا ۴۰ لیره دادند در

سال آتیه چه میشود . يك چیزیکه آلان می بینیم وهمه مطمئن هستیم این قتل هائیکه واقع شده همه ناشی از اینست اگر کسی تردید بکند من نمیدانم چه تردیدی است این تشنج چه تأثیری در ما دارد مگر این ۷ نفر امروز این پیشنهاد را امضاء نکرده اند تشنج اینست که یکنفر را کشته اند و برای اینست که ندانست چه بکند و بواسطه روح نظامی که داشت يك وضع خاصی داشت که با اینصورت درآمد اگر این تشنج کلی و سیاسی است که در مجلس حرف زده میشود ما مشغول بحث بودیم آلان چه تشنجی ایجاد شده کمیسیون باید بیانش را بکند و نتیجه را بگیرد و اما راجع باینکه بانتظار دولت بشویم دولت یا خوب و یا بد است اگر يك دولت ملی بیاید همه رأی میدهند که بروند مذاکره بکنند دولت غیر ملی باشد باز مقاومت میشود میگویند بدولت ندهید بکمیسیون بدهید . بنظر بنده مسامحه در این کار بنفع مجلس نیست و بنفع مملکت و کمیسیون هم نیست و شکل دیگری هم پیدا نخواهید کرد آلان مرد و مردانه آنها که رأی نمیدهند بگویند رأی نمیدهیم مردن یکبار شیون یکبار . آلان یکی از آقایان میگوید که در این باب من سهمی بستم البته نمایندگان مسئولیت هم دارد ممکن است فردا وضع دنیا يك طور دیگری بشود اما من پیش خودم میگویم راه حل همین است و نمیدانم فردا چه میشود آنچه که ممکن است سیاست را پیش بینی کرد فکر کردیم دائم اخبار را میخوانیم و می بینیم مثل اینکه آلان موقع این کار رسیده بنده چطور بیایم بگویم یکماه دیگر شاید روسها و انگلیسها در باب ایران توافق کردند اینست که البته هیچ کاری نکردن خیلی آسان است ولی يك کسیکه يك همچو مسئولیت عظیمی را بعهده میگیرد یعنی در يك دوره ای و کیل شده که هر اتفاقی بیفتد از چشم و کیل می بینند بنظر بنده تأخیر در این کار هر عنوانی که رویش گذاشته بشود این بضرر ما است و این پیشنهاد جناب

آقای دکتر مصدق اصلاح پیشنهادات است این میرود بمجلس یا قبول میکنند یا رد میکنند اگر تقصیر ای داشت با میگویند دولت بروند فکر بکنند و با بکمیسیون بر میگرددند و در هر صورت تأخیر در این امر از طرف کمیسیون بکلی غلط است این تأملی را که آقای میفرمائید این را سیاستمداران مجلس بکنند اکثریت با مجلس است و دست ما نیست دست اکثریت مجلس است اگر اشکالی دارد در آنجا بحث بشود بنا بر این گمان میکنم که کسه صبر اعزاء کمیسیون بر شده باشد و بیش از این تأملش جایز نیست ولو آنکه بعدها هم بخواهید يك نتیجه ای بگیرید و راه عمل کردش را پیدا کنید برای طرز عمل کرد آن ممکن است همه جور آقایان فرصت بدهند که استفاده بکنید اینست که بنده پیشنهاد جناب آقای دکتر مصدق را تأیید میکنم .

آقای مکی گفتند : بنده عرایض مفصلی میخواستم عرض کنم ولی يك قسمت از عرایض مرا جناب آقای دکتر شایگان فرمودند و فقط يك جمله بعرایض سابقم اضافه میکنم و آن اینست که بنده نمی توانم و کیل مجلس باشم و مسئولیت خطیر و مهمی از طرف يك ملت فقیر ببنده واگذار شده باشد و بعد رأی را بگذارم در خارج مجلس که هر چه آنجا بگویند گوش بکنم من هر چه مصلحت ایجاب بکند همان را خواهم کرد و در راه این عقیده یعنی بدست آوردن منافع ایران حاضرم قربانی بشوم (احسن) و هر چه بیشتر بخواهند ما را اذیت بکنند من تمام اسرار آنها را پشت تریبون مجلس میگویم و از آن هم دفاع خواهم کرد از اینموقع بهتر برای مملکت وقت پیدا نخواهد شد و کمیسیون هم از این بهتر نخواهد شد برای اینکه هشت ماه ما مطالعه کردیم جناب آقای عامری دیروز در ملی شدنش موافق بودند منتها میگفتند فورمولش را معین بکنید حالا در خارج انگلک میکنند اگر اینطور است در مجلس را ببندند تا اسقاط تکلیف از من

بشود والا من وکیل هستم و آزاد میباشم.

آقای حائری زاده گفتند: این موضوع را بنده مخاطره‌ای برایش نمی بینم موقعیت امروز دنیا این مردم گرسنه و بدبخت را در این قسمت همه را متفق کرده مگر يك چند نفری در این مملکت ممکن است باشند که يك گروهائی در لندن دارند والا همه با این فکر هم آواز و هم صدا هستند و من هیچ خطری در این کار نمی بینم. آن روز کار گذشت ما باید از رؤسای مجلس دوره اول و دوم درس بگیریم اولتیماتومی که روسها بدولت ایران دادند در آن موقع دوهزار گونه مخاطره برای وزیر، وکیل و ملیون بود مردم مقاومت کردند این دیکتاتوری و کودتای ۲۰، ۳۰ ساله بکلی بوضعیت ما لطمه وارد کرده والا دنیا بحدی با ما مساعد است که حد ندارد. جناب آقای عامری گفتند دوفکر هست بنده عرض میکنم خیر يك فکر هست و آن اینست که باید از دست اجنبی نجات پیدا بکنیم. بکده هستند که مقام خودشان را روی سوء سیاست انگلیس فرض میکنند من اول جلسه عرض کردم که اصرار ندارم فرم تهیه بشود بیائیم تصمیم بگیریم الساعه همه آقایان حاضر هستند پنج دقیقه بنشینند و همان فرم که دیروز تهیه شد مطرح بکنند و رویش بحث بکنیم.

آقای مکی گفتند: من با سو کمیسیون مخالفم تا آنجا رفتم جلسه مان تمام میشود بجای بنده کس دیگری را معین بفرمائید.

آقای سر قیپ زاده گفتند: این سو کمیسیون باشد بهتر است و اما آن مطلبی که آقای مکی میگویند من از خدا میخواهم بروند پشت تریبون و اگر من يك سوسه‌ای داشته باشم بگویند.

آقای مکی گفتند: خیلی معذرت میخواهم دیروز قرار بود که ما امروز از ساعت

۹ بیائیم و سه نفر از آقایان فرامرزی - کنجه‌ای - عامری نیامدند (آقای کنجه‌ای گفتند: بنده اینجا در هیئت رئیسه بودم).

آقای عامری گفتند: این کار مربوط بمملکت است و هر کس هم حرفی میزند میگوید با يك مطالعه زیاد وقت رأی بدهد این کنفرانسهایی که زمامداران تشکیل میدهند برای چیست از نقطه نظر سیاست دنیا است چرا اینهمه زمامداران دنیا زحمت میکشند هر کسیکه وارد سیاست است باید تمام جوانب کار را در نظر بگیرد.

آقای رئیس اظهار کردند: که آقای پالیزی پیشنهاد کرده اند که آقایان تشریف ببرند و سو کمیسیون را تشکیل بدهند و فورمول این کار را معین بکنند.

آقای ذوالفقاری گفتند: آقای مکی میفرمایند الا لله و آن چیزیکه ما گفتیم غیر از آن چیزی قبول نمیکنیم صبح آقای حائری زاده يك پیشنهادی تهیه کرده بودند که بد نبود.

آقای مکی گفتند: آقایان شاهدند که بنده نگفتم الا لله و تمکین کردم و گفتم يك کلمه اش عوض بشود.

آقای دکتر کاسمی گفتند: چون تصمیم باید باتفاق آراء گرفته بشود البته آقایان هم که آن پیشنهاد ملی شدن را فرمودند بکفدری باید رعایت حال ما را هم بکنند که افکار بهم نزدیک بشود والا آن پیشنهادی که هفت نفر امضاء کرده اند اینجا هست و اگر آقایان میخواستند امضاء میکردند پس آقای مکی هم خوبست بکفدری در نظریاتشان تعدیل بکنند.

آقای حائری زاده گفتند: من عرض کردم حساب کمیانی را تصفیه بکنند و برای کارهای فرعی از جمله بخش و غیره يك طوری بشود که يك شرکتی تشکیل بشود که

پنجاه درصد سهام آن مال خودمان باشد.

آقای گنجهای اظهار داشتند: این مطلب رسیده با آخرین درجه ای که باید حل بشود و راه حلش یکی اینست که پیشنهاد شما وجهه ملی که اینجا هست و یکی هم آن پنج ماده است که هر کدام از آقایان واقعاً بخواهند رای بدهند و امضاء بکنند ولی خبر اگر مطلب این باشد که همینطور مثل دوره کمیسیون قبل بخواهیم یک رأیی با اتفاق بدیم این ممکن است که آقایان بفرمایند درسو کمیسیون و در اینجا یک فورمولی تهیه بکنیم که مورد اتفاق همه باشد (آقای مکی گفتند: بجای بنده جناب آقای دکتر شایگان بروند).

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: من سه ماه است رفته ام و مطالعات و مذاکراتم را کرده ام و غیر از این بچیز دیگری رأی نمیدهم.

در اینموقع پیشنهاد آقای پالیزی بشرح زیر قرائت گردید:

بنده پیشنهاد تنفس مینمایم که آقایان تشریف ببرند و فورمول لازم را تهیه نمایند پالیزی.

با پیشنهاد مزبور موافقت بعمل آمد و قرار شد آقایان بروند در سو کمیسیون و نتیجه مذاکرات و مطالعاتشان را پس از یک ساعت مجدداً به کمیسیون بیاورند و مطرح بشود.

در اینموقع ساعت ۷/۵ بعد از ظهر تنفس داده شد و تا ساعت ۹ بعد از ظهر چون نتیجه کار سو کمیسیون معلوم نشد جلسه ختم گردید و جلسه آینده بروز پنجشنبه چهار بعد از ظهر موکول گردید. رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر م - صدق

جلسه سی و هفتم

سی و هفتمین جلسه کمیسیون مخصوص نفت روز پنجشنبه ۲۹/۱۲/۱۷ پنجساعت بعد از ظهر بر ریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان: بهبهانی - گنجهای - امامی - دکتر شایگان - حائری زاده - مکی - پالیزی - دکتر هدایتی - سرتیپ زاده - دکتر علوی - صالح - دکتر کاسمی - ذوالفقاری - قشقایی تشکیل گردید.

ابتدا آقای رئیس نامه ای را که آقای مهندس مستوفی بکمیسیون نوشته بودند بکمیسیون تقدیم و بشرح زیر قرائت گردید:

بتاریخ ۲۹/۱۲/۱۶

توسط جناب آقای مکی مخبر محترم کمیسیون نفت - جناب آقای دکتر مصدق رئیس کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی لازم میدانم مطالب ذیل را برای روشن شدن حقیقت با اطلاع جنابعالی برسانم:

۱ - دولت برای اظهار نظر فنی کمیسیونی دعوت نکرده بود بلکه آقای نخست وزیر شخصاً تحت عنوان اینکه میخواهند برای خود کسب اطلاع نمایند بعده ای متخصص مراجعه و شفاهاً سئوالاتی نموده و پاسخ ها را یادداشت میکردند و بهیچوجه گزارشی که اعضای متخصصین را در برداشته باشد تسلیم نخست وزیر نشده است لازم است با اطلاع جناب شما برسانم که همیشه بابشان تذکر داده میشد که این پاسخ ها صرفاً جنبه فنی داشته و نباید از آن استفاده سیاسی شود و ایشان همیشه اطمینان میدادند که این اطلاعات را فقط برای روشن شدن موضوع برای شخص خودشان میخواهند و بهمین جهت مخصوصاً اصرار داشتند که پاسخ ها نباید تابع عقیده سیاسی افراد باشد و تکرار میکردند صرفاً از نقطه نظر فنی جواب داده شود بعداً ملاحظه شد که چند

سؤال و جواب از بین کلیه سئوالات را با بعضی تغییرات بعرض کمیسیون رسانیده اند گرچه کلیه نظریاتی که بعرض ایشان رسیده بود ذکر نشده ولی همانطور که از مفاد نامه جوانیه جناب شما حاکی است نظریاتی که منتشر شده است موضوع ملی شدن نفت را منتفی نساخته و فقط اشکالات فنی، عملی و مالی موضوع را تشریح میکنند.

۲ - سئوالات جناب شما را برای اظهار جواب نزد مهندسین فرستادند ولی چون کاملاً منظور روشن نبود در جواب فقط بذکر موارد ابهام و لزوم توضیحات بیشتری اکتفا شد.

۳ - در پاسخ های فنی مطالب مختلفی بنفع و همچنین بضرر نظریه دولت بود و بدیهی است فقط قسمتی که بنفع نظریه دولت بوده است تفکیک و بعرض کمیسیون رسیده است بهر حال در هیچ موردی هیچیک از جواب دهندگان مطلبی را که برخلاف حقیقت و وجدان باشد ابراز نکرده و در عوض جواب بمسائل مهمی که باحیاط مملکت بستگی دارد بهیچوجه چشم بنگاهداشتن مقام نداشته و ندارند کما اینکه شغل فعلی آنها مربوط بتهیه نفت ایران برای ایرانی و بدست ایرانی است و در این مورد خدمت مقدس را انجام داده و میدهند. مهندس باقر مستوفی

آقای صالح تذکر دادند: که بنده آن روز به رزم آراء گفتم که تکذیب خواهد شد و همچنین گفتم که امضاء ها را نشان بدهید ایشان گفتند در جیبم هست.

آقای رئیس خطاب به آقای حائری زاده گفتند: دیشب حضرتعالی در سو کمیسیون تشریف داشتید نتیجه چه شد؟

آقای حائری زاده گفتند: بلی من تا ساعت ۹ بودم آقایان یکی یکی رفتند و بعد من ماندم و خودم و کسی نبود که مشورت بکنم.

آقای صالح تذکر دادند: که آقای فرامرزی گفته اند که من رأی خودم را داده ام و احتیاج به آمدن نیست.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بعضی دیگر از آقایان هم رأی خودشان را داده اند حاضر هم میشوند.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده میخواستم از جناب آقای امامی استدعا بکنم که توجهات خودشان را مبذول بدارند و این دفعه هم يك طوری بشود که بانفاق آراء تصمیم خودمان را بگیریم (آقای امامی گفتند: انشاء الله) آندفعه هم جنابعالی لطف کردید ایندفعه هم توجه بفرمائید.

آقای امامی گفتند: باید یکقدری اطراف و جوانب کار را سنجید و يك کاری خدای نکرده نکنیم که نتوانیم برگردیم.

آقای مکی گفتند: بنده پیشنهاد کردم که ما بملی شدتش رأی بدهیم و آنوقت به مجلس بگوئیم که يك ماه دو ماه وقت بدهید برای تهیه فورمول آن.

(در اینموقع ساعت شش بعد از ظهر تنفس داده شد و مجدداً ساعت شش و سه ربع تشکیل شد).

آقای رئیس اظهار داشتند: چون آقای جمال امامی مسافرت تشریف داشتند و از وضع کمیسیون بی خبر بودند حالا مستحضر شدند که کمیسیون در اینمدت چقدر

صحبت کرده و بالاخره يك راه حلی تهیه نموده همیشه نظر آقایان این بوده که این کار بانفاق آراء بگذرد اگر گذشت برای مجلس هم محظوری نیست و اثر میکند ولی اگر بانفاق

نگذشت بنده در پیشرفت مجلس هم نمیتوانم اطمینان پیدا بکنم اینست که از آقایان محترم

تمنایکنم يك تصمیم قطعی و با اتفاق بگیرید که ما تا روز شنبه کار را تمام کنیم زیرا بما شمامت میکنند که در ظرف دو ماه نتوانستیم هیچ کاری بکنیم و هیچ هدیه ای برای این مردم

که اینقدر منتظرند ببریم اینست که تصمیمتان را بفرمائید (آقای امامی گفتند: میفرمائید در این یکی دو روزه تصمیمان را میگیریم) خیر امشب را عرض میکنم بجهت اینکه نظر ما اینست که برای اصل مسئله تصمیمان را بگیریم و بعد برای طرح جریانش روز شنبه یا یکشنبه و اگر وقت نداشته باشیم برای جریان و اجرای این کار هر طور مجلس صلاح بداند بما اجازه میدهد بدهد و بادیولت را مأمور میکند بکند. (آقای امامی گفتند: شخص بنده هنوز درست روشن نیستم حالا اگر اجازه میفرمائید ما از مجلس تمديد بخواهم بلکه آن توافق آراء حاصل بشود و باین شکل تصور میکنم اتفاق آراء حاصل شود) اتفاق حاصل نشود بجهت اینکه بنده دو ماه باحال کسالت آمدم اینجا که بلکه بتوانم این آمال ملت را انجام بدهم ولی تمديد مدت این مشت مارا نزد مردم باز میکنند.

آقای گنجهای اظهار داشتند: حقیقت اینست که در این دوسه ماهی که این مطلب مطرح شده زحمانی که جنابعالی شبانه روز متحمل شده اید قابل انکار نیست دیشب من خودم دلم بحال جنابعالی سوخت ولی از یکطرف هم مطلب باندازه ای مهم است که میشود گفت در طول مدت قرونی يك همچنين مطالب بیش میآید بنده عقیده ام اینست جنابعالی هم موافقت بفرمائید برای خاطر همین کار مهم و تأمین منافع ملت و تحصیل اتفاق آراء این تقاضا را ما از مجلس بکنیم که یکماه تمديد بکنند و ما هم در حضورتان بنشینیم جنابعالی هم یکقدری استراحت بکنید و ما هم قول میدهم که يك کاری بکنیم که منتهی بتوافق بشود اگر جنابعالی موافقت بفرمائید که یکماه تمديد بشود و در همین مدت هم مشغول بشویم مطابق میل اکثریت و شخص جنابعالی قول میدهم که افکارمان را نزدیک بکنیم و يك چیزی که صد در صد نفع ملت باشد انجام بدهیم و چند نفر از از آقایان هم موافقت دارند.

آقای مکی گفتند: این کمیسیون گزارش بمجلس بدهد چون ما نتوانستیم تصمیم بگیریم مستعفی بشویم و کمیسیون دیگری را معین کنید پس این عده عقیده شان تقریباً معلوم شد حالا از خارج اگر فشار بیاورند تکلیف ما چیست ما مستعفی میشویم.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده اگر با جمعیتی کار نمیکنم فرمایش آقای گنجهای را اطاعت میکنم و خودم نمی آمدم وقتی تمديد میکردید میگویم کسالت دارم نمیآیم. بنده با یکعده ای کار میکنم که آنها عقیده بتمديد ندارند آقایان مکی و صالح و حائری زاده شما با تمديد موافقت دارید؟ (آقایان گفتند: خیر). بنده شخص خودم اگر تنها بودم نمی آمدم و چون با آقایان همکاری میکنم بنظریات آنها احترام میگذارم.

آقای دکتر کاسمی گفتند: چه جنابعالی بخواهید چه نخواهید گره مشکل نفت باید بدست جنابعالی کشوده بشود این موضوعی است که کسی منکر نیست خدمتی هم تابحال شده والان هم بيك جاهائی رسیده ام اگر ادامه بدهیم بنده يقين دارم بیشتر بموفقیت نزديك ميشویم اینست که استدعا میکنم در این قسمت موافقت بفرمائید الان هم فکر ما خیلی نزديك شده است.

آقای رئیس اظهار داشتند: بنده از تمديد این کمیسیون مأیوس هستم ما اینطور تشخیص دادیم که اگر کمیسیون کاری کرد کرد و اگر نکرد دیگر کاری نمی توانیم بکنیم.

آقای مکی گفتند: آقایان در خارج صحبت میکنند که يك فورمولی برای تمديد تعیین کنیم آخر این فورمول چیست؟

آقای قشقائی اظهار داشتند: جناب آقای گنجهای که راجع بتمديد گفتند

مقصود اینست که بیک طرز آبرومندی ما بتوانیم پیشنهاد بکنیم که با اتفاق آراء رأی بدهیم و اثر داشته باشد والا این آقایانی که اینجا میآیند همه محظوراتی دارند و زحمت میکشند و آقای مکی بعضی مطالب را گفتند بنده عرض میکنم هر کمیسیون معین بشود باین اندازه که این کمیسیون صمیمیت بخرج داده و میدهد نمیتواند بدهد بنده فکر میکنم برای ده روز دیر و زود دلیلی ندارد که ما بیائیم کمیسیون را از اکثریت بیندازیم و زحمات ما بهدر برود حالا بک فورمولی بنده پیشنهاد میکنم که روی آن رأی بگیریم و تمام بشود.

پیشنهاد مزبور بشرح زیر است که قرائت میشود:

چون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بالاتفاق مورد قبول اعضاء کمیسیون مخصوص نفت میباشد و مدت کمیسیون هم منقضی است برای طرز اجرای این اصل وقت کافی در دست نیست لذا از مجلس شورای ملی تقاضای سه ماه تمدید مینماید. (آقای حائری زاده گفتند: بایک اصلاحی من موافقم) بک علت اساسی دیگری که من داشتم اینست که من آن تصمیم قانونی مجلس را مطالعه کردم میگویید: «بمنظور اجرای قانون مهرماه ۱۳۲۶ بآن کمیسیون مأموریت میدهد که با توجه به پیشنهادات آقایان نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و رویه دولت تهیه و برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم نماید» ما جلوتر باین اشکال بر میخوریم که معلوم است دولت چه میگویید بک دولتی بود و اینطور میگفت ولی الی الابد اینجور نیست و در همین دوسه روزه لابد بک دولتی با تمایل مجلس روی کار میآید و میشود طرف مشورت قرارش بدهید.

آقای ذوالفقاری گفتند: همانطور که آقای حائری زاده گفتند فرمایشاتشان بسیار متین و بجا بود چون بک دولتی قبلاً آمده بود و روش خودش را معین کرده بود

دولتی که حالا میآید ما چه میدانیم چه روشی دارد شاید بگوید من طرفدار ملی شدن هستم.

آقای رئیس اظهار داشتند: دولت بعدی هم طرفدار دولت قبلی است اگر بک دولتی گفت من طرفدار ملی شدن هستم این مانعی ندارد.

آقای حائری زاده گفتند: برای مشاوره با دولت که راه اجرایش را ببینیم چه جور میشود البته دولتی که با تمایل مجلس معلوم بشود نه دولتهای سابق بعقیده بنده بد نیست.

آقای رئیس توضیح دادند: پیشنهادی که از طرف ماداده شده حق تقدم دارد اگر رأی دادید که خیلی خوب و اگر رأی ندادید پیشنهاد دیگری قرائت میشود (آقای امامی گفتند: بنده هنوز روشن نیستم که بآن رأی بدهم بنده بک پیشنهادی میکنم) بنده مطابق مقررات وظیفه دارم که باین پیشنهاد ملی شدن رأی بگیرم (پیشنهاد مزبور قرائت شد).

آقای ذوالفقاری گفتند: عجله نفرمائید اگر خدای نکرده رد بشود این خطرش برای مملکت بیشتر است.

آقای رئیس اظهار داشتند: مطابق آئین نامه باید باین پیشنهاد رأی گرفته بشود و اگر رأی نمیدهید بنده مرخص میشوم و استعفاء میدهم. (آقای دکتر کاسمی گفتند: هر چیزی که حضرتعالی رای بکنم بهدقتان نزدیکتر بکنند آن را قبول بفرمائید) شما هر چه بامنطق صحبت میکنم که قبول نمی فرمائید ما میگوئیم میخواهیم خودمان را از دست خارجی نجات بدهیم شما میخواهید بآبودن بک خارجی در این مملکت دست دیگران را هم باز کنید.

آقای قشقائی گفتند: من با ملی شدن موافقم ولی همانطور که مخالف بودم که در محیط غیرعادی نباید برخلاف نظر مردم تصمیم بگیرند الا آن هم مخالفم که در اینموقع برای این کار تصمیم گرفته شود.

در این موقع پیشنهادی از طرف آقای جمال امامی تهیه و با اصلاحاتی بشرح زیر قرائت گردید: تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷

مجلس شورای ملی - نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمسیون قرار گرفته و از آنجائیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید.

بامضاء آقایان: جمال امامی - دکتر مصدق - دکتر شایگان - صالح - بهبهانی - حائری زاده - جواد گنجهای - مکی - سر نیپزاده - پالیزی - دکتر علوی - قشقائی - ناصر ذوالفقاری - دکتر کاسمی - دکتر هدایتی - فقیه زاده - فرامرزی - عامری .
پیشنهاد مزبور بامضای ۱۵ نفر از آقایان رسید و آقایان فرامرزی و فقیه زاده و عامری که در جلسه حضور نداشتند صبح روز بعد امضاء نمودند و قرارداد گزارش آن تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی گردد.

جلسه ساعت هفت و نیم بعد از ظهر ختم شد.

رئیس کمسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

شماره ۵

بتاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۹

گزارش از کمسیون مخصوص نفت بمجلس شورای ملی

مجلس مقدس شورای ملی

کمسیون مخصوص نفت که طبق تصمیم قانونی در جلسه پنجشنبه ۳۰/۳۰/۳۲۹ از طرف مجلس شورای ملی اتخاذ شده است و منتهای یادآوری بعرض مجلس شورای ملی میرساند:

تصمیم قانونی

- « مجلس شورای ملی باتأیید و تصویب گزارش کمسیون نفت دائر بر اینکه »
- « لایحه ساعد - کس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست بمنظور اجرای قانون »
- « مهرماه ۱۳۲۶ به آن کمسیون مأموریت میدهد که با توجه به پیشنهادات آقایان »
- « نمایندگان در ظرف دو ماه گزارشی مبنی بر تعیین وظیفه و روبره دولت تهیه و برای »
- « تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم نماید » .
- « آقایان نمایندگان میتوانند در ظرف دو هفته هر گونه پیشنهادی که دارند »
- « بکمسیون تقدیم نمایند » .

از تاریخ نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ الی تاریخ پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ دوازده جلسه تشکیل داده و غالب جلسات طولانی و در جلسه چند ساعت مشغول مطالعه جوانب و اطراف موضوع بوده و از لحاظ سیاسی و اقتصادی و قضائی و غیره مذاقه کامل بعمل آورده که عیناً چگونگی مذاکرات در صورت جلسات کمسیون منعکس است بالاخره

در روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۲۹ کمیسیون با توافق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینک گزارش آن تقدیم مجلس شورای ملی میگردد :

مجلس شورای ملی « نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد توجه و قبول کمیسیون قرار گرفته و از آنجائیکه وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید .

د کتر محمد مصدق - جمال امامی - دکتر شایگان - صالح - بهبهانی - حائری زاده - گنجی - حسین مکی - سرتیپ زاده - پالیزی - د کتر علوی - قشقائی - ناصر ذوالفقاری - د کتر کاسمی - د کتر هدایتی - فقیه زاده - عامری - فرامرزی .

بنا بر این ماده واحده ذیل را با قید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

ماهه واحده - مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید و با تمدید مدت موافقت مینماید .

نجیر کمیسیون مخصوص نفت - حسین مکی

دوره سوم کمیسیون مخصوص نفت :

جلسه سی و هشتم

ساعت ده و نیم صبح دوشنبه بیست و ششم فروردین ماه ۱۳۳۰ جلسه اول از دوره سوم کمیسیون مخصوص نفت برای طرح اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان اللهیار صالح ، امامی ، عامری ، بهبهانی ، فقیه زاده ، سرتیپ زاده ، حائری زاده ، مکی ، دکتر هدایتی تشکیل گردید .
ابتداء صورت آخرین جلسه دوره دوم (سی و هفتمین جلسه) قرائت و پس از تذکر آقای فقیه زاده راجع باینکه عدم حضور بنده در آخرین جلسه همانطور که کتباً و تلفناً اطلاع دادم بواسطه تصادف اتومبیل و کسالت بوده و همانشب اطلاع دادم که آنچه آقایان تصمیم بگیرند بنده هم حاضر خواهم بود . چون دیگر اعتراضی نبود صورت جلسه قبل بتصویب رسید .

آقای بهبهانی اظهار داشتند : بنده میخواستم این مطلب را متذکر بشوم ما طریق اجرای ملی شدن را باید تعیین بکنیم (صحیح است) و اینهم بعقیده من اینست که در اجتماع مذاکره کردن روی اینموضوع خیلی مشکل است از اینجهت من نظر داشتم يك اشخاصی که متوجه تمام جهات بوده و کاملاً وارد باشند مثل آقایان دکتر مصدق و امامی يك راه حلی معین بکنند يك سو کمیونی تعیین بشود و این اشخاص بنشینند يك سوژه ای تهیه کنند و بعد ما در کمیسیون در اطرافش مذاکره و بحث کنیم بنده عقیده ام اینست .

آقای حائری زاده اظهار داشتند : من صد در صد با نظر ایشان موافقم و پیشنهادی نوشته ام که سه نفر انتخاب بشوند با حضور جناب آقای رئیس و نجیر که این پنج نفری این پیشنهادها را مطالعه بکنند و يك راه حلی تهیه بکنند مدت هم معین بکنیم

که در ظرف ده روز این کار تمام بشود و پیشنهادهایی که میرسد چاپ و توزیع گردد که همه مطالعه بکنیم و در موقع اتخاذ تصمیم روشن باشیم هر پیشنهادی که یکی از و کلاه اگر چه از امریکا هم برسد امضاء بکند ما اینجا روش بحث میکنیم و در غیر اینصورت من امروز دیدم يك مقداری پیشنهاد مختلف رسیده که این مورد بحث ما نیست.

آقای عامری اظهار داشتند: بنده با نظر آقایان مخالفتی ندارم ولی برای تسهیل کار هر سو کمیسیون اول ما بایشتهادهای خارج کاری نداریم پیشنهادهای آقایان و کلاه چاپ بشود و ما مطالعه میکنیم يك بحثی هم قبل از سو کمیسیون بکنیم که روی هر مرتبه تا حدی نظریات آقایان اعضاء کمیسیون بدستمان بیاید آنوقت سو کمیسیون با سهولت میتواند بکار خود ادامه بدهد.

آقای دکتر هدایتی اظهار نمودند: سو کمیسیون بسیار خوب است اما وقتیکه يك مطالعه کلی راجع باصل مطلب بشود. آن دفعه که ما سو کمیسیون معین کردیم اصل مطلب روشن شد بعد سو کمیسیون معین گردید و در عین حال که بنده این عقیده را دارم در همان حال بتسریع در این کار هم نهایت علاقه را دارم و خواهم که منتظر آخر مدت نشوم بل در دلیل یکی اینکه جریانات و حوادث دنیا ممکن است اوضاع دیگری را ایجاد بکند وزیر خارجه انگلستان در مجلس میگوید ما نسبت باوضاع ایران نگران هستیم و با کسی هم نداریم که کشتی جنگی بفرستیم بنظر من این بزرگترین اشتباهی است که وزیر خارجه انگلیس میکند (آقای جمال امامی گفتند: از این اشتباهات زیاد میکنند) دوم از لحاظ حیات شخصی مردم است آلان تمام احتیاجات روز مره مردم با نفت است با این اوضاع زمزمه است که چون در تصفیه خانه اعتصاب شده ممکن است نفت ندهند آلان باین ناوائیها اگر نفت نرسانند چه میشود با این ترتیب هم حیات سیاسی و هم حیات شخصی ما در دست آنها است اگر آقایان موافق باشند این را باید

دولت يك فکری بکند و تحت نظر بگیرد که از این مضيقه نجات پیدا بکنیم زیرا توزیع و پخش نفت بطور اختیاری دردست آنها است و این يك تهدیدی است که ب مردم میکنند ما فکر میکنیم هفته دیگر نفت را نرسانند و ذخیره هم اگر داشته باشند و بگویند نداریم این چه میشود باید دولت يك تکلیفی برایش معین بکند و بعد هم راجع به اجرای ملی کردن آقایان نظریاتشان را بدهند.

آقای فقیه زاده گفتند: با پیشنهاد آقای بهبهانی موافقم و خصوصاً با این قسمتی که آقای حائری زاده اضافه کردند ولی يك نکته است و آن اینست که دولت فعلی جواب یادداشت سفارت انگلیس را که داده کاملاً حسن نیتش را در اجرای رائی که کمیسیون و مجلس داده ثابت کرد و بنده استدعا میکنم که رئیس دولت فعلی را بخواهید در کمیسیون ببینید نظر دولت در اجرای ملی شدن صنعت نفت چیست و آیا در این مورد فکری کرده یا نکرده دولت را هم شرکت بدهید و نظرش را بخواهید ببینید چه تصمیمی دولت گرفته است موضوع دوم اینست که هر چه زودتر باین وضعیت خاتمه بدهیم ملاحظه بفرمائید چه تحریکاتی میشود و چه دستهایی دارد کار میکند هر ساعت ما نگران هستیم باید هر چه زودتر این کار را تمام بکنیم.

آقای رئیس توضیح دادند: در مورد سو کمیسیون که جناب آقای بهبهانی پیشنهاد فرمودند سو کمیسیون باید کار را تهیه بکند برای کمیسیون (صحیح است) یعنی مقدمات کار را هر جا که سو کمیسیون معین میشود اول خود کمیسیون صحبت نمیکند ابتدا سو کمیسیون يك مقدماتی را فراهم میکنند و نظریات خودش و همچنین نظریات مجلس را راجع با اجرای تصمیم مجلس شورای ملی اظهار میکنند و بعد گزارش سو کمیسیون در کمیسیون مورد شور واقع میشود و اما اینکه آقای فقیه زاده فرمودند از دولت دعوت بشود باید عرض کنم که دولت هیچ فایده و نظری ندارد اگر ما در

سو کمیسیون دیدیم که محتاج بمراجعه دولت است البته اطلاعات میگیریم و ضمن گزارشی که سو کمیسیون میدهد مورد بحث در کمیسیون قرار میگیرد اگر بخواهید تسریع بشود نظری غیر از این نیست و بعداً آقایان هر چیزی را که برای تکمیل پیشنهاد سو کمیسیون بخواهند چه از دولت و چه از سو کمیسیون میتوانند بحث و پیشنهاد بکنند.

آقای فقیه زاده گفتند: بنده استدعا میکنم همانطور که جناب آقای رئیس فرمودند حالا که سو کمیسیون باید انتخاب بشود از متخصصین داخلی و خارجی هم در سو کمیسیون استفاده بشود در قانون هم تصریح شده.

آقای بهبهانی اظهار داشتند: بنا بر این برای سو کمیسیون رأی گرفته شود.

آقای دکتر هدایتی گفتند: بنده مخالفم برای اینکه اینجا زمینه برای اجرایش هست و همان پیشنهادی است که جناب آقای رئیس داده اند.

آقای رئیس اظهار داشتند: هر يك از آقایان میتوانند نظریات خودشان را بسو کمیسیون بدهند و حق دارند بجهت اینکه سو کمیسیون يك مرکز پیدامیکند از يك جریان کوچکتری برای يك جریان بزرگتری از روی حساب روزی صد هزار لیره ضرر ملت ایران است ما تا هفت روز دیگر باید تأمل بکنیم و در ظرف این هفت روز سو کمیسیون باید تمام کارهایش را تمام بکند که بعد از انقضاء ۱۵ روز گزارش کارشان را بیاورند در این جلسه و بگویند این نظریات ما است حالا راجع بکفایت مذاکرات در خصوص پیشنهاد آقای بهبهانی رأی میگیریم.

(بکفایت مذاکرات رأی گرفتند و تصویب شد)

آقای فقیه زاده گفتند: بنده با پیشنهاد آقای حائری زاده موافقم که مخبر و رئیس کمیسیون هم علاوه بر سه نفر باشند.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند: بنده پیشنهاد میکنم پنج نفر برای

سو کمیسیون معین بشود که با مخبر و رئیس هفت نفر بشوند.

آقای امامی اظهار داشتند: من اینطور استنباط کردم که میفرمائید يك سو کمیسونی معین بشود که بیاید بگوید کمیسیون چه فورمولی را اتخاذ بکند یکوقتی است که منظور ما اینست که سو کمیسیون با کمیسیون طرز اجرای ملی شدن را تهیه میکند یکوقتی است که میآید میگوید برای اجرای این امر، این عملیات باید بشود یعنی يك همچو فورمولهایی لازم است.

آقای رئیس توضیح دادند: سو کمیسیون يك نظریاتی راجع بطرز اجرای تصمیم مجلس بکمیسیون خواهد داد و این در کمیسیون بحث و شور میشود. آقایانیکه موافقت باین پیشنهاد که بنجنفر باضافه دو نفر مخبر و رئیس کمیسیون برای سو کمیسیون معین بشوند قیام کنند (باتفاق تصویب رسید).

آقای امامی تذکر دادند: از غائبین هم ببینید چه اشخاصی هستند و ممکن است این را بگذارید برای جلسه بعد.

آقای رئیس تذکر دادند: هر که را صلاح میدانید بفرمائید برای سو کمیسیون انتخاب گردند.

آقای بهبهانی پنج نفر آقایان: عامری - دکتر هدایتی - امامی - فرامرزی - کنجشای را پیشنهاد کردند و مورد قبول آقایان واقع شد.

آقای حائری زاده متذکر شدند: این آقایانیکه حالا انتخاب شده اند و اغلب آنها غیبت دارند آیا قبول میکنند یا نه؟

(گفته شد اگر قبول نکردند سو کمیسیون بجای آنها اشخاص دیگری را انتخاب میکنند) در اینموقع جلسه نیمساعت بعد از ظهر ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه سی و نهم

ساعت دو قبل از ظهر روز دوشنبه دوم اردی بهشت ماه ۱۳۳۰ دومین جلسه ازدوره سوم کمیسیون مخصوص نفت برای طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بریاست آقای دکتر محمد مصدق وبا حضور آقایان:

گنجینه ای - بهبهانی - مکی - خسرو قشقائی - فقیه زاده - اللهیار صالح - حائری زاده - سر تپ زاده - جمال امامی - ناصر ذوالفقاری - جواد عامری - دکتر هدایتی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

بدو صورت جلسه قبل قرائت و پس از مختصر تذکر اصلاحی آقای دکتر هدایتی بتصویب رسید.

آقای عامری اظهار داشتند: اگر آقایان اجازه بفرمایند موادی که در سو کمیسیون تهیه شده بخوانیم ولی در بعضی موارد يك مختصر اختلافی است که ممکن است در اینجا حل بشود.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: هنوز توافق نشده چه نتیجه ای دارد طرح بشود.

آقای فقیه زاده نظر داشتند: که خوبست نسبت بان مواد در سو کمیسیون توافق حاصل بشود و بعد بیاید اینجا ممکن است قبل از توافق قضیه افشاء شود و نگذارند منظوری که داریم عمل شود.

آقای عامری دنباله صحبت خود اظهار داشتند: کار از اینجا گذشته است بنده در روزنامه خواندم دیدم انگلیسها خودشان بملی شدن صنعت نفت در ایران تسلیم شده اند ملاحظه فرمودید در آن اخبار گفته اند دیگر فایده ای ندارد و اگر پافشاری

هم بکنند این امر بجاهای دیگری هم کشیده میشود در هر صورت این موادی که در سو کمیسیون موافقت حاصل شده چیزهای خوبی بوده و فقط بکدانه اختلاف کوچکی بود که نظر این بود این اختلاف هم رفع بشود جناب آقای دکتر مصدق يك نظر صحیح داشتند فرمودند پایه ملی شدن قطعی است و باید يك کاری بکنیم که آنها مأیوس نباشند این بسیار نظر عاقلانه است و بنا بر این دیگر اختلافی بین ما حاصل نمیشود اگر يك روزنه امیدی برایشان بگذاریم.

با این اصول سه اصل کلی است برای اینکه موافقت بکنیم یکی اینکه در ملی شدنش که تمام شده دیگر اینکه يك روزنه امیدی برایشان بگذاریم که مأیوس نباشند (آقای خسرو قشقائی گفتند: بنده با آن روزنه اش هم مخالف هستم) وقتی این اصول را در نظر بگیریم دیگر اختلافی نداریم اختلاف کوچک بنظر بنده چیز مهمی نیست دیگر اینکه آیا يك قسمت از اینکار هم بدوش آن هیئتی که معین میشود بگذاریم یا خودمان تمام بکنیم اگر اجازه میفرمائید تا آن مواد را بخوانم.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده تصور میکنم که اگر در سو کمیسیون مطلب حل شده بود قضیه بکمیسیون کشیده نمیشد و حالا چون بکمیسیون کشیده شده بنا بر این آن اختیار ورایی که سو کمیسیون داده ایم ملغی است و خود کمیسیون باید بنشینند مذاکره بکنند و مذاکراتیکه در سو کمیسیون شده برای ما هیچگونه رسمیتی ندارد و این را نمیشود بعنوان نظریه اختلاف سو کمیسیون در اینجا مطرح بکنید. جناب آقای عامری اگر بخواهند مطرح بکنند بعنوان طرح پیشنهادی خودشان مطرح بکنند که معایب و مضار آن را ما بگوئیم آنچه را که آنها میگویند که ماموافق هستیم با اصل ملی شدن در حقیقت میخواهند يك بچه ای را با آب نبات و باقول آقای دکتر شایگان

با ذرت بوداده گول بزنند برای اینکه میگویند اصل ملی شدن را قبول داریم ولی يك شرکت سهامی تشکیل بشود هر نوع شرکتی تشکیل بشود که سهامش صدرصد متعلق بایران نباشد این اصل ناسیونالیزاسیون نیست. مابلوك باختری را مطمئن میکنیم که اگر بخواهیم نفت را بفروشیم آنها را مأیوس نکنیم هر پیشنهادی که میشود باید این را در نظر بگیریم که تمام عایدات مال ایران باشد. موقتاً گفتیم ملی یعنی صدرصد خرج و در آمدش از خزانه مملکت و بخزانه مملکت باشد بنابراین این اصل را جبهه ملی و نمایندگان جبهه ملی روی آن توافق کامل دارند و آنچه آقای عامری گفتند که مورد موافقت قرار نگرفت بنده خیال میکنم که تقریباً متمایل به همان پیشنهادی است که دولت انگلیس کرده است ما باید کاری بکنیم که کاملاً این اصل را از هم تفکیک بکنیم یعنی اول نفت را ملی بکنیم و تحویل بگیریم و با هر پیشنهادی که اصل ملی شدن را عقیم بگذارد یا وقفه ای در آن ایجاد کند یا بنحوی از انحاء شرکت سابق نفت در آن دخالت داشته باشد مخالفیم.

آقای عامری اظهار داشتند: آنچه را که ما گرفتیم ملاحظه فرمائید این یکی از مواد است: «خریداران و مشتریان سابق نفت جنوب نسبت بمشتریان جدید با تساوی شرایط حق تقدم خواهند داشت» و هیچ خبری راجع باینها که میگوئید این فکر از برایمان نبوده است يك موادی تهیه شده بود تنها ما دیدیم در یکی از آن مواد نوشته شده بود هیئت تصفیه ما گفتیم تصفیه را بزنید. بنده عادت باینکه يك چیزی از آقایان پنهان بکنم نداشته و ندارم.

آقای خسرو قشقائی اظهار داشتند: در آن کمیسیون ما دیدیم که از سوکمیسیون نتیجه ای نمیگیریم. خواستم که عرض کنم که وقت ما بسیار کم است و اوضاع دنیا داخله هم متشنج بنا بر این استدعا میکنم که اینکار را هر چه زودتر تمام بکنیم که در آن

جلسات و روزهای آخر وقت مجبور نشویم اینهمه در فشار بیفتیم و اینکه آقای فقیرزاده گفتند که آن مواد در اینجا خوانده نشود بنده مخالفم و عقیده دارم که مذاکرات ما بطور کامل در خارج منعکس بشود که مردم از جریان این امر که مربوط بخودشان است مطلع شوند و اما راجع باینکه ما با شرایط مساوی با دول غرب و شرق معامله بکنیم اول باید ببینیم چه داریم بعد داخل در این مذاکره بشویم. بنده پیشنهاد میکنم که اول بیائید بنشینید و ترتیب تصرف مؤسسات و بیرون آوردن نفتمان را درست بکنید بعد با امریکا و با انگلیس و با روسیه هر کس که بیشتر پول داد با عهسان معامله بکنید البته مشتریهای سابق ارجحیت دارند. مذاکرات ما باید بیشتر در اطراف این موضوع باشد که اول نفت را بدست خودمان بگیریم و بعد روی مشتری و فروش آن مذاکره بکنیم این عرایض من بود (آقای دکتر هدایتی سؤال کردند: عقیده خودتان چه هست؟) اگر ما میخواستیم با آنها معامله بکنیم چرا آمدیم و اینهمه زحمت کشیدیم روز اول می گفتیم مثلاً ۵۰ در صد یا ۷۰ در صد با خودشان تمام میکردیم حالا که آمدیم و زحمت کشیدیم در کمیسیون و ملی کردیم باید در این کمیسیون هم کار را تمام بکنیم که بچه قسم این مؤسسات را تحویل بگیریم. (آقای عامری سؤال کردند: آیا در این خصوص پیشنهادی دارید؟) خیر الان پیشنهادی ندارم.

آقای مکی گفتند: بنده پیشنهاد میدهم از تاریخ تصویب این قانون هیئتی معین بشود که تحویل بگیرد مؤسسات نفت را و از بابت تصفیه حساب ما صدی ده در یکی از بانکهای مجاز از درآمد نفت بگذارد و هر قدر این کار بتعویق بیفتد ممکن است يك وضعی بخودش بگیرد که نه خسرو بماند نه خسرو پرست.

بنده پیشنهاد میکنم که در يك یا دو جلسه ولو اینکه ۴۸ ساعت هم ادامه پیدا بکند بنشینیم و این کار را تمام بکنیم هر قدر بحران ادامه پیدا بکند اگر مایجران

نفت خاتمه بدیم و زودتر این مؤسسات را در دست گرفتیم دیگر این انگلیسها نمیتوانند کارگران را باعصاب و ادارند مادامیکه این وضع موجود است عوامل شرکت نفت دارند این تشنجات را حاصل میکنند که وقت ما را بگذرانند و بگویند که این کمیسیون نفت میخواست دفع الوقت بکند و تبلیغات سوء بکنند و مترصد باشند که يك دولت مورد دلخواهشان را بیاورند روی کار و این اصل ناسیونالیزه را از بین ببرند.

آقای رئیس بیان داشتند: بنده خیلی متأسفم که با اینکه همه آقایان میل دارند که این کار زود بگذرد ولی طرز کار کردن و زود گذشتن در دست نیست. تا يك چیزی نوشته نشود و تا يك موادی رویش بحث نشود چطور میگذرد (صحیح است) این نتیجهای ندارد ما نشستیم در سو کمیسیون حالا نتیجهای داده با نداده يك موادی تهیه کردیم در آن مواد هم اختلاف داریم و هم موافقت داریم ولی روهمرفته يك زمینهای برای مذاکره حاضر شده يك کسی از آقایان پیشنهاد بکنند که این مواد مطرح بشود و معایب آن بحث و اصلاح بشود.

آقای سرتیپ زاده اظهار داشتند: که قرار نبود نظر سو کمیسیون قطعیت داشته باشد آقایان فورمولی تهیه کرده اند و يك مختصر اختلافی دارند من عقیده ام اینست که آن مواد خوانده بشود هر کدامش اکثریت قبول کرد آن قطعی است.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده نه اینکه پیشنهادی در اطراف این موضوع نداشته باشیم بنده خودم يك پیشنهادی دارم که آقایان مهندسین ایرانی تهیه کرده اند ولی این بنام پیشنهاد قطعی من نخواهد بود و حالا این را میخوانم که آقایان مطلع گردند (بشرح زیر قرائت گردید):

۱ - اداره بدست شرکت نفت نخواهد بود.

۲ - هیئت مدیره کاملاً بدست دولت ایران خواهد بود.

۳ - در صورت لزوم از دستگاههای مشاوره فنی و اداری و مالی خارجی استفاده خواهد شد.

۴ - حد اکثر استفاده از متخصصین فنی ایرانی بر اساس وضعیت استخدامی و حقوقی آنها در شرکت نفت خواهد شد.

۵ - کارگران ایرانی با مساعدت های فامیلی و اضافه برای اولاد و خانواده و وسائل تربیتی و فرهنگی و ورزشی بطریق مناسب.

۶ - استفاده از کارمندان متخصص فعلی شرکت که مورد نیاز دستگاه شناخته شود بشرط عدم اقدام مسلحانه بر علیه منافع ایران و قسم خوردن با احترام منافع ایران ضمن اجرای وظائف فنی.

۷ - قبول اصل پرداخت حقوق حقه شرکت نفت بر اساس مقررات عادلانه ای شبیه با آنچه در خود انگلستان عمل میشود.

آقای امامی سؤال کردند: این را بعنوان پیشنهاد میدهید؟ (آقای مکی جواب دادند: این پیشنهاد من نیست).

آقای حائری زاده اظهار داشتند: پیش از اینکه مجلس شورای ملی رأی به ملی شدن صنعت نفت بدهد پیش من این موضوع بدیهی بود که باید شرکت کمپانی را از ایران کند ولی خوشبختانه حالا بيك نقطه ای رسیدیم که دنیا هم این عمل مجلس را بر سمیت شناخته است و باید وارد مرحله اجراء و عمل بشویم يك قسمتهای فنی است که باید متخصصین فنی اظهار نظر بکنند و بنده اطلاعی ندارم که اظهار نظر بکنم يك موضوعی هست که این دستور مجلس را کی اجراء بکنند. دولتهای ما برای اینکه ممتکی بحزب نیستند همیشه برای نشستن آن صندلی که دارند محافظه کاری خواهند داشت و هیچ

حاضر نیستند که يك عمل تندی انجام بدهند و اگر مأموریت این کار را بدولت بدهید این قافله تا به حشر لنگ است اگر ما همانطور که مذاکره شد يك کمیسیونی از مجلسین و دولت معین بکنیم باین کمیسیون ما اختیار بدهیم که آنها بروند این نفت را تصرف بکنند و دعاوی که هست بكمك متخصصین تصفیه بکنند و لوایح این کار را تهیه و بیاورند بمجلس و ما رأی بدهیم این اصل کلی را مامیتوانیم تصمیم بگیریم ولی جزئیات را من وارد نیستم البته يك فکرهايي پیش میآید که مانگذاریم يك تحریراتی انگلیسیها برای کار گران پیش بیاورند و یا مشتریهايیکه کمپانی در دنیا دارد آنها را متوحش بکنند اگر بتوانیم يك مادهای هم برای این کار بگذاریم که جلوگیری بکنند از عملیات آنها چون آنها تحریرات می کنند فروشهایی که این کمپانی قبل از قضیه ملی شدن نفت کرده است اگر در اینجا پیش بینی بکنیم که آن معاملات را ما نمیخواهیم بهم بزنیم و مشتریها را نگاه میداریم این را من بد نمیدانم .

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند : اینکه بنده در اول جلسه عرض کردم هرگاه بین آقایان اختلاف نظر هست حل بکنید و بعد بکمیسیون بیاورید بامید این بود که این اختلاف قابل حل است ولی حالا که میفرمائید این سو کمیسیون دیگر وجود خارجی ندارد بنده هم معتقدم که در خود کمیسیون تکلیف معین بشود . باید يك طرحی باشد که روی آن بحث بشود ما اعضای کمیسیون که در سو کمیسیون نبودیم بنده بهم خودم با اطمینان باینکه يك طرحی از سو کمیسیون میآید طرحی حاضر نکردم و فعلاً يك طرحی هست که درسو کمیسیون در يك قسمتهايش بطوریکه میفرمائید موافقت شده بنده نظر دارم همان مطالبی که درسو کمیسیون مطرح شده همانها اینجا مذاکره بشود

و آن قسمتهایی که مورد اختلاف است رویش صحبت بشود و تمام بشود (صحیح است) .
آقای جمال امامی اظهار داشتند : همه آقایان یقیناً تصدیق دارند که طرز عمل کمیسیون صرفنظر از جزئیات و اختلاف نظرهایی که بوده بهترین طریقی تا بحال اجرا شده چون بنده عقیده مندم که اگر غیر از این میشد و در روزهای اول يك موافقتی حاصل میشد باین خوبی نمیشد . اختلاف نظر و کشمکشها و این انتشاراتی که در بیرون دادند تمام اینها از نظر افکار عمومی دنیا نافع بود باین نظر نافع بود که ظن کمبیزون دیگر در آن نمریت و يك عواملی هم ایجاد شد در این کشمکشها که آنها هم کمک کرد دیشب در روزنامه اطلاعی از کنفرانس واشنگتن خواندم البته آقایان هم مطالعه فرموده اند این را سرسری نگیرید خیلی مهم بود و این را فرمائید که انگلیسیها اصل ملی شدن را قبول نکردند و اگر هم قبول نکردند شما بفرمائید اینجا کمیسیون است پارلمان نیست بکعبه ای هستیم که اطراف کار را می بینیم مامیدانیم که اگر امریکاییها مخالفت میکردند با بکنند وضع بفرنج میشد و خیلی خوشوقتیم که آنها با مامساعدت کردند برای پیشرفت کار و اینکه انگلیسیها تا این پایه قبول کردند مطمئن باشید که بمیل خودشان نکردند و این امر برای ما ذیقیمت است (صحیح است) اگر این نکته را قبول دارید اولاً جناب آقای حائری زاده ما اینجا ننشسته ایم روی احساسات صحبت بکنیم که مثلاً بنده از روس بدم میآید و یا شما از انگلیس . روی منافع کشور باید صحبت بکنیم اگر ماها این کار را بکنیم لایق سیاست نیستیم البته هم من و هم شما و هر ایرانی که از هر ملتی زجر دیده باطناً متنفر است ولی این نباید باعث بشود که در يك چیزهای مخوفی له و علیه قضیه را تسنجیم تمام مللی که مثل ما و در ردیف ما بودند از انگلیسیها خوششان نمیآید ولی اگر امروز انگلیسی نبود شما میرفتید عقبش ایجاد بکنید که در مقابل رقیب

دیگری باشد و تا این هست ما نباید این ترزو را بهم بزنیم. ما میخواهیم منافع نفت خودمان در دست خودمان باشد و تا اندازه‌ای آمده‌ایم این کار را کرده‌ایم و حالا میخواهیم بانجام برسانیم. خلاصه ما چه میخواهیم؟ همان اینست که این نفتمان بگوئیم مال خودمان است، عوایدش هم مال خودمان ضمناً چون انگلیسها بد عمل کردند دیگر بآنها واگذار نمیکنیم نفتمان را این را همه موافقید. بنده برخلاف عقیده آقای حائری زاده که عقیده دارند حتماً بانگلیسها نفروشیم بنده عرض میکنم خیر میفروشیم و تمام آن قراردادها تیکه داشتند باید قبول بکنیم ولی بقیتمش یعنی اگر دولت انگلیس نفتی میکرفته و به بحر هاش میداده و از قیمت معمولیش کمتر میکرفته آن قرارداد را البته ما قبول نداریم و بهمان قیمتی که با هلند یا امریکا قرارداد بسته بهمان قیمت بما بدهد ما نباید کوشش بکنیم که بحریه انگلیس امروز از بین برود این بضرر دنیا است ولی از طرفی مکلف نیستیم که بحریه انگلیس با يك قیمت ارزاتری بدهیم پس تا اینجا هیچکس مخالفتی ندارد اشکال ما سر این بود که آیا این کمیسیون شایسته است. صلاح هست که طرز اجرای این را معین بکنند یا يك کمیسیون دیگری بنده چه با آقای دکتر مصدق و چه بانك تك آقایان اصلح این را دیدیم که يك کمیسیون دیگری مجری این عمل بشود و این پروژه ایکه در سو کمیسیون تهیه شده روی دو ماده اولی آن توافق حاصل شد ماده سوم اختلاف حاصل شد و مواد دیگر را ما فرض میکرديم توافق حاصل خواهیم کرد و رویش بحث نشد آن ماده ایکه اختلاف شد اینست که آقای دکتر میخواستند طرز اجرای عمل هم باید این کمیسیون معین بکنند بنده عرض کردم این از دو نظر صلاح نیست یکی اینکه ما این کمیسیونی که معین میکنم از

مجلسین و دولت این کمیسیون يك تکلیفی دارد و باید طرز اجرای این عمل را تهیه بکنند که چطور اداره بشود اختلاف نظر بنده با ایشان این بود مخصوصاً که ایشان طرز اداره را منحصر بیک شکلی کرده بودند که يك هیئت عامله ایرانی و خارجی انتخاب بشود و این کار را بکنند بنده عقیده‌ام این بود که انحصارش نکنیم اگر ما این موضوع را بتوانیم بین خودمان حل بکنیم گمان نمیکنم بین آقایان در سایر مواد اختلاف نظری داشته باشیم چون سایر مواد چیزی نبود که بشود رویش بحث بکنیم و همه‌مان قبول داریم اشکال اساسی ما سر این موضوع بود اگر میخواهید اول این موضوع را حل بکنید و بعد مواد دیگر را.

آقای سر تپ زاده اظهار داشتند: گزارش سو کمیسیون خوانده بشود (آقای امامی گفتند: گزارش تهیه نشده است) همان مواد را از اول بخوانید اگر آقایان هم موافقت داشته باشند باید از اول خوانده بشود و روی آن مواد رأی گرفته شود تا بآنجای برسیم که اختلاف است.

آقای رئیس اظهار داشتند: هر چه صحبت بکنیم تا يك زمینه ای نباشد نتیجه‌ای ندارد اینکه جناب آقای جمال امامی گفتند اول آن را حل بکنید اول ما باید ببینیم این ماده مختلف فیها با آن مواد دیگر چه ارتباطی دارد برای اینکه آنها باهم ارتباط دارد بدون زمینه غیر از تضييع وقت چیز دیگری نیست.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بطوریکه آقای امامی فرمودند ما در این کار با تأنی پیشرفت کردیم و تمام اطراف و جوانب کار را دیدیم خود بنده قبل از هر چیز اعتراف میکنم که در اوایل تشکیل کمیسیون موضوع ملی کردن روشن نبود ولی بعد از مباحثات زیاد باین نتیجه رسیدیم و وقتی آن را امضاء کردم مطلب بر من روشن بود

ما قانونی داریم که بهره برداری و تصفیه و فروش نفتمان را واگذار کردیم بیک کمپانی انگلیسی و قتیکه تصمیم گرفتیم که نفت باید ملی بشود یعنی آنچه را که واگذار کردیم خودمان میخواستیم متصرفش بشویم (صحیح است) پس آنچه را که ما از ملی شدن فهمیدیم این بود که استخراج و فروش و بهره برداری برای دولت ایران و بتصدی دولت و ملت ایران باشد بنابراین اولین کاری که باید کرد اینست که یکدستگاهی تشکیل بشود که آنچه را که سابق کمپانی میکرده است متصدی بشود این کار را یا بصورت شرکت نفت ایرانی و یا بخود دولت ایران بنام اداره نفت سپرده شود. وظیفه ما اینست که اول یک مرجعی را درست بکنیم برای استخراج و بهره برداری نفت و قتیکه گفتیم ملی یعنی هیچکس دیگری نمیتواند متصدی این کار باشد بعد از اینکه این تصمیم را گرفتیم یک مطلب برای ما باقی میماند و آن عبارت است از حل اختلافاتی که ممکن است با کمپانی پیدا بکنیم برای اینکه از چند صورت خارج نیست ممکن است بگوید که من قرارداد دارم و یا قبول دارم یا ندارم و بعد از اینکه قبول کرد بگوید قیمت این دستگاهها اینقدر است. باید یک دستگاه دیگری بموازات خود شرکت معین بشود برای اینکه ممکن است شرکت بخواهد اقامه دعوی بکند ما آن دستگاهی را که باید برای تصفیه دعاوی شرکت جهت این کارها تشکیل بدهیم باید بهر طریقی که صلاح است هر چه زودتر تشکیل بدهیم و بعد یک هیئتی هم از مجلسین تشکیل بشود برای تصفیه حسابهای شرکت تا این هیئت بتواند با شرکت کنار بیاید و شرکت دست و پایش را جمع بکند و عملیات بهره برداری و اکتشاف و استخراج را باین هیئت واگذار بکنید چون این قانون قرارداد نفت که بدست آنها سپرده شده با تصویب ملی شدن نفت باید بدست ایران باشد بنده در روزنامه داد خواندم که نوشته بود که آقایان نشستند ملی کردند و بعد گفتند طرز اجرائش را دولت میکند ما ملی کردیم و راه اجرائش هم

باید خودمان معین بکنیم اگر بخواهیم کمیسیون دیگری تشکیل بدهیم برای ما زبیده نیست و من مخالفم.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: عرایض سابق می را باجناب آقای امامی توجه نداشتند و یا من تصور داشتم بنده نظرم این بود که قراردادهایی که شرکت با مالک دیگری داشته ما این را برسمیت بشناسیم ولی معاملات اقتصادی آنها که مثلاً با بحریه انگلیس بسته است ما نمیتوانیم آنها را نافذ دانسته و تأیید بکنیم. اما راجع به ملی شدن یک جور ملی است که انگلیسها و امریکاییها برای ما درست کردند که آن بدرد خودشان میخورد که بگویند نفت ملی است و فروشش را انحصار بدهند بیک کمپانی و یک شرکتی درست بکنند این بدرد ما نمیخورد. یک ملی شدن اینست که حالا بانک ملی دارد کار میکند و تمام منافعی مال ایران است. ما طرز ملی شدن را باید با نظر متخصصین معین بکنیم که چه قسم باید عمل بکنیم منکه نمیدانم در قانونی که از مجلس شورای ملی گذشت و دوماه بما اختیار دادند که طرز اجرائی آن را معین بکنیم نه اینکه خودمان مجری باشیم اینجا یک مسئله است که خود آنها موافقت کردند که این معادن نفت مال ایران است یعنی آن قراردادهای سابق ملغی و کان لم یکن است. برای دعاوی ما باید یک هیئتی مأمور بشود یک هیئت دیگری برای اینکه برود تصرف بکند دولت سابقمان مغرض بود و این دولتمان که مطالعه میکند و حرف میزند اگر رسیدگی شد و معلوم میشد که این مؤسسات ایران بقدر پنج دانگ از تمام دارائی کمپانی نیست ما بدستگاههایی که در لندن و پاریس و باجاهای دیگر دارد کاری نداریم اگر این دستگاهی که در ایران هست قیمت بشود بقدر پنج دانگ تمام دارائی شرکت نخواهد بود این موضوع هم خیال میکنم که ۶۰ ماده لازم نداشته باشد یکی دو ماده بگذاریم. من چون بانتظار

سو کمیسیون بودم و یقین داشتم که آقایان باعلاقه مفرطی که دارند بک چیز مفیدی تهیه میکنند و رویش بحث میشود از اینجهت خودم چیزی تهیه نکردم اگر آن مواد را آقایان مفید میدانند قرائت بشود.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: جناب آقای امامی فرمودند که ما اول روی آن موادی که اختلاف است بحث بکنیم بعد قسمتهای دیگر این صحیح است در صورتیکه ما بدانیم آن مواد دیگر چه هست. بنده استدعا میکنم تمام آن خواننده بشود و آنهاییکه مورد اختلاف هست کمیسیون در نظر بگیرد و روی آن بحث بشود وقتی ما از آن مواد اطلاعی نداریم چگونه میشود مواد مورد اختلاف را مورد بحث قرار بدهیم بنابراین من استدعا میکنم مذاکره مان را خانمه بدهیم و آن طرح که در سو کمیسیون تهیه شده قرائت گردد:

آقای فقیه زاده پیشنهادی بشرح زیر نمودند که قرائت گردید:

« چون با مذاکرات جلسه فعلی محلی برای ادامه سو کمیسیون باقی نیست پیشنهاد میکنم طرحی که در سو کمیسیون تهیه شده و توافق نشده در کمیسیون اصلی مطرح و مورد مذاکره واقع شود. فقیه زاده »
پیشنهاد مزبور رأی گرفته شد و تصویب گردید.

آقای رئیس اظهار داشتند: بک موادی در سو کمیسیون تهیه شده خواننده میشود اگر دیدید که این قابل مذاکره و مباحثه هست رویش صحبت میکنید و اصلاحات میفرمائید آنچه که مضر است رد میکنید و آنچه که مفید است تصویب میکنید و اگر رد شد مجدداً بک سو کمیسیون دیگر معین میفرمائید.
در اینموقع دو قسم پروژه ای که در سو کمیسیون تهیه شده بود بشرح زیر قرائت گردید:

مواد اجرای ملی شدن صنعت نفت:

ماده ۱ - بمنظور اجرای تصمیم مورخه ۲۴ و ۲۹ اسفند ۲۹ مجلسین شورایی ملی و سنا دایر بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئتی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و وزراء دارائی و دادگستری و اقتصاد ملی و رئیس بانک ملی ایران و یک نفر دیگر با انتخاب دولت انتخاب میشود.
تبصره ۵ - دولت مکلف است متخصصین خارجی مورد احتیاج هیئت را از کشورهای خارجه استخدام و در اختیار هیئت مزبور بگذارد.

ماده ۲ - هیئت مکلف است برای تصفیه حساب با شرکت نفت بدعاوی آن شرکت رسیدگی و با در نظر گرفتن دعاوی ایران حتی المقدور با توافق طرفین حساب شرکت را تصفیه نماید.

تبصره ۵ - برای تأمین دعاوی شرکت نفت ۲۵٪ از عواید خالص نفت جنوب را در بانک ملی ایران با بانک مرضی الطرفین ودیعه بگذارد.

ماده ۳ - هیئت مکلف است طرحهای لازمه برای بهره برداری از معادن نفت جنوب را تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید.

ماده ۴ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مکلف است آئین نامه اعزام عدهای محصل در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجریبات مربوط بصنایع نفت بکشور های خارجه تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد.

تبصره ۵ - مخارج تحصیلی این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.

ماده ۵ - چون از تاریخ تصویب این قانون عواید نفت متعلق بملت ایران است

هیئت مکلف است در عواید نفت جنوب تا تعیین تکلیف قطعی اداره آن نظارت کامل نماید.
ماده ۶ - هیئت مکلف است در ظرف پنج ماه از تاریخ تصویب این قانون تکلیف خود را انجام و گزارش آن را بمجلس شورای ملی تقدیم دارد و در صورت لزوم تقاضای تمديد نماید.

ماده ۷ - کلیه قرارداد های شرکت نفت با کشورهای خارجیه برای فروش نفت بآنکشورها تأیید میشود.

پروژه دوم:

موادی که درسو کمیسیون مورد مذاکره واقع شده ولی چون نسبت بتمام آنها موافقت حاصل نشده کمیسیون نفت در نظر گرفت که مواد مزبور طبع و توزیع شود تا در جلسه آینده مورد مطالعه قرار گیرد:

۱ - هیئتی مرکب از چهار نفر نمایندگان مجلس سنا و چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی - وزراء مالیه - داد کستری - اقتصاد ملی و مدیر کل بانک ملی ایران بنام هیئت تصفیه برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت تشکیل میشود.

۲ - برای بهره برداری فوری و بلا تأخیر از منابع نفت جنوب هیئت مزبور مکلف است % در صد از عایدات جاری را برای تأمین مدعا به شرکت صاحب امتیاز سابق دربانگ ملی ایران یا بانگ مرضی الطرفین دیگری ودیعه گذارد.

۳ - هیئت تصفیه مکلف است بدعاوی حقه دولت و همچنین دعاوی حقه شرکت صاحب امتیاز سابق رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش دهد و پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذارد.

۴ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت تصفیه

مکلف است آئین نامه اعزام یکمده محصل جامع شرایط را که در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط بصنایع نفت باید بکشورهای خارج برونند و مخارج تحصیل آنها از عواید نفت پرداخته شود تدوین نماید و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارده شود.

۵ - هیئت تصفیه باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت دولتی نفت جنوب را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارت مختلط از متخصصین داخلی و خارجی بیش بینی شود تهیه و برای تصویب بمجلسین پیشنهاد کند.

تقصیر - ملیت هر يك از متخصصین خارجی باید در هر مورد بتصویب مجلسین برسد و صلاحیت علمی و عملی امانت و حسن سابقه هر يك بتصدیق دولت متبوعه آنان رسیده باشد.

۶ - کلیه خریداران محصولات نفتی حوزه امتیاز سابق از اول سال ۱۹۴۸ تا تاریخ تصویب ملی شدن صنعت نفت در ایران در صورت تساوی شرایط حق تقدم خواهند داشت.

۷ - کمیسیون تصفیه باید در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را بمجلسین تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمديد مدت باشد دلائل موجهه آن را در گزارش خود ذکر نماید.

آقای دکتر کاشمی پیشنهاد کردند: که هر دو طرح ماشین بشود و بین آقایان اعضاء کمیسیون توزیع گردد.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: در عین حال که تقدیس میکنم نظر کلیه آقایان را باینکه اینکار زودتر انجام بشود استدعا میکنم يك کاری نشود که بعداً اسباب زحمت گردد. مثلاً این موادی که خوانده شد و بنده بطور سطحی توجه کردم راجع بهره برداری معلوم نشده که از چه تاریخ اینکار باید بدست ما باشد و هنوز منجز نشده

است بنابراین بنده هم موافقم بانظر به آقای دکتر کاسمی که هر دو طرح ماشین بشود و توزیع گردد تا قدری مطالعه و دقت نمائیم.

آقای دکتر کاسمی در اطراف پیشنهاد خود توضیح دادند: منظور من همین بود که آقای صالح فرمودند اگر سو کمیسیون نتیجه میگرفت که اینجا بحث میشد حالا معلوم شد که در سو کمیسیون دو طرح تهیه شده که پیشنهاد میکنم ماشین بشود و برای ما فرستاده شود که آنرا مطالعه بکنیم و اصلاحاتی که لازم است روی آن بشود.

پیشنهاد مزبور بشرح زیر قرائت میشود: پیشنهاد میکنم طرحی که در سو کمیسیون مورد مطالعه قرار گرفته ماشین شده و برای کلیه اعضای کمیسیون فرستاده شود.

پیشنهاد مزبور بتصویب رسید و جلسه نیمساعت بظهر ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه چهارم

یکساعت قبل از ظهر روز چهارشنبه چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ سومین جلسه از دوره سوم کمیسیون مخصوص نفت برای طرح اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان: گنجهای - بهبهانی - مکی - قشقائی - فقیهزاده - اللهیار صالح - سرتیپ زاده - حائری زاده - دکتر شایگان - ناصر نوالفقاری - عامری - دکتر هدایتی - جمال امامی - دکتر کاسمی تشکیل گردید.

ابتداء صورت جلسه قبل قرائت و بتصویب رسید.

آقای فقیهزاده: ضمن صورت مجلسی که اینجا قرائت شد بنده در قسمت آخر آن جلسه بیرون رفته بودم حالاً می بینم که جناب آقای صالح فرموده اند تاریخ بهره برداری

معین نشده است. ما آمدیم نشستیم بهر زحمتی بود بالاخره بملی شدن صنعت نفت رأی دادیم مجلسین هم خوشبختانه با اتفاق آراء تصویب کردند و از تاریخی که ما تصویب کردیم انگلیسها شروع کردند بیک عملیاتی که بر هیچیک از آقایان پوشیده نیست و از طرفی بعجله بعملیات استخراج و بهره برداری خود ادامه دادند. بنده پیشنهادی تهیه کردم که قرائت و تقدیم کمیسیون میشود.

بشرح زیر قرائت گردید:

ریاست محترم کمیسیون نفت

پیشنهاد میکنم: از تاریخ رأی مجلس سنا دائر بتصویب رأی مجلس شورای ملی راجع بملی شدن صنعت نفت کلیه عملیات استخراجی و بهره برداری شرکت امانی بوده و بوابستی بحساب ملت ایران منظور شود. فقیه زاده

آقای مکی گفتند: کسی با این پیشنهاد مخالف نیست.

آقای جمال امامی اظهار داشتند: پیشنهاد آقای فقیه زاده معقول است و در همان پروژه هائیکه تهیه شده پیش بینی شده و تذکراتشان هم مفید است که اگر انشاء الله توفیقی شد و پروژه ای تهیه گردید منظور آقای گنجائیده خواهد شد.

آقای دکتر مصدق توضیح دادند: که دو پیشنهاد از سو کمیسیون در جلسه بکمیسیون تقدیم شده یکی شماره یک است که در یکی از مواد آن چهار نفر از اعضای مجلس شورای ملی و چهار نفر از اعضای مجلس سنا نوشته شده و یکی شماره دو است که پنج نفر از این مجلس شورای ملی و پنج نفر از مجلس سنا باضامتم دیگرش انتخاب شوند.

بنده مجازم که از طرف نمایندگان جبهه ملی بعرض برسائیم که مقصود ما نمایندگان جبهه ملی اینست که این ملی شدن صنعت نفت فوراً در این پیشنهادی که به مجلس

میشود بموقع اجراء گذاشته بشود یعنی خلع ید از کمپانی نفت جنوب بشود و روی همین اصل هم موافقت کردند باینکه اگر کمپانی گفت من تبعیت نمیکنم برای تأمین مدعا به او از عایدات نفت يك صدی چندی وثیقه داده بشود که کمپانی خلع ید بکند و در واقع این ملی شدن صنعت نفت اجراء بشود یعنی مقصود ما این نیست که تشکیلات نفتی بهم بخورد بلکه باید شرکت بکلی برود و نفت بدست ملت ایران داده شود. البته پیشنهاد جناب آقای فقیهزاده هم مربوط بهمین است که تاریخ محاسباتش از آن تاریخی که قانون گذشته باشد حالا اگر آقایان با این مسئله که در درجه اول است موافقت دارند همان طرح شماره دو مطرح بشود که ما روی آن بحث بکنیم.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده بایست نهاد ایشان موافقم باینکه شرط که تکمیل بفرمایند. بنده از ملی شدن اینطور استنباط کردم که نفتی که بدست شرکت استخراج و فروخته میشود بدست دولت و ملت ایران باشد. دومش مرحله تصفیه است. با اینکه بعد از تصویب قانون آنها باید فوراً خلع ید بکنند موافقم بشرط اینکه يك دستگاہی پیش بینی بکنیم که بعد از خلع ید آنها کارها معوق نماند.

آقای قشقائی گفتند: يك توضیحی بفرمائید که آیا این اشخاصی که از طرف مجلسین و دولت انتخاب میشوند برای تحویل گرفتن آنها باز بکارشان ادامه خواهند داد یعنی کارمندان انگلیسی کار خواهند گرفت و یا بلافاصله تحویل خواهند داد؟

آقای رئیس اظهار داشتند: مقصود ما این نیست که این دستگاہ را بهم بزنیم برای اینکه بضرر ملت ایران است ما میخواهیم این قانون وقتیکه در مجلس تصویب شد دیگر شرکتی در کار نباشد و بکلی خلع ید بشود و اداره نفت بدست ایرانی داده

بشود برای اینکه بدست ایرانی داده بشود ما يك مقرراتی برای دوره تحویل باید پیش بینی بکنیم که چه اشخاصی باید نظارت بکنند و يك مقرراتی برای بعد از دوره تحویل که سازمان شرکت نفت جنوب چه قسم باید باشد چون ممکن بود بعضی تصور بکنند که تا زمانیکه ما يك تشکیلات قطعی نداریم این شرکت در سر کارش باشد نظر ما اینست که بعد از تصویب قانون شرکت مطلقاً در کار نفت بی دخالت باشد و آن تشکیلات بدست ایران اداره بشود. (آقای سرتیپ زاده اظهار داشتند: اگر ما بخواهیم يك کارخانه را تحویل بگیریم اول این مکانسین ها و متخصصین را که عوض نمیکنیم هیئت مدیره از طرف ایران میشود) فرض بفرمائید که يك بانکی را میخواهیم تحویل بگیریم مثلاً این بانک ملی ایران را ما میخواهیم تحویل بگیریم ما بتأسیسات جزء آن که نمیخواهیم دخالت بکنیم فقط هیئت مدیره بانک تغییر پیدا میکند کارش هم تعطیل نمیشود شرکت مشغول کار خودش هست فقط رأس آن شرکت آن دستور دهنده اش عوض میشود باید يك مقرراتی برای دوره تحول و یکی برای بعد از دوره تحول پیش بینی بشود اصولاً بنده عرض میکنم که ما با این مسئله توافق داریم که بعد از اینکه این قانون گذشت این شرکت برود بی کارش.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده عرض خیلی مختصر است و يك مطلبی است که میخواستم باستحضار آقایان محترم برسانم و آن اینست که شاید هنوز اعضاء کمیسیون نفت و مجلس شورای ملی به اهمیت کاری که تا کنون کمیسیون مخصوص نفت کرده و مجلس هم رأی داده توجه نکرده باشند اهمیت کار نفت و این ۱۸ نفری که اینجا هستند صد سال دیگر معلوم میشود آن روز که استخوان ما پوسیده شده بدانید که در تاریخ يك مقام بزرگ و پراهمیتی را پیدا کردیم برای اینکه این قدمی است که برای سعادت

مردم و نسل آینده این مملکت برداشته و پیش برده ایم اگر قدم دوم را هم بخوبی برداشتید قسم میخورم صد سال که گذشت مجسمه یکی یکی آقایان را میریزند و با دیده تعظیم و تکریم مینگردند ما باید هر چه زودتر این کار را تمام بکنیم زیرا تأخیر در این امر ممکن است خدای نخواستہ اثر قدم اول ما را هم از بین ببرد و مملکت ما دچار يك تحوّل بشود و این برای ما باعث بد نامی خواهد شد. خود شما میدانید که چه دسائسی برای خنثی کردن این کار در جریان است کابینه کار گری انگلستان برای این عمل نزدیک بسقوط است تمام دنیا عمل ما را تقدیس میکنند و بخوبی و با کمال دقت ناظر اعمال ما هستند و مترصدند ببینند این کمیسیون چه خواهد کرد. چون تا کنون حسن نیت بوده و نیت ما خیر است خدا ما را کمک کرده است. قدم دوم عبارت از اینست که ما يك جلسه ای ولو تا صبح هم طول بکشد بشینیم همین امروز فردا و اینکار را تمام بکنیم که این استخوان لای زخم گذاشتن تولید قانقریا نکند و مجبور نشویم که یکی از اعضا بدنمان را ببریم. بنده با هر پیشنهادی که این اصل ملی شدن درش باشد موافقم.

پیشنهاد آقای فقیه زاده هم بسیار پیشنهاد متینی است و لازم بود که در آن ماده ما پیش بینی بکنیم ولی چون در آن کمیسیون مطرح شده بود و منمهم نمیتوانستم در آن گزارش کم و زیاد بکنم زیرا در کمیسیون این مطلب حل نشده بود. حالا این دو پیشنهاد و موادی که از سو کمیسیون آمده رسمی است و در هر کدام از این دو پیشنهاد يك مواردی هست که ممکن است باین اصل لطمه بزند. پیشنهاد میکنم این دو پروژه را بریزیم روی همدیگر و از تلفیق آن يك موادی که منظور ما را تأمین میکند تهیه و روی آن بحث کنیم. درخاتمه عرایضم باز عرض میکنم که کاری که این کمیسیون کرده يك

کاری است که اهمیت آن تأثیر عمیقی در دنیا پیدا کرده البته ما برای سعادت ملت ایران و برای جلوگیری از انقلاب اینکار را کردیم و باید يك قدم دیگر هم با تهور برداریم تا بمقصود نهائی برسیم.

آقای خسرو قشقائی اظهار داشتند: ممکن است مردم بگویند ما کار مهمی کردیم ولی بعقیده بنده ما يك چند تا ایرانی دور هم نشستیم و وظیفه ای را که بر عهده داشتیم انجام داده ایم و در ثانی ما نباید عجله بکنیم در تصمیمی که میگیریم و در عین حال باید کوشش کنیم که يك ترتیب اساسی برای اینکار بدهیم و ما باید البته از پیشنهادهائی که میشود مطلع بشویم. اگر ما بخواهیم هیئت مدیره این شرکت را ایرانی بکنیم الان هم ما يك اداره امتیازات داریم. برای روزهای اول و ماههای اول هم من حقیقهً موافقم که اعضای انگلیسی هم کار بکنند ولی اقداماتی که باید بشود از لحاظ سیاسی باید بشود و الا ما دوازده نفر ایرانی را بعنوان هیئت مدیره بگذاریم آنجا و چهار هزار نفر انگلیسی باز در شرکت باشند بنده میخواستم استدعا بکنم و تذکر بدهم که حتماً در این مذاکره ای که میشود آقایان توجه داشته باشند که ما باید کار گران مهم و متخصصین را سعی بکنیم که در درجه اول ایرانی و در درجه دوم از مالک بیطرف باشند.

آقای فقیه زاده عقیده داشتند: آنچه که صحبت در اطراف این قضایا باید بشود شده و خوبست ما وارد عمل بشویم و همانطور که آقای مکی پیشنهاد کردند این مواد را ماده بماده بخوانیم و بحث کنیم و بآن رأی بدهیم.

آقای رئیس نظر آقای فقیه زاده را تأیید کردند و چون مخالفی نبود ماده يك پروژه سو کمیسیون بشرح زیر قرائت گردید:

ماده ۱ - بمنظور اجرای تصمیم مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ مجلسین شورای

ملی و سنا داین بملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور هیئتی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و وزراء دارائی و داد گستری و اقتصاد ملی و رئیس بانک ملی ایران و یک نفر دیگر با انتخاب دولت انتخاب میشود .
تبصره - دولت مکلف است متخصصین خارجی مورد احتیاج هیئت را از کشورهای خارجه استخدام و در اختیار هیئت مزبور بگذارد .

آقای جمال امامی تذکر دادند : بنده میخواهم توضیحی بدهم و در خارج هم بمن تذکراتی داده شده راجع بهمین ماده با جناب آقای دکتر مصدق راجع باین موضوع بحث کردم شخص بنده عقیده داشتم و حالا هم عقیده دارم ولی آنجا تسلیم نظر ایشان شدم که این حقیقتاً قضیه اجرائی است و بالاجبار باید دولت را هم دخالت داد وقتی ما میآئیم و این دو قوه مجریه و مقننه را در این کار شریک میکنیم حق اینست که بهمان ترتیب که دست قوای مقننه را آزاد میگذاریم دست قوه مجریه را هم آزاد بگذاریم این عقیده بنده است و در ثانی گفتیم بنویسیم پنج نفر هم با انتخاب دولت که آقای دکتر استدلالی فرمودند و منم تسلیم شدم که اینطور نوشته شود ولی بعد وقتی مطالعه کردم دیدم که این با اصل فکر ما منطبق نیست بدلیل اینکه ما اینجا حقیقتاً نمایندگان دولت را خودمان انتخاب کردیم پس اینجا این مسئولیتی را که ما میخواهیم متوجه دولت بشود این مسئولیت را ما متزلزل کرده ایم چون وقتی دستش در انتخاب نمایندگانش آزاد نبود بطریق اولی مسئولیتش لوٹ میشود .

آقای رئیس اظهار داشتند : نظر ما اینست که يك هیئتی باشد از قوه مجریه و قوه مقننه نظر جناب آقای امامی این بود که اول دولت پنج نفر را از هر کس باز خودش یا از خارج انتخاب بکند در صورتیکه نظر من این بود که اگر ما بخواهیم دولت را

دخالت بدهیم باید وزرای وقت انتخاب شوند .

اگر همین دولت آمد و یکی از اعضاء خودش را برای کمیسیون انتخاب کرد اگر دولت ساقط شد این شخص دیگر عضو دولت نیست ، دیگر وزیر نیست پس بنا بر این باید از وزرای وقت باشند که رابطه بین قوه مقننه و شرکت باشند (آقای امامی گفتند بنده را قانع نکرد) .

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند : بنده فقط نظرم این بود که این هیئتی که طبق ماده اول تشکیل میشود اسم این هیئت چه خواهد بود زیرا هیئتهائی که انتخاب میشوند يك اسمی خواهند داشت این هیئت تصفیه است ، مجریه است ، چه هست ؟ (آقای امامی اظهار داشتند : مجری ملی شدن نفت است) این يك نظر من بود که باید این هیئت يك اسمی داشته باشد .

نظر دوم من این بود که آن پنج نفری که انتخاب شدند یکم تبه برای همیشه انتخاب بشوند ، وزیر دارائی و اقتصاد و داد گستری وقتی باسم نبودند هر کس که وزیر وقت بود انتخاب میشود میماند آن يك نفر بنده از لحاظ اینکه بعد ها اشکالی پیش نیاید نظرم این بود که يك تبصره ای باشد که دولت آن یک نفر را که انتخاب میکنند برای یکم تبه و همیشه انتخاب بکند .

آقای فقیه زاده توضیح دادند : اینکه آقای دکتر کاسمی گفتند اسم آن هیئت باید معلوم بشود بنده نظر ایشان را بماده دوم که نوشته است : « هیئت مکلف است برای تصفیه حساب با شرکت نفت بدعاوی آن شرکت رسیدگی و با در نظر گرفتن دعاوی ایران حتی المقدور باتوافق طرفین حساب شرکت را تصفیه نماید » متوجه میدارم و نظر ایشان در این ماده تأمین شده است .

آقای ناصر ذوالفقاری اظهارداشتند: بنده میخواهم تقریباً فرمایشات آقای امامی را تأیید بکنم برای اینکه از هیئت دولت که اسامی معین میشود ممکن است هیئت دولت‌ها در عرض چند روز تغییر پیدا بکنند و کسیکه يك مطالعاتی کرده و بيك کاری وارد شده این مطالعات و زحمات او از بین می‌رود و بنابراین مانعی ندارد که ما دست دولت را باز بگذاریم که از خارج بتواند انتخاب بکند و اما راجع بینجغرفی که نوشته شده است از مجلس انتخاب گردد بنده عقیده دارم چون این کمیسیون زحمت کشیده و هشت ماه روی مسائل مربوط بنفت مطالعه و کار کرده و وارد شده این پنجغفر از اعضای این کمیسیون انتخاب شوند.

آقای مکی تذکر دادند: که این ماده اول يك اشکال دارد که جواب آقای دکتر کاسمی را هم عرض میکنم. اینجا میگوید پنجغفر از مجلس سنا و پنجغفر از مجلس شورای ملی بانفاق يك عده‌ای که از طرف دولت انتخاب میشود و در مواد بعدش ما برای آنها يك وظائفی قائل میشویم که میگوئیم آنها حق دارند يك لواجی معین بکنند و بیاورند بمجلس شما دارید هیئت مجریه را جزء هیئت قانونگذاری میکنید شما پانزده نفر را انتخاب میکنید که پنجغفر از آنها از اعضاء دولت و در موقع تنظیم لواجی ممکن است سه نفر دیگر را هم تحت نفوذ بگیرند و يك لواجی بمجلس بیاورند و بکنند که بفتح ما نباشد و این اصولاً صحیح نیست که ما بقوه مجریه وظیفه قانونگذاری محوّل بکنیم و بنابراین شما آن پنجغفری را که از مجلس انتخاب میکنید مسلوب الاختیارشان کرده‌اید.

پیشنهاد بنده اینست که هر کمیسویی که معین میشود فقط بکنفر از طرف

دولت در آن حضور داشته باشد بکنفر نماینده تام الاختیار کافی است که حق رأی نداشته باشد.

آقای عامری اظهارداشتند: بنده پیشنهادی دارم اجازه بفرمائید در هر ماده‌ای يك کلیاتی بگوئیم بعد آقایان هر کدام پیشنهادی در مواد دارند بدهند و رأی بگیریم. **آقای دکتر هدایتی اظهارداشتند:** بنده طریق رأی گرفتن را درست نمیدانم برای اینکه اول اصل مطلب و طرزى که برای اجرای ملی شدن باید در نظر بگیریم روشن بشود آنوقت در موادمش يکي يکي بحث بشود.

بنده بنظرم اینطور میرسد و دیر و زهم عرض کردم در اجرای ملی کردن دو مطلب باید در نظر گرفته بشود يك تصفیه دعوی دولت ایران بر شرکت و بر عکس و يك مطلب دیگر میماند و آن اداره است که باید نفت را تحویل بگیرد و اداره بکند. از این طرح بنده اینطور می‌فهمم که این هیئت باید هر دو این کارها بکند و بنابراین باید يك شرکت ایرانی برای نفت باشد که آنها تحویل بدهند.

دوم اینکه در ماده يك که این هیئت را پیش بینی کرده بنظر بنده مخالف قانون اساسی است مجلس یا کمیسیون که نمیتواند تصمیم خلاف قانون اساسی بگیرد در آنجا ده نفر از قوه مقننه و خلطش با پنجغفر قوه مجریه شده که این درست نیست. (آقای رئیس تذکر دادند: که بانك ملی آلان نظارت میکنند) ناظر که متصدی اجراء نیست اما اگر از نظارت تجاوز بکند و خودش مجری باشد و بخواهد با شرکت تماس بگیرد بنده خلاف قانون اساسی میدانم بر عکس چیزیکه ساده تر بنظر می‌آید يك هیئتی را خود کمیسیون نفت معین بکند و زیر نظر همین کمیسیون این اشخاص بروند و حل

بکنند آن فرقی نمیکند اینکه مامینوسیم پنجفر از مجلس سنا در واقع این رشوه‌ایست به مجلس سنا که این را بکنند و اعضای کمیسیون نفت هم از این جهت است که مدتی زحمت کشیده‌اند. برای اداره نفت یک شرکت یا یک اداره‌ای باید در نظر گرفت علاوه بر این برای تصفیه یک هیئت چند نفری زیر نظر کمیسیون باید انتخاب شوند.

آقای سر تیپ زاده اظهار داشتند: بنده هیچ نوع عقیده ندارم که این کمیسیون در این قضیه دخالت بکند.

آقای امامی اظهار داشتند: اولاً در مملکت آدمی زاده‌ها در سایر ممالکی که بظاهر دمکراسی دارند این قبیل کارها را باین ترتیب انجام نمیدهند مجلس یک قانونی میدهد بدولت که برود اجرا بکند. (آقای خسرو قشقائی گفتند: آنجاها مجلس دولتها را انتخاب میکند) ما تا حالا ندیدیم دولتی منتخب مجلس و با غیر باشد و مورد قبول ما نشود بنا بر این اگر میخواستیم روش دمکراسی داشته باشیم و مثل سایر ملل اقدام بکنیم بهیچوجه داخل مذاکره نمیشدیم و قانون را بیک دولتی میدادیم که اجرا بکند. امامت‌آسانه چنان افکارها یا بغلط یا بصحیح مشوش شده که چون بدولت‌ها آن اعتماد بیکه باید داشته باشیم نداریم اینجا آمدیم گفتیم که یکعده‌ای باقوه مجریه شرکت بکنند برعکس عقیده آقای مکی اولاً قوه مجریه پیشنهاد میکند و ما تصویب میکنیم و در هر صورت ما که نمیتوانیم قوه مجریه را کنار بگذاریم و بگوئیم خودمان دوخته‌ایم و خودمان هم می‌پوشیم این صلاح نیست و دنیا بما خواهد خندید اینست که بنده عرض کردم دست دولت راهم نبندید که آقا فلان وزیر و فلان وزیر باشد و بعد از این جهت مخالفت کردم و گفتیم

بنوسیم با انتخاب دولت وقت و مسئولیتش بگردن دولت باشد یک دولت هم نباید آنها را انتخاب بکند و دولت بعدی هم مسئولیتش را قبول بکند دولت‌های وقت باید انتخاب بکنند. آقای ذوالفقاری یک نکته‌ای را فرمودند و الله من شخصاً خسته شدم و میخواهم این بار را از گردن خودم بردارم حالا شما الحمد لله جوان هستید و توانائی روحی‌تان کافی است اگر ما بخواهیم ۱۸ نفر از اعضای نفت باشند بالاچار ما باید ۱۸ نفر از سنا و ۱۸ نفر از دولت در کار وارد کنیم و آنوقت این خودش یک مجلس میشود.

آقای ناصر ذوالفقاری اظهار داشتند: بنده همانطور که آقای جمال امامی فرمودند تنها ایشان خسته نشدند ولی خواهی نخواهی هر عملی راجع بنفت بشود این گناه یا صوابش کردن ماهست بنده نمیتوانم بگویم پنجفر که خارج از این کمیسیون هستند انتخاب بشوند و هر کاری که بخواهند بکنند همانطور که آقای مکی گفتند بنده پیشنهاد میکنم این ۱۸ نفر کمیسیون باشد ۹ نفر از سنا و پنجفر هم از دولت باشد.

آقای دکتر کاسمی گفتند: اگر خاطر آقایان باشد یک قانونی برای سازمان برنامه گذشت و دادیم در دست یک هیئتی که ملاحظه کردید بآن شکل کذائی در آمد الان هم که این فکر پیدا شده و غالب آقایان تقویت میکنند روی این اصل است که کمیسیون نفت یک سال تمام است که ما آمدیم بحث کردیم و حالا روی این قضیه یک بصیرتی پیدا کرده‌ایم آن نظری هم که میفرمائید عده زیاد میشود تصدیق میکنم ولی بنظر بنده در ماده ۳ اگر یک عبارتی اضافه بشود جمع بین هر دو نظر شده اینجا میگوید: « هیئت مکلف است طرحهای لازمه برای بهره‌برداری از معادن نفت جنوب را تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید » اگر کلمه کمیسیون را اضافه بکنیم

یعنی بتوسیم هیئت مکلف است طرحهای لازمه برای بهره برداری از معادن نفت جنوب را تهیه و پس از تصویب کمیسیون خاص نفت بمجلس شورای ملی تقدیم نماید. « ما اینجا با اضافه کردن جمله « پس از تصویب کمیسیون خاص نفت » برای کمیسیون که تا اندازه‌ای بچوانب کار آشنا است يك حقی قائل شده ایم و در ضمن بکار آن هیئت هم دخالت نکرده ایم. (آقای جمال امامی گفتند: بنده موافقم) آن هیئت طرحهای لازمه را تهیه میکند و میآورد باین کمیسیون و بعد این کمیسیون جرح و تعدیل میکند و به مجلس تقدیم میکند نه عده زیاد شده و نه دست آن عده بسته میشود.

آقای رئیس اظهار داشتند: این راه حل خوبی است.

آقای امامی اظهار داشتند: اگر این را آقای رئیس وسایر رفقا قبول بکنید

دیگر اشکال ما رد شده است چون اشکال مانیز همین دو ماهه بود.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: آن هیئت تصفیه چه میشود.

آقای امامی اظهار داشتند: بنده تصور میکنم هیئتی که معین میفرمائید اول

باشرکت داخل مذاکره میشود میگوید آقای شرکت میخواهم از شما خلع بد بکنم اگر شرکت گفت که من مطالبات و دعاوی نسبت بدولت دارم آنوقت هیئت باید بگوید شما دعاوی دارید ما هم دعاوی داریم و ما يك مبلغی از این عایدات خالص نفت جنوب را برای دعاوی شما و دبعه میگذاریم که هر وقت این مطالبات و دعاوی شما بر ما ثابت شد این مبلغ پرداخته بشود بنابراین اشکالی برای اینکه خلع بد بکنند ندارد این مرحله اول حالا شرکت خلع بد کرده و حالا باید یکعده ای نظارت بکنند تا آن اساسنامه شرکت و اشخاصیکه هیئت عامله باشند معین بشوند این برای دوره تحوّل است چونکه

مانعت جنوب را که نمیخواهیم بطور اداره دولتی اداره بکنیم پس باید يك شرکت دولتی خود مختار مثل بانك ملی اداره بکنیم حالا این شرکت چه میخواهد؟ يك هیئت عامله و يك هیئت نظارت مثل بانك ملی پس فاصله بین انتخاب این دو شرکت دوره تحوّل است برای دوره تحوّل این هیئتی که معین کردیم اشخاصی بعنوان نظار میفرستیم بروند بدستگاههای نفت نظارت بکنند مثلاً يك کسی برود در حسابداری، يك کسی برود در تصفیه و همینطور در جاهای دیگر نظارت میکنند که این عایدات شرکت که مال دولت ایران است در تحت نظار ایرانی باشد این هیئت وظیفه اش چه هست وظیفه اش اینست که چون ما معتقدیم این اشخاص که امروز کار میکنند تا زمانی که ما متخصصین داخلی نداریم تا زمانی که اشخاص بقدر کافی نداریم یکعده بفرستیم بخارج که تحصیلات مختلفه نفتی را بیاموزند و بیابند تدریجاً قائم مقام متخصصین خارجی بشوند بنابراین این هیئت باید يك آئین نامه برای اینکار تهیه بکند و وقتی ما اصولاً قبول کردیم که این کمیسیون پیشنهادهای آن هیئت را رسیدگی و تصویب بکند پس این آئین نامه ابتدا میآید در این کمیسیون و پس از تصویب بمجلس میرود یکی هم اساسنامه شرکت است یعنی اصول اساسنامه البته يك اساسنامه اصلی میخواهد که مثل قانون شرکت است و يك آئین نامه که در فروعش داخل میشود و این اساسنامه هم باز آن هیئت مینویسد و میآید در این کمیسیون و پس از تصویب بمجلس میرود پس کار این هیئت یکی تحویل گرفتن است و یکی پیشنهاد اعزام محصل بخارج و دیگری هم پیشنهاد اساسنامه و همچنین رسیدگی بدعاوی شرکت بدولت و مطالبات و دعاوی دولت بر شرکت است که این را هم رسیدگی میکند و باز باین کمیسیون پیشنهاد میکند بنا بر این این

کمیسیون مرکب از کل پیشنهادها میشود و آن هیئت تا زمانیکه هیئت عامه انتخاب بشوند کارشان همان است که گفته شد.

آقای عامری اظهار داشتند: تصفیه دو قسم است یکوقت است که یک شرکت یا مؤسسه یا بنگاهی منحل میشود و هیئت عامه باید مطالباتش را وصول بکنند و تعهداتش را اجرا میکنند و تعهد جدید هم نمیکند اما اینجا نظر اینست و این نظر بسیار حسابی است میفرمایند این شرکت یک شرکت ایرانی جانشینش میشود این شرکت که از بین نمرود یعنی اگر تعهدی از حیث فروش نفت دارد این شرکت انجام میدهد و ما باید کارها را ادامه بدهیم.

آقای رئیس اظهار داشتند: پیشنهاد آقای دکتر کاسمی واقعاً خیلی حلال بوده و قضیه را بکلی حل کرد و اشکالی باقی نماند.

در اینموقع یکساعت بعد از ظهر جلسه ختم شد.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

جلسه چهل و یکم

ساعت پنج بعد از ظهر روز پنجشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ پنجمین جلسه از دوره سوم کمیسیون مخصوص نفت بریاست آقای دکتر محمد مصدق و با حضور آقایان: گنجه‌ای - بهبهانی - سر نیپزاده - مکی - دکتر کاسمی - دکتر شایگان - اللهیار صالح - خسرو قشقائی - فقیه زاده - عامری - ناصر ذوالفقاری - حائری زاده - دکتر هدایتی تشکیل گردید. ابتدا موادی که برای طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت تهیه شده بود بشرح زیر قرائت گردید:

ماده ۱ - بمنظور اجرای قانون مورخه ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ مجلسین شورای ملی و سنا راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی با انتخاب هر یک از مجلسین و وزراء وقت دارائی و دادگستری و اقتصاد ملی و رئیس بانک ملی ایران و یک نفر دیگر با انتخاب دولت تشکیل میشود.

ماده ۲ - هیئت مختلط مکلف است بلافاصله از شرکت نفت جنوب خلع ید کند و اگر شرکت برای تحویل فوری بعذر وجود ادعائی بر دولت متعذر شود هیئت مزبور میتواند صدی چند از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده ۳ - هیئت مکلف است بمطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی حقه شرکت نفت سابق رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد و پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذارد.

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا رسیده است شرکت نفت سابق در حکم امین از طرف دولت ایران تلقی میشود بنابراین هیئت مکلف است بحساب امانی شرکت رسیدگی کند و از تاریخ اجرای این قانون هم تا تعیین هیئت عامه و هیئت نظار در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت دولتی نفت جنوب را که در آن هیئت عامه و هیئت نظارت مختلطی از متخصصین داخلی و خارجی پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

تبصره ۱ - ملیت هر يك از متخصصین خارجی باید در هر مورد بتصویب مجلسین برسد و صلاحیت علمی و عملی و امانت و حسن سابقه هر يك بتصدیق دولت متبوعه آنان رسیده باشد.

تبصره ۲ - در هیئت عامله و هیئت نظارت اکثریت اعضاء هیئت باید ایرانی باشند.
ماده ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط بصنایع نفت بکشور های خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.

ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت از اول سال ۱۹۴۸ تا تاریخ بیست و نهم اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) هر مقدار نفتی را که سالیانه در آمدت خریداری نموده اند میتوانند از این بیعده هم بشرخ عادلانه بین المللی سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸ - کلیه پیشنهادات هیئت که برای تصویب بمجلس شورای ملی تهیه میشود باید قبلا در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی مورد شور و بحث واقع شود سپس بصورت گزارش بمجلس شورای ملی تقدیم گردد.

ماده ۹ - هیئت باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلسین تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد باز کر دلائل موجهه درخواست تمدید نماید.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: بنده يك عرضی در کلیات دارم و آن اینست که اگر مصلحت بدانند این مواد را بصورت يك ماده واحده در بیابوریم که در مجلس زیاد گرفتار پیشنهادات و کشمکش نشویم و این مواد را بعنوان بند الف و ج تمام بکنیم (آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: گویا اشکل نظامنامه ای دارد) برای اجرائش ما میگوئیم يك هیئتی مأمور اجرا هستند و بشکل بند الف و ب حدود این هیئت را معین بکنید مقصود من تسریع در عمل است. در خصوص این ماده يك هم همان قسمت اخیرش هست که پنجنفری که نوشته شده از وزرای وقت بنوسیم پنجنفر بانتخاب دولت معین شود برای اینکه رئیس بانک ملی ما که اطلاعاتی از این کار ندارد و ما روی ایده و فرض نباید برویم وزرای موجودمان را مطالعه بکنیم و ببینیم چه اشخاصی هستند وزیر دارائی آقای وارسته بسیار آدم خوبی است ولی مرد مبارزه این قسمت نیست ممکن است در دستگاه دولت يك اشخاصی باشند که مطالعاتشان در کارتفت خیلی یش از این وزراء باشد و بهتر بتوانند بمقصد برسند وزیر دارائی که ۵۰۰ کار برای خودش معین کرده و هر روز باید به مجلس بیاید چگونه میتواند باین کار برسد. آقای امیر علائی وزیر دادگستری بسیار آدم شریف خوبی است ولی غرق دادگستری شده و مشغول دفاع از کارهای خودش میباشد و نمیتواند در این سه ماه کارهای وزارتی خودش را کنار بگذارد ما باید بدولت اختیار بدهیم که آن پنجنفر را دولت تصویبنامه بگذراند که هر کس را مناسب میدانند انتخاب بکنند ما نباید این دست را ببندیم و بگوئیم خود وزراء شرکت بکنند.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده دو قسمت عرض داشتم یکی راجع

بعاده ۲ است که در موقعش عرض میکنم و یکی راجع بعاده يك است در تأیید فرمایش آقای حائری زاده عرض میکنم که بانظر ایشان موافقم میخواستم عرض بکنم مثل دیوان محاسبات که دولت پیشنهاد میکند و مجلس از بین آن عده يك عده ای را معین میکند سی نفر دولت پیشنهاد میکند و مجلس پنجنفر از میان آنها انتخاب کند.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده نظرم راجع بعاده يك است بعد از لغت «اسفندماه ۲۹» بنظر من اگر کلمه (مصوب) نوشته بشود بهتر است يك مطلب مهم دیگر همان است که جناب آقای حائری زاده گفتند و من يك چیزی اضافه میکنم و آن اینست که وزراء گرفتار هستند وزراء يك روز باید بمجلس شورای ملی و یکروز به مجلس سنا بروند بعد از ظهرها هم کارهای اداری دارند این کار باید بدست یکعده ای باشد که بخصوص دنبال آن باشند.

دلیل سوم اینست که وزراء تغییر میکنند با این وضعی که مملکتها دارد ممکن است این کابینه استعفا بدهد و اگر ساقط شد دیگر آن وزراء رسمیت ندارند که بیایند در کمیسیون و عقیده من اینست که انتخاب این پنجنفر را با اختیار دولت بگذارید.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده هم همین نظر آقایان را تأیید میکنم.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنظر من این بود که جناب آقای دکتر مصدق آن روزیکه این ماده را توضیح مینفرمودند فرمودند منظور اصلی ما از گذاشتن وزیر از این لحاظ است که وزیر مسئولیت دارد اگر بتوانیم يك اشخاص دیگری که شغل وزارت نداشته باشند دولت انتخاب بکند بهتر است و خوبست در این ماده بگذاریم وزیر یا قائم مقام آنها اگر وزیر توانست که خودش دخالت میکند که چه بهتر و اگر

توانست قائم مقام او رسیدگی میکند.

آقای رئیس اظهار داشتند: مقصود من از وزیر این بود که کارها زودتر پیشرفت کند برای اینکه وقتی وزیر در کمیسیون باشد دوسیه هائیکه میخواهند میآورند و شرکت دراختیارش میگذارد ولی اگر يك آدم معمولی باشد این کار پیشرفت نمیکند ممکن است نوشته شود وزیر دارائی و چهار نفر دیگر.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: بنده هم موافقم با پیشنهاد جناب آقای حائری زاده آقای وزیر دارائی را بنویسیم یا قائم مقام او ولی آن چهار نفری را بگذاریم با اختیار دولت.

آقای رئیس اظهار داشتند: دولت میرود يك اشخاصی را مطابق میل خودش میآورد که لزومی ندارد ما اگر پنجنفر وزیر داشته باشیم که بروند دنبال این کار این امر پیشرفت میکند.

آقای ذوالفقاری گفتند: عرض دوم من این بود که این پنجنفر از مجلس شورای ملی باشند من خیال میکنم راحت تر هستیم و دوامش بیشتر است.

پیشنهاد آقای عامری بشرح زیر قرائت گردید:

پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق زیر اصلاح شود:

بمنظور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت هیئتی مرکب از پنجنفر از مجلس سنا و پنجنفر از مجلس شورای ملی و وزیر دارائی وقت و یکنفر دیگر بتعین دولت تشکیل میگردد.

جواد عامری

آقای عامری در اطراف پیشنهاد خود توضیح دادند: بنده خواستم جمع

نظرها را بکنم یعنی آن نظری که جناب آقای دکتر داشتند که ازدولت هم باشد چون اگر ما باسم بگذاریم شاید يك اشخاصی باشند که نتوانند ولی اگر گذاشتیم بنظر دولت دو سه نفر وزیر باشند وبقیه را دولت معین بکنند.

پیشنهاد آقای دکتر کاسمی بشرح زیر قرائت گردید:

بنده پیشنهاد میکنم بعداز رئیس بانك ملی ایران اضافه شود «وباقائم مقام آنان».

دکتر کاسمی

آقای دکتر کاسمی در اطراف پیشنهاد خود توضیح دادند: مقصود من

این بود که اگر خودشان نتوانند بیایند نماینده یا قائم مقام آنان حاضر شوند.

پیشنهاد آقای فقیه زاده بشرح زیر قرائت گردید:

پیشنهاد میکنم در قسمت آخر ماده ۱ قید شود نماینده وزارت دارائی، دادکستری،

اقتصاد ملی و رئیس بانك ملی و یکنفر دیگر به انتخاب هیئت دولت.

فقیه زاده

آقای مکی اظهار داشتند: بنده در جلسه گذشته عرض هم کردم و توجه فرمودید

پنج نفر از مجلس شورای ملی که آنها در حقیقت نماینده قوه مقننه مملکت هستند و پنج نفر هم از مجلس سنا انتخاب میشوند آنها هم نماینده مجلس سنا هستند و ممکن است آن پنج نفر نمایندگان انتصابی انتخاب بشوند و پنج نفر هم از دولت آنوقت نمایندگان مجلس شورای ملی در اقلیت واقع بشوند.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: در تأیید نظر آقای مکی یکی بدلیل

اینکه مخالف اصل انفکاک قوا است مخالفم و عقیده دارم این کار اگر باید بطور عادی

صورت بگیرد که باید بدولت واگذار شود و اگر در نظر است از جهاتی که مطلقاً بدولت واگذار نشود بدست هیئتی صورت بگیرد که از طرف دولت انتخاب میشوند ولی اقدامات آنها منوط بتنفيذ و تأیید از طرف کمیسیون نفت باشد.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: در جلسه گذشته این نگرانی را هم من داشتم

ولی حالا طبق ماده ۸ هر عملی که دولت بکند میآید بکمیسیون نفت و خود کمیسیون مخصوص نفت اگر نواقصی داشته باشد رفع میکند و آنوقت بمجلس تقدیم میگردد و با بودن ماده ۸ رفع این نگرانی میشود.

آقای مکی اظهار داشتند: وقتیکه پنج نفر از مجلس شورای ملی انتخاب

میشود این پنج نفری که انتخاب میشوند دارای يك عقیده واحدی نیستند هر کدام اختیار تام دارند که از عقیده خودشان دفاع بکنند ولی از هیئت دولت وقتی بیکنفر مأموریت بدهند مجبور است که يك نماینده داشته باشد.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنده يك سؤال داشتم چون در ماده ۸

این طرح نوشتیم کلمه پیشنهادات یعنی کلیه اقداماتی که این هیئت مختلط میکند باید بیاید در کمیسیون نفت اینجا اگر قرار بشود این پنج نفری که از مجلس باید انتخاب بشود مانع نباشد که از کمیسیون نفت انتخاب بشوند اشکالی ندارد. خود این پنج نفر میروند در آن هیئت بعد هم میآیند اینجا و توضیحات میدهند بنده عقیده ام اینست که این پنج نفر از مجلس انتخاب بشوند.

آقای خسرو قشقائی گفتند: تصریح نشود مجلس هر طوری میخواهد رأی بدهد.

آقای رئیس اظهار داشتند: مانعی ندارد از مجلس انتخاب بشوند.

آقای دکتر کاسمی دنباله بیانات خود توضیح دادند: این لایحه که بمجلس برود آنها تصور میکنند که ما همه این کار را محدود بخودمان کرده ایم و ممکن است آن ماده کمیسیون نفت را حذف بکنند بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم پنج نفر از طرف کمیسیون نفت نباشد.

آقای قشقانی گفتند: مثلاً اگر در مجلس آقای فقیه زاده رأی بدهند چه مانعی دارد؟

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: اینکه محدود میفرمائید اعضاء کمیسیون نفت را بعقیده بنده صلاح نیست زیرا آنها ورزیده تر هستند شاید خود مجلس اعتقادش بر این شد که مثلاً جناب آقای دکتر مصدق در آن مذاکرات بدوی شرکت داشته باشد این چه مانعی دارد بعلاوه این را توجه بفرمائید که مذاکرات اولیه خیلی مؤثر است آنها در مقابل یک کمپانی که اشخاص زبردستی را معین خواهد کرد.

آقای رئیس اظهار داشتند: این انتخاب پنج نفر را آزاد بگذارید يك پیشنهاد هم آقای عامری کرده اند که قرائت میشود:

«بمنظور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت هیئتی مرکب از پنج نفر از مجلس سنا و پنج نفر از مجلس و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او و یک نفر دیگر با تعیین دولت تشکیل میگردد.

پیشنهاد دیگری هم آقای دکتر هدایتی کرده اند:

ریاست محترم کمیسیون مخصوص نفت

پیشنهاد میکنم: در طرح مورد مذاکره هیئت مختلط فقط مأمور نظارت باشد و اجرا با دولت. دکتر محمد علی هدایتی

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: نظر بنده اینست که مجلسین در کارهای اجرایی دخالت نکنند چون وقتی بنده ایراد میکنم باین ماده باید يك پیشنهادی هم خود بنده داشته باشم و يك راه بنظر بنده رسید عرض کردم.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: اگر این چیزیکه میفرمائید با این مطلب جدا است و اما این غلبان فکری که برای جنابعالی پیش آمده راجع باصل تفکیک قوا اولاً این مطلب مخالفتی با تفکیک قوا ندارد و بواسطه اینکه در مملکت مشروطه مجلس هر قسم قانونی میتواند بگذراند اگر قانونی گذرانید تفکیک قوا که صحبت میشود این تفکیک قوا در خود همین وضع فعلی هم خیلی جاهایش هست که تفکیک قوا نیست (صحیح است) از طرف دیگر این کار اجرایی کلی نیست بلکه يك مأموریت موقتی است که بچند نفر داده میشود این مأموریت موقت این هیئت که دائماً میگوئید و کلاً هم کار اجرایی میکنند ما الان نماینده میفرستیم برای کار بانك (آقای دکتر هدایتی گفتند: بنویسید برای نظارت من موافقم) این هیئت خودش اختیار تام و تمامی ندارد این در حقیقت يك کاری را مثل کار کمیسیون نفت میکند.

(آقای رئیس تذکر دادند: که اصل ۳۲ را بخوانید) و اگر باین شکل بود که اگر از این بیعد يك دکانی پهلوی دکان دولت باز شده بود که خودشان میرفتند و اجرا میکردند که وزیر دارائی را هم دخالت نمیدادند این درست بود ولی اینطور نیست و در هر حال اینطور نیست و در هر حال چون دو چیز در کار هست که قضیه را بکلی تعدیل میکند یکی اینست که يك هیئتی است موقت مثل اینست که فردا بگویند در فلان ناحیه افغانستان وبا آمده و پنج نفر از و کلاهی مجلس بروند توزیع این مال را بکنند و برگردند. توزیع این کار اجرایی است ولی موقتی است. این هیئت اختیار

مطلق ندارد و این اشکال پیش نمیآید و چون وقت ضیق است بنده استدعا میکنم که در مجلس بحث بشود نظر بنده اینست که اگر ده روز پیش بود بنده میرفتم خدمتشان و میکفتم با این مطلبی که میفرمائید من تمام این لایحه را روی آن اصل تنظیم میکردم.

آقای مکی اظهار داشتند: اینجا این کمیسیون که وضع میشود در حقیقت قانونگذاری میکند چون اساسنامه اش باید قانون باشد اگر ما بخواهیم قوه مقننه را دخالت بدهیم مثل اینست که بقوه مجریه اجازه داده ایم که قانون بگذراند قوانین هم که بمجلس میآید ابتدا بکمیسیون میآید و در کمیسیون مجلس جرح و تعدیل میشود با این ترتیبی که آقای دکتر فرمودند پنج نفر میآیند داخل این عده میشوند و مثل اینست که حق قانونگذاری را پایمال کرده اند بنده استدعا میکنم پیشنهادشان را پس بگیرند.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: چند موضوع است که مورد موافقت همه ما است این اختلاف در اجراء آن است و لکن در کلیاتش حرفی نیست گلش اینست که همه ما موافقیم که يك هیئتی تعیین بشود برای خلع يد کمپانی و وضع آئین نامه هائیکه باید بموقع اجرا گذاشته بشود. بحث در این است که این هیئت از چه اشخاصی باید تشکیل بشود که متصدی خلع يد و متصدی تدوین آئین نامه و اساسنامه شرکت باشد. بنده عرض میکنم اگر وقت تنگ باشد و فرصت نباشد من پس میگرم و عرضی نمیکنم برای اینکه در صورت جلسه نوشته بشود بنده اصل ۲۷ و ۲۸ را میخوانم و واگذار بنظر خودتان میکنم.

اصل بیست و هفتم و اصل بیستم قانون اساسی بشرح زیر قرائت شد:

اصل بیست و هفتم - قوای مملکت سه شعبه تجزیه میشود:

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود

از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر يك از این سه متشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصره همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است.

شرح و تفسیر قوانین از وظائف مختصه مجلس شورای ملی است.

۹۵یم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات.

سیم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا میشود بترتیبی که قانون معین میکند. **اصل بیست و هشتم** - قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

بعقیده بنده مجلس شورای ملی غیر از قانون نویسی کاری دیگر نمیتواند بکند و این کار را یعنی اجرائیات را بقوه اجرائی واگذار میکنند من تصور میکنم برای رفیق عزیزمان سوء تفاهمی پیش آمده آن هیئت آئین نامه و با اساسنامه را مینویسد و پیشنهاد میکند و قانون نمی نویسد اختیار قانون نویسی باین هیئت داده نمیشود آئین نامه و اساسنامه مینویسد و آنهم تازه باید بیاورند بتصویب کمیسیون و مجلس برسانند و بنابر این جای تکراری نیست بنظر بنده این کار کار اجرائی است که يك هیئتی برود و تصمیم بگیرد که دارائی شرکت چقدر است یا مطالباتش چقدر است این عمل عمل اجرائی است و شأن قوه مقننه نیست که دخالت در این کار بکند.

اصل مطلب را همه با هم موافقیم و بنده هم تسلیم نظر آقایان هستم که يك هیئتی

برای خلع ید پیش بینی بشود ولی از مجلس کسی نباشد.

اصل ۲۲ قانون اساسی که مینویسد :

* مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییر در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود. یعنی من که نویسنده قانون اساسی هستم اجازه نمیدهم بنمایندگان ملت که در کارهای اجرائی دخالت بکنند بنده خدا را شاهد میگیرم اظهار نظری که میکنم عقیده شخصی بنده هست از لحاظ حقوقی.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند : بنظر بنده ناراحتی حضرت تعالی مورد ندارد برای اینکه این کار سوابقی دارد و ما آلان در سازمان برنامه نماینده می فرستیم اگر بکوتاهی بحثی شد آوقت جوابشان را میدهم عرض کردم هم موقت است و هم اقدامی نمی کنند در حقیقت يك کمیسیون است و نظرش میدهد و بعد می آید بمجلس بنابراین از حدود کار مقننه خارج نشده است بخصوص که آلان این کار را مجلس کرده برنامه کار اجرائی درجه اولی است و بنظر بنده منافاتی ندارد.

آقای رئیس اظهار داشتند : بنده میخواستم فقط تذکر بدهم که این انفصال و تمسک قوا فقط در امریکا درست است جنابعالی قانون اساسی را بهتر از ما میدانید (آقای دکتر هدایتی گفتند: خیر حضرت تعالی استاد هستید) ولی این مسائلی که میفرمائید در اروپا قوه مجریه پیشنهاد میکند و مجلس تصویب مینماید آنها باهم همکاری میکنند. (آقای مکی پیشنهادی داده اند که قرائت میشود).

پیشنهاد مینمایم: پس از بیان بکنفر موافق و بکنفر مخالف بماده اول رأی گرفته شود.

حسین مکی

آقای ذوالفقاری گفتند : این پیشنهاد آقای دکتر هدایتی تا اندازه ای درست است خوبست قدری بیشتر توضیح داده بشود که روشن بشویم.

آقای عامری اظهار کردند : ایرادشان بکقدری وارد است و ماضی در صد وارد اجرائیات میشود اشکال عمده من همان خلع ید است و صد درصد اجرائی است و خوبست نوشته بشود بمنظور ترتیب اجرای ملی شدن صنعت نفت.

ماده اول با اصلاحاتی که شد بشرح زیر قرائت گردید:

ماده اول - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی بانسختاب هر يك از مجلسین و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او و بکنفر بانسختاب دولت تشکیل میشود.

آقای رئیس اظهار داشتند : بماده اول بشرحیکه خوانده شد رأی گرفته میشود (باتفاق آراء تصویب شد) ماده دوم بشرح سابق قرائت گردید.

آقای فقیه زاده تذکر دادند : در ماده اول وقتی کلمه «ترتیب» را گذاشتیم نظر آقای دکتر هدایتی تأمین شد. در قسمت ماده دوم باز مینویسد: هیئت مختلط مکلف است بلافاصله از شرکت سابق انگلیس و ایران خلع ید کند. وقتی که بنا شد این کلمه خلع ید باشد این همان ایراد آقای دکتر هدایتی وارد است. موضوع دوم اینست که نسبت بصدی چندی که نوشته شده سهم نباشند بنویسند تا ۲۵٪ از عایدات جاری نفت پس از وضع مخارج بهره برداری بعنوان وثیقه جهت دعوی احتمالی شرکت نفت سابق.

آقای قشقائی گفتند: برای اینکه رفع اشکال شده و تأمین نظر آقای دکتر هدایتی بشود بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود دولت مکلف است خلع ید بکند.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده نظرم تأیید فرمایش آقای قشقائی بود که بنویسیم دولت یا نمایندگان دولت مکلفند از شرکت خلع ید بکنند منتها ممکن است اضافه بشود تحت نظارت نمایندگان خلع ید بکنند.

آقای مکی گفتند: بنده بایشنهادی که آقای فقیه زاده فرمودند موافق نیستم و دلیل مخالقم اینست که ایشان فرمودند صدی بیست و پنج عایدات را.

آقای فقیه زاده گفتند: عرض کردم تا ۲۵٪ عایدات را.

آقای سرتیپ زاده گفتند: این را بگذارید بموقعش بحث بشود.

آقای عامری اظهار داشتند: الان ما هیئت معین شده ایم که برویم تحویل بگیریم چه چیز را تحویل بگیریم نظر آقای دکتر هدایتی این بود که ما بایستی ترتیب یک پزیسوی بدیم ولی ما گفتیم تحویل اگر گفتیم خلع ید آن کسیکه این را تحویل میگیرد کیست بنظر من خوبست کلمه خلع ید را یک کلمه دیگری بگذارید که منظور قانونی در آن تأمین بشود نظر جناب آقای دکتر مصدق یک مسئله حقوقی بود.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: که در تمام این ۸ ماده همه جا صحبت از هیئت شده که اینکارها را بکنند ماده اول را با ترتیبی که پیشنهاد فرمودند خوب ظاهرش تا حدی درست شده آنوقت در تمام این مواد باز همین اشکال هست آنها را چه بکنیم تمام را دولت بگذارید با تصویب و تأیید یا کمیسیون و با مجلس قرار بگذارید که آن اصل هم رعایت شده باشد.

آقای مکی اظهار داشتند: بنده راجع به بیانی که آقای عامری فرمودند عرض میکنم که ما باید یک طوری دولت را مکلف کرده باشیم که خلع ید بکند اگر نکند آنها ممکن است ششماه تا یکسال دیگر ادامه بدهند بکار خودشان.

در اینموقع پیشنهاد آقای فقیه زاده بشرح زیر قرائت گردید:

پیشنهاد میکنم عبارت ماده ۲ بشرح ذیل اصلاح شود: دولت مکلف است با حضور ده نفر منتخبین مجلسین از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید نماید.

فقیه زاده

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: این قسمت که راجع بخلع ید فرمودید کاری که ما کردیم دنیا قبول کرده دیگر صحبت از تعارف گذشته و باید صریحاً بگوئیم که دولت خلع ید بکند.

ماده دوم مجدداً قرائت شد و **آقای مکی اظهار داشتند:** بنده اگر واقعاً در این ماده یک هیئت متخصصی رفت و بحساب شرکت رسیدگی کرد و رسید باینکه سالی ۸ میلیون تن شرکت نفت ایران را ببحریه انگلیس مجانی داده آنوقت متوجه خواهید شد که مطالبات دولت ایران برابر با سرمایه خود شرکت نفت خواهد بود. بنابراین مالزومی نداریم که مبلغی در بانک بگذاریم.

آقای دکتر شایگان در جواب اظهار داشتند: اینجا نوشته شده است تا میزان ۲۵ درصد و این البته ادامه پیدا نمیکند این تاوقتی است که هنوز میزان ادعا پیدا نشده باشد و بنا بر این بنظر بنده چون این دو مطلب هست و پنج نفر از مجلس سنا و پنج نفر از مجلس شورای ملی شرکت دارند این تا میزان ۲۵٪ برای احتیاط است.

آقای فقیه زاده گفتند: همانطور که جناب آقای دکتر شایگان فرمودند موافقت بفرمائید که تا ۲۵ درصد بنویسیم و این پول را که ما بآنها نمیدهیم این ودیعه است که پس از تصفیه حساب برای خودمان میماند.

آقای عامری پیشنهادی درخصوص ماده دوم دادند که بجای کلمه خلع بد يك کلمه مناسبتری نوشته شود مثلاً اقدام نوشته شود.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: بنده مخالفم عبارت قانون باید همیشه روشن و مصرح باشد اقدام معنی ندارد باید صریحاً نوشته بشود خلع بد من استدعا میکنم همین کلمه خلع بد را بگذارید که خیال مردم ایران مشوش نباشد همان لغت خلع بد را بنویسید تعارف ندارد.

(در اینموقع آقای عامری پیشنهادشان را پس گرفتند.)

ماده دوم بشرح زیر قرائت گردید:

دولت مکلف است بانظارت هیئت محتط بلافاصله از شرکت سابق انگلیس و ایران خلع بد کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری و عذر وجود ادعائی بردولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان بیست و پنج درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به شرکت دربانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بماده دو بشرحیکه قرائت شد رأی گرفته میشود. رأی گرفته شد و باتفاق بتصویب رسید. ماده سوم بشرح سابق قرائت گردید.

آقای اللهیار صالح اظهار داشتند: اینجا هم برای اینکه همان اشکال ایجاد

نشود بنده خواهش میکنم بجای جمله هیئت مکلف است نوشته شود «دولت مکلف است» اگر ما این اصل را قبول بکنیم که عمل اجرائی نباید این هیئت بکنند رسیدگی بحساب همه همان عمل اجرائی است و باید دولت بکنند (آقای دکتر شایگان گفتند: این رسیدگی بحساب است هیچ اشکالی ندارد) يك اشکال دیگری هم که دارد اینست که خود هیئت مستقیماً وسائل برای رسیدگی در دست ندارد تمام وسائل رسیدگی در دست دولت است بالاخره بکده ای محاسب و متخصص لازم دارد که رسیدگی بکنند بنابراین اگر بنویسید تحت نظر هیئت بهتر است و دولت وسائل کار بهتر در دست دارد.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: البته اغلب این مواد را که میفرمائید بوسیله دیگری انجام میشود و معنیش این نیست که خود این دوازده نفر بنشینند باین کارها رسیدگی بکنند آنها میتوانند حتی متخصصین خارجی را هم بیاورند.

آقای حائری زاده گفتند: این فرمایشاتی را که جناب آقای دکتر شایگان فرمودند و بحثی که حالا میشود این چیزی نیست که ما توجه نداشته باشیم ما دیدیم دولتهای ما متکی بحزب نیستند همیشه با مقامات نافذ و مقتدر آهسته راه میروند که خودشان را بزحمت نیندازند وقتی شما رسیدگی بحساب را بدولت گذاشتید و انجام نداد چه کارش میکنید جز اینکه در مجلس استیضاحش میکنید ما باید این کار را غمض عین بکنیم راست است که بکفدری دخالت غیر مستقیم در عمل دولت میکنند ولی این در دنیا و در مملکت خودمان هم سوابق دارد ما دو نفر مأموری که برای عملیات بانک میفرستیم آیا این غیر از اینست ما از باب این اشکال و محوری که مجبور بودیم وارد آن بشویم از ضعف این هیئت حا کمه ما که مخلوق سیاست استعماری است و از صغیر و کبیر

طوری تربیت شده‌اند که هر وقت حرف اجنبی در میان می‌آید مجبور میشوند که طرف آنها را بگیرند من عقیده دارم زیاد صحبت روی اینموضوع نکنید و تماشای بفرمائید.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: در صورت جلسه قبل هم بعرض رسانیدم که بنده خیلی خوشوقت شدم بعد از آنکه تصمیم ملی شدن از طرفین کمیسیون و مجلس گرفته شد باینصورت در آن منعکس شد که هیچکس نتوانست کوچکترین ایرادی از ما بگیرد (صحیح است) و وقتی رأی داده شد شاید فکر نمیکردید که باین آسانی و با این حسن استقبال این کار بشود و الحمدلله شد و این امر بصورت بسیار خوبی گذشت که دنیا بما حق میدهد بطوریکه در روزنامه‌ها و اعلامیه‌های خارجی همه این حق را برای ما قائل هستند بنده نگران هستم که خدای نکرده يك تصمیمی بگیریم که خلاف اصول باشد و دنیا پسند نباشد و آنچه را که ما جلو رفته‌ایم متوقفمان بکنند. اگر امروز من این پیشنهاد را میکنم نه بعنوان مخالف است بلکه منیاب کمال علاقمندی بمسئله است يك کاری بکنیم که این مختصر راهی که برای ما باقی مانده است این مختصر راه را در تاریکی قدم برداریم. نفت ایران ملی شده و بدست ایرانی و بحساب ایرانی باید بیاید این کیفیت اجرائیش را بيك صورت عاقلانه و دنیا پسندی باشد آلمان حقوقدانهایی که اینجا نشسته اند تاحدی این نظر را تأیید میکنند من تصدیق میکنم موجباتی را که آقای حائری زاده گفتند که بایستی این کار را در دست خودمان بگیریم و ممکن است دولتها مسامحه کنند و این امر خیر معوق بماند ما اینجا مدت گذاشته‌ایم دولتی که در ظرف سه ماه اینکار را نکند این مرتکب جرم شده و تعقیبش میکنیم البته این هیئت که از مجلسین باید انتخاب بشوند بسیار صحیح است اما اینکار

اجرائی مجلسین را آلوده میکنند که دنیا پسند نیست.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: در اینجا آقایان حقوقدان خوشبختانه زیاد هستند آقایان ملاحظه فرمایند اگر حقیقه این اشکال اصولی و وارد است برای تمام موادی که بعداً می‌آید همین اشکال بمیان خواهد آمد و بنا بر این ناچار میشویم برای هر يك مواد آن را تغییر بدهیم اگر همان ماده اول را تغییر بدهیم دیگر سایر موادش درست میشود و اگر میدانید این دغدغه‌ای که جناب آقای دکتر هدایتی دارند وارد نیست کارمان را ادامه بدهیم و جلو برویم برای رسیدگی بدعاوی دولت تحت نظر کمیسیون نفت رسیدگی میشود وقتیکه بيك نقطه‌ای رسیدیم و بایستی پرداخت بشود میرود بمجلسین.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده هم همین نظر را داشتم که با اینکار را بکنید و با آقایان حقوقدانها يك راه حل پیدا کنند که این اشکال بر طرف گردد و دیگر حرفی در اطرافش زده نشود.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: این اشکال بنظر من وارد نیست و این يك اشکال نظری صرف است و الاخیال میکنند که در مجلس عوام انگلستان میگویند که ایرادی که با آنها وارد است این است که قوه قضائیه دخالت در قوه مجریه کرده است بعد هم بيك کلیاتی است که هیچ ربطی باین هیئت ندارد بيك مسائل عمومی است فرض بفرمائید اساسنامه و آئین نامه نویسی است اینکه اجرائی نیست و کاریست که مجلس هر آن میتواند بکند مقصود من اینست این بیانی که آقای دکتر کاسمی گفتند که ما در سایر موادش گرفتار میشویم اینطور نیست بهمین شکل که رقیتم برویم و تمام کنیم اصل قضیه همانست که آقای حائری زاده گفتند اگر بدست دولت بیفتد ما اطمینان نداریم

چون این مشکل است بنظر بنده باید نظر آقای دکتر هدایتی را آنچه که میشود درست بکنیم چون مسبوقید که ما چه دردی داریم. (آقای دکتر هدایتی گفتند صحیح است مسبوقیم) بنده خدا را شاهد میگیرم غیر از اینکه این را برای نفع مملکت بخواهیم هیچ چیز دیگری نیست.

آقای حائری زاده گفتند: من خیال میکنم بعد از بیانات آقای دکتر شایگان دیگر مذاکرات کافیست و رأی گرفته شود این عمل حکومتی وقت ما را مجبور کرده است آقایان ساعد و منصور داشتیم دیدید که چه کردند رزم آراء هم که دیدیم آنها چکار کردند آقای علاء بکمر تبه در کمیسیون نیامده که بگوید من چه نظری دارم. سیستم حکومتی دنیا مختلف است قوانین هر مملکتی مطابق عرف و عادتشان فرق میکند در ترکیه یک مجلسی که دارد قوه مقننه و مجریه اش یکی است در امریکا رئیس جمهورش رئیس الوزراء است تمام اجرائیات دست رئیس جمهور است اینها یک چیزهایی است که روی احتیاجات مملکت و حوادث دنیا پیش آمد میکند و مراهی برتر از این پیدا نکرده ایم.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: یک نظر من این است که مجلس سنا یک کمیسیون نفتی درست کرده اعضاء کمیسیون نفت و مجلس سنا یا نصف آنها یکدستگاه نظارت و یکدستگاه اجرائی درست بکنند دستگاه اجرائی دولت تهیه بکنند و یکدستگاه نظارت هم از مجلسین باشد.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: بنده خیلی خوشوقتم از این تذکراتی که جناب آقای دکتر هدایتی فرمودند و روی مذاکرات ایشان هم کمیسیون کاملا بحقایق وارد شد و ماده یک و دورا دقت و اصلاح نمود و خیلی خوشوقتم که جناب آقای دکتر

شایگان قبول فرمودند که این تذکرات آقای دکتر را همینطور ماده بماده که میخوانیم رعایت بشود و ما چون در تمام قضایا همیشه بانفاق رأی داده ایم نسبت باین قضیه هم بانفاق رأی بدهیم.

آقای عامری اظهار داشتند: اجازه میفرمائید یک کلمه ای اضافه کنم دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بمطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذاشته شود.

(بماده مزبور رأی گرفته شد و بانفاق آراء بتصویب رسید).

ماده چهار قرائت گردید.

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند: بنده در اینجا یک نظری داشتم و در عین حال که با اصل مطلب موافقم که از تاریخ ملی شدن اینجا مطلب روشن است و پیشنهاد آقای فقیه زاده مطلب را روشن کرده که از تاریخ تصویب ملی شدن اشکالی که بنظر من میرسد راجع است بلفت امین و طریق امانی. امین اگر امین در قانون مدنی باشد و دیمه عقد است و طرفینی است و اگر بعنوان امانی باشد طریقه رژی در حقوق اداری است که دیگری بحساب دیگری عمل میکند آنها باز طرفینی است آنها اگر ما بگذاریم در حکم قانونی است یعنی عقد نیست و شبه عقد است و یک طرفی میشود و امین نمیشود یک فرمولی تهیه بکنیم ممکن است اینطور نوشت چون از تاریخ تصویب این قانون دارائی نفت متعلق بملت ایران است برای سیانت و تحویل آنها اینطور عمل بشود.

آقای عامری اظهار داشتند: اشکال بنده این بود چونکه مطابق قوانین ما امین وقتی شناخته شده ولو اینکه در حکم امین قولش درست است تا اینکه خلافش عمل بشود اصلاً این جمله را برداریم و بنویسیم چون از قانون تصویب ملی شدن الی آخر.

ماده چهار بشرح زیر قرائت گردید:

ماده ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایرانست دولت مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای اینقانون تا تعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

آقای رئیس اظهار داشتند: بماده چهار بشرحی که قرائت شد رأی گرفته میشود.

سپس بماده مزبور رأی گرفتند و باتفاق آراء بتصویب رسید ماده پنج و تبصره آن قرائت میشود.

آقای صالح اظهار داشتند: اینجا بنظر بنده دو ایراد هست یکی آنجا که اسم شرکت ملی نفت جنوب ذکر میکنیم چون این نفت منحصر بجنوب ایران نیست در کرمانشاه هم نفت هست کلمه جنوب را حذف بفرمائید که شامل کرمانشاه هم بشود دیگر راجع بمتخصصین خارجی است که در آن هیئت نظارت مختلط آنها را دخالت میدهیم اینمورد ایراد بنده است و باید بعرض آقایان برسانم که ما خارجیها را فقط از لحاظ جنبه مشورتی دخالتشان میدهیم و برای ایرانیها توهین آور است که بگوئیم

خارجیها در کار آنها دخالت داشته باشند.

آقای رئیس اظهار داشتند: وقتی ما اینجا قائل شدیم که اکثریت بامتخصصین ایرانست ما باید بحقایق پی ببریم نه بظواهر. شما میخواهید امروز يك شرکته را از دولت انگلیس بگیری البته متخصصین خارجی عجالتاً تا تعیین متخصصین ایرانی کار خودشان را ادامه میدهند و بنده اینجا تصور میکنم برای اختلافی که ممکن است بین متخصصین خارجی و داخلی پیدا بشود يك عدهای باید بعنوان شاهد بعنوان اینکه اگر فردا يك اختلافی پیدا شد گفته بشود درین هیئت عامله متخصصین سوئیس و سوئد هم بوده و اینها بعنوان شاهد یعنی شاهدهی که خودشانهم دخالت داشته باشند و اگر اختلافی پیدا شد دولت انگلیس نکوید که ایرانیها آمدند و اعمال غرض کردند و آنها مستخدم ایران هستند ما همیشه از خارجی مستخدم آورده ایم هر وقت ایران بخواهد قراردادش را نقض میکند این مستخدم بما تحمیلی ندارد خصوصاً اینکه قید شده که استخدام این متخصصین با تصویب دولت متبوعه آنها باشد که صلاحیت آنها را ضمانت کند تمام این مسائل اینجا قید شده جنابعالی فکر بفرمائید که اگر بکروزی اختلاف بین متخصصین خارجی کارگران نفت و مردم داخلی بیفتد اگر يك عده متخصصین خارجی در اینجا باشند بما بیشتر حق میدهد که بگوئیم یکعدهای شاهد بودند و عملیات فلان متخصصین بيمورد بود و ما او را خارج کردیم و اینکار يك اندازه ای مشکلات ایران را کم میکند اینجا وطن پرستی اقتضا میکند که ماجنبه عملی را در نظر بگیریم و برای ما ایجاد مشکلات نشود امروز هدف و غرض اصلی ما گرفتن نفت است از دست شرکت انگلیس اگر این قید را کردید کارها را سهلتر و مشکلات را کمتر میکند و در جریان کار هم اگر اختلافانی

پیدا شد با وجود يك عده متخصصین خارجی زودتر میتوان آنرا حل کرد و نتیجه گرفت ما نیامدیم که بگوئیم سلب اختیار از ملت ایران بکنیم بنده صلاح در این دانستم که یکعده متخصصین خارجی که اکثریت نداشته و از ملل مختلف باشند و دولت متبوعه آنها هم اخلاقاً ضمانت آنها را بکند با تصویب مجلس استخدام بکنیم و اگر آقایان با این پیشنهاد موافقت نکردند بنده با آقایان موافقت میکنم برای این که من نظری ندارم .

آقای دکتر هدایتی اظهار داشتند : بنده متأسفم با پیشنهاد حضرت تعالی و توضیحاتیکه فرمودید مخالفم و اینرا خلاف اصل میدانم تمام این حرفها وزحمات برای ملی کردن بود و بنده از ملی کردن اینطور میفهمم که حد اقل آنجا که خیلی لازم است و يك میلیمتر جای عقبگرد ندارد هیئت مدیره وعامله صد در صد ایرانی باشد مسئله کارشناس وعملی بودن آن البته بادولت است خودما تصدیق میکنم که احتیاج بکارشناسان متخصص داریم و این مسئله غیرقابل تردید است ولی مسئله کارشناس غیر از مسئله مدیره و هیئت عامله است وقتی ما میگوئیم نفت ملی یعنی سرمایه اش مال ایران باشد صاحب سرمایه است که هیئت مدیره است چطور میشود خارجی هم باشد ولی عیبی ندارد که کارشناس استخدام کنیم اما نظر کارشناس بهیچوجه من الوجوه قطعیت ندارد نظر او نظر مشورتی است ما اینجا می نویسیم که اکثریت باید ایرانی باشد یعنی اقلیت ممکن است در دست خارجی قرار گیرد کسیکه در شرکت بعنوان عضو هیئت عامله است باید صاحب سهم باشد و نه آقای دکتر مصدق و نه هیچیک از آقایان هیچکس موافق نیست که این سهام متعلق بخارجی باشد آقای عامری استاد حقوق تجارت هستند

ومیدانند . یکی موضوع ملیت است که باید بتصویب برسد یعنی ما باید تصدیق بکنیم .
آقای اللهیار صالح اظهار داشتند : در اینماده پنج شما میگوئید يك اساسنامه راجع به هیئت عامله و هیئت نظارت بعداً تهیه میشود بنابراین چه احتیاج دارد که از حالا شرکت متخصصین خارجی را پیش بینی کنید بهتر است اینقسمت بکلی حذف شود و در آن اساسنامه که بعداً تنظیم میشود هر گاه لازم باشد موضوع متخصصین خارجی هم قید خواهد شد .

آقای مکی اظهار داشتند : متخصصین خارجی ممکن است که جنبه مشورتی داشته باشند ولی جنبه رأیی نمیتوانند داشته باشند (صحیح است) زیرا طبق قانون تجارت موقتیکه شرکتی تشکیل میدهم اعضاء هیئت مدیره آن باید دارای يك سهمی باشند و بنابراین ما میتوانیم يك هیئت مشورتی داشته باشیم .

آقای حائریزاده اظهار داشتند : من تصریح این امر را با جناب آقای صالح موافقم يك تصریح لازم ندارد بلکه خیلی ساده بنویسیم بهتر است زیرا ملی شدن شقوق مختلف دارد يك شق آن شرکت سهامی است که تمام سهامش مال ملت ایران باشد مثل بانک ملی که بصورت شرکت سهامی است ولی سهامش مال ایران است او میتواند خارجی داخلی هر کس را میخواهد پیش بینی میکند ما حالا لزومی ندارد در قانون بگذاریم و این ایجاد حق را ما برای آنها بکنیم من صد در صد مضر میدانم و ممکنست ایجاد مشکل اساسی برای ما بکند این موافق مصلحت نیست بعلاوه ما اصول نفت را ملی کردیم این شرکتهای تابعی که جزء توابع آنست فردا شاید بخواهند از افغانستان و جای دیگر لوله کشی کنند بمقیده بنده هر چه ساده تر باشد بهتر است .

آقای عامری اظهار داشتند: بنده صد درصد با نظر جناب آقای دکتر مصدق موافقم وضع کشور ما را نباید فراموش کنیم چونکه مدیرعامل در هر دستگاهی مکلف با اجرای تصمیم هیئت مدیره می باشد بنده دلم میخواهد مدیرعامل خارجی باشد و جلو نفوذ اشخاص را بگیرد بنده فردا می چسبم کردن آن هیئت مدیره را که باید فلان کار را بکنید و اگر مدیرعامل خارجی باشد جلوی اینگونه اعمال نفوذها را خواهد گرفت بنده می ترسم اگر عوایدی از این راه بگیرم ما بیاید دو برابرش خرج تراشی میشود ولی اگر یک خارجی بیاید در رأس کار جلوی اینگونه نفوذ را میگیرد و بعلاوه کار باین مهمی را همانطور که فرمودند ما باید قدمها را شمرده تر برداریم.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: در هر حال اگر یک قانونی وجود داشته باشد خارجی ها نمی توانند شرکت بکنند اگر این قانون گذشت آنرا نقض میکند.

آقای صالح اظهار داشتند: بنده در عرض خودم باقی هستم و خیال میکنم یک مسئله مهمی است و بهتر است بگذاریم برای بعد بعداً که اساسنامه تنظیم میشود. در اینموقع ماده پنجم شرح ذیل با اصلاحاتی که شده بود قرائت گردید:

ماده ۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب بمجلسین پیشنهاد کند.

آقای رئیس اعلام داشتند: رأی می گیریم بماده ۵ بشرحی که خوانده شد. (بماده ۵ رأی گرفتند و با اتفاق آراء بتصویب رسید).

ماده ۶ بشرح ذیل قرائت میشود:

ماده ۶ - برای تبدیل تربیتی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط بصنایع نفت بکشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.

آقای رئیس اعلام داشتند: بماده ۶ بشرحی که قرائت شد رأی گرفته میشود (بماده ۶ رأی گرفتند و با اتفاق آراء بتصویب رسید) ماده هفت قرائت میشود.

آقای دکتر شایگان اظهار داشتند: یکی از چیزهایی که مشکلات بین المللی دارد همین موضوع نفت است میگویند که دولت ایران میخواهد نفت را بمانده ما برای رفع این محذور تقسیم نفت را با آنها می فروشیم بجه نحو باین نحو که باید تقاضاهای اینها محدود بآن اندازه ای باشد که هر سال می گرفتند ولی ممکن است که آنها بیک قیمتهای نازلی گرفته باشند و توطئه کرده باشند بشرکت نفت ما آنرا تضمین نمی کنیم ولی با قیمت بین المللی با آنها می دهیم بعد اینمطلب را ممکن است سایر دولتی که نفت میخواهند ما را بزحمت بیندازند از این جهت نوشته ایم مازاد آنرا بپهر کس که بیشتر بخرد بآن بدهیم.

آقای ذوالفقاری اظهار داشتند: اگر یک دولتی آعد و گفت مطابق قیمت بین المللی بمن بدهید چه میکنید.

آقای حائری زاده اظهار داشتند: من یک کلمه دیگری معتمد اضافه بشود برای اینکه نفت ایران منحصر باین نفتی که الآن از کمیانی منتزع میکنیم نیست ما در جاه بهار نفت داریم و ممکن است لوله کشی بکنیم که بافغانستان بفروشیم ما خود ما را

ملزم نمیکنیم که مازادش را با آنها بدهیم این نفت انتزاعی که سی میلیون تن حالا استخراج میکنند و اگر ما چهل میلیون تن استخراج کردیم ما این ده میلیون تن اضافه را برای آنها حق اولویت قائل میشویم ولی برای سایر نفتهای استخراجی خودمان مجبور نیستیم که حتماً با آنها بفرشویم.

آقای دکتر شایگان توضیح دادند: ما يك رقابتی ایجاد میکنیم و هیچ ضرری ندارد ما نوشته‌ایم با قید شرایط تساوی برای ما چه تفاوت میکند ما نوشتیم که در این قسمت مازاد با تساوی شرایط با آنها میدهیم ولی اگر دیگری حاضر شد که اضافه‌تر بخرد باو میدهیم و بنظر بنده این موضوع اشکالی ندارد.

آقای صالح اظهار داشتند: توضیحی که میخواستم راجع به نفت سالیانه بود خواهشمندم مقصود از این جمله را روشن بفرمائید که چیست و یکی هم راجع بفرمایش جناب آقای حائری زاده است برای رفع نگرانی ایشان در همین قانون پیش بینی لازم شده و این مربوط بنفت های سایر نقاط ما نیست مع هذا ممکن است بنویسیم حوزه انتزاعی که تصریح بشود که اگر چنانچه در سایر نقاط جنوب ایران نفتی پیدا شد ما آزاد باشیم.

آقای دکتر شایگان توضیح دادند: مقصود از سالیانه این است که مقداری سالیانه نفتی که آن مشتری میگرفته است ممکن است بگوید که در ظرف سه سال اینقدر میگر فتم شما اینقدر داده‌اید یعنی اینمقدار سالیانه که میگر فته است.

آقای قشقائی اظهار داشتند: بنده توضیح میدهم که جناب آقای دکتر شایگان راجع بکار شرکت و فروش آن توضیحاتی دادند که رفع محظور بنده را کرد دیگر

اینکه راجع بمدتی بود که نوشته شده زیرا آنها یکسال زیاد خریدند و یکسال کم و اینمدت را پنج سال بکنیم.

آقای دکتر کاسمی اظهار داشتند: بنده در این ماده ۷ يك اشکال بزرگی می بینم بعقیده بنده این ماده ۷ ام المواد این طرحی است که فعلا مورد بحث است تا کنون در باب نفت هر چه بحث شده روی دو محور دور میزده است یکی استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت که متضمن استقلال اقتصادی ما است و دیگری این بردن نفوذ سیاسی طبق قرارداد داری ده سال و طبق قرارداد ۱۹۳۳ در حدود سی سال بختنامه این دو نفوذ بود در صورتیکه ایندو قرارداد اکنون باطل و غیر نافذ است و بعد ها جای آنرا این طرح خواهد گرفت که مطابق آن بجای مدت محدود مدتی نامحدود نفت را در اختیار خریداران سابق میگذارد اگر مصداقی برای نقض غرض باشد همینجا است بنده از کلمه از این ببعد که در ماده ۷ قید شده است بسیار بیعنا کم و آنرا برخلاف منظور کمیسیون نفت و کمال مطلوب ملت ایران میدانم زیرا با تصویب این کلمه نفوذ اقتصادی و نفوذ سیاسی که اینهمه از آن رنج و زبان دیده‌ایم الی الابد میماند بنابراین از جناب آقای دکتر مصدق تقاضا دارم که نسبت باین ماده توضیحات قانع کننده‌ای بدهند زیرا کلمه از این ببعد بسیار کوچک ولی پر معنی است و اینجانب با آن مخالفم.

آقای حائری زاده گفتند: این چاه های نفتی که فعلا استخراج میشود یک مقداری را سالهای پیش میبردند و يك مقداری را ممکن است سرقت میکردند آنچه ما میشویم سی و يك ملیون تن بحساب آورده اند و پنجاه و هفت ملیون تن استخراج میشده ما در این ماده می نویسیم آنمقداری که مشتریهای سابق میبردند بهمان نرخ

بین المللی با آنها بدهیم و هر چه بیشتر استخراج بشود حق تقدم گذاشته ایم برای آنها. ما برای اینکه از شر اینکار نجات یابیم يك كلمه باید اضافه کنیم این چاه هائی که فعلاً بهره برداری میشود اگر زائد بر آنچه که فعلاً استخراج میشود استخراج شد با شرایط تساوی با آنها بفروشیم ولی اگر چاه های نفتی جدیداً خودمان استخراج کردیم آزاد باشد.

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: در ماده ۷ نوشته شده کلبه خریداران محصولات معادن انتزاعی این کلمه انتزاعی که آمد ایراد آقای حائری زاده را مرتفع میکنند الان ما میرویم تحویل میگیریم و صورت مجلس میکنیم و معلوم است که چه چاههائی را تحویل گرفته ایم بنده بنظر میآید که این عبارت رفع اشکال میکند.

آقای مکی اظهار داشتند: باید حوزه امتیازی سابق را گذاشت زیرا الان در حدود ۷۵۰ چاه همین حوزه نفتی است که نقش تمام شده و مجبورند که چاه بزنند و تا يك چاه هائی که بنفت رسیدند در آنرا بسته اند روی همین اصل است که در دنیا وقتی کارهای زیادی دارند نمی سوزانند و بوسیله آمپول بچاه های دیگر تزریق میکنند و اما راجع بقیمت بین المللی همان قیمت خلیج مکزیک مبداء نرخ قیمتها است.

آقای صالح اظهار کردند: کلمه ای که الان هست بنظر بنده بهتر است باقی بماند خود بنده اول گفتم حوزه ولی حالا پس میگیرم این لغت معادن انتزاعی بهتر است.

آقای رئیس اعلام داشتند: ماده ۷ با اصلاحاتی که بشرح زیر شده قرائت میشود: ماده ۷: کلبه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بعهدهم

بشرح عادلہ بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

بماده فوق رأی گرفته شد و باتفاق آراء بتصویب رسید حالا ماده ۸ قرائت میشود (بشرح سابق قرائت شد) آقایان صالح و عامری و دکتر شایگان در خصوص موافقت کمیسیون نفت توضیحاتی دادند و ماده مزبور بشرح زیر اصلاح و قرائت شد:

ماده ۸ - کلبه پیشنهاد های هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه میشود باید قبلاً بکمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تسلیم و در صورت موافقت کمیسیون گزارش آن بمجلس شورای ملی تقدیم گردد.

آقای رئیس اظهار داشتند: بماده ۸ بشرحی که قرائت شد رأی گرفته میشود. (بماده ۸ رأی گرفتند و باتفاق آراء تصویب گردید) ماده ۹ قرائت میشود (بشرح سابق قرائت شد).

آقای فقیه زاده اظهار داشتند: اشکال بنده این است که قید شده هیئت باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون الی آخر در صورتیکه ما گفتیم پنج نفر از مجلس و پنج نفر از مجلس سنا انتخاب شوند ممکن است انتخابات بتأخیر بیفتد.

آقای گنجه ای گفتند: اول باید بیاید بمجلس و بعد برود بسنا و این انتخاب دیگر معطلی ندارد.

آقای دکتر شایگان اظهار نمودند و توضیحاتی در این خصوص دادند و ماده مزبور بشرح زیر با اصلاحاتی که شد قرائت گردید:

ماده ۹: هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود

خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلائل موجهه درخواست تمدید نماید.
آقای رئیس اعلام داشتند: بماده ۹ بشرحی که فرائد گردیدن رأی گرفته میشود (رأی گرفته شد و باتفاق آراء تصویب گردید).

آقای صالح در کلیات اظهار داشتند: طرحی که مانع کرده ایم فقط برای معادن نفت جنوب و کرمانشاه است و حال آنکه تکلیف قانونی مانع طرح اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور میباشد در اینخصوص باید فکری بکنیم که راجع بسایر قسمتهای کشور هم موادی گنجائیده شود.

آقای رئیس اظهار داشتند: ما فعلاً تکلیف این قسمت را معین میکنیم حالا بکلیات این ماده رأی گرفته میشود (رأی گرفتند و باتفاق آراء بتصویب رسید).
 در اینموقع ساعت هشت بعد از ظهر جلسه ختم گردید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر محمد مصدق

شماره ۶

تاریخ ۱۳۳۰/۲/۵

گزارش از کمیسیون مخصوص نفت بمجلس شورای ملی

کمیسیون مخصوص نفت که طبق قانون ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ مأمور تهیه طرح اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تشکیل گردیده بود پس از تشکیل چند جلسه بالاخره در جلسه ۵ اردیبهشت ۱۳۳۰ که در حدود پنج ساعت بطول انجامید فعلاً نسبت بمعادن نفت مورد بهره برداری شرکت سابق نفت انگلیس و ایران باتفاق آراء تصمیم ذیل را اتخاذ و اینک گزارش آنرا برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

ماده ۱۵۵۵ - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲۴ و ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ راجع بملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی بانتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی وقت یا قائم مقام او و یک نفر دیگر بانتخاب دولت تشکیل میشود.

ماده ۲۵۵۵ - دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بالا فاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری و عذر وجود ادعائی بردولت متعذر شود دولت میتواند تامینان بیست و پنج درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعا به شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده ۳۵۵۵ - دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بمطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین بدعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را بمجلسین گزارش دهد

که پس از تصویب مجلسین بموقع اجرا گذاشته شود.

ماده ۴۵ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ که ملی شدن صنعت نفت بتصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تاتعیین هیئت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده ۵۵ - هیئت مختلط باید هر چه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیئت عامله و هیئت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب بمجلسین پیشنهاد کند.

ماده ۶۵ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی بمتخصصین ایرانی هیئت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل بطریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط بصنایع نفت بکشورهای خارج را تدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد - مخارج تحصیل این محصلین از عوائد نفت پرداخته خواهد شد.

ماده ۷۵ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بعهدهم بشرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۸۵ - کلیه پیشنهاد های هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه میشود باید قبلاً بکمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تسلیم و در صورت موافقت کمیسیون گزارش آن بمجلس شورای ملی تقدیم گردد.

ماده ۹۵ - هیئت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده ۸ بمجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج بتمدید مدت باشد با ذکر دلائل موجهه درخواست تمدید نماید.







